

مجله ایران مهر



پرونده‌ای برای مهاجرت از روستاهای مرزی ایران

«بی‌آبی» سیل مهاجرت به راه انداخت
زنگ انقراض روستاها به صدا درآمد

همراه باضمیمه آئین‌های عاشورایی



فهرست مطالب

- ۵ «طوق بندان» و «دسته چوبی» عزاداری ویژه گرگانیه در محرم
- ۷ نوای یالتارات الحسین به گوش میرسد
- ۹ آئین شیرخوارگان حسینی در حرم رضوی برگزار شد
- ۱۰ آیینی که قدمت ۳۰۰ ساله دارد
- ۱۱ بزرگترین تکیه قزوین میزبان تزییه های باشکوه محرم است
- ۱۲ بوی محرم در شاهرود پیچید
- ۱۳ بومگردی فرهنگی در هزارتوی تاریخ سوادکوه
- ۱۶ حفظ سنتهای عزاداری در بوشهر
- ۱۸ طنین نوای یاحسین(ع) در بام ایران
- ۱۹ خرمشهر یکپارچه به رنگ عشق درآمد
- ۲۰ طشت گذاری؛ آئین پرسوز مردم اردبیل در تداعی حماسه سقای کربلا
- ۲۲ طنین نوحه ۲۱ ضرب «کربزنان» در مازندران به گوش نمیرسد
- ۲۳ قلکشکنی؛ آیین محرمی مردم مازندران
- ۲۴ گلستان در قدیمترین موقوفه اش به استقبال از محرم می رود
- ۲۵ محرم با ذکر «یا عباس» در شاهرود به اوج رسید
- ۲۶ از اینجا تا کربلا یک «یا حسین» فاصله است
- ۳۰ اینجا «شمر» هم عزادار حسین (ع) است
- ۳۲ بقعه «آقا رودبند» پایگاه وحدت بخش عزاداربهای محرم در دزفول
- ۳۳ تاریخچه و ویژگیهای تزییه در جم
- ۳۴ سبکهای سینهزنی در خرمشهر
- ۳۶ شمعدانی روایت هزار سال سرسپردگی است
- ۳۸ شهرت ملی عاشورای «ضیابیر»
- ۳۹ عاشورا و دلدادگی ارامنه تبریز
- ۴۰ عزاداری ناینینها در شب «بنیاسد»
- ۴۲ عمری که با شور و دلدادگی میگذرد
- ۴۳ غیرت خوانساریها تحریف عزاداری را گردن زد
- ۴۴ لرستان غرق «گل» در ماتم حسین(ع)
- ۴۵ همونا با تزییهخوانان ایران در تاسوعا؛



شناسنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی، محمدسجاد رحمانی، محمد عکاف

دبیر تحریریه: صدیقه حسینی

مدیر هنری: محبوبه عزیزی

با تشکر از: دبیران استانی خبرگزاری مهر و سرپرستان ۳۱ استان خبرگزاری مهر

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۱۹۰
پست الکترونیک: Township@mehrnnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله ایران مهر ارسال کنند

آیین های عاشورایی



فهرست مطالب

جامعه ایران

۴۹



- ۵۰ آژیر قرمز فقر در «سیاه دره»
- ۵۳ امیدیه سحر معجونها برای قهرمان شدن
- ۵۴ جسم نیمه جان دشتهای جم و ریز
- ۵۶ حریم حیات وحش زیر چکمه قاتلان
- ۵۹ شترها عامل گرد و غبار قزوین
- ۶۰ صدای پای آنفلوآنزا در کرمان به گوش می رسد
- ۶۱ زنگ انقراض روستاها به صدا درآمد
- ۶۳ وقتی وحشت جای شادی عروسی را می گیرد
- ۶۴ ناهار خوران ظرفیت تله کابین ندارد

فرهنگ و هنر ایران

۶۸



- ۶۹ «دارا» خانه نشین شد
- ۷۰ استقبال بی نظیر از دف نوای رحمت
- ۷۱ این خانه ها خاطره شدند
- ۷۵ تئاتر گلستان اسیر فقر محتوا
- ۷۷ تئاتر مازندران؛ هر سال دریغ از پارسال
- ۷۸ سال امانتداری لسان الغیب
- ۷۹ سرنوشت مبهم ۴ پروژه فرهنگی اردبیل
- ۸۱ کیفیت جشنواره تئاتر خوزستان هر سال دریغ از پارسال

میراث ایران

۸۲



- ۸۳ «دستکند میکال» برگ جدیدی از تاریخ سیاهکل
- ۸۴ تن کهنه حمام «کسما» چشم انتظار رخت احیاء است
- ۸۵ دلها هنوز برای بادگیر میتپد
- ۸۸ رموز تاریخی که با سنگ قبرهای اردبیل دفن شد
- ۸۹ سفر به ایران کوچک
- ۹۲ نقش خیال انگیز «هنر» بر خشت و گل خانه های سنتی اصفهان
- ۹۴ عمارت «خواجه آوادیس» رشت پارکینگ شد

اقتصاد ایران

۹۶

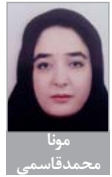


- ۹۷ پای صادرات سیب آذربایجان غربی می لنگد
- ۹۸ جدال با سرما در بیخانی
- ۹۹ خوشه های طلایی بر دست کشاورزان باد کرد
- ۱۰۰ رشد سریع بیکاری کرمانشاه در ۳ سال اخیر
- ۱۰۱ رویایی که رنگ واقعیت گرفت
- ۱۰۲ صنعت سنگ کشور در لبه پرتگاه
- ۱۰۳ عرض اندام کالای قاچاق در بازار نهباند

ایین های عاشورایے



«طوق بندان» و «دسته چوبی» عزاداری ویژه گرگانی هادر محرم



مردم دیار دارالمؤمنین، شهر گرگان، با اجرای مراسم و آیین‌های سنتی مخصوص خود همچون طوق بندان، دسته چوبی و چهل منبره ارادت خود را به سید و سالار شهیدان نشان می‌دهند.

بازآمد بوی ماه محرم، صدای طبل و سنج و نوای نوحه‌های یا حسین، تزییه و شبیه‌خوانی و رنگ مشکی، مغازه‌های گرگان با پرچم‌های سیاه آذین‌شده‌اند، تکایا و مساجد رخت سیاه بر تن کرده‌اند، دیگر خبری از نورپردازی‌های عید غدیر نیست، چه کوتاه بود فاصله غدیر تا عاشورا.

مردم دیار دارالمؤمنین همانند سایر هم‌وطنان، خود را آماده ماه محرم، ماه خون و قیام کرده‌اند. مراسم عزاداری امام حسین (ع) سال جاری در گرگان با ندای لیبک یا حسین (ع) در حسینیه‌ها و تکایا رسماً آغاز شد.

گرگانی‌ها با انجام مراسمی مانند «علم‌گردانی»، «طوق بندان»، «چهل منبر» و «دسته چوبی» در ماه محرم، به‌نوبه خود در راه حفظ ارزش‌های محرم و فرهنگ وفاداری و مردانگی ابوالفضل العباس (ع) تلاش می‌کنند.

علی‌رغم فراموشی برخی آیین‌های سنتی عاشورایی، شیوه عزاداری سنتی مردم گرگان در دهه اول محرم منحصر به فرد است و برخی از رسوم اجراشده محرم در استرآباد، تنها مختص این دیار تاریخی ایران است. برخی از این رسوم تاریخی نیز به‌عنوان میراث معنوی به ثبت ملی رسیده است. به‌عنوان مثال مراسم «طوق بندان» در اجلاس پیرغلامان به‌عنوان میراث معنوی با شماره ۳۳۱ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد.

● طوق بندان

طوق بندان از مراسم خاص مردم گرگان است که روزهای چهارم تا دهم محرم و در ساعت پیش از آذان مغرب در محلات تاریخی گرگان برگزار می‌شود. ترتیب اجرای این مراسم در محلات گرگان به این‌گونه است طوق بندان محله «میر کریم»، روز چهارم، طوق بندان محلات «نعلندان»، «پاسرو» و «میخچه گران» روز پنجم، محلات «سرچشمه»، «سبزه مشهد»، «سریپر» و «دباغان» در روز ششم محرم، طوق بندان محلات «میدان عباسعلی» و «درینو» و «دوشنبه ای» و «شاهزاده (شازده) قاسم» در روز هفتم و طوق بندان محلات «ملل» و «آلوچه باغ» در روز هشتم برگزار می‌شود.

آیین «علم‌گردانی» یا «علم‌گردش» با بیش از یک قرن سابقه طبق سنت هرساله و دیرینه، هم‌زمان با هفتمین روز

قدیم و گلستان فعلی است.

این محقق، نویسنده و پژوهشگر تاریخ ادامه داد: دسته چوبی محلات تاریخی گرگان یکی از این رسوم است که گفته می‌شود از همان سال‌های شهادت امام حسین (ع) و یارانش در این دیار اجرا می‌شود.

وی اضافه کرد: افراد دسته چوبی غالباً در میدانگاهی محلات به عزاداری می‌پردازند و تعدادی مشعل گیر مراسم عزاداری را روشن نگه می‌دارند و در برخی از محلات استرآباد نیز به همراه دسته چوبی «طوق» یا «علم» نیز حمل می‌شود.

معطوفی افزود: اوج مراسم دسته چوبی در گرگان اواخر دوره قاجار و اوایل دوره رضاشاه بوده و چند سالی است به همت برخی از جوانان محلات مختلف این سنت یک‌بار دیگر احیاء شده است.

● چهل منبر

«چهل منبر» یا «پامنبری» یکی دیگر از رسوم قدیمی عزاداری ماه محرم گرگانی‌هاست که طبق آن غروب روز تاسوعا مردم به درب منازل می‌روند که منبرهای عزاداری دارند و با روشن کردن شمع در پای آن‌ها برای برآورده شدن حوائج خود دعا می‌کنند، چراکه گرگانی‌ها اعتقاد دارند اگر کسی شمع روشن کند و بر روی چهل منبر بگذارد حاجتش برآورده می‌شود.

مراسم چهل منبر گرگان از آیین‌های ماه محرم است و به‌عنوان میراث معنوی در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. این اثر که با شماره ۵۵۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده از مراسم آیینی ماه محرم در روز تاسوعا است که تنها در محلات قدیمی گرگان برگزار می‌شود.

خانه‌های گرگانی منبر خود را بیرون از درب منزل قرار می‌دهند، تا هرکسی نذری دارد شمعی روشن کند و بر روی آن قرار دهد. دسته‌های عزاداری در عصر روز تاسوعا می‌باشند و در خیابان‌ها و کوچه‌ها به زنجیرزنی می‌پردازند، سپس مراسم پامنبری آغاز می‌شود و تا نماز مغرب و عشاء ادامه دارد.

● تزییه و شبیه‌خوانی

تزییه‌خوانی و شبیه‌خوانی از جمله آداب ماه محرم بوده است که متأسفانه امروزه به فراموشی سپرده شده و تزییه‌خوانان زبردست و مهار، دار دنیا را وداع گفته‌اند. در هر شهر گرگان هم تزییه‌خوانی برگزار می‌شود اما خیلی کم‌رنگ‌تر از گذشته.

هنرمندان گرگانی هم با برپایی تکیه هنرمندان در خانه امیرلطیفی یا خانه کبیر شهر گرگان با اجرای برنامه‌های متعددی از جمله برگزاری تزییه، مراسم شعرخوانی، اجرای نمایشنامه خوانی و ... ارادت خود را در قالب هنر به سرور و سالار شهیدان ارائه می‌کنند.

محرم به یاد علمدار کربلا در روستای کفشگیری برگزار می‌شود.

● دسته چوبی

یکی دیگر از مراسم ایام شهادت امام حسین (ع) «دسته چوبی» در گرگان است که شب دوازدهم ماه محرم مصادف با روز سوم شهادت امام حسین (ع) برگزار می‌شود و مردم از بعضی محلات قدیم گرگان مانند سبزه مشهد، سر پیر، دباغان و میخچه گران با دسته چوبی عازم محلات دیگر می‌شوند.

درواقع دسته چوبی شبیه دسته زنجیرزنی است، با این تفاوت که افراد یک چوب یا نی به طول یک متر را به شکل عمودی به دست می‌گیرند و بر بالای سر می‌برند، آن را به بالا و پایین حرکت می‌دهند و با دست دیگر سینه می‌زدند و اشعار خاصی را در مسیر راه می‌خوانند.

تشکیل دسته چوبی با روشن کردن چند مشعل و به دست گرفتن چوب انجام می‌شود، آنگاه با شعار «مدد یا علی» حرکت عزاداران به سمت محلات دیگر آغاز می‌شود. این دسته برای عزاداری در محلات و حرکت در مسیر راه، اذکار یا اشعاری دارند که آن را مدام تکرار می‌کنند.

پدر تاریخ‌نگاری جامع گرگان بایمان اینکه مراسم رایج محرم در گلستان به دلیل داشتن ریشه مذهبی، تفاوت چندانی با شهرهای دیگر کشور ندارد، اظهار کرد: دهه‌های متمادی است که مراسم عزاداری از اول محرم تا چند روز بعد از تاسوعا و عاشورا ادامه می‌یافت و اکنون نیز چنین است.

اسدالله معطوفی افزود: دسته‌های مختلف سینه‌زنی، زنجیرزنی، روضه‌خوانی‌های مردانه و زنانه (آشوری) و گرمی بازار تکایا و سقاخانه‌ها از ویژگی‌های بارز محرم در استرآباد



«علم گردانی» آئینی به قدمت بیش از ۳۵۰ سال

حبیب عیدزاده

«علم گردانی» آئینی مذهبی در شهرستان میناب است که در روز پنجم محرم و با قدمت بیش از ۳۵۰ سال همچنان با همان روشهای قدیمی برگزار می شود که در این روز جمعیت میلیونی از جای جای کشور برای شرکت در عزاداری و این مراسم حضور پیدا می کنند. آئین «علم گردانی» در میناب که بر گرفته از برافراشته شدن پرچم حضرت رسول (ص) در سال ۶۳ هجری قمری با دستن مبارک امام حسین (ع) برای احیای دین اسلام در کربلا است با شور و اشتیاق هیئت ها و عزاداران در پنجمین روز از ماه محرم همه ساله با شکوه هرچه بیشتر برگزار می شود.

برگزاری این مراسم که خود دارای سبک و سیاق خاصی است بیشتر کارها و برنامه های آن در روزهای پیش از برگزاری مراسم توسط بانای ها و برگزارکننده های آن صورت می گیرد. براساس رسم و سنتی که از روزگاران کهن در شهر میناب برجای مانده است، در روز پنجم محرم، همه علم ها از حسینیه ها و تکیه های مختلف، از شهر و روستا، در محلی به نام «ماتم قلعه»، در مرکز شهر، در کنار هم قرار می گیرند و هیأت های عزاداری دور هم جمع می شوند تا در مراسم «علم پیامبر(ص)» که همه ساله در این روز خاص برگزار می شود، شرکت کنند.

نحوه برپا کردن «علم گردانی» و انتقال آن به مکان مورد نظر به این صورت است که صبح روز پنجم محرم، پایه چوبی نماد علم پیامبر(ص) را که طول آن به ۶ متر می رسد، پس از یک سال انتظار، از درون حسینیه بیرون می آورند و پس از مراحل شست و شو در آب رودخانه شهر، آن را به سوی «حسینیه میانی» برده و سپس با پارچه رنگی تبرک شده، خلخال های نقره ای دایره مانند و بندهای نخی تاییده آن را تزئین و در بعد از ظهر همان روز مردم در مکان موردنظر برای شروع مراسم اجتماع می کنند.

در این هنگام مردم و عزاداران با سردادن ذکرها و نوحه های مختلف محلی با سبک بومی، عزاداری می کنند و زمانی که این مراسم با کثرت جمعیت در حال برگزاری است، نماد علم حضرت صاحب زمان (عج) را از درون حسینیه ماتم قلعه (محمد رسول الله (ص)) بیرون آورده و به استقبال سایر علم ها می برند.

مردم و بزرگان این منطقه بر این عقیده اند که چون



برخی از این افراد با اعتقادات قلبی مبنی بر شفای بیماران و حاجت گرفتن در این روز هر ساله در این روز به قربانی می پردازند و گوشت آن را در بین افراد نیازمند تقسیم می کنند.

رئیس شورای شهر میناب گفت: در گذشته در این مراسم افرادی که گوسفند را برای قربانی کردن می آوردند بعد از قربانی با پخت غذا در یک وعده به مردم غذای نذری میدادند اما امروزه طبق اعتقاد مردم که همان ریختن خون است بعد از قربانی گوسفندان را در اختیار اوقاف و یا حسینیه ها و یا مساجد برای انجام پخت غذای نذری می گذارند.

آنطور که شواهد ماجرا می گویند اداره اوقاف برای جمع آوری این نذورات و گوسفندان قربانی شده وارد شده است و آنها را جمع آوری می کند. همچنین بیماران برای گرفتن حاجت و شفا در این مراسم حاضر می شوند.

یکی از جلوه های که در این روز برای بیشتر مردم حائز اهمیت بوده حضور بیماران و افراد معلول است که برای گرفتن حاجت و شفاء از سیدالشهدا (ع) در حالتی که حضور آنها در این جمعیت سخت است حاضر می شوند و علاوه بر شرکت در مراسم سینه زنی طلب حاجت می کنند.

زائری با اشاره به اینکه طبق شنیده هایی از نیاکان و بزرگان در گذشته بیمارانی در این روز حاجت گرفته اند گفت: یکی از سنت های مردم این منطقه این است که با اعتقادی که مردم به ائمه اطهار دارند در ایام محرم خصوصا روز پنجم محرم با رساندن دست خود به این علم و علم های موردنظر خود بانیت قلبی خود شفای بیماران را از امامان در این ایام می طلبند.

زائری گفت: در این روز مردم نذوراتی را برای بهبودی بیماران خود و طلب آموزش برای رفتگانشان توزیع می کنند.

وی بیان داشت: همه مراسم و آئین های مذهبی در شهرستان مردمی برگزار می شود و نباید برخی از ادارات در نحوه برگزاری مراسم دخیل باشند و یا در برگزاری آن مانع تراشی کنند.

حضرت مهدی (عج) از دیگر امامان و معصومان کوچک تر است باید برای سلام کردن به آنها و پیامبر(ص) پیشقدم شود. به همین شیوه علم هر امامی را که کوچکتر است به استقبال علم دیگر امامان و پیامبر(ص) می برند و سلام می دهند و سپس عزاداری در مقابل حسینیه میانی، تا غروب آفتاب ادامه پیدا می کند.

عبدالعلی زائری، رئیس شورای شهر میناب در گفت و گو با خبرنگار مهر بیان داشت: سنت و فرهنگ مردم شهرستان میناب ریشه در قدمت بیش از ۵۰۰ ساله دارد که اگر قرار باشد مراسم و فرهنگ مردم میناب را ثبت ملی کنند باید به اصل فرهنگ و مراسمات آئینی و قدیمی نگاه ویژه ای داشت.

زائری با ادامه این مطلب که مدیرکل میراث فرهنگی استان وعده ثبت مراسم عزاداری و سینه زنی نشسته میناب را داده است بیان داشت: برخی از مسئولان شهرستانی و استانی هیچ شناختی از این آئینها ندارند و تصمیم گیری در مورد برگزاری مراسمها و یا به ثبت ملی رساندن آنها باید با حضور یک معتمد بومی و محلی که از این آئین ها اطلاع کافی دارد صورت بگیرد.

زائری گفت: «علم گردانی» در میناب یک فرهنگ اصیل عزاداری در شهرستان و استان است که برگرفته از دست نوشته و اسناد بزرگان و عالمان گذشته بوده و امروزه پایدار مانده است.

رئیس شورای شهر میناب عنوان داشت: این مراسم که یک مراسم خاص در استان و یا استانهای جنوبی کشور است در گذشته به شیوه های سنتی و بومی اصیل برگزار می شد اما در حال حاضر برخی از شیوه های نوین که با فرهنگ مردم این منطقه همخوانی ندارد در عزاداری مردم میناب دخیل شده است.

در این مراسم گوسفندان زیادی در طول مسیر قربانی می شوند همچنین در این روز مردم از جای جای استان هرمرگان بر طبق اعتقادات راسخ خود برای انجام نذورات، گوسفندانی را برای قربانی کردن در جلوی علم برای قبولی نذورات خود ذبح می کنند.

اهتزاز علم‌های عزا در بیرجند / نوای یال‌نارات الحسین به گوش می‌رسد



مردم شهرستان بیرجند هر ساله با برپایی مراسم سنتی علم‌بندان در روز قبل از ماه محرم، آغاز ماه عزا را به عاشقان و دلداگان حسینی اعلام می‌کنند.



عالیه نجویی

قلب‌ها برای آرامش، دست‌ها برای حک کردن عشق بر روی سینه آماده‌اند، نفس‌ها به شماره افتاده، آری محرم، آمده...

باز صدای نوحه جانان از این وادی به گوش می‌رسد و بالا رفتن دستهای حسینیان ناقوس جانها را به لرزه می‌اندازد، به راستی این چه شور است که بعد از هزار و چهارصد سال بازم یک جهان را به لرزه می‌اندازد؟ آری؛ تاریخ، خود مبهوت و شگفت‌زده یک روز خویش است؛ عاشورا... تیک تیک ثانیه‌ها آخرین نفس‌های ماه ذی‌الحجه و آغاز ماه عزا و ماتم را اعلام می‌کند، هزاران عاشق و دل‌داده حسینی در حال آماده شدن برای ورود به این ماه هستند، کم‌کم بیرق‌های عزا در هر کوی و برزنی علم می‌شود و پیراهن‌های سیاه عزای حسین است که بر تن هر عاشقی پوشیده می‌شود.

● آغاز محرم در بین پایتخت نشینان دیار شور حسینی

مردم خراسان جنوبی نیز این پایتخت نشینان دیار شور و شعور حسینی، در سرزمینی کوچک با دلی بزرگ به بلندای بیرق حسین هم‌نوا با ناله آسمان و زمین، دوشادوش هم، نوای یال‌نارات الحسین سر می‌دهند و یا حسین گوینان علم‌های عزا را برپا می‌کنند، علم‌هایی که نسل به نسل آن را گذشتگان خود به ارث برده‌اند و هر سال نسلی از سادات روز قبل از محرم آن‌ها را سیاه پوش کرده و با گذشت و گذار در کوچه‌های شهر ورود ماه عزا را به گوش عاشقان آن حضرت می‌رسانند.

مراسم علم‌بندان یا به گویش بیرجندی «علم‌بندو» یکی از مراسم‌های سنتی ویژه عزاداری ماه محرم در خراسان جنوبی است که سادات بیرجند با برپایی مراسم علم‌بندان در آخرین روز از ماه ذی‌الحجه، آغاز عزاداری سالار شهیدان را اعلام می‌کنند، علم که یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین علائم عزاداری بوده در بین مردم استان از اهمیت و احترام خاصی برخوردار است و علم‌ها اغلب بانوی و علم‌چی دارند که این شیغل به طور موروثی به آنها منتقل شده است مردمان خراسان جنوبی از گذشته‌های دور روز علم‌بندان را به وسیله «چاووشی خوانی»، اعلام از بلندگو و یا شیپور زدن اطلاع‌رسانی می‌کردند و پس از جمع شدن مردم، بزرگان و سادات محل با بستن لباس و پارچه‌ها علم را تزیین و توغ علم را می‌بندند و در حین این کار نیز فردی چاووشی می‌خواند و دیگران صلوات می‌فرستند.

علاوه بر اینکه دارای صاحبی موروثی است دارای علم گردانی موروثی نیز هست.

در روستای «مهموشی» علم را بزرگ ده که از سیدان روستا است می‌بندد و اگر فصل سیب تازه یا انار باشد، سیب و یا اناری را به علم می‌بندد و اگر فصل آن‌ها نباشد پارچه‌ای را به جای سیب و یا انار در داخل یکی از دستمال‌های علم گره می‌زنند.

در شهر بیرجند نیز مراسم علم‌بندان در غروب آخرین روز ماه ذی‌الحجه برگزار و علم گردان‌ها با خواندن اشعاری در کوچه و بازار، عزاداری امام شهید را به مردم اعلام کرده و از نزدیک شدن روز تاسوعا و عاشورا خبر می‌دهند.

در انتها نیز علم‌ها به مسجد عاشورا این شهر منتقل و پس از روضه خوانی و برگزاری عزاداری سنتی حسن و حسین، علم‌ها را پای منبر می‌برند که در اصطلاح به آن «به تخت بردن علم» گفته می‌شود.

در حال حاضر نیز مراسم علم‌بندان در شهر بیرجند در هیئت محبان الزهرا (س) و مسجد عاشورا این شهر با حضور تعدادی از سادات که به سادات علم دار معروف هستند، برگزار می‌شود.

● علم، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نماد عزاداری

علم که یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین علائم عزاداری بوده در بین مردم استان از اهمیت و احترام خاصی برخوردار است و علم‌ها اغلب بانوی و علم‌چی دارند که این شیغل به طور موروثی به آنها منتقل شده است.

برخی مناطق بانیان، علم‌ها را در خانه‌هایشان به اتفاق اقوام خود بسته و گروهی هم مراسم علم‌بندان را در مسجد انجام می‌دهند و برای این کار روز قبل از مراسم پارچه‌های علم را می‌شویند.

در روستای «درخش» علم‌بندان مراسمی است که در روز چهارم محرم الحرام انجام می‌شود، به گونه‌ای که علم‌بندها در مسجد جامع درخش گرد هم می‌آیند و علم‌ها را گرفته و تا عصر عاشورا همراه عزاداران در مراسم حمل می‌کنند.

این علم‌ها هر کدام به نام یکی از ائمه اطهار (ع) نامگذاری و به این ترتیب ۱۲ علم به نام ۱۲ امام و دو علم به نام حضرت فاطمه زهرا (س) و قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس (ع) در مراسم خاص با پارچه‌هایی به رنگ‌های مختلف پوشانده می‌شود.

● عشق‌های موروثی

مراسم سنتی علم‌بندان در روستای درخش نسل به نسل از پدر به پسر بزرگتر خانواده انتقال یافته و هر کدام از علم‌ها

● ثبت مراسم علم‌بندان در فهرست میراث معنوی کشور

مدیرکل میراث فرهنگی خراسان جنوبی با بیان اینکه



خواهد بود، بیان کرد: در شهر بیرجند نیز حرکت هیئت‌ها از شب هشتم محرم آغاز و تا ظهر روز یازدهم محرم نیز ادامه دارد.

عباسی مقدم همچنین از برگزاری همایش شیرخوارگان حسینی در روز پنجم محرم در بیرجند خبر داد و افزود: مراسم محوری استان در حسینیه جماران خواهد بود با این وجود این مراسم در تمام شهرستان‌ها اجرا می‌شود.

● آغاز حرکت هیئت عزاداری در خراسان

جنوبی

وی با اشاره به اینکه برنامه ویژه عزاداری بعد از ظهر تاسوعا در هیئت ابوالفضل و شب عاشورا در هیئت فاطمیه بیرجند خواهد بود که بیشتر هیئت‌ها در این جلسات شرکت می‌کنند، عنوان داشت: در روز عاشورا نیز هیئت‌های عزاداری در مسیرهای تعیین شده به سمت قتلگاه که در ورودی مزار شهدا قرار دارد، حرکت می‌کنند.

وی ادامه داد: نماز ظهر عاشورا نیز در قتلگاه اقامه می‌شود و هیئت‌هایی که نتوانند تا موقع اذان به قتلگاه برسند در مسیر نماز ظهر عاشورا را به جا خواهند آورد.

رئیس شورای هیئت‌های مذهبی خراسان جنوبی با اشاره به اینکه در شب یازدهم مراسم شام غریبان هیئت‌ها است، بیان داشت: در روز یازدهم نیز هیئت‌ها با حضور در هیئت حسینی بیرجند به عزاداری و سوگواری می‌پردازند.

عباسی مقدم به وجود یک هزار و ۲۳۸ هیئت مذهبی در استان اشاره کرد و افزود: همچنین در حال حاضر ۶۷۲ حسینیه، ۱۶ تکیه، ۱۶ مهدیه، ۳۷ انجمن و ۱۲۵ کانون فرهنگی و هنری مساجد در سطح استان وجود دارد.

نخل‌بندان، نخل‌گردانی، سنگ‌زنی، بیل‌زنی، مشعل‌گردانی، شبیه‌گردانی و تعزیه‌خوانی از دیگر آیین‌های سنتی مردم استان در ماه محرم بوده که مردم خراسان جنوبی با اجرای این مراسم‌ها همونوا با شهدای دشت کربلا محرم را به سوگ می‌نشینند.

امروز بوی محرم شمیم جان را نوازش می‌دهد، ثانیه شمار تقویم لحظه‌های آخر ماه ذی‌الحجه و ثانیه‌های آخر انتظار را نشان می‌دهد، گویی دل‌ها همه هوس کرب و بلا دارد و برای رسیدن کاروان حسین (ع) ثانیه شماری می‌کنند.

مراسم سنتی علم‌بندان نیز ساعت ۱۵ امروز در محل هیئت محبان الزهرا و فاطمیه شهر بیرجند برگزار خواهد شد.



● برگزاری همایش شور حسینی همراه با سه مراسم سنتی عزاداری

رئیس شورای هیئت‌های مذهبی خراسان جنوبی اظهار کرد: مراسم علم‌بندان یکی از آیین‌های قدیمی مردم خراسان جنوبی برای ورود به ماه محرم است که این مراسم هر ساله روز قبل از آغاز ماه محرم در محل هیئت محبان الزهرا و فاطمیه بیرجند با حضور همه هیئت‌های مذهبی برگزار می‌شود.

غلامرضا عباسی مقدم همچنین مراسم بیل‌زنی در خوسف و مراسم حسن حسین را یکی دیگر از مراسم‌های سنتی عزاداری در استان عنوان کرد و گفت: آیین‌های عزاداری ماه محرم در هر نقطه از استان رنگ و بوی خاص خود را داشته که نشان از ارادت مردم به سید و سالار شهیدان است.

وی به برنامه‌های عزاداری استان در این ماه اشاره کرد و گفت: در روز نخست محرم همایش شور حسینی در مسجد امام حسین (ع) بیرجند برگزار می‌شود که در این مراسم سه آیین سنت عزاداری استان از جمله علم‌بندان، بیل‌زنی و حسن و حسین اجرا خواهد شد.

رئیس شورای هیئت‌های مذهبی خراسان جنوبی با بیان اینکه برنامه‌های مشترک همه هیئت‌های مذهبی استان در دهه اول محرم برنامه حرکت توأم با مداحی و سخنرانی

مراسم ماه محرم در استان با آیین علم‌بندان آغاز می‌شود، می‌گوید: مراسم علم‌بندان یکی از مراسم سنتی عزاداری در خراسان جنوبی است که به شماره ۶۲۷-۲۲۹۹۱ در فهرست میراث معنوی کشور به ثبت رسیده است.

مراسم علم‌بندان یا عقد علم در برخی مناطق در غروب آخرین روز ماه ذی‌الحجه انجام می‌شود که نشانه آغاز مراسم ماه محرم است حسن رضانی با اشاره به اینکه علم‌ها اغلب بانوی و علمچی دارند که صاحب علم محسوب می‌شوند، عنوان داشت: این کار به طور موروثی از پدر به پسر بزرگ‌تر خانواده می‌رسد.

وی ادامه داد: روز علم‌بندان مردم را به وسیله چاووشی خوانی یا اعلام از بلندگو آگاه می‌سازند و پس از جمع شدن مردم، بزرگان و سادات محل با لباس‌ها، دستمال، پارچه‌ها و توغ علم را می‌بندند.

مدیرکل میراث فرهنگی خراسان جنوبی با بیان اینکه مراسم علم‌بندان یا عقد علم در برخی مناطق در غروب آخرین روز ماه ذی‌الحجه انجام می‌شود که نشانه آغاز مراسم ماه محرم است، بیان کرد: در برخی روستاها این مراسم در روزهای پنجم، ششم و هفتم محرم آغاز می‌شود و دلیل آن را ورود اهل بیت (ع) به کربلا ذکر می‌کنند.



آئین شیرخوارگان حسینی در حرم رضوی برگزار شد



آئین شیرخوارگان حسینی (ع) به میزبانی آستان قدس رضوی و با اهدای لباس سبز به شیرخواران رضوی، برگزار شد.



مرئیس کهلکی

نخستین جمعه ماه محرم در سراسر ایران حال و هوای دیگری دارد. در مشهد نیز همانند سه هزار نقطه دیگر ایران این شور بر پا بود. مادران در این روز فرزندان شیرخوار خود را برای آشنایی با پیام کربلا مهیا کرده و به سوگ می نشینند.

حرم مطهر رضوی نیز امروز میزبان هزاران دلداه حسینی بود؛ دسته‌دسته مادران از گوشه و کنار شهر مشهد خود را به بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) رسانده تا با کودکان شیرخوارشان در این مصیبت غم‌بار به سوگواری بپردازند.

صحن جامع رضوی مملو از مادرانی بود که شیرخواران خود را لباس سبز پوشانده و پیشانی‌بندهایی مزین بانام حضرت علی‌اصغر و اباعبدالله حسین (ع) بر سر آن‌ها بسته بودند و فرزندان خود را روی دست گرفته در مظلومیت شهید کوچک کربلا به سوگ نشستند.

حرم مطهر رضوی غرق در زمزمه‌های «یا حسین (ع)» و با حضور هزاران سرباز شیرخوار حسینی جایگاه پرواز ملائک شده بود.

● نذر امام زمان (عج)

آوای گریه کودکان فضا را پر کرده بود و معنویت خاصی از این صداهای معصوم بر فضا حاکم شده بود و با مرثیه‌سرایی مداحان اهل بیت عطر عاشورایی در صحن امام خورشید به مشام رسید.

تمام هستی و داروندارش همین فرزند است ولی در راه اسلام حاضر است تا او را قربانی کندمادری که کودک شیرخوار خود را بر روی دست گرفته بود و اشک از چشمانش جاری بود، پاره تنش را نذر امام زمانش می کرد و می گفت، تمام هستی و داروندارش همین فرزند است ولی در راه اسلام حاضر است تا او را قربانی کند. مادر دیگری که به فرزندش شیر می‌داد، با بغض و کینه از مجریان عاشورا سخن می گفت.

با او به گفتگو نشستیم تا اندکی از وظیفه‌ای که بر گردن دارد برایمان بازگو کند. وی گفت: فرزند هفت‌ماهه خود را به صحن پرمهر امام رضا (ع) آورده‌ام تا از همین ابتدای راه، با داستان مظلومیت خاندان پیامبر آشنا شود.

این مادر افزود: در واقعه کربلا آب را از کودک ۶ ماهه نیز دریغ کردند و او را به شهادت رساندند و اکنون این ما مادران هستیم که با آموختن این حقیقت‌ها به فرزندانمان باید اسلام را زنده نگه‌داریم. وی که فرزند خود را نذر امام زمان (عج) کرده بود گفت: فرزندانمان را باید به نحوی تربیت کنیم که بتوان از آن‌ها به‌عنوان سربازان امام عصر نام برد.

● دشمنان اسلام در صدد شبیه افکنی

آئین جهانی شیرخوارگان حسینی ۱۶ مهرماه با میزبانی آستان قدس رضوی و اهدای لباس سبز به شیرخواران رضوی، از ساعت ۹ صبح با تلاوت آیات کلام‌الله مجید در صحن جامع رضوی هم‌زمان با سه هزار نقطه ایران و ۴۱ کشور جهان آغاز شد. در این مراسم مداحان سعید حدادیان و امیر عارف مرثیه‌سرایی کردند و حجت‌الاسلام جعفر اسلامی فر به سخنرانی پرداخت. سخنران مراسم حرم مطهر رضوی اظهار کرد: امام حسین (ع) در مسیر توسعه و گسترش دین اسلام به مبارزه با دشمنان پرداخت.

دشمن در این مبارزه به هیچ گروهی رحم نکرد و یک نمونه آن طفل شیرخواره شش ماهه حضرت سیدالشهدا (ع)، حضرت علی اصغر (ع) بود جعفر اسلامی فر ادامه داد: دشمن در این مبارزه به هیچ گروهی رحم نکرد و یک نمونه آن طفل شیرخواره شش ماهه حضرت سیدالشهدا (ع)، حضرت علی اصغر (ع) بود که با تیر سه شعبه حرم‌له به شهادت رسید.

اسلامی فر با بیان اینکه دشمنان اسلام در صدد شبیه افکنی در اعتقادات مسلمانان نسبت به واقعه کربلا هستند افزود: می‌گویند چرا امام حسین (ع) فرزندش شش ماهه خود را در مقابل تیر دشمن قرار داد. وی عنوان کرد: در حالی که اگر امام حسین (ع) فرزندش را به لشکر دشمن نشان نمی‌داد و از آنان طلب آب نمی‌کرد

باوه‌گوییان می‌گفتند که آن حضرت برای رفع تشنگی فرزندش تلاش نکرد در حالی که دشمن با شیرخوارگان سرچنگ نداشت.

● هرگز صدای اسلام خاموش نخواهد شد

سخنران حرم مطهر رضوی اظهار کرد: امام حسین (ع) به این دلیل که حجت را بر همه تمام کند و دهان دشمنان را ببندد علی اصغر را بالای دست گرفت و از دشمن برای وی طلب آب کرد اما دشمن گلوی فرزندش را نشانه گرفت.

وی با اشاره به اینکه یزیدیان با اسلام و حق مخالف بودند و می‌خواستند صدای اسلام ناب محمدی را در تاریخ محو کنند اما خدای عزوجل نخواست، گفت: امروز شیرخوارگان حسینی نشان دادند که نخواهند گذاشت هرگز صدای اسلام خاموش شود.

اسلامی فر بیان کرد: امروز هم این دشمنی‌ها تمام نشده و ادامه دارد و یزیدیان زمان (آمریکا، اسرائیل، انگلیس، داعش، آل سعود و آل خلیفه) اقدام به کشتار مسلمانان کرده و به هیچ گروهی از مسلمانان، حتی کودکان رحم نمی‌کنند و آنان را به شکلی وحشیانه به شهادت می‌رسانند.

وی ادامه داد: مادران با حضور خود در این گردهمایی، طفل‌های شیرخواره خود را تقدیم امام حسین (ع) کردند و از خداوند منان عزت سربلندی جوامع اسلامی و شکست نابودی دشمنان اسلام را خواستار شدند.

آیینی که قدمت ۳۰۰ ساله دارد / از علم شوین تا جامه پوشان



هفتم محرم مقصد بسیاری از عزاداران حسینی از گوشه و کنار کشور، روستای کلوده و اورطشت مازندران برای شرکت در آیین سنتی و مذهبی با قدمت ۳۰۰ ساله جامه پوشان پیر علم است.



غفار داودی

آیین جامه پوشان پیر علم و نخل گردانی اورطشت قدمت ۳۰۰ ساله دارد و هر سال محرم همزمان با هفتمین روز آن طبق یک آیین سنتی مذهبی اجرا می شود. کلوده از روستاهای بخش اهلم رستاق شهرستان محمودآباد به شمار می رود که با آیین جامه پوشان پیر علم هر سال روز هفتم محرم میزبان عزاداران حسینی از مناطق مختلف کشور و استان است و با برپایی آیین های عزاداری در رونق گردشگری مذهبی نقش بسزایی دارد. روستای کلوده در ۱۰ کیلومتری مرکز شهرستان محمودآباد قرار دارد و مرکزیت ۲۵ روستا است و آیین سنتی جامه پوشانی پیر علم کلوده دهها سال است در این منطقه طبق یک رسم آیینی برگزار می شود.

عطر و دود اسپند در ورودی روستا به مشام می رسد و اهالی محله با اسپند و گلاب به استقبال زوار می آیند تا با هم در آیین سیاه پوشان پیر علم شرکت کنند و ماه هم کاروان زواری می شویم که از راه های دور و نزدیک خود را پیر علم رسانده اند.

جامه پوشان، تجلی عشق و ارادت مردمانی است که دل در گرو اهل بیت دارند و در رثای سالار شهیدان، هر سال هفتم ماه محرم، این آیین سنتی را اجرا می کنند. درباره پیشینه این آیین برخی اهالی می گویند: هر ساله شمار زیادی از گوشه و کنار کشور به این روستا می آیند و حاجاتشان را از پیر علم می گیرند و این سنت، رسم عاشورایی مردمان کلوده است و جامه پوشان، تجلی عشق و ارادت مردمانی است که دل در گرو اهل بیت دارند و در رثای سالار شهیدان، هر سال هفتم ماه محرم، این آیین سنتی را اجرا می کنند.

این سنت حسینی چندین نسل در خانواده جمالی از اهالی روستای کلوده اجرا می شود و این خانواده متولی پیر علم هستند.

جمالی متولی پیر علم با اشاره به قدمت بیش از ۳۰۰ ساله این علم می گوید: ما شجره خاصی نداریم اما مادر بزرگ من که ۹۲ سال عمر کرد می گفت بیش از پنج نسل است که این پیر علم در خانواده ما است و این سنت برگزار می شود.

وی در مورد آغاز مراسم افزود: در گذشته علم در منزل بود و از میهمانان در منزل پذیرایی می شد اما به علت کثرت زوار دو ماه مانده به محرم علم را به منزل می آوریم و برای هر چه بهتر برگزار شدن مراسم علم و کتل از حسینی به منزل آورده می شود.

وی ادامه داد: برای آوردن علم اهالی منزل و جوانانی که به صورت خودجوش به کمک می آیند علم و کتل را از حسینی به سمت منزل حرکت می دهیم، در روز دوم محرم کار پاک کردن برنج ها را شروع می کنیم، روز چهارم روز علم شوین است که در این روز بیشتر مادران حضور دارند و آن روز بنام مادر حضرت ابوالفضل ام البنین جمع می شوند البته برای برداران جایگاه مخصوصی در آن روز داریم.

جمالی افزود: در آن روز با ذکر صلوات، نوحه و روضه خوانی کار را شروع و در انتها با گلاب علم شسته می شود.

جمالی با تأکید بر حفظ سنت های قدیمی در طول مراسم اظهار داشت: در قدیم که مواد شوینده شیمیایی نبود با خاکستر و سرکه علم را می شستند و امروزه هم با تاسی از آن سنت قدیمی با خاکستر آتش و سرکه و ترشی آب نارنج علم شسته و دوباره با گلاب شستشو می دهیم.

جمالی برگزاری مراسم را در تمام سالهای گذشته از افتخارات خانواده خود می داند و می گوید: مادر بزرگ من در دوران قحطی رضاشاهی با نان خشک و چای از میهمانان پذیرایی کرد و نگذاشت این سنت حسنه دچار وقفه شود. متولی جوان پیر علم از دیگر ویژگی های این مراسم را خواندن اشعار و نوحه های حماسی ذکر و افزود: طبق یک سنت قدیمی سعی کردیم نوحه ها حالت قدیمی خود را حفظ کنند لذا در این روز تمام نوحه ها با ریتم حماسی خوانده می شود.

وی در ادامه به روز هفتم محرم اشاره و بیان داشت: شب هفتم محرم بسیاری از جوانان با شور خاصی در اینجا حضور یافته و غذای روز هفتم محرم را آماده می کنند، بسیاری از آن ها شب را در حسینی می خوابند تا برای فردا آماده باشند و صبح روز هفتم از ۸ صبح نوحه خوانی با هر تعداد حتی پنج نفر شروع و بتدریج به جمعیت اضافه می شود تا اینکه به حدود ۱۰ هزار نفر می رسد و پس از اینکه حیاط حسینیه و تکیه مملو از جمعیت شد به سمت منزل حرکت و در حیاط منزل، ریش سفیدان و معتمدین روستا جامه پوشانی علم را انجام می دهند و به سمت حسینیه حرکت می کنیم.

پیر علم نماد توسل به علمدار کربلاست و طنین نوای مداحان دوباره در فضا می پیچد که فریاد از غریبی حسین و خاندانش سر می دهند همزمان با آیین پیر علم، بساط نذری در کلوده برپا می شود تا با آن زائرانی که به عشق امام حسین (ع) در این مراسم شرکت کرده اند، پذیرایی شوند.

آیین پیر علم کلوده هر سال در هفتم محرم در کلوده برگزار می شود و تاکنون زائران زیادی را از اقصی نقاط کشور پذیرا بوده است. این پیر علم توسط خاندان جمالی که در روستای کلوده از شهرستان محمودآباد زندگی می کنند دست به دست شده است و این علم با روسری های که مردم نذر می کنند در هفتم محرم پوشانده شده و تا یک ماه قبل از آغاز محرم سال بعد در تکیه این روستا می ماند.





بزرگترین تکیه قزوین میزبان تعزیه‌های باشکوه محرم است

بزرگترین تکیه استان قزوین در روستای یانس آباد میزبان برگزاری ۱۰ شب تعزیه ماه محرم است. فرارسیدن ماه محرم در کنار برگزاری مراسم سوگواری و عزاداری عاشقان حسینی فرصت مناسبی برای اجرای نمایش دینی و مذهبی تعزیه است.



زینب کلهر

تعزیه به معنای متعارف، نمایشی است که در آن واقعه کربلا به دست افرادی که هریک نقشی از شخصیت‌های اصلی را برعهده دارند، نشان داده می‌شود.

این نمایش نوعی هنر مذهبی و سنتی ایرانی - شیعی و بیشتر درباره کشته‌شدن حسین بن علی و مصائب اهل بیت است.

تعزیه «یا تعزیت» به معنی سوگواری، برپایی یادبود عزیزان از دست رفته، تسلیت، امر کردن به صبر و پرسیدن از خویشان درگذشته، خرسندی دادن و در برخی مناطق ایران مانند خراسان به معنای مجلس ترحیم است.

اما آنچه به عنوان تعزیه مشهور است گونه‌ای از نمایش مذهبی منظوم است که در آن عده‌ای اهل ذوق و کار آشنا در جریان سوگواری‌های ماه محرم و برای نشان دادن ارادت و اخلاص به اهل بیت، طی مراسم خاصی بعضی از داستان‌های مربوط به واقعه کربلا را پیش چشم تماشاچیان بازآفرینی می‌کنند.

در تعزیه چون اهمیت خواندن هنرمندانه اشعاربیش از روش اجرا و نمایش واقعه‌هاست، آن را در قیاس با روضه خوانی تعزیه خوانی نیز گفته‌اند.

● قزوین مهد هنر تعزیه

هنر تعزیه، در طول زمان تغییراتی را به خود دیده اما هنوز هم در ردیف اصیل‌ترین و پراسابقه‌ترین هنرهای ایرانی و اسلامی مردمان ایران است و در استان‌های مختلف ایران از شمالی‌ترین شهرهای خراسان و آذربایجان تا جنوبی‌ترین شهرهای سیستان و اهواز از پهنه کویر تا حاشیه‌های زاگرس، البرز و قزوین از دریای خزر تا خلیج فارس در ایام ماه محرم، برگزار می‌شود.

شاخص‌ترین وجه نمایشی در این دوره تعزیه است و شهر قزوین یکی از مهم‌ترین کانون‌های تعزیه خوانی بوده است.

مشهورترین این تعزیه‌خوان‌ها ماعبدالکریم جناب قزوینی، یکی از مشهورترین چهره‌های موسیقی در دوره قاجار و استاد آواز، اقبال آذر است؛ البته چهره‌های دیگری هم چون ابوالحسن اقبال آذر و میرزا حسن ثقفی، نیز در این دوره حضوری جدی دارند.

نسخه‌های اشعار این نمایش مذهبی در سراسر ایران تفاوت کمی با هم دارند و مردم از اول ماه محرم همه ساله به مناسبت سالروز این واقعه، در شهرها و روستاهای ایران، مساجد و تکایا را با قالی و قالیچه آذین می‌نهند و دیوارها و منبر را سیاهپوش می‌کنند.

تا چند سال قبل، شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی از هفتم محرم در میادین و صحن حیاط حسینیه‌ها و تکایا در شهرستان‌ها

معمول بود و شبیه‌خوان‌ها که برای این کار تعلیم یافته بودند، کار خود را با طبل، شیپور و کرنا در محل تعیین شده آغاز می‌کردند.

مردان از یک سو و زنان از سوی دیگر، کم‌کم جمع می‌شدند و به تماشای مراسم شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی می‌ایستادند و معمولاً یک یا چند ریش سفید، مأموریت راهنمایی مردم و حفظ نظم محیط برگزاری تعزیه را بر عهده داشتند.

تعزیه در قزوین با قدمتی دیرین با داشتن تعزیه‌خوانی شاخص و مطرح نیازمند مکانی شایسته برای اجرای باشکوه و انتقال پیام عاشورا به نسل آینده است.

در پنجمین شب ماه محرم همزمان با ایام سوگواری ابا عبدالله الحسین (ع) و یاران باوفایش با حضور علی رحمانی فرماندار شهرستان آبیگ و اهالی روستای یانس آباد بخش مرکزی کوهپایه شهرستان آبیگ تعزیه طفلان مسلم در تکیه صاحب الزمان (عج) این روستا برگزار شد.

علی رحمانی فرماندار آبیگ در حاشیه این مراسم به خبرنگار مهر گفت: تعزیه نمایشی است از وقایع یک بخش از تاریخ که توسط هنرمندان این هنر تصویر کشیده می‌شود که می‌تواند مربوط به واقعه کربلا؛ واقعه کوفه و طفلان مسلم و موضوع کاروان اسرای کربلا به کوفه به شام باشد که به صورت نمایش و نمادین برای مردم علاقه مند به اهل بیت و عصمت طهارت (ع) بازگو می‌شود.

وی افزود: این حرکت تأثیر بسزایی در جامعه دارد چرا که تعزیه خوانان با نقش آفرینی نزدیک به وقایع و شبیه‌خوانی به شناخت جامعه به این وقایع مهم و تاریخی کمک می‌کند.

نظر علی ایوبی یکی از تعزیه‌خوانان این روستا که نقش بسزایی در ساماندهی این هنر تاریخی در روستا دارد با بیش از ۵۰ سال سابقه در اجرای نقش‌های مخالف و موافق خان

در این خصوص می‌گوید: روستای یانس آباد واقع در بخش مرکزی (کوهپایه) شهرستان آبیگ با جمعیتی بیش از ۸۰۰ نفر در قالب ۲۰۰ خانوار با فرهنگ آداب اسلامی که بیش از ۹ شهید گرانقدر و ۳ آزاده سرافراز، ۳ جانباز تقدیم انقلاب کرده یکی از مهدهای مهم تعزیه در استان با بیش از صد سال سابقه است که تعزیه در این روستا توسط بزرگانی که درحال حاضر در جمع ما نیستند به یادگار مانده است.

وی همچنین از ساخت بزرگترین تکیه شبیه‌خوانی در این روستا به مساحت ۱۰۰۰ متر مربع با سکوهایی تماشاکر با گنجایش سه هزار نفری در دو طبقه با اعتباری بالغ بر ۶۰ میلیون تومان توسط خودبیماری مردم خبر داد و گفت: هر ساله مصادف با ایام سوگواری سالار شهیدان از اول ماه محرم به مدت ۱۱ شب تعزیه توسط شبیه‌خوانان بومی برای اهالی محل و منطقه به نمایش درمی‌آید و همچنین

در ۲۸ صفر و بیست و یکم ماه مبارک رمضان این مکان هم شاهد برپایی نمایش تعزیه برای علاقمندان است.

ایرج کریمی دیگر تعزیه‌خوان این روستا که سابقه ۵۵ ساله در این هنر دارد گفت: مراسم تعزیه در این روستا در بین مردم جایگاه ویژه‌ای دارد و از صد سال پیش این هنر توسط مرحوم حاج الهیار بختیاری (ناصح) در روستا به اجرا درآمده و رونق یافته که این هنر مذهبی و دینی به صورت سنتی وقایع تاریخی کربلا و دیگر حوادث مختص به مظلومیت اهل بیت و عصمت طهارت (ع) را به طور نمادین و شبیه‌سازی به معرض نمایش عموم درمی‌آورد.

کریمی شبیه‌خوان ۶۰ ساله روستای یانس آباد بیان کرد: در هنر نمایش تعزیه افراد عاشق و دوستدار اهل بیت با ذوق فراوان و آگاهی و شناخت از فنون آن برای نشان دادن ارادت خود به اهل بیت با اجرای نمایش‌های خاص از داستان‌های واقعه مربوط به واقعه کربلا برای مردم این وقایع را با شبیه‌سازی به طور زنده و گویا معرفی می‌کنند. باب‌الله شیخی دیگر هنرمند هنر سنتی و تاریخی تعزیه در این روستا هم گفت: بیش از ۶۰ سال است که در این امر مهم در حال خدمت هستم که همیشه به نسخه‌خوانی توجه کرده‌ام تا اشعاری برای مردم از سوی تعزیه‌خوان گفته شود که برگرفته از وقایع مهم تاریخی و اهداف مهم کربلا باشد تا تأثیر مثبت در بر مخاطب داشته باشد.

وی گفت: تعزیه با فرهنگ این روستا عجین شده و مردم روستا با کمک‌های مالی و معنوی خود در برپایی این هنر سنتی و مذهبی نقش مهمی دارند و علاوه بر علاقه مندی به تعزیه اقدام به برگزاری علم گردانی در روستا می‌کنند و یا از روستا تا امام زاده هادی (ع) همین روستا که یکی از نوادگان امام موسی بن جعفر (ع) است طی می‌کنند.

کمتر کسی را می‌توان یافت که به مراسم تعزیه بیاید و بدون جاری شدن اشک از چشمانش و تحولی روحی محل اجرا را ترک کند.

براستی کدام هنر را در ایران و اقصی نقاط جهان سراغ می‌توان گرفت که عده‌ای عاشقانه و خالصانه و با هزینه کردن شخصی نمایش را اجرا کنند تا نهضت و حادثه‌ای تاریخی برای انتقال پیامی دینی و اخلاقی به نسل‌های آینده با بهترین شکل و اجرایی هنرمندانه در مقابل چشمان هزاران بیننده در فضایی زنده و تأثیرگذار در سینه‌های تاریخ بماند و یاد امام حسین (ع) را زنده نگه دارد.

تعزیه نمایش برآمده از عمق باورهای دینی و اعتقادات دینی انسان‌هایی خالص و مومن است که نهضت عاشور را برای ابد در اذهان و دل‌های پاک شیفتگان حسینی ماندگار خواهد کرد.

بغضی که در رثای حسین (ع) شکست / بوی محرم در شاهرود پیچید

همزمان با نخستین روز از محرم الحرام ۱۴۳۸، آئین عزاداری سرور شهیدان، با حضور مردم متدین و خداجوی شهرستان



محمد حسین مقدم‌نیا

شاهرود در حالی آغاز شد که بغض مردم در رثای حسین (ع) شکست.

شامگاه یکشنبه، تکیه بازار شاهرود میزبان مراسمی ۱۶۱ ساله بود که در آن نخستین شب ماه محرم با حضور اقشار مختلف مردم و مسئولان آغاز شد و دستان خسته مردم شهر و دیارمان همراه با فغان زهرای مرضیه (س) یکصدا بر سر و سینه فرود می آمد تا ذکر یاحسین (ع) بر پهنه تکیه تاریخی بازار بیچید.

امشب گویی در و دیوار این بنای چند صد ساله نیز ندا می کنند، بندبند خشتش از روزگاری می گوید که پسر و جوان، زن و مرد در رثای سرور و سالار شهیدان دو عالم گریستند و اشک چشم و راه خاکشان امروز بند بند این بنا را به هم بافته است.

۱۶۱ سال تاریخ زیر یک سقف

۱۶۱ سال سوگواری برای اباعبدالله الحسین (ع) حتی در روزگاران سکوت و خفتن، آن روزهایی که هوا بس ناجوانمردانه سرد بود، تا امروز که در اوج امنیت و آزادی گردهم آمده ایم تا یکصدا ندای لیبیک یا حسین (ع) سر دهیم و شاید باید گفت، این چه عشقی است که این همه دوام دارد، این همه قوام دارد؟ نسل های پشت سر هم، مردان و زنان شهر و دیارمان که روزگاران متعددی در این مکان گرد هم آمده اند امانه، جنس این عشق زمینی نیست.

پله های تنگ و پرشیب ورودی تکیه بازار امروز به خوبی آب و جارو شده اند، خدام تکیه بازار که از نوادگان و منصوبان به باقر حاج علی اصغر جلالی، بانی این مجلس یکصد ساله، به تک تک مردم خوش آمد می گویند و خاک راه عزاداران حسین (ع) را توتیای چشمشان می کنند.

امروز اینجا همه جمع اند از مسئول و غیر مسئول، معلم و کارگر و پزشک و دانشجو، پیر و جوان، همه و همه در یک لباس، آن هم ردای عزای حسین (ع) و چقدر عزیزند آنهایی که امروز خدای متعال فرصت حضور در این مکان را به ایشان عطا فرموده است و ذکر الهی شکر، امروز اینجا نوای همگان است که امسال نیز توان یافتیم تا در نخستین شب از سوگواری حسین (ع) در این مکان مقدس باشیم.

نوحه هایی که مردم را به شور می آوردند

آئین سنتی نخستین شب ماه محرم در این تکیه با شوخوانی آغاز می شود آنجا که پیرغلامی با ردا و عباي مشکی حماسه سربایی از عاشورا را آغاز می کند و نوحه



اما دیگر رسم ویژه این شب کسب اجازه برای عزاداری از بزرگان است که معمولاً با دست بوسی از پیرغلامان و موی سپیدانی آغاز می شود که سال های مدید در کسوت خدامی اهل بیت (ع) از کودکی تا امروز در این تکیه قدیمی حاضر بوده اند افرادی مثل حسین جلالی ۸۵ ساله که از پنج سالگی تکیه بازار را می شناسد و در این بین خدا می داند چه خاطراتی در سینه این مردان نهفته است و زمانی که شهر آنچنان گسترده نداشت، این مراسم به طور ویژه تر برگزار می شد.

در نهایت اطعام مردم که بوی برنج و عطر نذری فصل مشترک این ۱۶۱ سال تاریخ است و حتی از کهن سالان نقل می شود در سال های خشکسالی و قحطی نیز این رسم با دشواری، اما غیرت مردم و با عشق به اباعبدالله الحسین (ع) در راه فقرا انجام می شده است.

محرم فرصتی برای ترویج معرفت الهی

این مراسم اما میهمانانی نیز دارد معمولاً در بالای مجلس جای امام جمعه شهر است و به طور سنتی رئیس اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان به واسطه موقوفه بودن این مراسم، سخن را آغاز می کند در سال جاری نیز، حجت الاسلام مصطفی مجیدی آغاز گر این مراسم ویژه بود.

وی با اشاره به اینکه محرم مناسب ترین زمان برای مهمانی نور است، گفت: امام صادق (ع) می فرمایند، هر کس دوست دارد بر سر سفره میهمان باشد، به زیارت حسین بن علی (ع) برود اما با وجود اینکه امروز مردم ما ظاهراً توفیق حضور در کربلای معلی را ندارند، اما امروز در این مکان مقدس لباس عزاداری حسین (ع) را بر تن دارند و اسامی شان در بین عزاداران آن حضرت نوشته خواهد شد.

رئیس اوقاف و امور خیریه شاهرود با بیان اینکه محرم فرصتی برای ترویج معارف

الهی است، ابراز داشت: ماه محرم بهترین فرصت برای بصیرت و فهم مراسم عزاداری حسین (ع) است زیرا این مراسم به ما یادآوری می کند که این مکان ها فرصتی برای اقامه عزاداری حسین (ع) هستند و نه عزای آن بزرگوار و بین این دو فرق های بسیاری است.

اقامه عزای حسین به معنای فریاد زدن ارزش های اسلامی است

مجیدی اقامه عزاداری حسین (ع) یعنی فریاد زدن ارزش های عاشورایی، آرمان های قیام حسین (ع) و عدالت خواهی که آن حضرت در راه خدای متعال جان خود را فدا کردند ذکر می کند و می گوید: لذا مردم در مراسم حسین (ع) برای عزای گرد یکدیگر نمی آیند بلکه برای اقامه عزاداری سرور و سالار شهیدانی می آیند که بیری عدالت خواهی اش در تمام عالم گسترانده شده است.

وی همچنین گفت: خروجی مجلس عزاداری حسین (ع) باید بصیرت افزایی باشد چرا که پیام عاشورا، پیامی بر مبنای بصیرت است و همه در این مراسم بهره ای از آرمان های حسین (ع) خواهند برد.

رئیس اوقاف و امور خیریه شاهرود بیان داشت: محفل عزای حسین (ع) یک مراسم معمولی نیست چرا که قیام سیدالشهدا اقامه آرمان ها و ارزش های دینی و اسلامی را به همراه داشته است لذا مراسم ماه محرم، ذاتاً بصیرت افزا است.

محرم ماه تحول درونی است

آئین عزاداری نخستین شب از ماه محرم اما در تکیه بازار شاهرود با مراسم نوحه خوانی و روضه اباعبدالله (ع) ادامه می یابد، آنجا که مداح از برپا شدن طوفانی در دریای دل شیعیان سخن می گوید که موج بر ساحل غم می زند، آنجا که مداح از پاشیدن رنگ خون بر سینه شعیبان سخن می گوید که بر زمین نقشی از ماتم می زند و آنجا که جان دیدگان لبریز شده است و زخم سینه ها زخم باز می کند.

امشب اینجا سرها همه بر زانو می اند، امشب اینجا بغض فرشتگان در رثای مولایشان می شکنند و اینجا دل ها جلا پیدا می کند زمانی که ندای السلام علی الحسین (ع) و علی علی ابن الحسین (ع) سرمی دهند آنجا که شیعیان با محبتی خاص فرزندان حسین (ع) را نیز فراموش نمی کنند و علی اولاد الحسین (ع) می خوانند و با مودتی خاص علی اصحاب الحسین (ع) نجوا می کنند.

و اینجا چه کسی است که نشکند، چه کسی است که متحول نشود و چه کسی است که خود را برای عزاداری ایام ماه محرم آماده نکند.

بوم‌گردی فرهنگی در هزار توی تاریخ سوادکوه



آسمان صدف گون، جنگل سبز و زرد، خش‌خش برگ‌های خشک، سبزه‌ها و گل‌های نورسته از شروع بارش باران‌های پاییزی، گشت‌وگذار در تاریخ چند هزارساله سوادکوه را دلپذیرتر می‌کند.



سمیه اسماعیل‌زاده

همگام با نسیم پاییزی از میان غرفه‌های نمایشگاه می‌گذری، غرفه‌هایی که هر کدام تبلور فرهنگ بومی این منطقه است و همه حواس آدمی را به کار می‌گیرد. لمس اثر تیشه بر روی چوب و زندگی دوباره درختان در کالبد لوازم زندگی، جلوه رنگ‌های سنتی سرخ و کبود بر صورت پشمینه جاجیم، صدای نعل کردن اسب و حمل دسترنج مزرعه به خانه، عطر و طعم غذاهای محلی و در کنار همه این‌ها همگام با افراد آگاه به فرهنگ این دیار که بایبانی شیوا، فرهنگ انتزاعی و مجردی که جسم نمی‌پذیرد را در قالب کلمات می‌ریزند و به هر آنچه با حواس آدمی حس می‌شود، جان و جلوه‌های دیگر می‌بخشند.

خورشید پشت ابرها می‌تابد، اما گرمای اینجا حاصل جنب‌وجوش برای تدارک نمایشگاهی در دامان طبیعت است، نمایشگاهی برای لمس همزمان تکنولوژی، فرهنگ و محیط مادی و طبیعی که هر کدام در شکل‌گیری دیگری مؤثرند. نمایشگاه‌های مردم‌شناسی بومی بیانگر آداب‌ورسوم، اعتقادات، زبان، معیشت، مسکن، هنرها، خوراک، پوشاک و سایر جنبه‌های زندگی مردم یک منطقه است.

رضا دانش‌زاده، رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری شهرستان سوادکوه بایبان اینکه غرفه‌های نمایشگاه حاضر از صفر تا صد زندگی مردم شهرستان، به‌ویژه روستائیان است، افزود: نمایشگاه‌های مردم‌شناسی بومی بیانگر آداب‌ورسوم، اعتقادات، زبان، معیشت، مسکن، هنرها، خوراک، پوشاک و سایر جنبه‌های زندگی مردم یک منطقه است.

وی در رابطه با نمایش هنر مردم شهرستان از جاجیم که جزو صنایع‌دستی شاخص شهر آلاشت است، یاد کرد و افزود: در این غرفه، تمامی مراحل انجام این هنر از پشم‌ریسی، رنگ‌رزی تا چگونگی بافت آن دیده شده است. دانش زاده بایبان اینکه تزیینات در ماه محرم یک میراث اعتقادی شهرستان است، اذعان کرد: در این نمایشگاه، تزیینات روستای اتو به‌عنوان یک جاذبه

برپایی نمایشگاه‌های مردم‌شناسی از یک‌سو، بیانگر اهمیت شناسایی، ارزشمندی و قابل‌احترام بودن میراث فرهنگی هر منطقه و از دیگر سوی، نمایانگر تعلقات و مشترکات فرهنگ‌ها علی‌رغم تفاوت‌هاست و نمایشگاه مردم‌شناسی مستقر در هوای آزاد جاذبه‌ای دوچندان دارد؛ چراکه رخدادهای فرهنگی را می‌توان در همان بستر طبیعی خود تجسم بخشید که موجب عینیت یافتن بهتر زندگی مردم بومی و همچنین، ایجاد حس هم‌نوایی توأم با احترام به فرهنگ و محیط‌زیست منطقه خواهد شد و ارائه اطلاعات چینی با استفاده از وسایل سمعی و بصری و یا بروشورهای متنوع راهکاری برای تکمیل عملکرد بهتر این مجموعه است.

نمایشگاه‌هایی از این دست، به‌واسطه معرفی فرهنگ منطقه که حوزه گسترده‌ای از باورها، ارزش‌ها، رسم‌ها، رفتار و مصنوعات مردم منطقه را دربر می‌گیرد، می‌تواند هم‌محلی برای توسعه گردشگری منطقه باشد، هم منبعی برای مطالعه مردم‌شناسان، قوم‌شناسان و جامعه‌شناسان، و هم یادآور خاطرات گذشته‌ای باشد که صنعتی شدن و فشارهای زندگی مدرن آدمی را از آن‌ها دور نموده است و به‌گونه‌ای می‌تواند رابط میان زندگی سنتی و صنعتی شود. از این‌رو، می‌تواند که چنین نمایشگاه‌هایی در سطح شهرستان نه در حد چند روز که یک نمایشگاه دائمی باشند.

گردشگری مذهبی شهرستان معرفی شده است. وی همچنین در رابطه با معرفی میراث‌های ناملموس شهرستان در این نمایشگاه، از معرفی مراسم عید ماه ۲۶ (عید مردگان) که یک میراث ملی-باستانی است خبر داد. دانش‌زاده از دیگر غرفه‌های این نمایشگاه، غرفه‌های غذای محلی، دامداری، لاک‌تراشی، معرفی آثار باستانی و جهاد کشاورزی را برشمرد و افزود: غرفه فرصت‌های سرمایه‌گذاری شهرستان نیز با توجه به این‌که نمایشگاه حاضر، جزو آیتم‌های همایش توسعه شهرستان با محوریت گردشگری بوده به این نمایشگاه اضافه شده است.

عبدالجواد توحیدی مقدم، فرماندار شهرستان سوادکوه با تأکید بر اینکه نمایشگاه حاضر، نمایشگاه سیمای مردم شهرستان از مناظر مختلفی چون کشاورزی، گردشگری، دامداری، صنایع‌دستی و صنعت است، خاطر نشان شد: این نمایشگاه در حاشیه نخستین همایش توسعه شهرستان سوادکوه با محوریت گردشگری به‌منظور معرفی جاذبه‌ها و ظرفیت‌های شهرستان برگزار خواهد شد.

وی بایبان اینکه این نمایشگاه در فضای باز پارک جوارم مستقر است، افزود: این نمایشگاه پس از همایش نیز تا چند روز برای بازدید عموم دایر خواهد بود و در صورت مساعد بودن شرایط جوی مدت‌زمان بازدید آن بیشتر خواهد شد.



تمسک به پرچم ابوالفضل (ع) / داستان پرچمی که از گزند رضاشاه دور ماند

به مدت ۱۰ روز حسینیّه شیخ کلخوران به هر فرد مراجعه کننده آبگوشت احسان می‌کند. یکی از اهالی گفت: روزی غذای چهار هزار نفر در این حسینیّه پخته می‌شود. نیره رستم پور کلخوران با اشاره به مشارکت عمومی و اهالی این منطقه در آماده سازی غذای نذری افزود: علاوه بر این هر کس بتواند نذری می‌آورد. تا جایی که طی سه روز گذشته ۵۰۰ هزار قرص نان به حسینیّه انتقال یافته تا در روزهای بعد مصرف شود.

● عزاداری فرصت بازگشت به آموزه‌های عاشورا است

لکه‌های سیاه ابر و سعت گرفته و به زمین نزدیک‌تر شده است. کودکی در ارتفاع حیرت از آنچه امروز می‌گذرد عکس می‌گیرد. پرچم سرخ و سیاه یا حسین (ع) به انتهای آسمان رسیده و حالا زمین و زمان می‌داند که اینجا ماتم حسین (ع) دارد. امامی که دشمن را بارها به غفلت و فساد هشدار داد و هر چند از خون خود و یارانش گذشت اما از طی کردن مسیر حق غافل نشد. هر سال عزاداری برای امام حسین (ع) زنگ هشدار است که به خود آییم و در همان محدوده مسئولیت و زندگی خود درست و آزاده زندگی کنیم. یکی از عزاداران معتقد است هر سال عزاداری برای امام حسین (ع) زنگ هشدار است که به خود آییم و در همان محدوده مسئولیت و زندگی خود درست و آزاده زندگی کنیم.

مدیرکل تبلیغات اسلامی استان اردبیل برگزاری مراسم عزاداری را نیازمند توجه به آموزه‌های عاشورا دانست و در خصوص آئین‌های عزاداری در استان اردبیل بویژه طی روزهای پیشواز تاکید کرد: این استان برخوردار از غنای بالایی در فرهنگ عزاداری است.

حجت‌الاسلام مهدی ستوده با اذعان به اینکه در ماه‌های محرم و صفر مراسمات متعدد عزاداری برگزار می‌شود، اضافه کرد: اگر از آموزه‌های اصیل عزاداری غفلت کنیم راه به جایی نبرده‌ایم.

وی خواستار دوری از نشر خرافات در مراسمات عزاداری شد و تاکید کرد: دشمن هر لحظه رفتار ما را در نظر دارد و نباید نام عزاداری امام حسین (ع) به خرافات آغشته شود.

دسته عزاداری به مسجد شیخ کلخوران رسید. چهره‌های سرخ از اشک سر به زیر بوده و دست‌ها رو به آسمان. باز این چه ماتم است که آسمان را نیز به گریه واداشته است. باد سرد پاییزی در لابه‌لای پرچم سرخ می‌پیچد. دسته عزاداری طشت ماتم خود را به یاد تشنگان کربلا در مسجد گزارده است. زنان چادر سیاه فرزندان خود را به شجاعت و بزرگی حسین (ع) می‌سپارند. حالا دیگر کودکان نیز حال و هوای محرم را می‌فهمند.



یکی از اهالی منطقه کلخوران گفت: زمانی که رضا شاه تمامی علایم و پرچم‌های عزاداری را جمع‌آوری و آتش زد، سربازان وی نتوانستند به این پرچم دست یابند و برخلاف سایر پرچم‌ها به نسل‌های بعد هدیه شد. مرتضی احمدی اضافه کرد: دو پرچم یکی در حسینیّه و دیگری در مسجد وجود دارد که گفته می‌شود بیش از ۱۲۰ تا ۱۵۰ سال قدمت دارد و از کربلا به این محله آورده شده است.

داستان‌هایی که در خصوص پرچم شکل گرفته و برخی نیز با رنگ و بوی خاص آمیخته است موجب شده محله شیخ کلخوران دو روز مانده به ماه محرم خیل عظیم درمندان را شاهد باشد که به دنبال نذر و نیاز هستند.

دسته دسته زنانی که نذورات خود از شکلات و فطیر گرفته تا آش و شکر پنیر و نبات پخش می‌کنند حالا با شنیدن صدای عزاداری از اطراف پرچم کنار رفته و مسیر دسته را آزاد می‌کنند. پرچم ابوالفضل (ع) در بین اهالی و کسانی که به آن تمسک کرده‌اند حرمت ویژه دارد.

زمانی که رضا شاه تمامی پرچم‌های عزاداری را جمع‌آوری می‌کرد، سربازان وی نتوانستند به این پرچم دست یابند و بر خلاف سایر پرچم‌ها باقی ماندندای طبل و نی و شیپور روح هر اردبیلی عاشق ابوالفضل (ع) و امام حسین (ع) را به لریزه

درمی‌آورد. نوای طبل عزاداری بر دل‌های خفته می‌زند و دسته ماتم گرفته از عزای حسین (ع) وارد حسینیّه می‌شود.

صلوات بر محمد و آل محمد. باز این چه شورش است. پیر و جوان، کوچک و بزرگ با پیام خفته در بشارت دسته‌های عزاداری آشنا نیستند.

اینجا کسی خجل از گریستن نیست. در سوگ امام دسته عزاداری پرچم ابوالفضل (ع) را بلند کرده و تا مسجد همراهی می‌کند. در طول مسیر دسته عزاداری بیش از ۲۰۰ گوسفند از نذورات آورده شده ذبح شده است.

در آستانه ماه محرم مراسم سنتی و ۱۵۰ ساله طشت‌گذاری و تمسک به پرچم ابوالفضل (ع) در محله تاریخی کلخوران اردبیل برگزار شد. پرچمی که گفته می‌شود از گزند آتش رضاشاه در امان مانده است.



نونس بهنود

آسمان کدر صفحه سیاهی بر خط‌های باریک خورشید کشیده است. ابرهای کوچک سیاه‌رنگ هوای گریه دارد و در یک‌قدمی بقعه شیخ جبرئیل پدر شیخ صفی‌الدین اردبیلی، عزاداران دور مسجد شیخ کلخوران حلقه زده‌اند.

زن‌های چادر سیاه چادر را به دندان گرفته و با یک دست بچه‌هایشان را در فاصله نزدیک خود نگاه می‌دارند. مردها لباس عزا به تن کرده‌اند. همه اهالی محله در ماتمی بزرگ می‌گریزند و با اشک‌هایی که در سوز مهرماه گرمی را در چند لحظه می‌بازد از امام خود طلب مغفرت دارند.

دل‌ها بی‌قرار اتفاقی است که برای تعدادی اندک تازگی دارد. کمی آن طرف‌تر درب منزلی مملو از زنان چادر سیاه شده و داخل حیاط غلغله آدم‌ها جای سوزن انداختن باقی نگذاشته است.

دسته‌ای داخل اتاقک پایین خانه‌ای که امروز حسینیّه است می‌شوند و دسته‌ای دیگر با چشمان سرخ شده از اشک و استغاثه خارج می‌شوند.

● پرچمی که رضا شاه هم نتوانست بر زمین زند

گفته می‌شود در این حسینیّه یک پرچم منتسب به کربلا وجود دارد که همه‌ساله در ابتدای ماه محرم با حضور اهالی به مسجد شیخ کلخوران انتقال داده می‌شود و تا پایان ماه در مسجد باقی می‌ماند.

زن‌هایی که برای دست زدن به پرچم و نذر کردن آن حالا از هم سبقت می‌گیرند بی‌خود از حال و هوای دنیای مادی دست به دعا برداشته‌اند. این پرچمی است که از کربلا به این منطقه آورده شده و داستان جالبی در بین مردم دارد.



تهران سیاهپوش شد / تعویض پرچم گنبد حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)



پخش نوای عزاداری و سوگواری در جای جای استان تهران به گوش می‌رسد و برنامه‌های ویژه‌ای در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) از جمله نصب پرچم عزای حسینی بر فراز گنبد اجرایی شده است.



سید محمد حسن محمودی

همزمان با آغاز ماه محرم و ایام سوگواری سید و سالار شهیدان، شهرستان‌های استان تهران سیاهپوش شده و برنامه‌های ویژه در اماکن مذهبی و نقاط مختلف استان در حال برگزاری است.

در شب اول محرم، هیئات مذهبی و حسینیه‌ها در کنار مساجد، شاهد حضور پرشور عاشقان و دلباختگانی بود که تلاش داشتند تا عشق و ارادت خود را به سیدوسالار شهیدان و شهدای دشت کربلا به معرض نمایش بگذارند. عزاداران حسینی در شهرستان‌های استان تهران با پوشیدن پیراهن‌های مشکی و عده‌ای نیز با درج شعارهایی نظیر کلنا عباسک یا زینب، یا حسین (ع) و غیره در مراسم سوگواری ایام محرم حاضر شدند.

● برپایی ایستگاه‌های صلواتی همزمان با اولین شب ماه محرم

حضور نوجوانان و جوانان با پیراهن‌های مشکی در مراسم عزاداری و سوگواری محرم از جمله ویژگی‌های برنامه‌های اجرا شده در شهرستان‌های استان تهران بود، به طوری که اکثر جمعیت حاضر در حسینیه‌ها و هیئات مذهبی را آینده‌سازان ایران اسلامی تشکیل می‌دانند و این نشان دهنده آن بود که جوان ایرانی دل در گروی اهل بیت دارد.

پخش نوای عزاداری و سوگواری در جای جای استان تهران به گوش می‌رسد و برخی از عاشقان و دلباختگان به مکتب سرخ حسینی، با برپایی ایستگاه‌های صلواتی در ایام ماه محرم از عزاداران حسینی پذیرایی می‌کنند.

عاشقان و دلباختگان به مکتب عاشورا و کربلا با توزیع چای و شیر در شب اول محرم از عزاداران حسینی پذیرایی کردند و بر رونق هر چه بیشتر برنامه‌های سوگواری سید و سالار شهیدان افزودند.

حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) نیز در شب اول محرم میزبان جمع کثیری از مردم شهری و نقاط مختلف استان تهران بود که خود را از نقاط دور و نزدیک به این مکان مقدس رسانده و در برنامه عزاداری و سوگواری سید و سالار شهیدان شرکت کردند.

دستگاه بخشش و کرم است، ادامه داد: امام حسین (ع) در حادثه عاشورا یک دانشگاه ابدی تأسیس کرد که همچنان این دانشگاه زنده و پویا است.

رییس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان ورامین یادآور شد: شهدای انقلاب اسلامی و شهدای دفاع مقدس نیز با تأسی و پیروی از مکتب سرخ حسینی، برای دفاع از ارزش‌ها و اصول اسلامی از بهترین سرمایه‌های خود گذشتند.

وی ادامه داد: امروز نیز شهدای مدافع حرم به عنوان مهمترین و برجسته‌ترین شاگردان مکتب عاشورا و کربلا شناخته می‌شوند که با تقدیم خون مطهرشان، به امام حسین (ع) و شهدای دشت کربلا اقتدا کردند.

● ادامه دادن راه عاشورا وظیفه همه دوستداران امام حسین (ع) است

حجت الاسلام حسین قدوسی نژاد، کارشناس مذهبی اظهار داشت: هرکس مکتب سرخ حسینی را دوست دارد، باید در مسیر عاشورا و کربلا حرکت کند.

وی افزود: نمی‌توان امام حسین (ع) را دوست داشت اما در مسیر باطل حرکت کرد و برگزاری مراسم عزاداری و سوگواری با هدف شناخت حرکت امام حسین (ع) و پیاده سازی سیره آن حضرت در زندگی خود است.

قدوسی نژاد یادآور شد: باید برنامه‌های سوگواری و عزاداری سید و سالار شهیدان با شور و شعور برگزار شود که این امر برکات متعددی را برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت.

● برگزاری آیین تعویض گنبد حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

آیین تعویض پرچم گنبد حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) نیز در ایام محرم با حضور جمع کثیری از مردم متدین و انقلابی استان تهران برگزار و پرچم حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بر فراز این حرم نورانی نصب شد. به گفته مسئولان، قرار است تا پرچم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) تا پایان ماه صفر و به مدت دو ماه بر فراز حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) نصب باشد. همچنین در ایام ماه محرم برنامه‌های ویژه‌ای از سوی آستان مقدس حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) با حضور سخنرانان و ملاحین اهل بیت عصمت و طهارت برگزار می‌شود.

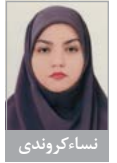
● امام حسین (ع) تأسیس کننده یک دانشگاه ابدی بود

حجت الاسلام رضا غلامی، رییس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان ورامین اظهار داشت: امام حسین (ع) با حرکت تاریخی خود، یک میزان مشخص را برای مسیر حق و باطل مشخص کرد.

وی با اشاره به این نکته که باید همه مسیر و خط حرکتی خود را مشخص کنند، افزود: نمی‌توان هم یزیدی زندگی کرد و هم با امام حسین (ع) بود و باید همه در این راه، مسیر و خط حرکتی خود را روشن کنند. غلامی با تأکید بر این نکته که دستگاه امام حسین (ع)،



حفظ سنت‌های عزاداری در بوشهر / از گهواره‌های علی اصغر تا واحد و یزله



با فرارسیدن محرم، نقاط مختلف استان بوشهر سیاه‌پوش شده و مراسم سنتی عزاداری استان بوشهر با حضور گسترده مردم در حال برگزاری است.

نساء گروندی



ماه محرم همیشه با شور و شعور فراوانی همراه است و در این ماه مردم به‌ویژه جوانان برای برپایی هیئت‌ها به جنب و جوش می‌افتند.

آئین دو ماه عزیز محرم و صفر در استان بوشهر با سایر مناطق کشور متفاوت است چرا که برنامه‌ها برگرفته از آیین‌های سنتی است که سینه به سینه آمده و بزرگان استان اجازه فراموشی آن را نداده‌اند، سنت‌های زیبایی که سالانه مهمان‌های زیادی را برای شرکت در آن به استان بوشهر می‌کشاند.

در شهر بوشهر، چهار محله قدیم مرکز برگزاری آیین‌های سنتی است و هیئت‌ها و حسینیه‌های شاخصی دارد در شهر بوشهر، چهار محله قدیم مرکز برگزاری آیین‌های سنتی است و هیئت‌ها و حسینیه‌های شاخصی دارد که پیش از آغاز محرم فعالیت‌های خود را آغاز می‌کنند.

سیاه‌پوشی و آماده‌سازی محل برگزاری مراسم اولین فعالیت‌های تیم برگزاری مراسم است که توسط جوانان محل برگزار می‌شود.

● لالایی زنان پای گهواره حضرت علی اصغر (ع)

یکی از آیین‌های ویژه بانوان در این ماه آماده‌سازی گهواره نمادین حضرت علی اصغر (ع) است که با پارچه‌های رنگی زیبا تزیین می‌شود و زنان در روزهای منتهی به عاشورا همگام با حضرت رباب گهواره را تکان می‌دهند و لالایی برای کوچکترین سردار کربلا می‌خوانند.

مادران کودکان خود را برای شفا و بیمه حضرت علی اصغر در گهواره می‌گذارند و با دعاهای عزاداران همراه است.

روز عاشورا گهواره نمادین حضرت علی اصغر (ع) به نشانه شهادت ایشان سیاه پوش می‌شود.

آیین‌های بسیاری ویژه بانوان از ابتدای محرم وجود دارد که می‌توان به حجله قاسم، شمع زنی، طفل صغیر و صبحدم اشاره کرد.

● آیین‌های محرم درس زندگی است

یکی از خادمین مراسم محرم در گفت و گو با مهر اظهار داشت: ماه محرم و صفر مانند یک دوره دو ماهه خودسازی و تربیت جامعه است.

فاطمه زارع عنوان کرد: همچنان محرم و

صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است چرا که فرزندان ما در این دو ماه زیر پرچم اما حسین (ع) می‌آموزند صبر، ایستادگی بر ارزش‌ها، خانواده‌داری، انس با ائمه و بسیاری از رفتارها و خصایص خوب یک فرد مسلمان.

وی با بیان اینکه جوانان ما زیر بیرق امام حسین (ع) تربیت می‌شوند و آموزش می‌بینند گفت: مراسم محرم علاوه بر نشان دادن ارادت ما به ائمه معصومین (ع) آموزش سبک زندگی نیز است.

● اجرای طرح بصیرت عاشورایی

مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان بوشهر در گفت و گو با مهر بیان کرد: آگاهی‌سازی یکی از اهداف این اداره کل است و در این راستا طرح بصیرت عاشورایی در استان بوشهر در ماه‌های محرم و صفر برگزار می‌شود.

صرف شرکت در مراسم محرم کافی نیست بلکه باید در خصوص ابعاد مختلف قیام عاشورا صحبت شود حجت الاسلام مرتضی محمدیان خاطر نشان کرد: صرف شرکت در مراسم محرم کافی نیست بلکه باید در خصوص ابعاد مختلف قیام عاشورا صحبت شود تا موجب آگاهی و بصیرت‌افزایی در جامعه شود.

وی عنوان کرد: محرم یکی از ماه‌های ارزشمند ترویج فرهنگ‌ها و رفتارهای خوب انسانی و اسلامی است و به همین منظور برگزار کنندگان مراسم محرم وظیفه سنگینی بر عهده دارند.



نوحه‌ها به اوج می‌رسد نوحه خوان پس از مکشی که حدود ۱۰ تا ۱۲ ضربه سینه زنی به طول می‌انجامد با گفتن «واحد» دستوری را برای سینه زن‌ها صادر می‌کند.

سینه زن‌ها که پیش از این همزمان و با جلو و عقب بردن پاها (برای دور خوردن) بر سینه‌های خود می‌کوبیدند، به پیروی از دستور واحد فقط یک بار آن هم با جلو آوردن پاهای راست به سینه زنی می‌پردازند و به این ترتیب ضربه‌های سینه زنی به نصف تقلیل می‌یابد.

واحد، اوج هیجان در مراسم عزاداری است. در این زمان فقط نوحه خوان است که می‌خواند و سینه زن سینه می‌زند ولی چیزی نمی‌خواند همه در شور و جذبه‌ای فرو می‌روند که حتی ضربه‌های دردناک دست بر روی سینه را احساس نمی‌کنند یا حتی به حالت غش و اغما می‌افتند.

● یزله

یزله یکی از رسوم دیرین مردم استان بوشهر به‌ویژه در ایام محرم است که به شیوه‌ای خاص و شورانگیز اجرا می‌شود یزله یکی از رسوم دیرین مردم استان بوشهر به‌ویژه در ایام محرم است که به شیوه‌ای خاص و شورانگیز اجرا می‌شود. این مراسم

پس از سینه زنی سنتی اجرا می‌شود. نحوه انجام آن بدین صورت است که افراد با گرفتن کمر فرد جلو (مانند قطار بازی بچه‌ها)، تشکیل یک قطار انسانی داده و با ضرب آهنگ شعر یزله، به نرمی قدم برداشته و به جلو می‌روند.

در مراسم عزاداری، گروه پس از طی مسافتی ایستاده و دایره وار و خمیده به سمت مرکز، با ریتم یزله شروع به سینه زنی می‌کنند که اشعار و نوحه‌هایی که در این مراسم می‌خوانند بستگی به زمان آن مراسم دارد.

مثلاً در شب تاسوعا همه با هم می‌خوانند «شب تاسوعاست امشب» و تک خوان در جواب می‌گوید: «کربلا غوغاست امشب» حتی به این مراسم در گفتار عامیانه (هیامطلوم) هم گفته می‌شود.

● بوشهر برای محرم سیاه‌پوش شد

مدیرعامل سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری بوشهر عنوان کرد: آماده‌سازی محیطی و محرمی کردن چهره شهر یکی از وظایف این سازمان است که امسال با کمک هیئت‌های مذهبی انجام می‌شود. فاطمه صفری زاده در ادامه گفت: برگزاری برنامه‌های جمعی در شهر از دیگر برنامه‌های این سازمان در ماه محرم است. وی به برپایی موبک‌های مختلف در شهر اشاره کرد و گفت: برنامه‌های مختلف برای سنین مختلف خود موجب شور و هیجان در بین مردم خواهد شد.

خیمه‌های برافراشته آیین ۴۰۰ ساله مردم زرقان / شهری که قلب تعزیه شد



هادی فتحی

خیمه‌های برافراشته در شهر زرقان فارس آیینی کهن است که قدمت آن به دوره صفویه می‌رسد و هر ساله مردم این شهر در این خیمه‌های تاریخی به سوگواری محرم و صفر می‌پردازند.



مردم زرقان همه ساله همزمان با ۲۷ ذیحجه که به روایتی سالروز شهادت مسلم بن عقیل (ع) است، با حضور در سه حسینیه شهر، مراسم برافراشتن خیمه‌های عاشورایی را طی سنتی دیرین برگزار می‌کنند. مراسم سنتی برافراشتن خیمه‌های عاشورایی در سه حسینیه حیدر، ولیعصر و امام سجاد (ع) زرقان بنا به سنتی ۴۰۰ ساله برگزار می‌شود و اهالی هر محله با حضور در حسینیه محله خود، خیمه‌های عاشورایی بلند قامتی را بر حیاط حسینیه‌ها برافراشته می‌کنند.

حسینیه‌های زرقان که هر کدام قدمتی به تاریخ حکومت صفویه دارد، هر ساله در ۲۷ ذیحجه از اذان صبح میزبان خیل مشتاقان سالار شهیدان است، که بعد از اقامه نماز صبح و قرائت زیارت عاشوراء، بر بام هر حسینیه ساز عزا می‌نوازند و مقدمات برپایی خیمه‌های عاشورایی را فراهم می‌کنند. خیمه‌های عاشورایی به وسعت بیش از ۵۰ مترمربع و به بلندی بیش از ۱۲ متر است که بر ۶ ستون چوبی محکم استوار و مزین به پرچم سرخ «یا حسین» شده و برای برافراشتن هر کدام به بیش از ۱۵۰ مرد تنومند نیاز است. برای برپایی خیمه‌های عاشورایی ابتدا ستون‌های چوبی را به صورت ۴۵ درجه بر دیوار حسینیه بالا می‌کشند و پایه هر ستون را در محل استقرار خود قرار داده و خیمه را بر روی آن پهن می‌کنند.

به هر طرف هر خیمه بیش از ۱۲ طناب بلند و محکم آویزان است، که مردان تنومند زرقانی، آنها را از سمت دیگر بام حسینیه با فریادهای «یا حسین»، «یا علی» و «یا زینب» می‌کشند تا ستون‌های خیمه‌ها به صورت عمودی در جای خود قرار گیرد و در انتهای طناب‌های نگهدارنده به بخشی از سازه‌های حسینیه گره خورده و محکم می‌شوند. بلندترین خیمه متعلق به حسینیه حیدر در شرق شهر زرقان است، که به سردار حیدر از فرماندهان لطفعلی خان

شهر زرقان به صورت مستمر، باشکوه و مردمی برگزار می‌شود.

بهباد مریدی افزوده بود: این سنت مردم شهر زرقان فارس که به تازگی در فهرست آثار معنوی کشورمان نیز ثبت ملی شده است سابقه چند صد ساله تاریخی دارد و نکته مهم این برنامه مردمی بودن آن است به طوری که تمام هزینه‌های این برنامه را مردم این شهر تأمین می‌کنند.

وی با بیان اینکه جریان عاشورا برای همه مردم دنیا ارزشمند و ماندگار است بیان کرد: این مراسم سنتی در شهر زرقان هر ساله با حضور بسیاری از جوانان و نوجوانان این خطه برگزار می‌شود که این نشان از زنده بودن و پویایی حادثه عاشورا دارد.

● زرقان قلب تعزیه کشور

مریدی اظهار داشت: شهر زرقان از دیرباز قلب تپنده تعزیه در کشور است که هر سال در ماه محرم و صفر برنامه‌های ویژه کشوری در بخش هنر تعزیه در این شهر برگزار می‌شود.

جریان عاشورا پیروزی حق بر باطل است و امام حسین (ع) نماد آزادی، ایثار و مقاومت استوی اضافه کرد: به دلیل اینکه هنر تعزیه در فارس و شهر زرقان یکی از هنرهای مورد توجه جدی مردم است در چند سال اخیر سوگواره تعزیه با حضور تعزیه‌خوانان کشوری در سطح ملی در زرقان برگزار می‌شود که امسال نیز این برنامه در این شهر اجرا خواهد شد.

مریدی ادامه داد: جریان عاشورا پیروزی حق بر باطل است و امام حسین (ع) نماد آزادی، ایثار و مقاومت است که این مفاهیم مهم در فرهنگ عاشورا و امام حسین (ع) باید برای نسل امروز و جوان تبیین شود و ایام محرم و صفر بهترین زمان برای فرهنگ سازی دینی و ارتقای سطح دینی و معنوی مردم جامعه است.

شهر زرقان از توابع شهرستان شیراز است که در فاصله ۲۵ کیلومتری شهر شیراز قرار دارد.

زند منسوب است و برای بلند کردن آن از جرقیل و بالابر استفاده می‌کنند، بر روی خیمه‌ها نقوشی وجود دارد اما کسی اطلاع دقیقی از سابقه تولید آنها ندارد، در عین حال آثار متعددی از مرمت و کهنگی بر هر خیمه قابل مشاهده است.

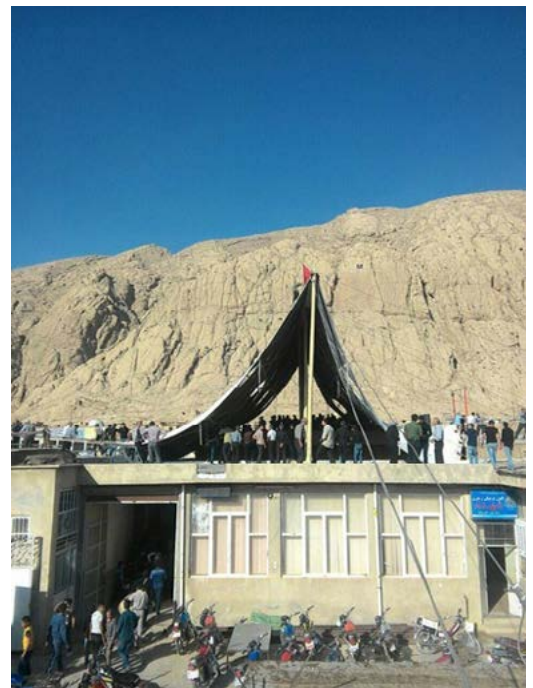
این خیمه‌ها تا ۱۳ محرم برپاست و صبح‌ها مراسم قرائت زیارت عاشورا و روضه خوانی، ظهرها مراسم تعزیه و شامگاه مراسم زنجیر زنی و سینه زنی در خیمه‌های عاشورایی دایر می‌شود و روز ۱۳ محرم نیز خیمه‌های عاشورایی جمع می‌شود. مردم زرقان تا پایان ماه صفر لباس سیاه برتن دارند. این مراسم در سال ۱۳۹۱ توسط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با شماره ۶۵۷ به ثبت ملی رسیده است.

از دیگر برنامه‌های این آیین، اطعام شهروندان و ذبح گوسفند و طبخ آش سنتی زرقان و توزیع نذری است.

مردم زرقان روز هفتم محرم را متعلق به ساحت حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌دانند علاوه بر این مردم زرقان روز هفتم محرم را متعلق به ساحت حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌دانند و طی آیین سنتی دیگری مراسم جمع آوری علم و پرچم‌های حسینی از خانه‌های عزاداران با حضور هیئت‌های عزاداری انجام شده و علم و پرچم‌های جمع آوری شده به هر یک از این حسینیه‌ها منتقل می‌شود.

همزمان نیز برخی اهالی با ذبح گوسفند و اهدای کله قند فرزند خود را به کسوت خادمی حسینیه محله خود و عزاداران حسین درآورده و به گفته خود اهالی زرقان به کسوت «سقای» در می‌آورند و از آن پس فرزندان به خیل خادمان حسینیه و عزاداران امام حسین (ع) می‌پیوندند.

پیش از این مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس از جریان برپایی این خیمه‌ها گفته بود که سالهاست مراسم عزاداری امام حسین (ع) در





جدا کرده است وجود هیئت‌های عزاداری مختلف و محلی است در حالیکه برخی استانهای کشور در یک محل و زمان خاص تجمع می‌کنند و مراسم خود را انجام می‌دهند. در این میان روز گذشته نیز پرچم حرم مطهر احمادی و محمدی (ع) و حرم مطهر سیدعلاءالدین حسین (ع) شیراز نیز تعویض شد.

برنامه‌های مختلفی نیز در حرمین برگزار می‌شود.

سومین حرم اهل بیت (ع) سیاهپوش شد / کاروان سینه زنان راه افتاد

عزاداری برای اهل بیت (ع) برای مسلمان و به خصوص ایرانیان از چند صد سال پیش تا کنون با شور و اشتیاق فراوان ادامه دارد اما در این راستا عزای حسین (ع) را باید بزرگترین گردهمایی مذهبی دنیا دانست زیرا از نونهال در این مراسم دیده می‌شود تا سالخوردگان که بزرگان مجلس هستند.



هادی فتوحی

استان فارس هم در کنار دیگر استان‌های کشور سابقه طولانی در برگزاری مراسم عزاداری دارد. گوشه و کنار استان فارس سنت‌های مختلف عزاداری طی دهه اول محرم را شاهد هستیم که هر کدام سابقه چند صد ساله دارند. سینه زنی قطاری مردم شیراز، چک چکو و چارچو گردانی،

عزاداری روستای دوان، تعزیه کشور در روستای صحرا رود فسا، خیمه‌های زرکان و... از جمله سنت‌ها و برنامه‌های مردم استان فارس است. اما در این راستا آنچه که بیش از همه جلب توجه می‌کند حضور نوجوانان و جوانان در این مراسم است که با راهنمایی بزرگان انجام می‌شود که این مهم در شیراز به نام سینه زنی قطاری معروف است که متأسفانه امروز تنها در یکی از مساجد قدیمی شیراز برگزار می‌شود. البته در این راستا سینه زنی‌های مختلف در مقابل دسته‌های زنجیر زنی وجود دارد که هر کدام متناسب با نوع نوحه سربایی مداح اتفاق می‌افتد. آنچه شیراز را از بقیه کشور در مراسم عزاداری محرم

طنین نوای یا حسین (ع) در بام ایران / اعزام مبلغ به تمام نقاط شهرستان

ارزش‌های دینی و مذهبی در این ایام تأکید کرد و گفت: مبلغین با تلاش خود زمینه‌های تبلیغی بیشتری را فراهم خواهند ساخت.

حجت الاسلام مختاری نیا اضافه کرد: همچنین ۲۳۰ هیئت مذهبی همزمان با ماه محرم در راستای توسعه فرهنگ حسینی و اشاعه ارزش‌های دینی در جامعه در طی این ماه فعالیت می‌کنند.

وی گفت: در طی ماه محرم ۲۰۰ مداح نیز در تمام نقاط شهرستان به مدیحه‌نمایی در رثای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می‌پردازند.

وی با بیان اینکه اولویت‌های تبلیغی، تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر باشد، عنوان کرد: بعد از امر به معروف بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری افزایش جمعیت باید مد نظر روحانیون و مبلغین بوده و سخنرانی‌های محوری در این راستا به مردم ارائه دهند.

حجت الاسلام مختاری نیا با بیان این که قیام حسینی حرکتی ماندگار برای رهایی از ظلم و ستم بوده است، گفت: این قیام ارزنده درسی ماندگار را برای همه جامعه بشری به یادگار گذاشته است و آن در این است که باید در راه مبارزه با ظلم و ستم و احیای ارزش‌ها تلاش کرد.

وی ماه محرم را فرصت مناسبی برای تبیین فلسفه قیام عاشورا و اهداف امام حسین (ع) در جامعه برشمرد و افزود: یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اهداف قیام عاشورا مسئله امر به معروف و ترویج فرهنگ نماز بوده است. رئیس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان بیجار در پایان یاد آور شد: باید سعی کنیم با اجرای برنامه‌های مناسب به تبیین اهداف عاشورا و شخصیت حضرت زینب کبری بپردازیم.



از جمله اماکن مذهبی که در آن مراسم عزاداری سیدالشهداء بسیار باشکوه از گذشته تا به حال برگزار می‌شود، می‌توان به حسینیه شهر، مسجد جامع، مسجد سیدالشهداء و امامزادگان شهرستان اشاره کرد.

● اعزام ۲۰۰ مبلغ به تمام نقاط مختلف شهرستان بیجار

حجت الاسلام جلیل مختاری نیا رئیس تبلیغات اسلامی شهرستان بیجار، ضمن تسلیت به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم از اعزام ۲۰۰ مبلغ در دهه اول ماه محرم الحرام به مناطق مختلف شهرستان خبر داد. وی افزود: این مبلغین به تمام نقاط شهرستان حتی روستاهای دور دست و کم جمعیت نیز اعزام می‌شوند و مراسمات عزاداری حسینی در جای جای این شهرستان با شور و حال ویژه و خاصی برگزار می‌شود.

رئیس تبلیغات اسلامی بیجار بر فراهم ساختن زمینه‌های و ظرفیت‌های تبلیغ

نوعی نشان می‌دهند که همچنان داغ اباعبدالله در دل هایشان زنده است. در شهرستان بیجار همه ساله آیین‌های محرم و عاشورا با شور و حال معنوی خاصی برگزار می‌شود و مشتاقان زیادی از سراسر کشور به این شهرستان می‌آیند. اوج آیین‌های عزاداری در این شهرستان در ماه محرم و به خصوص دهه اول این ماه است که آیین گل گیران آن اوج غم و اندوه مردم این دیار را در غم واقعه عاشورا به نمایش می‌گذارد و دل هر عزادار حسینی را به درد می‌آورد آیینی که در آن تنها عشق به اباعبدالله الحسین است که به نمایش در می‌آید.

در روز گل گیران حسینی در بیجار از جوان و پیر می‌آیند تا بگویند غم از دست دادن حسین ابن علی همچنان زنده است و مردم هنوز حادثه عظیم کربلا را از یاد نبرده‌اند. صبح عاشورا از هر شهر و مکانی مردم جمع می‌شوند تا ببینند گل گیران با پاهای برهنه چگونه در غم اربابشان اشک ماتم می‌ریزند.

ماه ذی الحجه که به پایان می‌رسد شور و حال خاصی فضای شهر را فرا می‌گیرد از گوشه و کنار شهر نوای یا حسین یا حسین به گوش می‌رسد و همه در تدارک برای برگزاری آیین‌های عزاداری هستند.



سمیه رمضان نیا

باز عطر محرم در هر کوی و برزن پیچید و دل‌های شیدارا به ادراکش فراخواند. عشق به امام حسین (ع) دلیل و برهان نمی‌خواهد، این عشق عقل ظاهرین را پس می‌زند، گویی عشق و محبت به حسین (ع) را با خاک و گل انسانها سرشته‌اند، موج موج سیاهپوش عزادار، زیر خیمه حسین (ع) تماشایی است.

محرم که آغاز می‌شود همه جا رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد همه در تدارک برگزاری مراسم عزاداری در شان ابا عبد الله الحسین (ع) هستند. اینجا در بلندترین نقطه ایران زمین مردم ولایت‌مدار و مومن بیجار در تهیه و تدارک برپایی خیمه‌های عزاداری حسینی هستند و تمام خانه‌ها پرچم‌های ماتم خود را بر سردرب خانه‌هایشان آویخته‌اند و عشق و ارادت خود را به ابا عبدالله الحسین (ع) نشان می‌دهند.

ماه محرم و صفر از ارزش و جایگاه بسیار بالایی برخوردار است به گونه‌ای که در طی این دو ماه در شهر بیجار هیچ گونه مراسم جشن و شادی برگزار نمی‌شود و مردم پرچم‌های سیاه را بر فراز خانه‌هایشان همچنان نگه می‌دارند و به

شیپورهای محرم می نوازند / خرمشهر یکپارچه به رنگ عشق در آمد



میدان «مطهری» که مردم خرمشهر هنوز تغییر نامش را باور نکرده و فلکه «الله» صدایش می کنند، این روزها به طور زیبایی، محرمی شده است. خیلی چیزها سیاه رنگ است حتی شیپور عماد.



سیده فاطمه هالات

عماد پسر ۱۰، ۱۲ ساله ای است که در فلکه «الله» شیپور می فروشد. عماد یک نفس در شیپورش می دمدم صدای شیپور عماد، شبیه صدای شیپورهای جنگی است که در فیلم های قدیمی برای آغاز جنگ به صدا درمی آید. اما شیپورهای عماد، بزرگ و طلاایی رنگ نیستند بلکه لوله ها و یا قطعه هایی از شلنگ سیاه رنگی هستند (و یا با رنگ سیاه رنگ آمیزی شده) که به صورت نیم دایره در هم قلاب شده و بر سر آنها یک بوق پلاستیکی نصب کرده اند و حالا شده اند شیپورهای دست سازی که عماد هر کدام را ۱۵ هزار تومان می فروشد.

«عماد» بیان می کند: خودم این شیپورها را درست می کنم، کسی روش ساختش را یادم نداد. دیدم و یاد گرفتم. آن طور که عماد می گوید چهار سال است که هر محرم شیپور درست می کند و می فروشد.

وی می افزاید: «بیشتر، جوان ها می خردند» از او می پرسیم جوان های هم سن و سال تو؟ خنده ریزی می کند: «نه!» و به مردی حدوداً ۲۶ ساله که کناری ایستاده و به گفت و گویمان گوش می دهد اشاره می کند و می گوید: «هم سن این آقا، اما بزرگترها هم می خردند».

عماد، لباس های سیاه بر تن دارد و از چهره اش معلوم است از آن دست مردم قانع خرمشهری است، می پرسیم کاسبی خوب است؟ راضی هستی؟ و باز می خندد: بله خدا رو شکر، برای شما ۱۰ هزار تومان هم حساب می کنم...

● بازار گرم خرید محرم

باد، گوشه پرچم دستفروشی که رو به روی پاساژ طلا فروش ها پرچم و سیاهی بساط کرده را تکان می دهد و او با قلمه سنگی کوچک ثابتش می کند. شاید او جزو معدود نفراتی است که برای جلب مشتری فریاد نمی زند اما همه این روزها سراغش می آیند و قیمت می پرسند.

عمر هر محرم سیاه بپوشد. می پرسیم او حسین را می شناسد؟ می گوید: بله تازه زبان باز کرده اما اسم حسین را درست می گوید. خودش اصرار کرد برایش پرچم بخرم.

«ام محمد» اظهار می کند: گاهی با زبان کودکانه برای پسر کوچکش حامد از امام حسین (ع) تعریف می کند و می افزاید: لباس های سیاهش را در روزه ها می پوشید گاهی با من و گاهی با پدرش به مراسم عزاداری می رود و بلند است سینه بزند و به پسرش می گوید «ماما حامد الطم علی الحسین» (حامد؛ مادر، برای حسین سینه بزن) و کودک دست کوچکش را بلند می کند و بر سر میزند و می خندد و شروع می کند به پریدن (تقلید از یکی از روش های عزاداری مردان عرب خوزستان).

او حالا به پسر بزرگترش محمد که پنج ساله است اشاره می کند و می گوید: این یکی پسر هم امسال در ساختن تکیه به بچه های محل کمک کرد و قرار است در هنیت خادمی کند.

● فروش سیاهی برکت دارد

وارد بازار روز می شوم-بازاری که همراه با هر فصل تغییر ماهیت می دهد. با عید نوروز پر می شود از سین های سفره هفت سین، عید فطر پر می شود از آجیل و شیرینی، و محرم که می شود پر می شود از سیاهی. دستفروش ها عمدتاً بساطی از سیاهی پهن کرده اند. لباس های سیاه، روسری و شال سیاه. از سقف بازار هم، لباس های سیاه آویزان است.

در برخی بساط ها وسایل عزاداری از جمله زنجیر و طبل، سربندها و پرچم های کوچک به فروش می رسد و در برخی دیگر هم بیرق و پارچه های سیاه. «داود» که دهه چهارم عمر خود را سپری می کند معتقد است این تجارت پرسودی است و می گوید: فروش وسایل عزاداری برکت عجیبی دارد. درآمدی که از فروش این وسایل بدست می آید با فروش روزهای دیگر قابل مقایسه نیست.

بیرون از بازار هم حالا وهوای دیگری دارد و بازار دیگری برپاست. بازار گرم محرم.

در این بازار همه چیز از خوردنی و نوشیدنی عرضه می شود. بازاری که با نورهای رنگی هم مشتری هایش را جلب می کند و عمدتاً فروشندگان ارادات عرضه می کنند و خریداران عاشقی.

چند قدم جلوتر جوانی دیگر سی دی هایی را بساط کرده و صدای نوحه هایش فضا را پر کرده است. خیلی نیاز نیست جلوتر بروی تا جمعی که به دنبال رخت عزا هستند سد راحت شوند. انگار نه انگار چند روزی هست که از آغاز ماه محرم می گذرد که در ارزان سرای شهر جای سوزن انداختن نیست.

زنی برای پسر بچه خود به دنبال بلوزی مشکی است، با کنار زدن جمعیت و با زحمت یکی را انتخاب می کند که با خطی سبز و زیبا روی آن «یا حسین» نوشته شده است. پرچم سبز کوچکی که در دست دارد همینطور کیسه پلاستیکی شفافی که در آن یک سربند و لباس سبز به چشم می خورد را به پسر پنج ساله اش می دهد تا بلوز را بر پسر دو ساله خود اندازه کند.

● پسر ۲ ساله ام حسین (ع) را می شناسد

سراغش می روم، می پرسیم برای چه لباس سیاه برای پسرت می خری، با تعجب نگاهم می کند انگار که حرفی کفرآمیز زده باشم. سوالم را طور دیگری می پرسم. پاسخ می دهد: برای امام حسین (ع)، برای اینکه یاد بگیرد تا آخر



آئین ۶۰۰ ساله در اردبیل؛

طشت گذاری؛ آئین پرسوز مردم اردبیل در تداعی حماسه سقای کربلا

چو نامردانه امام حسین (ع) در مقابل سپاه حر می باشد که به روایتی آن حضرت، در روز ۲۷ ذیحجه، آب مشک ها را در طشت ها ریخته و تمام لشکر حر و اسبان آنها را سیراب نمودند.

یکی از پژوهشگران و محققان استان اردبیل در این خصوص با اشاره به جایگاه ارزشمند شیعی و حسینی این استان گفت: اردبیل سهم بسزایی در اعتلای فرهنگ و تمدن شیعی و علوی کشور داشته و این شهر از جایگاه و پایگاه خاصی در تشیع و مکتب علوی برخوردار می باشد، چنانچه اردبیل بیش از ۶۰۰ سال در عزاداری سابقه دارد.

بیوک جامعی با بیان اینکه مداحی ها و آیین های حسینی این شهر همواره الگوی سایر نقاط کشور بوده است، افزود: اردبیل با داشتن سه خصیصه در عزاداری خود توانسته است فرهنگ ۶۰۰ ساله عزاداری خود را حفظ کند که در این میان اخلاص، داشتن نظم و نیز خود جوش بودن آیین های محرم از جمله این خصایص است.

وی با اشاره به اخلاص عزاداری مردم آذربایجان و اردبیل تصریح کرد: نظمی که در عزاداری اردبیل وجود دارد به طور مطلق در هیچ جا تعریف شده نیست و آیین ها این منطقه نه تنها قابل تغییر نیستند، بلکه در طول شش قرن گذشته با کمترین تحریف دنبال شده‌اند.

مهمترین پایه نظم و ترتیب عزاداری های اردبیل، تقسیم بندی محلات است. به این ترتیب که شهر اردبیل، از قدیم به شش محله در قالب سه محله حیدری و سه محله نعمتی تقسیم شده است. در بین این محلات، یک محله نقش بزرگتر و یکی نقش میانه و دیگری نقش کوچکتر دارد. وی اردبیل را یکی از پرسابقه ترین مناطق ایران در برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) می داند.

● برگزاری آئین طشت گذاری در ۴۱ مسجد اردبیل

محلات حیدری عبارت هستند از «تاوار» که برادر بزرگتر است، «وچ دکان» برادر متوسط و «پیر عبدالملک» برادر کوچکتر. در محلات نعمتی نیز، «گازران» برادر بزرگتر است و «سرچشمه» برادر متوسط و عالی قاپو برادر کوچکتر. دیگر مساجد و محلات شهر نیز به عنوان زیر شاخه این شش مسجد و محله طبقه بندی می شوند و هر کدام دسته عزاداری مشخص و مجزا دارند.

به این ترتیب به جز روز اول و نهم محرم و یک روز جمعه



آغاز و هر روز در دو محله شهر مراسم طشت گذاری برگزار می شود. در روز اول در محلات «طوی» و «اونچی میدان»، روز دوم محله «اوچدکان» و «سرچشمه» و در آخرین روز از ماه نیز مراسم طشت گذاری در دو محله «پیر عبدالملک» و «عالی قاپو» انجام می شود.

به این صورت که دسته های زنجیرزنی و سینه زنی با نوحه سرایی و نواختن طبل و شیپور و حمل علمهای عزاداری، به یاد تشنگان کربلا مشکی را پر از آب کرده و آن را به همراه طشتهای از جنس برنز یا مس که به طور معمول بر دوش ریش سفیدان هر محله حمل می شود، به مسجد می برند و بعد از طواف مسجد طشتهای در جای مخصوص خود قرار گرفته و با خواندن دعای مخصوص، طشت گذاری پر از آب می شود. از آب این طشتهای، بیشتر حاضران و عزاداران به عنوان تبرک و جهت برآورده شدن حاجاتشان بر می دارند.

● آئین طشت گذاری اردبیل در کشور الگوست

در فرهنگ عاشورا و در توضیح بیشتر این سنت آمده است: این سنت به ناسی از اقدام سالار شهیدان و یادآور رفتار

«طشت گذاری» یا «طشت گردانی» با بیش از ۶۰۰ سال قدمت از آئین های مختص اردبیل است. آئینی که برای میزبانی از نماد مشک سقای کربلا و آغازی پرسوز و رازبرای ایام محرم برگزار می شود.



محمد میرزایی
ناطق

یکی از آئین های سنتی عزاداری ماه محرم در اردبیل مراسم سنتی طشت گذاری است، این آیین همزمان با بیست و هفتم ذیحجه و از سه روز مانده به محرم در تمام مساجد، محلات، امازاده ها، حسینیه ها و برخی منازل اردبیل با آداب خاص و همراه با عزاداری و تعزیه برگزار می شود.

واقع کربلا و بسته شدن فرات به روی امام حسین (ع) و یارانشان و ایثارگرهای سقای کربلا برای رساندن آب به تشنگان و حماسه آفرینی یارانی که با لبانی تشنه، شهد شهادت را نوشیدند، به یقین قداست و جایگاه والای آب را در فرهنگ شیعیان و به خصوص ایرانیان که از دیرباز نیز از جایگاه خاص و معنوی برخوردار بوده، عمق و وسعت بسیاری بخشیده است تا جایی که انعکاس این امر را در فرهنگ مردم و به خصوص در شکل گیری آداب و رسوم و آئینها شاهد هستیم.

رسم طشت گذاری یا طشت گردانی نیز از جمله مراسمی است که می توان طبق این آیین ها معرفی کرد که منسوب به شهر اردبیل به طور خاص و مردم آذربایجان به طور عام است. در این آئین، طشت نماد مشک سقای کربلا، آب، رود و نماد فراتی است که به روی حسین (ع) و یارانش بسته شد.

در اردبیل قدیم این رسم از بیست و هفتم ماه ذیحجه و با برگزاری مراسم طشت گذاری در مسجد جامع این شهر آغاز می شد و از روزهای بعد مساجد دیگر نیز به نوبت طشت گذاری و طشت گردانی می کردند. امروزه نیز این مراسم با اندک تغییراتی در چندین روز با شور و حال خاصی برگزار می شود.

عزاداری ایام محرم در اردبیل با مراسم طشت گذاری



پنجشنبه به اول ماه محرم بعد از نماز ظهر و عصر برگزار می‌شود.

به گفته ریش سفیدان این روستا یکی دو روز قبل از برگزاری مراسم طشت گذاری، طشت مورد نظر را از مسجد برداشته و بعد از تمیز و معطر کردن، پارچه سیاه روی آن می‌کشند. در روز طشت گذاری نیز پس از نوحه و روضه مردم به صورت دسته جات منظم با برداشتن طشت گذاری از مسجد، آن را با آیین خاصی در دو نقطه و در منزل دو نفر از قدیمی‌های روستا می‌گردانند.

در این آیین دسته جات در دو ستون منظم که بیرق‌های عزاداری در جلوی آن قرار دارد به حرکت درآمده و هر کدام از این ستون‌ها با زمزمه «شابت» یا سر دسته ستون و با صدای بلند، یک ستون «حسین» و در جواب آن ستون دیگر «مظلوم» می‌گویند و به همین ترتیب تا خانه حاوی طشت این مسیر پیموده می‌شود و در آنجا با ذکر مصیبت کوتاه، طشت عزا برداشته شده و از مسیر دیگر به سوی مسجد حرکت می‌کنند.

● تبدیل آیین طشت گذاری به کنگره بزرگ عزاداری ملی

در طول مسیر، طشت توسط اهالی بدرقه و در عزای آن طلایه داران آزادی و مردانگی، اشک ریخته و نذورات خود را پس از زیارت طشت به داخل آن می‌ریزند و یا بیشتر مردم نذرات قربانی خود را جلوی طشت و دسته عذار ذبح کرده و پس از ذکر مصیبت همه رو به قبله ایستاده و دعای شفای مریض‌ها و بیماران و بر آورده شدن حاجات نیازمندان دعای حاجت خوانده می‌شود.

آیین طشت گذاری اردبیل که از سال ۹۱ به عنوان یکی از آیین‌های عزاداری مختص اردبیل در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده، بی شک یکی از آیین‌های عزاداری دارای آداب و رسوم کهن و فرهنگ و ویژگی‌های ممتاز بوده و امروزه به کنگره بزرگ عزاداری در سطح ملی تبدیل شده است.

چنانچه مدیر کل تبلیغات اسلامی استان اردبیل با اشاره به قدمت چند صد ساله این آیین در منطقه اردبیل و اهمیت آن در آغاز آیین‌های عزاداری کشور و استان تاکید دارد که در سال‌های اخیر این آیین با فراگیری و استقبال گسترده‌ای مواجه بوده و هر سال با هماهنگی بیشتر با شکوه عالی برگزار می‌شود.

به همراست شعبات خود در خیابان‌های اصلی انجام می‌دهند و در روز تاسوعا و عاشورا با شمع گردانی در ۴۱ مسجد و عزاداری در سطح شهر عشق و حرارت حسینی به اوج می‌رسد.

جامعی به روند تاریخی سفر امام حسین (ع) از مدینه و مکه به کربلا اشاره کرد و بیان داشت: ۴۶۰ کیلومتر مسافتی که امام حسین (ع) با خانواده خود تا کربلا طی کرد دارای حوادث گوناگونی بود که اهالی اردبیل به صورت منظم این تاریخ را با حوادث آن گرمی می‌دارند و با به پیشواز رفتن گرمی‌اش این مناسبت‌ها، عزاداری دهه محرم را با

که ما بین این ده روز واقع می‌شود، هر روز دسته یکی از محلات ششگانه و شعبه هایش به بازار و خیابان می‌آیند و عزاداری می‌کنند.

پژوهشگر و محقق عزاداری اردبیل تاریخچه طشت گذاری در این منطقه را دارای غنا و بر طبق مستندات تاریخی عنوان و متذکر شد: وقتی امام حسین (ع) وارد منزل چهاردهم می‌شود با شنیدن خیر شهادت مسلم این عقیل و قیص این مظهر به یاران خود دستور می‌دهند آب کافی به همراه داشته باشند که این روز مبنای طشت گذاری اهالی اردبیل است.



شور و حرارت برگزار می‌کنند.

● آیین‌های طشت گذاری در روستاهای استان اردبیل

مراسم طشت گذاری در تمام روستاهای استان اردبیل نیز با نظم و ترتیب زمانی و مکانی خلل ناپذیر و البته با آداب و رسوم مخصوص هر روستا که در ظاهر شاید اختلاف بسیار اندکی با هم داشته باشند اما در محتوا یکی هستند، برگزار می‌شود. در روستای شایق نیز که یکی از بزرگترین روستاهای تابعه شهرستان سرعین می‌باشد، این مراسم در نزدیکترین

جامعی با بیان اینکه طشت گذاری در اردبیل در بیش از ۴۱ مسجد شهر انجام می‌شود، تصریح کرد: با تداوم این آداب و رسوم اعتقادی، در حقیقت اردبیل سنت طشت گذاری با سابقه چند صد ساله را حفظ کرده و آن را امروز به عنوان یک فرهنگ اصیل مستند و قابل اتکا معرفی می‌کند.

وی یادآور شد: بعد از طشت گذاری از روز دوم محرم همزمان با ورود کاروان امام حسین به دشت کربلا اهالی اردبیل در قالب محلات ششگانه عزاداری خود را

مراسم استقبال از محرم در گناوه / پرچم حضرت زینب برافراشته شد



مراسم برافراشته شدن پرچم متبرک حرم حضرت زینب(س) و تقدیر از مدافعان حرم همزمان با برنامه استقبال از محرم در گناوه برگزار شد. محمد مظفری مسئول هیئت متوسلین حضرت زینب(س) شهر گناوه یکشنبه شب در این آیین اظهار داشت: ویژه برنامه‌های استقبال از محرم با شور خاصی همزمان با اولین شب ماه محرم در مسجد و حسینیه حضرت زینب در محله عبدالماسک شهر گناوه برگزار شد و با استقبال خوب مردم روبرو شد.

وی افزود: در این مراسم بعد از مداحی مداحان اهل بیت و با حضور فرماندار و معاونین ایشان و مردم از چهار تن از مدافعان حرم حضرت زینب(س) که از اعضای هیئت متوسلین زینب کبری هستند تقدیر شد و سپس با مراسمی ویژه پرچم متبرک هدیه شده از سوی مدافعان حرم در میان اشک و شور حسینی عزاداران در مقابل حسینیه حضرت زینب برافراشته شد.

در این مراسم که با حضور گسترده مردم و علاقمندان اهل بیت عصمت و طهارت برگزار شد، هیئت‌های مختلف شهر گناوه حضور داشتند. دسته‌های سنج دمام هیئت حضرت زینب و بیت العباس گناوه به اجرای برنامه پرداخته و در ادامه همزمان با برافراشته شدن پرچم عزا دسته موزیک مسجد دهدشتی نیز به اجرای برنامه پرداخت.

طنین نوحه ۲۱ ضرب «کرب زنان» در مازندران به گوش نمی رسد



علم انتخاب می شوند، عزاداران با فرستادن صلوات علم ها و علامت ها را حرکت می دهند. زمانی که علامت دار با علم هیئت دیگر در طرف مقابل روبه رو شد با پایین آوردن سر علامت به آن ها سلام می دهد.

در روزهای دهه اول محرم موضوع روضه خوانی هر روز، تقریباً مشخص است به ویژه در روزهای هفتم تا دهم به مرثیه خوانی برای حضرت علی اکبر (ع)، حضرت قاسم (ع)، حضرت عباس و امام حسین (ع) اختصاص دارد.

روضه خوانی معمولاً تا آخر ماه صفر ادامه پیدا می کند. خطیبان و مرثیه خوانان این مجالس، اغلب روحانیان و مداحان محلی هستند. از مجالس روضه خوانی برای طرح مسائل و مشکلات اجتماعی و بخصوص در روستاها برای جلب همیاری مردم در امور عمرانی استفاده می شود.

بازرترین و قدیمی ترین شکل عزاداری دسته گردانی است که در تمام نقاط مازندران رواج دارد. شیوه سینه زدن، حالات و حرکات بدن و دسته ها، شیوه حرکت دسته، در دو صف و یا به صورت جمعی و در یک یا دو گروه، نحوه نوحه خوانان و دم (واگیر) گرفتن و انواع و مناسبت و زمان نوحه های سینه زنی، در همه جا یکسان نیست؛ شور و هیجان آن نیز در نقاط مختلف و برحسب زمان و موقعیت، متفاوت است و توضیح دقیق همه این ها و ویژگی های هر محله و منطقه تفصیلی جداگانه را می طلبد.

دسته های زنجیرزن امروزه در تمام شهرها و بسیاری از روستاهای مازندران، منسجم ترین دسته های عزاداری هستند. زنجیرزنی در مازندران نسبت به سایر اشکال دسته گردانی جدیدتر است و از حدود ۳۰ سال پیش معمول شده و در واقع جایگزین قه زنی گردیده است. زنجیرزن لباس سیاه می پوشند، در دو صف مقابل هم حرکت می کنند.

نوحه خوان در میان دسته راه می رود تا صدایش به همه برسد. زنجیرزنان هم آهنگ با صدای سنج ترجیع بند نوحه را پاسخ می دهند. وسیله زنجیر زدن چند رشته زنجیر است که انتهای آن ها به دسته ای چوبی یا فلزی متصل شده است. زنجیر زن دسته زنجیر را به دست گرفته با آهنگ سنج و طبل و دهل رشته های زنجیر را به پشت خود می کوبد.



نویای کرب زنان و نوحه ۲۱ ضرب آنان در رثای سالار شهیدان در مناطق مختلف مازندران طنین انداز شد. کرب زنی از آیین های سنتی و پریشینه مازندران است که سالیان سال در ماه محرم و عزاداری سالار شهیدان به ویژه در دهه اول ماه محرم اجرا می شود.



علیرضا نوری کجوریان

کرب تکه چوبی است تراشیده شده، به اندازه ای که در کف دست جا می گیرد و سطح بیرونی آن صاف است و در پشت آن بندی قرار دارد که به پشت دست می افتد. کرب در کف دست قرار می گیرد و انگشتان برگرد آن حفاظ می شوند، یک جفت کرب را در دست می گیرند و به آهنگ نوحه ای که خوانده می شود آن ها را بر هم می کوبند و کرب زنان ضمن هماهنگی و همخوانی باهم نمادی از همدلی و اتحاد از خود نشان می دهند و ناله کرب آنان بیانگر ناله جمادات و زمین و زمان بر حسین (ع) و یارانش است.

معمولاً خراطان، چوب های کرب را تهیه می کنند که دسته های گرد آن باعث می شود تا هنگام استفاده افراد، دست حالت راحتی داشته باشد، همچنین کرب دو لبه صاف دارد که همانند سنج به هم زده می شود لذا دسته های گرد، به طور معمول ۲۱ ضرب را می زنند اما نخبه هایی که هنرمندانه این ۲۱ ضرب را می زنند اندک بودند و کارهایشان بسیار زیبا بود.

نوحه ای که در مراسم کرب زنی خوانده می شود ۲۱ ضرب نام دارد که از تک ضرب شروع می شود و همین طور دو، سه و پنج ضرب به بالا، تا اینکه ۲۱ ضرب کامل شود، همچنین گروه نخبه، وسط دایره کرب زنی می ایستد وقتی مداح در مراسم کرب زنی شروع به خواندن کرده و به ضرب بیست و یکم می رسد، گروه نخبه که در مرکز دایره قرار دارند با حرکتی هماهنگ و رو به بالا به طوری که گویی از زمین به سوی آسمان پرواز می کنند، کرب را می زنند. کرب زنان ضمن هماهنگی و همخوانی باهم نمادی از همدلی و اتحاد از خود نشان می دهند و ناله کرب بیانگر ناله جمادات و زمین و زمان بر حسین (ع) و یارانش است. کرب زنی از آیین های سنتی عزاداری مردمان منطقه طبرستان بوده و امروز این آیین کمتر اجرا می شود و بسیاری از جوانان نمی دانند کرب زنی چیست.

در مراسم کرب زنی، از کرب به جای سینه زنی استفاده می کردند و با استفاده از دو تکه چوب که در دست داشتند به عزاداری می پرداختند و نوحه هایی که توسط شعرای محلی مازندران سروده می شد نیز خاص

کرب زنی بود. اکنون آیین کرب زنی در برخی از مناطق روستایی و شهری استان رواج دارد و بجای سینه زنی کرب زنی می کنند و می توان در ایام عزاداری سالار شهیدان، آیین کرب زنی را در روستای آقا ملک و یا شهر رضی کلا بابل مشاهده کرد.

با رواج یافتن سینه زنی، آیین کرب زنی آرام آرام به فراموشی سپرده شد و از نیمه قرن جاری نیز زنجیرزنی جایگزین کرب زنی شده است. با رواج یافتن سینه زنی، آیین کرب زنی آرام آرام به فراموشی سپرده شد و از نیمه قرن جاری نیز زنجیرزنی جایگزین کرب زنی شده است. این در حالی است که زنجیرزنی در آیین های عزاداری سابقه

● سلام علم ها در محرم

در شب هفتم محرم مراسم علم بندان انجام می گیرد. مردم به پای علم ها رفته و به اصطلاح علم را لباس می کنند. زنان و مردان در کنار علم ها داخل تکایا حضور یافته و با گلاب آن ها را شست و شو می دهند. هر کس نذر یا حاجتی دارد پارچه سبزی به آن می بندد. بعد از انجام کارهای اولیه چند نفر از جوانان قوی برای حمل

قلک شکنی؛ آیین محرمی مردم مازندران / نذرهایی که صرف سوگواری می‌شود

«قلک شکنی، تلفیقی از آیین عاشورایی و دوران دفاع مقدس است که برای ترویج فرهنگ نوندوستی طی ماه محرم، در مازندران برگزار می‌شود.»



علیرضا نوری
کجوریان

قلک شکنی از آیین‌های ویژه ماه محرم است که هر ساله هم‌زمان با آغاز این ماه در برخی شهرهای استان برپا می‌شود. مراسم با پهن کردن پارچه‌های سبز در وسط حسینیه، چیدن قلک‌ها و با نشستن افراد بزرگ و کوچک دور این پارچه شروع می‌شود که در ابتدای دو قلک سفالی توسط پیر غلامان شکسته و مابقی قلک پلاستیکی توسط مردم پاره می‌شود و شروع به شمارش نذورات جمع‌آوری شده می‌کنند.

طبق این آیین سنتی هر ساله از شب اول محرم تا ربیعین حسینی به مدت ۴ روز قلک‌هایی برای نذورات و کمک‌های مردمی بین اهالی توزیع می‌شود و کمک‌های مردمی صرف نذورات خرج شب هفتم ماه محرم و هزینه‌های جاری می‌شود.

هم‌زمان با محرم آیین‌های عزاداری و سنتی مازندرانی‌ها که بیانگر عشق و ارادتشان به سالار شهیدان است اوج می‌گیرد و قلک شکنی از آیین‌های ویژه ماه محرم است که هر ساله هم‌زمان با آغاز این ماه در برخی شهرهای استان برپا می‌شود.

● **قلک شکنی، آیین عاشورایی مازندران**
قلک شکنی از رسوم عاشورایی اهالی بربری محله شهرستان قائم‌شهر بوده که از هشت سال پیش تاکنون رواج داشته و هر سال باشکوه‌تر از سال قبل برپا می‌شود و این آیین امسال نیز هم‌زمان با شب اول ماه محرم با حضور مداحان، پیر غلامان و عزاداران حسینی برگزار شد. مردم مازندران از دیرباز در دهه محرم و عاشورای حسینی با توجه به ویژگی‌های



و مراسم‌های سوگواری حسینی به موضوعاتی همچون جنگ نرم، عفاف و حجاب و دین زدایی در خلال ذکر مصیبت، سخنرانی روسای هیئات و... پرداخته شود.

● بیرق‌های عزرا در مازندران برافراشته شد

از پرچم‌های یا حسین (ع) و یا ابوالفضل (ع) برافراشته بر فراز درب مغازه‌ها، تکیه‌ها و مساجد و... می‌توان قصه عشق دیرینه‌شان را به سالار دل‌ها خواند و اینک محرم را بهانه‌ای قرار دادند تا نامشان را دوباره در لیست ارادتمندان به اهل بیت ثبت و ضبط کنند.

چادرها، تکیه‌ها و ایستگاه‌های صلواتی در گوشه کنار شهر بناشده است، مردم جنب‌وجوش خاصی به خود گرفته‌اند و عشق به امام حسین (ع) سینه‌به‌سینه و نسل به نسل به آنان منتقل شده و اکنون میراث دار عشقی کهن شده‌اند.

بچه‌ها زنجیر به دست با سر بند یا حسین (ع) و یا ابوالفضل (ع) به‌سوی مساجد و تکایا روانه می‌شوند، چراکه از زمانی که چشم‌باز کرده‌اند هر ساله نام حسین (ع) را بر زبان و دل جاری کرده‌اند و لالایی کودکان‌شان نیز عشق به این خاندان بوده است.

وقتی وارد شهر می‌شویم، در گوشه و کنار شهر، مردم با خانواده‌هایشان به‌سوی مساجد و دسته‌های عزاداری می‌روند و در گوشه‌های نیز جوانانی به چشم می‌آیند که ایستگاه‌هایی به پا کرده‌اند و چایی و شربت با ذکر صلوات توزیع می‌کنند. به‌راستی این چه شورش و چه عزاداری و چه ماتم است، «حسین کیست که یکدل نه بلکه یک جهان دل عاشق و شیدای او هستند».

این استاد حوزه و دانشگاه در ادامه ضمن تأکید بر اینکه دنیای اسلام و جامعه اسلامی امروز نیازمند انتقال ارزش‌ها و مفاهیم ناب عاشورا و اهداف متعالی امام حسین (ع) و یاران باوفایش است خاطر نشان کرد: ارائه و معرفی الگوهای صحیح و نمونه فرهنگ اسلامی و آثار متنوع فرهنگی دینی، نرم‌افزارهای مذهبی، تبیین شیوه‌های صحیح عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) و روشنگری مردم جامعه مهم‌ترین برنامه‌ها برای تبیین عبرت‌های عاشورایی است. سردار محمود میرفیضی فرمانده انتظامی مازندران نیز ماه محرم را بهترین و مهم‌ترین عامل کنترل آسیب‌های اجتماعی در جامعه عنوان کرد و افزود: محرم به تنهایی با توجه به فرهنگ‌ها و مراسم‌هایی که برگزار می‌شود موجب کنترل آسیب‌ها می‌شود به طوری که مشاهده شده در این ماه ورودی پرونده‌های جرائم از قبیل سرقت، انواع نزاع و... در محاکم کاهش داشته است که این‌ها همگی از تأثیرات این ماه است.

فرمانده انتظامی استان مازندران، با اعلام اینکه ناجا همگام با مردم، هیات‌ها و همه که می‌خواهند این حماسه باشکوه را برگزار کنند، همراه است، یادآور شد: حرکت‌های سنتی عاشورا و محرم شامل پیام، ایشار، شهادت، جهاد و ترجمان اسلام ناب محمدی است.

میرفیضی، اظهار کرد: قیام امام حسین (ع) نه برای بی‌آبی و نه اسارت اهل بیت بود بلکه به خاطر وضعیت امروز ما بود و امام حسین (ع) از خود گذشت تا به ما بگوید که اگر می‌خواهید پیرو ما باشید چه کاری باید انجام دهید.

وی، با بیان اینکه ما در استان وظایفی بر عهده داریم ادامه داد: در هیئات

اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف، با شیوه‌های گوناگون به سوگواری و عزاداری می‌پردازند و یکی از شیوه‌های متداول اجرای برنامه‌های آیینی و سنتی نظیر قلک شکنی و نخل گردانی است.

● لزوم ترویج آیین‌های سنتی عزاداری

تاکید همه کارشناسان و مبلغان مذهبی هم‌زمان با شروع ماه محرم، پرهیز از بدعت‌ها و توجه به آیین‌های سنتی عزاداری در ماه محرم است و حجت‌الاسلام ناصرشکریان مدیرکل تبلیغات اسلامی مازندران ضمن عرض تسلیت فرارسیدن ماه محرم اظهار داشت: ماه محرم، و عبرت‌های قیام سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) یک فرصت مناسب و استثنایی برای بصیرت‌افزایی جامعه، تبیین توطئه‌ها و دیسسه‌های دشمنان و چگونگی مقابله با آن‌هاست. حجت‌الاسلام شکران در ادامه تصریح کرد: مبلغان در سخنرانی‌ها و سایر برنامه‌های عزاداری سالار شهیدان در ایام ماه محرم، در محتوا بخشی سخنرانی‌های خود اهتمام بیشتری داشته باشند.



گلستان در قدیمی ترین موقوفه اش به استقبال از محرم می رود

امامزاده روشن آباد شهرستان کردکوی به عنوان نخستین و قدیمی ترین موقوفه استان گلستان میزبان عزادارانی است که در عصر آخرین پنجشنبه ذی الحجه به استقبال از ماه خون و قیام می روند.



مونا محمدقاسمی



روزها یک به یک از پی هم می گذرند و محرم؛ ماه خون و قیام، ماه حماسه، شجاعت، جوانمردی و امر به معروف و نهی از منکر از راه می رسد. شهر رخت سیاه برتن می کند و حسینیه ها، مساجد، امامزادگان و بقاع متبرکه به عزاداری سید و سالار شهیدان می پردازند.

در استان گلستان برنامه های با عنوان استقبال از محرم وجود نداشت، اما اکنون به مدت سه سال است که امامزاده روشن آباد مراسمی برای ورود به محرم برنامه ریزی می کند. این برنامه در عصر آخرین پنجشنبه ماه ذی الحجه در امامزاده روشن آباد با حضور اقسار مردم و هیئت های مذهبی برگزار می شود.

از شهر گرگان که به سمت شهر کردکوی حرکت کنید بعد از ۱۵ کیلومتر به امامزاده ای می رسید به نام «روشن آباد» که در میان باغ و قبرستانی به مساحت حدودی هفت هکتار به همین نام واقع شده است. نام قبلی این امامزاده «روشنوا» بوده و مردم بیش از ۲۵ روستای اطراف گرگان و کردکوی از آن محوطه برای قبرستان عمومی استفاده می کنند.

بنای امامزاده، بسیار قدیمی و از نظر فنون معماری زیبا و قابل توجه است. پلان آن هشت ضلعی با فضای داخلی مربع شامل رواق و حرم چهار گوش است که مصالح اصلی آن از آجر، گچ، خاک و آهک تشکیل شده است.

ساختمان اصلی این بنا یادگار قرن نهم هجری قمری است و مقبره این امامزاده متعلق به فردی به نام عبدالله از بستگان امام موسی کاظم (ع) است.

صادر و با ندای لیبیک یا حسین حصار پرچم را به احتزاز در می آورند.

وی با بیان اینکه این مراسم در این دو ساله مورد استقبال قرار گرفته است، گفت: امیدواریم این مراسم به عنوان یک سنت ماندگار در استان گلستان اجرا شود.

مسئول مرکز فرهنگی امامزاده روشن آباد در ادامه به تشریح دیگر برنامه های ماه محرم در این امامزاده پرداخت و اظهار کرد: در روز تاسوعا چند هیئت از روستای نودیجه برای عزاداری در امامزاده حضور پیدا می کنند؛ اما روز عاشورا ۱۲ هیئت از ۱۲ روستا از صبح تا ظهر به ترتیب وارد امامزاده می شوند و عزاداری می کنند.

اصحابی گفت: در این روز نماز ظهر عاشورا در مسجد خوانده می شود و برای یک هزار نفر نیز غذا پخت می شود؛ البته این مراسم برای روزهای اربعین و ۲۸ صفر نیز به همین منوال برگزار می شود.

وی افزود: در این امامزاده برنامه های متنوع فرهنگی زیادی برگزار می شود از جمله برگزاری مراسم تحویل سال که بسیار پرشور و باشکوه با حضور سه هزار نفر از مردم برگزار می شود.

اصحابی ادامه داد: یکی دیگر از مراسم های باشکوه این امامزاده برگزاری مراسم «۱۴ در» یا سابقه تاریخی ۱۰۰ ساله است. در گذشته مردم در این روز بازاری راه می انداختند و هر فردی هرچه برای فروش داشت به این مکان می آورد.

وی تصریح کرد: در روستاهای اطراف امامزاده طائفه ای از کشور هند مشهور به «گودار» زندگی می کنند که در این روز چه از استان گلستان و چه از سایر شهرستان ها این طائفه برای دید و بازدید خود را به این امامزاده می رسانند و برنامه هایی از قبیل کشتی، پخت غذا و ... هم برگزار می کنند.

مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان در رابطه با برگزاری مراسم استقبال از محرم در امامزاده روشن آباد اظهار کرد: در زمان های گذشته چند روز قبل از محرم فضای مساجد و محله ها بوی عزاداری می گرفت، اما حال شاهدیم که بعد از گذشت یک هفته از محرم مکان ها سیاه پوش و به نوعی آغاز محرم همگانی می شود اما برگزاری این مراسم در امامزاده روشن آباد نوید بخش بازگشت به روزهای گذشته است.

حجت الاسلام سیف الله سهرابی همچنین به برگزاری تجمع بزرگ لیبیک یا حسین (ع) در امامزادگان گلستان با نام بصیرت عاشورایی اشاره کرد و گفت: در بیش از ۶۰ بقعه متبرکه برنامه بصیرت عاشورایی برگزار خواهد شد، همچنین برنامه لیبیک یا حسین (ع) در روز دوم محرم با حضور عزادارن حسینی در امامزادگان و مساجد گلستان برگزار خواهد شد.

درهای این بنا از چوب کاج ساخته شده و با آیات قرآن به شکل زیبایی کنده کاری شده بود اما در حال حاضر اثری از آن ها نیست.

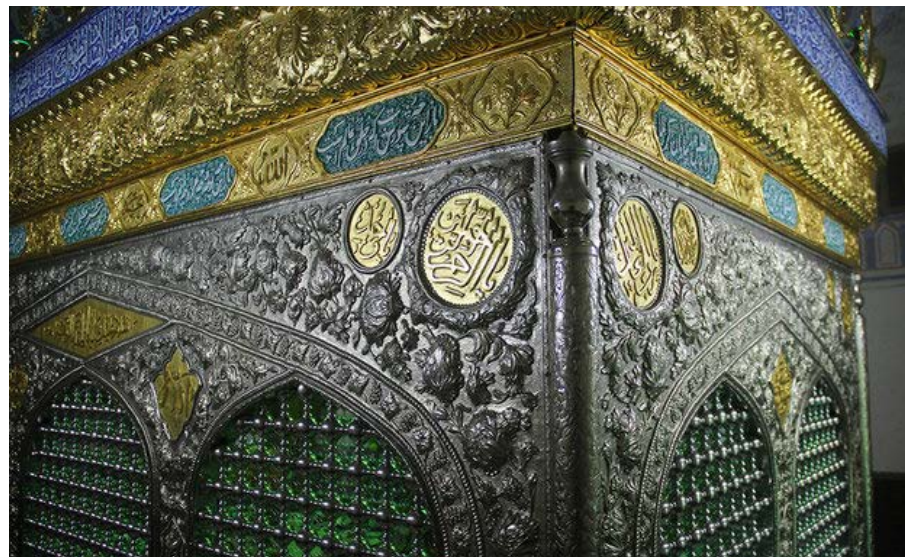
این بنا در نتیجه تعمیرات دوره های بعد به ظاهر جدیدی درآمده است. صندوق روی مرقد تاریخ ۸۷۵ هجری قمری را نشان می دهد و استاد حاجی عبدالله به خط رقا به عنوان نام سازنده بر روی حک شده است.

بنای امامزاده روشن آباد تحت شماره ۳۵۸ به ثبت تاریخی رسیده است. قدیمی ترین وقفنامه موجود در استان گلستان متعلق به امامزاده عبدالله و فضل الله روشن آباد است. این وقف در ماه ذیقعد سال ۹۰۰ هجری قمری انجام شده و واقف آن «امیر سید رضی الدین» است.

در کنار این امامزاده مزار علما «از جمله مقبره ایست الله روشنی یساقی» و مزار بیش از ۱۴۰ شهید گرانقدر و یک شهید مدافع حرم نیز وجود دارد.

حجت الاسلام محمدرضا اصحابی، عضو هیئت امناء و مسئول مرکز فرهنگی امامزاده روشن آباد به تشریح مراسم استقبال از ماه محرم پرداخت و اظهار کرد: در این مراسم سه پرچم سیاه به شکل نمادین به چوب کشیده و با تشریفات خاص خود توسط سادات یا پیرغلامان بر روی دستان حمل و مردم نیز با شور و هیجان شروع به عزاداری می کنند، مداح نیز در جایگاه اقدام به نوحه خوانی و مرثیه سرایی می کند.

اصحابی افزود: بعد از یک یا دو برنامه متنوع از جمله اجرای سرود، دکلمه و خیر مقدم گویی، رزم نوازان ارتش برنامه های خود را اجرا می کنند؛ سپس دستور برافراشتن پرچم



محرم با ذکر «یا عباس» در شاهرود به اوج رسید / آئینی به قدمت تاریخ

این شاید رمز ماندگاری عزاداری حضرت عباس(ع) باشد که امروز جوانان بعد از یک هزار و ۳۷۰ سال پس از واقعه کربلا همچنان در رثای آن نالانند.

● نذر «یا عباس» دارم

یکی از شهروندان شاهرودی مقیم تهران نیز در خلال آئین سنتی یاعباس می گوید: من نذر دارم تا هر سال با پای برهنه در دسته یاعباس شرکت کنم و این نذر من به خاطر شفای فرزندم است همچنین شب در اطعام عزاداران حسینی نقشی دارم که به آن افتخار می کنم. امروز یازدهمین سال است که این نذر را انجام می دهم.

سید محمدرضا میرقاسمی می گوید: وقتی در دسته یاعباس هستی و در تکیه بازار و بر مسیر خیابان صدوقی بر سر و سینه می زنی و پاسخ مداح را با نوا دلنشین «یا عباس-یا عباس» می دهی، انگار از همه چیز فارغ شده ای انگار سبک می شوی و از همه تعلقات دنیایی رهایی می یابی، به قول همسرم اینجا مانند دوش آبی می ماند که چرک های دنیوی را می شوید آن هم با اشک خودت و عنایت آقا ابا عبدالله الحسین(ع) و من خوشبختم که این فرصت را دارم تا این چنین عزاداری کنم.

دیگر شهروندان شاهرودی درباره این مراسم سنتی می گوید: هرچه از خدا عمر گرفته ام و به لطف او به این مراسم می آیم و نکته قابل توجه آن بر این است که همه مردم، خودشان در محله و روستای خود تکیه، مراسم، سینه زنی و اطعام دارند اما به مراسم یا عباس می آیند تا یکی به شکوه این مراسم بیفزایند و دیگر، روحشان را با یاد حضرت عباس(ع) جلا دهند.

● سیل جمعیت عاشقان آل الله تمامی ندارد

کم کم به انتهای مسیر دسته یا عباس می رسم آنجا که همیشه در زمان کودکی بر دوش پدر و یا آغوش مادر حرکت بسیار سریع مردان عزادار را می دیدم.

با رسیدن جمعیت به بالای محل عزاداری سیدالشهدا(ع) کم کم مراسم به پایان خود نزدیک می شود. در راه بازگشت پاهای برهنه زخمی دهه نافر از عاشقان حسین(ع) است که نظرها را به خود جلب می کند. عزادارانی که معتقدند مولا دهها زخم را بر جان و روح تحمل کرد و من اگر نتوانم درد یک تاول بر کف پایم را تحمل کنم، چه کسی هستم؟

در بازگشت مادر شهید میررحیمی با من هم قدم می شود. وی می گوید: فرزند شهیدم به این آئین ارادت خاصی داشت در عملیات محرم زمانی که حضور داشت لحظه لحظه نامش را بر لب می آورد و یا عباس(ع) می گفتم امروز سی سال از آن تاریخ می گذرد و من همچنان جای خالی او را در دسته یاعباس حس نمی کنم چون هرچا سر می گردانم شهیدم را می بینم چرا که اینجا امروز نام شهید امام حسین(ع) برده می شود.



دایره جمعیت سینه زنان کم کم به خطوط موازی بدل می شود و هر کس دست در کمر دیگری پای کوبان بر سینه می زند و در پاسخ مداح که می گوید «سر از تنش جدا شد» همه یک صدا فریاد می زنند: «یا عباس، یا عباس...» و همنا با ذکر «یا عباس» سیاه پوشان، سیل عاشقان به امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) مسیر نخل گردانی را تا بالای محله طی می کنند.

● لوزه زمین زیر پای عاشقان حسین(ع)

بسیاری یا عباس را به خاطر نحوه گرفتن کمر اشخاص و بلند کردن پا و کوبیدن آن بر زمین در کشور منحصر به فرد می دانند. برخی می گویند عزاداران با این حرکت اعلام می کنند که ای دشمن نادان، ما پای کوبان به استقبال «شهادت» می آیم، اینجا، امروز، یا عباس گویان، گوش فلک را کر می کنیم چون عاشق اباعبدالله و یارانش هستیم. کارگردان فیلم های مستند اهل همدان که به نظاره گر شور و شوق مردم است در خصوص این مراسم می گوید: سومین بار است به شاهرود می آیم. مستندی می سازم به نام طوطی شکرخون، که اشاره اش به نوحه معروف اهالی شاهرود است که پای نخل، خوانده می شود.

وی که خودش را میرطالبی معرفی می کند معتقد است مراسم یاعباس به نوبه خود منحصر به فرد است چرا که نحوه سینه زنی آن با سایر شهرهای ایران بسیار متفاوت است.

میرطالبی می گوید: زمانی که جمعیت با شور از تکیه خارج می شوند مانند موج خروشان هستند که هیچ کس و هیچ چیز جلودارشان نیست. حتی در قاب دوربین می توان لرزش زمین را زیر پای این مردم حس کرد آن لحظه قلب هر انسانی به طیش می افتد «این حسین(ع) کیست که عالم همه دیوانه اوست» و فکر کنید که ثبت این لحظات در اینجا چه احساس خوب و غرور آفرینی دارد.

● اشک و آه بر چهره مردم شاهرود نقش می بندد

حاج حسین جلالی از پیروان محله بیدآباد در باره این رسم که می گوید: آئین «یا

همزمان با پنجمین عصر از ماه محرم عزاداری مردم شاهرود در رثای سرور و سالار شهیدان با برگزاری مراسم سنتی «یا عباس، یا عباس» به قدمت بیش از یک قرن به اوج رسید.



محمدحسن مقدم‌نیا

مردم شاهرود عصر آئینه و همزمان با پنجمین روز از ماه محرم میهمان خانه اهل بیت(ع) بودند آن هم در سوگواره ای به نام «یا عباس-یا عباس»، وعده گاهشان هم تکیه بازار، روایتگر کهن ترین خاطرات عزاداری مردم این دیار، که امسال نیز مانند سنوات پیشین شاهد حضور هزاران تن از عاشقان نهضت حسینی(ع) بود.

تکیه بازار شاهرود امروز میزبان عاشقانی بود که یکصدا لبیک یا حسین(ع) سر می دادند تا آغازگر مراسمی باشند که قدمتش را به بیش از ده سال می رسد.

با جمع شدن هیئت‌های مذهبی، تکیه بازار شاهرود رنگ و بوی وصف ناشدنی به خود می گیرد. کم کم صدای ناله مردم همنا می شود یا ناله طفلان اباعبدالله الحسین(ع) و صدای «ای عمو آب چه شد» در صحن تکیه می پیچد. با ورود علم مساجد و تکلیای محله بیدآباد شاهرود مراسم رسمیت می یابد. از دیر باز زنان در قسمت بالای این تکیه مستقر می شدند و مردان هم در میان گودی دوار تکیه که انسان را به یاد گود زورخانه می اندازد. سقف تکیه هر ساله در آستانه محرم طبق آئینی سنتی «پوش» با چادر پوشیده می شود و همه چیز آماده برای برگزاری مراسم «یا عباس» می شود.

مردان میان گود دوار می ایستند چرخش جمعیت سینه زنان آغاز می شود و کم کم مانند قطاری سرعت می گیرد و این چرخش عارفانه عاشقان حسین(ع) تداوم می یابد تا همه برای مراسم یا عباس آمده شوند مراسمی که پس از به هم پیوستن جمعیت در بیرون از تکیه و در مسیر سنتی نخل گردانی شاهرود برگزار خواهد شد.

● «یا عباس یا عباس» در پهنه آسمان شهر معلمان دین و اخلاق می پیچد

در میانه این ملغمه عرفانی از نور، شور، نوحه و نوا، دود اسپند و اشک ماتم چه زیبا می توان نوشت از حالت مردان و زنانی که زیر لب یا حسین(ع) سر می دهند و خود را برای عزاداری حضرت عباس(ع) آماده می کنند مراسمی که به صورت نمادین خبر از حضور حضرت ابوالفضل(ع) قمر بنی هاشم در کنار مولا دارد و به نوعی شاهرودی ها آن بزرگوار را برای نبرد فردا و روزهای بعد، بدرقه می کنند.

«یا عباس» را بسیاری اوج عزاداری در شاهرود می دانند. نخستین شعاع دایره سیاه پوشان در تکیه بازار، آغازگر مراسمی است که شاید نظیرش را کمتر در مناطق دیگر کشور بتوان دید.

محرم در میان اقوام ایرانی؛ از اینجا تا کربلا یک «یا حسین» فاصله است



حکایت محرم و اقوام ایرانی روایت عاشورای حسینی با زبان و لهجه‌های مختلف است؛ دور و نزدیک و شهر و روستا ندارد، حرف و کلام یکی است، از اینجا تا کربلا تنها یک «یا حسین» فاصله است.

گوشه «حسینی‌ها» زنجان ایستاده‌اند، جمعیت هر لحظه اضافه می‌شود، هر سال دسته‌جمعی اینجا قرارشان را مدار می‌کنند. بعضی‌ها از استان‌های دیگر راهی شده‌اند، در عزاداری امسال دنبال حاجت هستند و می‌دانند هیچ جا مثل اینجا نباید چشم‌په‌راه حاجت‌روا شدن ماند.

صدای نوحه‌خوان بلند می‌شود و حسینی‌ها را به اوج می‌برد: «بیل یاتار طوفاتن یاتار / یاتماز حسینیین پرچی»؛ و بهراستی همه بادها و طوفان‌ها می‌خواهند ولی این پرچم حسین است که تا همیشه تاریخ برافراشته خواهد ماند.

عزاداری حسینی زنجان روایتی از هشتم ماه محرم و «یوم العباس» است تا دهم و یازدهم محرم که زینبیه زنجان هم میزبان عزاداران می‌شود، اجتماعی که علاوه بر هزاران زنجانی مردم عزادار ایران اسلامی و حتی مشتاقان این مراسم را از جای‌جای جهان به این محل می‌کشاند. راهی غرب ایران می‌شویم، اینجا دامنه فلک الافلاک است، دانه‌های «گل» روی صورت عزاداران خشک‌شده و هر بار با بارانی نم می‌گیرند، دست‌ها که بالا می‌رود و پایین می‌آید غباری از آندوه هیئت را به اوج می‌برد و هوای غریبی مهمان شهر می‌شود. اشک‌ها راه خود را روی صورت عزاداران پیدا می‌کنند و بی‌تاب و بی‌گناه راهی می‌شوند؛ نوای غریبی زینب این بار ورد زبان عزاداران می‌شود: «برار برار زینب نالو میکه / گریوه و حال یتیمو میکه اشک‌ها راه خود را روی صورت عزاداران پیدا می‌کنند و بی‌تاب و بی‌گناه راهی می‌شوند؛ نوای غریبی زینب این بار ورد زبان عزاداران می‌شود: «برار برار زینب نالو میکه / گریوه و حال یتیمو میکه».

اینجا کلمات سوگواری، سوگواری یتیمی و اسیری فرزندان دردانه زهرا، و امان از دل بی‌تاب زینب کبری... امان...

لرستانی‌ها هم هر ساله با فرارسیدن دهم محرم، با درست کردن حوضچه‌های گل و گل مالی کردن خود، عزادار بودن و اوج آندوه خود را برای سید و سرور شهیدان ابراز می‌کنند. آیینی که فقط در لرستان اجرا می‌شود و می‌توان آن را خاکی‌ترین آیین عاشورایی جهان دانست. اینها تنها روایت کوتاهی از آیین‌های عاشورایی اقوام ایرانی است، آیین‌های عاشورایی که هر کدام در نوع خود منحصر به فرد بوده و تاکنون تعدادی از آیین‌ها در فهرست میراث معنوی ایران نیز به ثبت رسیده است. همچنین عزاداری و سوگواری هیئت‌های مذهبی در حرم‌های اهل بیت از جمله حرم مطهر امام (رضاع)، حرم مطهر حضرت معصومه (س)، حرم حضرت احمد بن موسی، حرم عبدالعظیم حسنی، مسجد مقدس جمکران و... نیز امسال نیز به مانند هر ساله پرشور برگزار می‌شود. در جدول زیر تعدادی از آیین‌های عاشورایی هر منطقه از ایران اسلامی آمده است، هر چند که تنوع آیین‌ها در این بخش به وسعت همه روستاها و شهرهای کشورمان است و در اینجا جای بسیاری از آیین‌ها خالی است.



برخی از آیین‌های عاشورایی اقوام ایرانی

نام آئین	محل برگزاری	توضیحات
سیاه‌پوش شدن بزرگ‌ترین بازار مسقف ایران	آذربایجان شرقی - بازار تبریز	آیین عزاداری ویژه بازار تبریز به یکی از زیباترین و قدیمی‌ترین مراسم‌های عزاداری در کل کشور تبدیل شده که از هشتم تا ۱۲ محرم برگزار می‌شود.
شال باغلاماق	آذربایجان شرقی - ایلخچی	مراسم پخت و پخش احسان یکی از آیین‌های محرمی مردم شهر ایلخچی آذربایجان شرقی است. پخت نان به صورت سنتی یکی از مهم‌ترین بخش‌های این آیین است که خادمان مساجد احسان را به در منزل آن‌ها تحویل می‌دهند تا مریمان نیز از این سفره متبرک بی‌نصیب‌نمانند.
تخته چالانار	آذربایجان شرقی - ایلخچی	صبح اول محرم آغاز مراسم «تخته زنی» است، که با درآوردن صدای دوتکه چوب هم‌شکل در موقع صبح اعلان شروع عزای حضرت امام حسین (ع) و شهدای کربلا محسوب می‌شود.
طشت گذاری	آذربایجان غربی	در این آیین طشت‌های آب به نشانه آب فرات بر دوش ریش سفیدان هر محله به مسجد حمل و بعد از طواف مسجد، طشت‌ها در جای مخصوص خود قرار گرفته و با خواندن دعای مخصوص طشت گذاری، پر از آب می‌شود که از این طشت‌ها بیشتر عزاداران، مقداری آب به عنوان تبرک و برای برآورده شدن حاجتشان برمی‌دارند.
آیین ۹۰۰ ساله نخل گردانی	اصفهان - نطنز	آیین نخل گردانی در دو مرحله طی تاسوعا و عاشورا انجام می‌شود. در شب عاشورا پیرمردان نخل را با پارچه‌های مشکی و عبارات یا اباعبدالله و ثارالله تزئین می‌کنند و ظهر عاشورا که مردم در میدان امام حسین این شهر جمع می‌شوند نخل وارد میدان شده و همگی بر مصائب اباعبدالله حسین (ع) اشک ماتم می‌ریزند.
چاووش خوانی	اصفهان - کاشان	یکی از رسوم عزاداری در کاشان حرکت هیئت‌های مختلف از مرکز هیئت تا بازار و برپایی مراسم عزاداری در این مکان است. نخستین دسته عزاداری که به بازار می‌رود، به نام چاووش عزاست که در آخرین روز ذی‌الحجه یعنی یک روز قبل از شروع ماه محرم به بازار شهر می‌آید و مردم را از فرارسیدن ماه محرم مطلع می‌کند.
شبیبه خوانی	اصفهان - ناین	مراسم شبیبه خوانی و تعزیه‌داری روستای باقران ناین در نوع خود بی‌نظیر و دیدنی است؛ این مراسم در روز عاشورا برگزار می‌شود.
شمع گردانی	اردبیل	این آیین بیش از هزار سال در اردبیل قدمت داشته و در زبان ترکی و محلی به نام «شمع پایلاما» معروف است. عزاداران حسینی بعد از هشت روز عزاداری در مساجد و خیابان‌ها و محلات اردبیل در روزی که منتسب به علمدار رشید کربلا، حضرت ابوالفضل (ع) است اقدام به روشن کردن شمع می‌کنند و در سوگ آن علمدار رشید بر سر و سینه می‌زنند.
تعزیه خوانی	البرز - برغان	روستای برغان را همگان با اجرای تعزیه به قدمتی بیش از ۵۰۰ سال می‌شناسند به طوری که تعزیه در این روستا به میراثی پایدار تبدیل شده است.
چمر	ایلام	در این مراسم آهنگ عزای به وسیله سرنا و دهل نواخته می‌شود و نوحه‌خوانان به زبان محلی به خواندن و سرایش اشعار و آوازهایی به ذکر دلاوری‌ها سپاه امام حسین (ع) می‌پردازند.
سنج و دمام زنی	بوشهر	در ماه محرم مردم به سینه‌زنی و عزاداری می‌پردازند و سینه‌زن‌ها به صورت دایره درمی‌آیند و نوحه‌خوان‌ها نوحه می‌خوانند و همراه با آن طبل و سنج و شیپور هم می‌زنند که معروف‌ترین آن «دمام» است.
حرکت کاروان نمادین اسرای کربلا	تهران - ورامین	حرکت کاروان نمادین اسرای کربلا همزمان با دوازدهم ماه محرم از جمله برنامه‌هایی است که طی سال‌های اخیر با حضور پرشور مردم در شهرستان ورامین برگزار و به ثبت ملی نیز رسیده است.
خیمه سوزانی	چهارمحال و بختیاری	برپایی خیمه و آتش زدن آن در ایام ماه محرم و بازسازی روز عاشورا از جمله آئین‌های این منطقه از ایران است.
مشعل گردانی، سنگ‌زنی، هفت منبر	خراسان جنوبی	تاکون ۳۰ مورد از آثار معنوی استان در فهرست آثار معنوی کشور به ثبت رسیده که از این تعداد ۱۰ مورد مربوط به محرم و فرهنگ عاشورا است.
خطبه خوانی	خراسان رضوی	در این مراسم تمامی خدمه و حفاظ آستان قدس رضوی، جمع می‌شوند و شمع به دست می‌گیرند و مراسم خاصی در صحن انقلاب با حضور مردم و دسته‌های عزاداری برگزار می‌کنند.
صلات	خراسان رضوی	مراسم سنتی صلوات که سابقه ۳۰۰ ساله در حرم مطهر رضوی دارد به معنای دعوت به عزاداری و آواز دادن برای شروع عزاهای عمومی است که همه‌ساله در ابتدای ماه محرم بر گلدسته‌های حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود.
شبیبه خوانی	خراسان شمالی	در دهه نخست ماه محرم شبیبه خوانی‌هایی که در این استان برگزار می‌شد غالباً مربوط به وقایع عاشورا و روزهای نخست واقعه محرم سال ۶۱ هجری است.
مراسم حسینه اعظم زنجان	زنجان	روز هشتم محرم یوم العباس روزی که اجتماع باشکوه و غرورآفرین شیعیان در عزای امام حسین (ع) برپا می‌شود اجتماعی که باشکوه‌ترین اجتماع حسینیان جهان محسوب می‌شود.
آئین سنتی «یاعباس یاعباس»	سمنان - شاهرود	نحوه سینه‌زنی منحصربه‌فرد مردم شاهرود در آئین سنتی «یا عباس یا عباس»، باعث مطرح شدن آن در سراسر کشور شده است چراکه این گونه حرکات پا، دست و کمرگیری از عزادار، در کمتر جایی سابقه دارد.
سقاخوانی و گلدسته گردانی	سیستان و بلوچستان	مردم سیستان از گذشته در نخستین روز آغاز ماه محرم با پوشیدن جامه سیاه و برافروختن مشعل، چراغ و یا گلدسته با برگزاری مراسمی بانام «گلدسته گردانی» به عنوان آغاز قیام امام حسین (ع) به استقبال این ماه می‌روند.
تعزیه	قزوین	تعزیه‌های شهرستان‌های بوئین‌زهرا، تاکستان، البرز و قزوین با برخورداری از نسخه‌هایی اصیل، تسلط تعزیه‌خوانان و بانیان آن بر اجرای این هنر نمایشی و آیینی متمایزتر از سایر نواحی این استان و کشور هستند.
گل گیران	کردستان - بیجار	گل گیران مراسمی است که به گفته افراد محلی از گذشته‌های دور تاکنون و هر سال باشکوه خاصی در شهر بیجار برگزار می‌شود و عزاداران حسینی در این روز با گذاشتن گل بر سر غربت‌آهت‌بیل امام حسین (ع) و یاران باوقابیش را در صحرائی کربلا روایت می‌کنند.

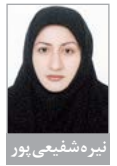
نام آئین	محل برگزاری	توضیحات
چهل منبران	کرمان	مردم در روز عاشورا اعتقاد دارند با روشن کردن چهل شمع در چهل محل حاجت‌روا می‌شوند.
سنت فقاییت	کرمانشاه	کسانی در نقش سقا با مشک‌های آب (کنه) به یاد شهدای کربلا در بین عزاداران و هیئات حرکت کرده و به عزاداران حسینی آب می‌دهند
آیین تعزیه‌خوانی سنتی سوق	کهگیلویه و بویراحمد	آیین تعزیه‌خوانی سنتی سوق که سابقه ۱۰۰ ساله در شهر سوق از توابع شهرستان کهگیلویه دارد در سال ۹۰ در فهرست میراث معنوی کشور ثبت شد.
طوق بندان	گلستان	طوق بندان که عنوان اصلی آن، پاطوقی است از دو بخش طوق شوران و طوق بندان تشکیل شده که به پاطوقی ختم می‌شود. طوق‌ها علم‌های یک شاخه عمودی هستند که از قطعات مختلفی مانند چوب پنج‌متری و یک سری قطعات برنجی و فلزی که آیات مختلف بر روی آن حکاکی شده است، تشکیل شده‌اند.
زاره زاره	گیلان	در این مراسم که سحرگاه عاشورا اجرا می‌شود، زنان و دختران به دنبال نوحه‌خوانی و ذکر مصیبت ابا عبدالله (ع) به همدردی با فرزندان و زنان کاروان کربلا پرداخته و یاد رنج‌های آنان را در سحرگاه دهم محرم زنده نگاه می‌دارند.
گل مالی	لرستان	لرستانی‌ها هر ساله با فرارسیدن دهم محرم، با درست کردن حوضچه‌های گل و گل مالی کردن خود، عزادار بودن و اوج اندوه خود را برای سید و سرور شهیدان ابراز می‌کنند. آیینی که فقط در لرستان اجرا می‌شود.
پیر علم	مازندران	پیر علم نماد توسل به علمدار کربلاست و طنین نوای مداحان دوباره در فضا می‌پیچد که فریاد از غریبی حسین و خاندانش سر می‌دهند. هم‌زمان با آیین پیر علم، بساط نذری در کلوچه برپا می‌شود تا با آن زائرانی که به عشق امام حسین (ع) در این مراسم شرکت کرده‌اند، پذیرایی شوند.
علم گردانی	مرکزی	آیین مذهبی علم گردانی توسط هیئت سادات روستای هزاوه اجرا می‌شود و این مراسم با بیرون آوردن علم از محل نگهداری آن در امامزاده احمد(ع) روستای هزاوه در شب اول ماه محرم آغاز می‌شود.
علم شمشیری	هرمزگان - قشم	آیین سنتی «علم شمشیری» بیش از ۹۰۰ سال در قشم سابقه دارد و علمی که خاص این مراسم در نظر گرفته شده، هم‌زمان با هفتم محرم به طرف روستای «حمیری» در هفت کیلومتری قشم به حرکت درمی‌آید.
آیین سقایی	همدان	از مراسم‌های شاخص عزاداری سرور و سالار شهیدان در استان همدان برگزاری آیین سقایی است که هنوز هم در تاسوعا و عاشورای حسینی پابرجاست و مردانی سیاه‌پوش و جام به دست پای برهنه و با چشمی گریان و گل‌اندود با ذکر حزین به عزاداری در خیابان می‌پردازند.
جوش زنی (جوش دور)، شده‌بندی و شده گردانی، زنجیر زنی (جفتی)	یزد - ابرکوه	هیئت‌های عزاداری ابرکوه هر کدام هیئت زنجیر زنی مجزا دارند که در مقابل هیئت‌های عزاداری آن محله همراه بانوای موسیقی سنتی محرم ابرکوه که قبل از این به ثبت آثار معنوی رسیده است، حرکت می‌کنند.



نخل هاسیاه پوش شدند / «حسینیه ایران» مهیای عزاداری اباعبدالله



دارالعباده یزد که «حسینیه ایران» نامی زینده بر این استان و مردمان دینمدار آن است، مهیای برپایی باشکوه‌ترین مراسم عزاداری است و در نخستین روزهای محرم، نخل‌های این شهر نیز سپاه‌پوش شدند.



نیره شفیعی پور

عزاداری‌های ماه محرم به ویژه دهه اول این ماه که در یزد با شکوه خاصی برگزار می‌شود و از عظیم‌ترین مراسم‌های عزاداری به شمار می‌رود، یزد را شهره خاص و عام کرده است.

در یزد که در همه ایام سال، با مناسبت و بی‌مناسبت، مراسم‌های روضه‌خوانی اباعبدالله الحسین (ع) برپاست و هفته‌ای نیست که در کوی و برزنی، پرچمی برای دعوت مردم به مراسم روضه‌خوانی نصب نشده باشد، در ایام ماه محرم شور و نوایی دیگر برپاست.

هر سال بلافاصله بعد از عید غدیرخیم، حسینیه‌ها و مساجد برای ماه محرم آماده می‌شوند و زن و مرد و پیر و جوان گردهم جمع می‌شوند تا حسینیه‌ها و مساجد محله‌های خود را غبارروبی و نظافت کنند، پرچم سیاه عزا بر در و دیوار آن بیاویزند و شرایط را برای برگزاری مراسم‌های روضه‌خوانی و عزاداری و پذیرایی از عزاداران اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) مهیا کنند.

نه تنها حسینیه‌ها و مساجد بلکه بازار و کوچه و خیابان‌های یزد نیز سپاه‌پوش می‌شوند و همه مردم مهیای برگزاری باشکوه‌ترین مراسم‌های عزاداری می‌شوند.

● نخل ۲۰۰ ساله امیرچخماق سپاه‌پوش شد

نخل‌هایی که در طول سال استوار و پابرجا در مقابل حسینیه‌ها و مساجد و گاه در میادین شهر ایستاده‌اند، در این ایام سپاه‌پوش و برای نخل‌برداری روزهای تاسوعا و عاشورا آماده می‌شوند.

در بسیاری از محله‌ها، سپاه‌پوش کردن نخل‌ها به عنوان نماد عزاداری یزد، دو روز قبل از تاسوعا انجام می‌شود اما برخی نخل‌های قدیمی‌تر در روزهای نخستین ماه محرم سپاه‌پوش می‌شوند.

یکی از قدیمی‌ترین نخل‌های استان که قدمتی ۲۰۰ ساله دارد، نخل میدان امیرچخماق است که با حضور مردم سپاه‌پوش شد تا عزاداری در شهر به صورت رسمی در اصلی‌ترین میدان یزد اعلام شود.

یزدی‌ها آداب و رسوم بسیاری در این ماه دارند که برخی از آنها این روزها هنوز هم اجرا می‌شود و برخی دیگر به دست فراموشی سپرده شده است.

طبخ غذای نذری یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های عزاداری‌های یزد است و عمده نذورات یزد، آش گندم است که یزدی‌ها از آن



به عنوان آش امام حسین (ع) یاد می‌کنند.

● سنت قدیمی یزدی‌ها در جمع‌آوری نذورات غذایی نذری

در گذشته برای اینکه همه مردم در طبخ آش نذری در شب‌های مختلف ماه محرم مشارکت کنند و اگر فردی نذری دارد، نذر خود را ادا کند، بر سر هر کوی و محله‌ای دیگی بزرگ گذاشته می‌شد و مردم نذورات خود را اغلب شامل گندم و حبوبات بود در آن می‌گذاشتند و متولی نذری با ساماندهی نذورات و خرید کم و کسری‌ها، بساط آش امام حسین (ع) را در یکی از روزهای ماه محرم برپا می‌کرد. البته این روزها این سنت به دست فراموشی سپرده شده و شاید در برخی محله‌های قدیمی هنوز نشانی از آن باشد زیرا شیوه‌های طبخ نذری دیگر مانند گذشته نیست.

از اول محرم همه مساجد و حسینیه‌ها و تکایای یزد بدون استثنا مراسم روضه‌خوانی دارند و تقریباً همه این مراسم‌ها هر شب با توزیع نذری همراه است اما اکنون هر فردی که نذری دارد، غذای خود را یا در آشپزخانه حسینیه و مسجد و یا در مکان دیگری طبخ کرده و بین عزاداران توزیع می‌کند.

هیئت‌های عزاداری نیز از چندی پیش با برگزاری جلسات مختلف آماده شده‌اند و روسای این هیئت‌ها در دیدارهای خود با ائمه جمعه و مسئولان ادارات تبلیغات اسلامی، موارد مهم را مدیریت خواهند کرد.

● آمادگی هیئت‌های عزاداری برای برگزاری مراسم‌های دهه اول محرم

از آنجا که مراسم‌های یزدی‌ها از سنتی‌ترین مراسم‌ها است، اغلب مسئولان این استان به ویژه امام جمعه یزد بر حفظ سنتی بودن این مراسم‌ها تاکید کرده‌اند.

مدیرکل تبلیغات اسلامی استان یزد نیز در دیدار خود با روسای هیئت‌های مذهبی، شعاری آیینی و مداحان استان یزد بر حفظ شأن مراسم‌های عزاداری تاکید کرده و موارد مهم را بارها در جلسات متعدد به دست اندرکاران امر گوشزد کرده است.

مدیرکل تبلیغات اسلامی استان یزد اظهار داشت: روضه خوانی‌ها و مجالس عزاداری یزدی‌ها به خاطر سنتی بودن، نظم و انضباط حاکم بر مجالس و همخوانی مردم با مداحان مورد توجه قرار گرفته و حتی چند سال پیش رهبر معظم انقلاب نیز نسبت به هیئت‌های عزاداری یزد و

برنامه‌های آنها تفقدی داشتند.

حجت الاسلام سیدمحمد شریف حسینی کوهستانی بیان کرد: هیئت‌ها به ویژه روسای آنها باید تلاش کنند سنتی بودن این مراسم را حفظ کنند و به سراغ برنامه‌ها و ابزارهای زائد نروند و زیباترین و سنتی‌ترین شیوه عزاداری که همان سینه‌زنی است را حفظ کنند. وی افزود: مداحان نیز تلاش کنند اشعار با محتوا و دارای سندیت تاریخی را از منابع قابل قبول استخراج کرده و از آنها استفاده کنند.

● از تصاویر شهدا در حسینیه‌ها و مساجد استفاده شود

حسینی کوهستانی همچنین هیئت‌ها را از استفاده از تصاویری که منتسب به ائمه اطهار (ع) به ویژه امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل العباس (ع) است منع کرد و افزود: این تصاویر مستند نیست و ساخته و پرداخته ذهن دیگران است و شایسته است به جای این تصاویر از تمثال‌های شهدا استفاده شود.

رئیس شورای هیئات مذهبی استان یزد گفت: برنامه‌ریزی‌های لازم برای برگزاری مراسم باشکوه در یزد انجام شده و تلاش می‌شود امسال نیز هیئت‌ها با هماهنگی و نظم مثال‌زدنی خود، مراسمی باشکوه در سطح استان برگزار کنند.

سیدعلی فقیه زاده عنوان کرد: امسال برای نخستین بار هیئت‌های مذهبی استان یزد در روز سوم محرم یک گردهمایی بزرگ با عنوان «حسینیه ایران» خواهند داشت و همه هیئت‌ها با هم با یک مداح و یک برنامه واحد در خیابان قیام عزاداری، سینه‌زنی و نخل‌برداری می‌کنند.

● تلاش برای برگزاری مراسم‌های عزاداری در شأن ائمه اطهار (ع)

وی از مداحان خواست: با رعایت موارد توصیه شده به آنها، شأن و جایگاه مراسم‌های عزاداری را رعایت کنند.

فقیه‌زاده از روسای هیئت‌های مذهبی استان یزد نیز خواست: ضمن توجه به اقامه نماز اول وقت در هیئت‌ها در صورت همزمانی برنامه‌ها با اقامه اذان، از سخنرانان اثرگذار استفاده کرده و زمان برنامه‌های هیئت‌ها را محدود کنند تا علاوه بر جلوگیری از ایجاد مزاحمت برای همسایگان مساجد و حسینیه‌ها، شرکت‌کنندگان در مراسم‌ها نیز بتوانند با برنامه‌ریزی در مراسم‌ها شرکت کنند.

اینجا «شمر» هم عزادار حسین (ع) است

تکیه بالامله روستای برغان میزبان عزاداران حسینی است تعزیه خوانی سال های زیادی است که در این روستا انجام می شود اینجا اشقیایخوانان نیز برای امام حسین (ع) عزادارند.



ساره نوری



پیرمرد با قدی خمیده در حالی که سر تا پا مشکی پوشیده در حال آب دادن به کسانی است که شاید مسیری دور را پیموده تا خود را به حسینیه اعظم برغان برسانند حسینیه ای که محلی ها به آن «تکیه بالامله» می گویند و یکی از تکیه های مشهور ایران لقب گرفته است. پیرمرد کیسه ای پر از لیوان های یک بار مصرف دور کمر خود بسته در دستش تنگ آبی بزرگ است به آرامی در حسینه قدم می زند و با محبت به میهمانان آب تعارف می کند.

حاج آقا رمضانعلی واحدی سقایی حسینیه اعظم روستای برغان، ۸۰ سال سن دارد و بیش از ۵۰ سال می شود که سقایی این حسینیه است.

تعریف از حال و هوای حسینیه با اشک های پیرمرد همراه می شود همانطور که اشک می ریزد از حاجت روا شدن بسیاری از مردم می گوید حاج آقا رمضانعلی



خاطرات خوبی از حسینیه اعظم برغان دارد خاطراتی که با حضور زائران حسینی پیوندی دیرینه دارد.

● اعزام سقایی حسینیه اعظم برغان به کربلا

حاج رمضانعلی در ادامه به روزی اشاره می کند که در حسینیه برای اعزام چند نفر به کربلا قرعه کشی شده در حالی که بغض راه گلویش را بسته است می گوید دخترم یکی از خاطرات خوب من مربوط به اعزامم به کربلاست آن روز که نامم میان اسامی اعزامی به کربلا بود را فراموش نمی کنم.

وی در حالی که با ما صحبت می کند به کار سقایی هم ادامه می دهد هر کسی که از آن نزدیکی عبور می کند با چهره پر مهر و محبت حاج آقا رمضانعلی مواجه می شود و لحظه ای برای خوردن یک لیوان آب می ایستد. پیرمرد سقایی می گوید: از کار سقایی راضی ام از خدا خواسته ام که سقا باشم.

در همین حین جمعیت زیادی در حال ورود به حسینیه هستند از ما می خواهد که به استقبال زائران تازه وارد بروید خداحافظی می کند و به میان جمع می رود.

● صدای شمشیرها در حسینیه

اعظم برغان می پیچد

امروز دهم محرم سال یک هزار و چهارصد و سی هشت هجری قمری است اینجا روستای برغان واقع در شهرستان ساوجبلاغ است، حسینیه اعظم برغان سه طبقه دارد دو طبقه بالا مختص بانوان است و طبقه پایین که تعزیه در آنجا برگزار می شود مختص آقایان، بانوان از پشت دیواره های مشبک چوبی تعزیه را می بینند، اولیا و اشقیایخوانان در حال آماده شدن برای اجرای تعزیه هستند بی تابی در چهره حضار نمایان است صدای بهم خوردن شمشیرها شنیده می شود همزمان با صدای طبل تعزیه آغاز می شود.

شمشیر بالای سر طفلان مسلم بالا می رود، لحظه ای به تصویر کشیدن

شهادت این دو طفل همراه با ناله های عزاداران حسینی شوری دیگر به حسینیه برغان می دهد لحظه ای که اشقیای سرخ پوش طفلان مسلم را کشان کشان به کنار آب می برد تا قربانی کنند صدای زجه های مردم به آسمان می رود.

وقتی شمر شمشیر به دست در میان میدان نعره می کشد آه از نهان ها بلند می شود زن و مرد پیر و جوان اشک می ریزند گویی صحنه عاشورا پیش چشمانشان زنده شده است اشقیای و اولیا به نوبت اجرا می کنند اشقیای خوان نقش شمر پایین صحنه نشسته است و اولیا خوانان در حال اجرای نقش، در این فرصت با وی گپ و گفتی کوتاه می کنیم.

● اجرای تعزیه در نیویورک

حاج حسن برکتی ۴۹ سال سن دارد و ۳۰ سال است که تعزیه اجرا می کند اشقیای خوان است روی صحنه که می رود با شقاوت هر چه تمام تر جملات را به زبان می راند در این حین توهین هم می شنود ولی معتقد است باید نقش شمر با شقاوت اجرا شود زیرا در هنر تعزیه اگر نقش منفی قوی نباشد نقش مثبت دیده نمی شود.

از لحظاتی می گوید که به قتلگاه می رود به گفته خودش زبانش به تندی باز می شود ولی تک تک سلول های وجودش با حسین می گویند دوست دارد عزاداری کند ولی اشقیای خوانی به وی اجازه نمی دهد در حین اجرای تعزیه عزاداری کند.

برکتی که نقش شمر تعزیه حسینیه اعظم روستای برغان را اجرا می کند به اجرای تعزیه در کشورهای آمریکا، انگلیس، ایتالیا و فرانسه اشاره می کند و می گوید: بعد از حادثه یازده سپتامبر که ورود مسلمانان به آمریکا با مشکل مواجه بود در جشنواره ای که توسط شهرداری نیویورک اجرا شد شرکت کرده و در آنجا تعزیه اجرا کردیم.

وی به اجرای ۲۰ روزه تعزیه در فرانسه اشاره می کند و می گوید: بنا بود در فرانسه اجرای ۲۰ روزه داشته باشیم ولی این اجرا به ۵۰ روز رسید در این سفر که مرحوم عباس کیارستمی نیز حضور داشت ما به گمانمان کیارستمی را می شناختیم این در حالی بود که وی را در سفر به فرانسه شناختیم چرا که می دیدیم خارجی ها چگونه به هنر ایران علاقه نشان می دهند و هنرمند ایرانی را می شناسند.

سر می کشند.

بیرون از فضای حسینیه یکی از اعضای هیئت امنای حسینیه اعظم بَرغان در میان جمعی که مشخص است دانشجوی هستند ایستاده و توضیحاتی ارائه می کند، به جمعشان محلق می شویم، از رسومی می گوید که در ماه محرم در این روستا اجرا می شود مراسم های مختلفی از قبیل چادر زنی، فرش کوبی و سیاه کوبی، می گوید: در گذشته، چادری به مساحت یک هزار متر مربع روی دیوار حسینیه اعظم پهن می شد که عزاداران به دور از برف و باران به عزاداری بپردازند ولی با قرار گرفتن چتر بالای حسینیه دیگر مراسم چادر زنی برگزار نمی شود.

به گفته محمدرضا رحیمی مراسم فرش کوبی یکی از اقدامات مردم برای استقبال از ماه محرم است به طوری که در سال های گذشته مردم از یک ماه قبل از شروع محرم در مراسم فرش کوبی شرکت می کردند ولی این مراسم دیگر اجرا نمی شود.

وی می گوید: در حال حاضر مراسم سیاه کوبان در روستا اجرا می شود در این مراسم خانواده ها پارچه های سیاهی را تهیه می کنند و بر در و دیوار روستا می زنند، در گذشته نوشته های روی پارچه ها را با ابریشم می بافتند و وقتی پارچه ها بر در و دیوار روستا نصب می شد خبر از فرارسیدن ماه محرم می داد.

به گفته وی به لحاظ پایداری چادر زنی در حال فراموشی است و سیاه کوبی کاملاً زنده است و هر ساله مردم با شور حسینی این مراسم را برگزار می کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، حسینیه اعظم بَرغان واقع در شهرستان ساوجبلاغ به تکیه محله بالا مشهور است در ضلع شمالی میدان (مزار قدیمی) بَرغان قرار گرفته که دارای سه طبقه است، طبقه همکف یا اول، دارای ۱۰ حجره و مخصوص عزاداران آقا است. شاه نشین (ضلع شمالی بنا نقطه مقابل در) فضای ورودی مردانه و زنانه، اتاق تعزیه خوان ها، رخت کن، انبار، راه پله ها، تخت تعزیه خوان ها و کف بنا نیز از دیگر فضاهای موجود در این بنای تاریخی است، طبقه اول ویژه مردان است و همچنین در طبقه دوم و سوم معجزها و راهروهایی وجود دارد که زنان در آن مکان ها به مراسم مذهبی می پردازند ساختمان حسینیه از تیرچوبی و دیوارها همه از خشت خام و کاهگل هستند و این مکان در سال ۱۳۸۲ با شماره ۱۰۸۲۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.



● وقتی نام حسین (ع) در روزنامه های فرانسوی نوشته می شود

شمر تعزیه حسینیه اعظم بَرغان به حضور بانوی فرانسوی اشاره می کند که هر روز به دیدن تعزیه می آمده است، می گوید از مترجم پرسیدیم این بانو هر روز به دیدن تعزیه می آید و گریه می کند پس از پرس و جو متوجه شدیم که این بانوی فرانسوی تاریخ اسلام را مطالعه کرده است.

این بانوی فرانسوی به ما گفت: حسین (ع) پسر دختر پیغمبر اسلام است این قوم چرا با پسر پیغمبر چنین کرده اند طفل شش ماهه و زنان و کودکان بیگانه بوده اند برکتی می گوید: این بانوی فرانسوی به ما گفت: حسین (ع) پسر دختر پیغمبر اسلام است این قوم چرا با پسر پیغمبر چنین کرده اند طفل شش ماهه و زنان و کودکان بیگانه بوده اند.

وی در ادامه می گوید: فردای روزی که آن بانوی فرانسوی از تعزیه دیدن کرد روزنامه «لموند» فرانسه یک صفحه را به تعزیه اختصاص داد و در تیتری بزرگ نوشت «حسین کیست» همین برای ما کافی بود که نام حسین (ع) در قلب اروپا طنین انداز شود.

شمر تعزیه حسینیه اعظم بَرغان به فرهنگ سازی واقعه عاشورا در جامعه تأکید می کند و می گوید: از بچه های کوچک روستای بَرغان اگر پرسید مسلم کیست برای شما توضیح می دهند که مسلم سفیر امام حسین (ع) بود به کوفه آمد و هانی با وی بیعت کرد اما کوفیان از وی حمایت نکردند هانی ابن عروه جانش را برای مهمانش داد.

● شلیک گلوله به سوی شمر

به گفته برکتی تعزیه یک هنر سمعی و بصری است و عشق به امام حسین (ع) باعث می شود مردم پیش از چهار ساعت بنشینند و تعزیه ببینند بی آنکه خسته شوند. شمر تعزیه حسینیه اعظم بَرغان از توهمین های مردم به شمر می گوید از ۱۸ سال پیش حکایتی تعریف می کند روزی که در شهر کرد به دلیل ازدحام جمعیت مجبور می شوند تعزیه را در فضای باز اجرا کنند روزی که یکی از خوانین شهر کردی با اسب و لباس محلی و تفنگی دو لول بر دوش برای اجرای تعزیه می آید و پس از دیدن شقاوت شمر بی اختیار تفنگ را به سمت شمر نشانه می گیرد و گلوله ای شلیک می کند.

برکتی می گوید: در حال اجرای واقعه شهادت دوظفان

مسلم بودم سر اولین طفل را که بریدم ناگهان صدای شلیک گلوله شنیدم گلوله ای که اگر مردم زیر دست خان شهر کردی نمی زند در سینه ام جای می گرفت وی می گوید بعد از اجرا آن خان به دیدنمان آمد ما را در آغوش کشید و گفت آنقدر نقش شمر را خوب اجرا کردی که برای لحظه ای از خود بی خود شدم و دست به اسلحه بردم.

وی سخنان خود را با ذکر خاطره ای از المپیک تعزیه ایران به پایان می رساند چون تا دقایقی دیگر نوبتش می شود و باید روی صحنه برود می گوید: در المپیک تعزیه ایران شرکت کرده بودیم زمانی که شمر بر لب های امام حسین (ع) چوب می زد مردی قوی هیکل به من حمله کرد ماموران نیروی انتظامی وی را کنترل کردند.

● اجرای مراسم سیاه کوبی در روستای بَرغان

نوبتش می شود و به روی صحنه باز می گردد لباس های قرمز رنگی به تن دارد و کلاهی آهنی بر سر، شمشیر را در هوا می چرخاند و دیالوگ های شمر را به صدای رعدآسا در هوا جاری می کند صدای زنان از پشت دیواره های مشبک چوبی به گوش می رسد اشک می ریزند و به آرامی چادر سیاه خود را روی



بقعه «آقا رودبند» پایگاه وحدت بخش عزاداری‌های محرم در دزفول



بقعه امامزاده سید سلطان علی سیاهپوش معروف به آقا رودبند، پایگاه وحدت بخش آیین‌های عزاداری ماه محرم در دزفول است.



رویا رحیمی

ماه محرم یادآور ایثار و مظلومیت است. ماه ارزش‌های والای انسانیت، ماهی که درس از خودگذشتگی و فداکاری را در مدرسه عشق و رزی یاد داد. ماهی که گویا آغاز یک دانشگاه برای به بار آوردن دانشجویانی سراسر علم و آگاهی است، دانشگاهی که اساتید آن که همانا ابا عبدالله حسین (ع) و یارانش هستند، در تمام زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری حرفی برای گفتن دارند. بی‌آبی و عطش، شهادت و لب‌تشنگی، کربلا و مظلومیت، حسین و یارانش و یک دنیا عشق و ولایت، واژه‌هایی هستند که محرم را به ماه عاشقان بدل کرده و حال، در این روزهای غم، دزفول یکدست سیاه پوش شده است.

اینجا، تا یک ماه خنده‌ها درد دارد، لیخندها تلخ، نگاه‌ها اشک بار و دل‌ها داغدار بزرگواری است که رفت تا انسانیت، وفاداری و شجاعت بماند و ریشه بدواند... در دزفول، تا یک ماه خنده‌ها درد دارد، لیخندها تلخ، نگاه‌ها اشک بار و دل‌ها داغدار استدر شهرستان دزفول همانند بسیاری از شهرهای کشور برای ایام محرم، آیین‌های عزاداری ویژه‌ای وجود دارد که هر ساله باشکوه‌تر از سال گذشته در راستای زنده نگه داشتن آیین نیاکان و تاریخ برگزار می‌شوند.

● حفظ آیین‌ها مصادیق خودباوری است

عضو انجمن دوستداران و پژوهشگران شهرستان دزفول در این باره اظهار می‌کند: حفظ آیین‌ها و سنت‌های عاشورایی از مصادیق خودباوری و اعتقاد قلبی مردم دزفول به ائمه اطهار است که هر ساله با شور و اشتیاق به استقبال ماه محرم می‌روند. «نجمه مورث نوری» با بیان اینکه ماه محرم در آیین مردم ایران، جایگاه والایی دارد و هر منطقه و اقلیم از کشور براساس باورها و اعتقادات و برخاسته از فرهنگ محلی خود این آیین را برگزار می‌کنند، می‌افزاید: برگزاری مراسم تاسوعا و عاشورای حسینی در دزفول نیز دیدنی، پرشور و کم نظیر است.

آیین عزاداری تاسوعا و عاشورا در دزفول نماد وحدت و همدلی استوی با اشاره به اینکه آیین عزاداری تاسوعا و عاشورا در دزفول نماد وحدت و همدلی است، می‌گوید: آیین‌های مذهبی ایام محرم بر اساس یک سنت تاریخی از چند دهه گذشته تا به حال در این شهر برگزار می‌شود. مراسم عزاداری ماه محرم در دزفول یک سنت دیرینه در اعتقادات مردم است و بر اساس این سنت قدیمی در دزفول دسته جات عزاداری در روزهای تاسوعا و عاشورا عزاداری می‌کنند.

مورث نوری ادامه می‌دهد: در ابتدای ماه محرم در شهر دزفول در هر کوی و برزن شاهد نصب پرچم و کتیبه‌های سیاه و مراسم آذین‌بندی علم‌ها و تکایا با حضور پیر و جوان هستیم و هر کس به تناسب توان خود خدمتی انجام می‌دهد.

وی عنوان می‌کند: مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا در دزفول بر اساس یک سنت کهن برای وحدت بخشی بین

برخی از خیابان امام خمینی شمالی و برخی از کوچه‌های محلات کتکتان و کرناسیان کنار مسجد لب خندق وارد خیابان می‌شدند و به ترتیب زمانی مسیر خیابان امام خمینی شمالی را تا میدان امام طی می‌کردند و از آنجا وارد خیابان امام خمینی جنوب می‌شدند و تا میدان مثلث به سمت خیابان شهید منتظری به سمت پل قدیم و از همان جا از محله معروف به احمد کور برمی‌گشتند و از خیابان طالقانی غربی وارد محله تاریخی قلعه می‌شدند و هر کدام به سمت محله خود حرکت می‌کردند.

● بقعه «رودبند» ظرفیت مذهبی تاریخی دزفول

مورث نوری یادآور می‌شود: بقعه متبرکه امامزاده رودبند از بناهای مذهبی و تاریخی شهر دزفول است که نسب وی به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. نام اصلی این امامزاده سید سلطان علی سیاهپوش است که در همه ایام سال به احترام جدشان امام حسین (ع) لباس مشکی بر تن داشته و از این جهت به سیاهپوش معروف بوده‌اند.

وی تأکید می‌کند: وجود چنین بقعه‌ای که یادآور احترام تاریخی مردم دزفول به امام حسین (ع) است، ظرفیتی غنی و هویت بخش در شهر دزفول است که هر سال در ایام محرم به خوبی از آن بهره برده می‌شود.

● مداحی به گویش دزفولی

مورث نوری در ادامه می‌افزاید: یکی از نکات قابل توجه در آیین‌های عزاداری دزفول این است که در برخی محلات دزفول مداحان به گویش محلی به مداحی می‌پردازند که نقش مهمی در حفظ هویت بومی شهر دارد. علاوه بر آن، از ویژگی‌های اختصاصی محرم دزفول نوای «مار رضوی» در عزاداری‌ها است.

این عضو انجمن در پارس در پایان عنوان می‌کند: شور و صفناشدنی دزفول در ایام محرم بسیاری از دزفولی‌های ساکن نقاط مختلف کشور و خارج از کشور را به این شهر می‌کشاند، همچنین این تنوع و مراسم خاص دزفول علاوه بر جنبه‌های مذهبی و اعتقادی که دارد می‌تواند دستمایه فرهنگی ارزشمندی برای جذب گردشگران به این شهر تاریخی باشد.

دو محله به نام حیدرخانه و نعمت‌خانه در جنوب و شمال دزفول بوده است. حدود ۵۳ سال پیش مسیر عزاداری به این صورت تعیین شده که در عصر تاسوعا و عاشورا هیئات عزاداری از جنوب دزفول مانند محله‌های صحرایر مغربی و مشرقی، محله قلعه و محله مسجد به سمت شمال بیایند و مردم محله حیدرخانه که بزرگترین محله در دزفول است به آن مسیر می‌آمدند و از دسته جات عزاداری با نان و خرما، حلوا، آب، شربت و کلوچه پذیرایی می‌کردند و مورد احترام آنها بودند.

● آیین‌های عصر تاسوعا

عضو انجمن دوستداران و پژوهشگران شهرستان دزفول بیان اینکه عصر تاسوعا هیئات عزاداری مردم از آخرین خیابان بافت تاریخی دزفول در جنوب حرکت می‌کردند و از محله‌های «کرناسیان»، «کتکتان»، «ساکیان» و «سرمدیان بزرگ» به سمت جنوب برمی‌گشتند، اضافه می‌کند: در صبح عاشورا همین هیئات جنوب از خیابان امام خمینی می‌آمدند و از آن مسیر به محله رودبند نزد مرحوم «آقا سید سلطان علی سیاهپوش» معروف به «آقا رودبند» در جوار رودخانه‌ها که میعادگاه و نماد وحدت بخش آیین عزاداری محرم دزفول است می‌رسیدند و ضمن عزاداری و پذیرایی از هیئات سینه زن و زنجیر زن به ایشان ادای احترام می‌کردند.

مورث نوری بیان می‌کند: این هیئات علم‌های خود را که شامل یک قطعه چوب درخت است با چندین شال سیاه و شال رنگی در بالا و یک نشان فلزی معروف به علمکی آذین‌بندی می‌کنند. طول بعضی از این علم‌ها به ۱۲ متر و یا بیشتر می‌رسد که عزاداران آنها را به دیواره بقعه آقا رودبند اتصال می‌دادند و تبرک می‌جستند.

وی تأکید می‌کند: بلند کردن این علم‌ها افراد خاص خود را طلب می‌کند. سپس از محله رودبند، کرناسیان، کتکتان، ساکیان و سرمدیان به سمت جنوب برمی‌گشتند. عضو انجمن دوستداران و پژوهشگران شهرستان دزفول در ادامه می‌گوید: در عصر عاشورا نیز هیئات شمال دزفول که بیشتر شامل محله حیدرخانه بود؛ (که یکی از آنها، محله سیاهپوشان بوده که هیئت عزاداری آن به اندازه ۲۰ هیئت محلات دیگر است)

تاریخچه و ویژگی های تعزیه در جم / خوانش قدیمی ترین نسخه های تعزیه



ایشان سبز و بر روی لباس عبا پوشیده می شود. اهل بیت، شال و عمامه سبز می پوشند. شمر معمولاً لباسی قرمز رنگ و ابن سعد فرمانده لشکر با لباس فاخر عربی در صحنه ظاهر می شوند.

سرپرست هیئت تعزیه خوانی شهر جم در ادامه بیان داشت: از روزی که محمد علی خان تعزیه را بنیان گذاری کرد تا حدود ۴۰ سال قبل مخارج تعزیه از راه موقوفات خان تأمین می شده است.

وی یکی از ویژگی های بسیار جذاب در تعزیه جم را استفاده از ساز سرنا دانست و گفت: این ساز با آهنگ و نواپی منحصر به فرد در ابتدا و انتها و نیز در فواصل تعزیه نواخته می شود.

● سابقه طولانی تعزیه خوانی در شهر جم

علی بابایی با اشاره به سابقه طولانی تعزیه در جم گفت: از زمانی که در این شهر تاریخی مکتب خانه وجود داشته، تعزیه خوانی نیز برگزار شده است.

وی ادامه داد: از آن زمان تا کنون هر ساله در ایام محرم مراسم سنتی تعزیه خوانی در شهر جم برگزار می شود که در سالهای اخیر گردشگران داخلی بسیاری را به خود جلب کرده است.

این مسئول فرهنگی و مذهبی جم افزود: در ایام دهه اول محرم مراسم تعزیه خوانی در این شهر همه روزه از ساعت ۱۴ تا ۱۷ در زمین پریشان برگزار می شود و در روز تاسوعا نیز در نوبت صبح و در روز عاشورا (از ساعت ۹ تا ۱۲) برگزار می شود.

وی تصریح کرد: معمولاً در روزهای تاسوعا و عاشورا که تعطیل هم هست، جمعیت کثیری از گردشگران برای دیدن مراسم تعزیه خوانی سنتی به شهر جم می آیند. بابایی خاطر نشان کرد: تماشاچیان این مراسم در روزهای تاسوعا و عاشورا به بیش از پنج هزار نفر هم می رسند و هر سال نسبت به سال قبل باشکوه تر و منظم تر برگزار می شود.

وی اظهار کرد: بازیگران هنر سنتی تعزیه همگی از اهالی شهر جم هستند.

نسخه های تعزیه کشور است که تاکنون به همان سبک و سیاق قدیم باقی مانده و هیچ گونه تغییری در آن به وجود نیامده است.

سرپرست هیئت تعزیه خوانی جم خاطر نشان کرد: اگر چه عقیده بر این است که در مراسم تعزیه جم و نسخ آن هیچ گونه دخل و تصرفی صورت نگرفته اما بنابر آنچه مرحوم حسین یوسفی متوفی ۱۳۶۷ ه. ش. در دست نوشته های خود نقل کرده است، بزرگان جم که اغلب صاحب ذوق و آشنا به آرایه های بدیع ادبی بوده اند، بسیاری از اشعار تعزیه را از شکل عامیانه و ساده به صورت اشعاری و ادبی در آورده اند.

وی گفت: از جمله این بزرگان مرحوم حاج حسین خان جمی متوفی ۱۳۲۶ ه. ق است که با حفظ اصل موضوع، اشعار تعزیه را از صنایع بدیع ادبی سرشار کرده و بدین گونه باعث استحکام ادبی آن ها شده است.

این مسئول گفت: در زمان محمد علی خان و علی اکبر خان و حاج حسین خان حدود ۷۲ مجلس تعزیه در جم به اجرا در می آمده است که به علل زیادی بسیاری از این مجالس و نسخه های آن از بین رفته است.

پریشان یادآور شد: بسیاری از نسخه ها به علت بی توجهی زیر آوار ماند و پوسید و هم چنین در سال ۱۳۴۰ ه. ق که ناصر خان قشقایی به جم حمله کرد بسیاری از وسایل و ادوات و نسخه های تعزیه نیز به غارت می رود. وی بیان کرد: این عوامل موجب شد که از میان بیش از ۷۰ مجلس قدیم تعزیه، فقط ۱۳ مجلس باقی بماند که از جمله آن ها می توان به تعزیه دهه اول محرم و تعزیه ورود اهل بیت به کوفه و نیز تعزیه شهادت موسی بن جعفر (ع) اشاره کرد.

● ویژگی لباس تعزیه خوان ها

سرپرست هیئت تعزیه خوانی جم به لباس تعزیه جم اشاره کرد و گفت: در تعزیه جم لباس ها برگرفته از لباس های قدیم این منطقه بوده است؛ لباس امام که بر اساس روایات، «خز مصری» بوده، زرد، عمامه و شال

تعزیه خوانی در جم دارای سابقه ای طولانی، با ویژگی های خاصی است و نسخه های تعزیه جم از قدیمی ترین ها در کشور محسوب می شود که تا کنون سبک و سیاق آن حفظ شده است.

علی حسینی

تعزیه به عنوان رساترین نوای سوزناک عزاداری در طول تاریخ، با فریاد رسا، پرده جهل و ظلمت را کنار زده و زبان گویای حق طلبان برای انتقال پیام نهضت عاشورا به ویژه در دوران سلطه حاکمان ظالم و فاسد تاریخ بوده است. این هنر بی بدیل که با حماسه عاشورا پیوندی ناگسستنی دارد، مهم ترین و اثرگذارترین شیوه نمایش ایرانی است که در طول دوران اختناق تاریخ و در میانه آواهای جاهلانه ظالمان با زبان گویا و رسای خود، نوای مظلومیت و حقانیت سیدالشهدا برای زنده نگه داشتن دین خداوند را فریاد زده است.

تعزیه از دیدگاه اعتقادی، دینی و تاریخی ارزش فراوانی دارد و در دوران صفویه و قاجار رونق گرفت تا به شکل کنونی در آمد.

نوای ماندگار تعزیه از دوران اوج خود در زمان صفویه تاکنون قرن ها بر پیکره ظلم و جهل مستکبران جهان رعشه افکنده است و آوای ماندگار آن، این حقیقت را در گلوئی تاریخ فریاد می کند که حقیقت جویی و حق خواهی عاشورا در پهنه تاریخ جهان امتداد خواهد داشت.

● تاریخچه تعزیه در جم

در همان زمانی که تعزیه در اوج عظمت و رونق خود بود، یعنی در اواسط دوران ناصری در حدود سال های ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۵ هجری قمری در مسافرتی که «محمد علی خان جمی» متوفی ۱۲۹۹ ه. ق. به شیراز داشت با مراسم تعزیه از نزدیک آشنا شد.

محمد علی خان بسیار مایل بود که این مراسم را با تمام جزئیاتش در جم به اجرا در آورد و این شد که در سال بعد نسخه خوان هایی از شیراز به جم دعوت کرد و این گروه شیرازی چندین سال با هزینه وی در جم به اجرای مراسم تعزیه خوانی پرداختند.

این مراسم با استقبال زیاد مردم جم روبرو شد؛ به طوری که بعد از آشنایی مردم جم با این مراسم، خود به ایفای نقش های تعزیه پرداختند.

● ویژگی های آیین تعزیه خوانی جم

علی پریشان سرپرست هیئت تعزیه خوانی جم به ویژگی های آیین تعزیه خوانی جم پرداخت و گفت: ویژگی این مراسم که به آن، عظمت و جلوهای خاص داده برگزاری میدانی است، بر خلاف بیشتر نقاط کشور که تعزیه در تکیه یا سالن و بر روی سن اجرا می شود، این آیین در جم، در میدانی وسیع به اجرا در می آید.

وی اضافه کرد: در ابتدا امام و اهل بیت سوار بر اسب وارد صحنه می شوند و سپس اشقیان نیز به همان صورت سواره وارد می شوند، در قسمت هایی از تعزیه، تعزیه خوان ها سوار بر اسب به تاخت و تاز می پردازند و صحنه هایی از نبرد عاشورا را در ذهن تماشاگر تداومی می کنند.

پریشان بیان داشت: بیشتر نسخ تعزیه جم را محمد علی خان از مرودشت و بعضی هم از شیراز جمع آوری کرده است.

● استفاده از قدیمی ترین نسخه های تعزیه در کشور

وی افزود: به تحقیق، نسخه های تعزیه جم از قدیمی ترین

سبک‌های سینه‌زنی در خرمشهر / جنگ به عزاداری جنوب تقدس بخشید

● فاصله جوانان از عزاداری های سنتی

گله داری معتقد است سبک سنتی از خلوص بیشتری برخوردار است و جزو آواها و نواهای اصیل مردمی است.

وی بیان می‌کند: در سبک سنتی کمتر مسائلی همچون آهنگ و سبک خاص مطرح است، بیشتر با دل گفته‌ها و دل نوشته‌ها کار دارند و «سخنی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند».

این پیر غلام ادعا می‌کند که نسل جوان دیگر با نوحه‌های سنتی ارتباط سابق را برقرار نمی‌کند و اعتقاد دارد جوان‌ها بدخوراک شده‌اند.

در سبک‌های جدید از تعابیر جدیدی همچون چشم و ابرو و خال و... استفاده می‌شود و این در حالی است که سروده‌های شاعران قدیم بیشتر به احادیث و آیات قرآن نزدیک بوده و زبان گویای منابع اسلامی است گله داری عنوان می‌کند: نسل جوان بدخوراک بار آمده‌اند. تولید آهنگ‌های مختلف سبک جدید را وارد عزاداری‌ها کرده و متأسفانه نسل جوان به سبکی که نزدیک موسیقی است بیشتر توجه می‌کند.

وی ادامه می‌دهد: در سبک‌های جدید از تعابیر جدیدی همچون چشم و ابرو و خال و... استفاده می‌شود و این در حالی است که سروده‌های شاعران قدیم بیشتر به احادیث و آیات قرآن نزدیک بوده و زبان گویای منابع اسلامی است.

این ذاکر، درباره به آینده سبک سنتی در کشور نگاهی خوش بینانه دارد و می‌گوید: جوانان مستعد علاقه مند به سبک‌های سنتی بسیاری وجود دارند، هر چند این سبک‌ها در شهرهایی که اصالت خود را حفظ کرده، بیشتر است و در شهرهایی همچون خرمشهر زیاد بودن اقوام، برخی شیوه‌های سنتی را خدشه دار می‌کند اما نمی‌توان پایانی برای این سبک تصور کرد.

به گزارش مهر، اینجا خرمشهر است شهری که در آن مراسم عزاداری‌ها هم متفاوت برگزار می‌شده است. حتی مسئول کانون مداحان و شاعران آیینی خرمشهر در توضیح سبک عزاداری خرمشهر فراموش نمی‌کند بگوید که «خرمشهری‌ها به سبک‌های دیگر هم عزاداری می‌کنند و سینه‌زنی کربلایی دیگر سبک عزاداری پرتلفدار مردم خرمشهر است».

در نجف ثانی، هر کس با زبانی در رسای مولایش مجلس ماتم بر پا می‌کند. برخی بر سینه می‌زنند، برخی زنجیر می‌زنند، برخی هروله می‌کنند اما آنچه ماندگار می‌ماند طنین بلند یک صداست که از این شهر پر حماسه، در پی مشکلات و ویرانی‌هایش به گوش می‌رسد؛ طنین «لیلیک یا حسین».



کردیم، من هم با شنیدن و به صورت تجربی کار را یاد گرفتم و از بچگی زبان حال سکینه را می‌خواندم. وی اضافه می‌کند: بیشتر روضه‌خوان هستم تا نوحه‌خوان؛ سبک‌های سنتی هم خوانده‌ام اما بیشتر سبک‌های حد وسط را ترجیح می‌دهم.

● شیوه عزاداری جنوبی

این پیر غلام امام حسین (ع) در ادامه به سبک‌های جنوبی عزاداری اشاره می‌کند و می‌گوید: سبک‌های عزاداری جنوب بیشتر سینه‌زنی است که بعد از سنج و دمام که اعلام خبر است، اجرا می‌شود. در گذشته نواختن سنج و دمام از آغاز مراسم عزاداری بود گله داری توضیح می‌دهد: در گذشته نواختن سنج و دمام خبر از آغاز مراسم عزاداری بود. بعد از منبر اگر روضه‌خوانی نداشته باشند هم دمام می‌زنند و جمعیت به شکل دایره‌ای که ذاکر و مداح در مرکز قرار می‌گیرد، به عزاداری می‌پردازند.

وی، سبک سینه‌زنی مردم خرمشهر را برگرفته از سبک بوشهری، دشتی و فایض که از نوحه‌های سنتی است می‌داند که عرب‌های خوزستان نیز عزاداری خود را با این سبک آغاز می‌کنند و حالا به سبکی سراسری تبدیل شده است. این ذاکر ادامه می‌دهد: مراسم با نوحه‌های آرام که به صورت سینه‌زنی دسته‌جمعی است آغاز می‌شود و وقتی که جمع گرم شد، سینه‌زنی دو ضرب شروع می‌شود و بعد از آن سینه‌زنی یک ضرب که به آن واحد می‌گویند.

این پیر غلام، یکی از تفاوت‌های سبک سینه‌زنی خرمشهری و بوشهری را در شیوه‌های نامی افراد می‌داند و توضیح می‌دهد: در سبک سنتی دسته‌ای، حلقوی می‌ایستند و کاملاً تحت فرمان نوحه‌خوان هستند این در حالی است که در عزاداری سنتی جاده باز می‌کنند (صفوف سینه‌زنان در مقابل هم قرار می‌گیرند).

«سید مرتضی خلیلی» اظهار می‌کند: عزاداری‌ها در دوران پیش از انقلاب، دوران انقلاب و حتی در اوج درگیری‌های دوران دفاع مقدس در خرمشهر برگزار می‌شد و آنچه عزاداری خرمشهر را سر زبان‌ها انداخت، این بود که رزمندگان در دوران دفاع مقدس در مسجد جامع خرمشهر جمع شده به عزاداری خرمشهری که شامل سینه‌زنی خرمشهری متمایل به سینه‌زنی بوشهری بود می‌پرداختند، به همین علت برای تمام مردم ایران شناخته شده است.

وی در ادامه می‌گوید: در حسینیه بوشهری‌ها (یکی از حسینیه‌های خرمشهر) نیز نوعی سینه‌زنی تلفیقی سبک بوشهری و خرمشهری اجرا می‌شود. نمی‌توان نگاه کلی به خرمشهر داشت چون در این شهر همه اقوام حضور دارند و به سبک خودشان عزاداری می‌کنند اما همه آنها تمایلی به سینه‌زنی مخصوص خرمشهر که حاج حسن و حسین فخری از مداحان مطرح این سبک هستند، دارند.

● از کودکی ذاکر بودم

«محمد گله داری» پیر غلام دستگاه اباعبدالله است، یک خرمشهری که هر چند حالا ساکن این شهر نیست اما طریق گفته خودش هیچ وقت خرمشهر را ترک نکرده، نه در دوران دفاع مقدس، نه در زمان بازسازی و نه حتی در زمانی که با بنیاد مهاجرین همکاری داشته است. وی که حالا ۶۲ سال دارد و بازنسته است، بچگی‌هایش را به خاطر می‌آورد، زمانی را که با همه کودکی‌هایش لابه‌لای نخل‌ها نوحه می‌خواند. همان زمان که کودکان محل با برگ‌های نخل برای خودشان هیئت درست می‌کردند و او می‌شد مداح و دوستانش شتونده.

گله داری تعریف می‌کند: خانه ما فلکه دروازه بود، آن زمان هر وقت در حوزه علمیه خرمشهر برای تبلیغ می‌آمدند ما هم می‌رفتیم و با عزاداری‌ها گریه می‌

حلقه‌های سینه‌زنی که این روزها در مسجد جامع خرمشهر تشکیل می‌شود را روزی رزمندگان در طول جنگ در همین مسجد تشکیل می‌دادند تا در رثای امام حسین (ع) عزاداری کنند.



سیده فاطمه هالات

مسجد جامع خرمشهر گرم است، همه جا تاریک. اینجا همگی معنای تشنگی و رزم را می‌فهمند و معنای شهادت و معنای جمله «حلی من العسل»، را. مردانی که از سراسر ایران به خرمشهر آمدند و حالا به سبک خرمشهری‌ها عزاداری می‌کنند، دست در کمر هم می‌اندازند، «حسین فخری» نوحه می‌خواند و بقیه سینه می‌زنند. این سبک عزاداری، حلقه‌ای است که می‌چرخد، حلقه‌ای از لباس‌های خاکی، صدای «یا حسین» هماهنگی بلند می‌شود، صدایی که صدای هر خمپاره‌ای را در در جا خفه کرده و این عزاداری‌ها را در تاریخ جاودانه می‌کند.

● عزاداری در خرمشهر

این سبک نوحه‌خوانی شامل خواندن نوحه‌های عربی و فارسی است که از سینه‌زنان با نوحه‌های قدیمی و مرسوم «اه و اوایل عزا و ماتم شد» و «وای غریبم حسین» دعوت به سینه‌زنی می‌شود. چند دقیقه که به اصطلاح مجلس گرم شد، نوحه‌های دیگری به صورت دو ضرب و با جواب خوانده می‌شوند، بعد از دو سه نوحه، سینه‌زنی دو ضرب، بعد نوحه واحد خوانده می‌شود. فرقی ندارد فارسی باشد یا عربی، تقریباً شبیه سینه‌زنی بوشهری هاست. این‌ها را «شاهین زلی» یکی از مداحان خرمشهری در معرفی سبک عزاداری مردم خرمشهر می‌گوید: سبکی که در میان مردم محلی به سبک خرمشهری شناخته شده است.

سبک خرمشهری نوعی سبک عزاداری است که در نگاه اول همان سبک «بوشهری» بوده که ثبت ملی شده اما تفاوت‌های جزئی میان این دو سبک وجود دارد.

● رزمندگان در جنگ به سبک خرمشهری‌ها عزاداری می‌کردند

جنگ به عزاداری به سبک خرمشهری‌ها تقدس بخشیده است مسئول کانون مداحان و شاعران آیینی خرمشهر، عزاداری به سبک خرمشهری‌ها در این شهر را دارای پیشینه‌ای طولانی می‌داند که جنگ به آن تقدس بخشیده است.

شبیه خوانی؛ رزمایش شیعیان با ترسیم عاشورا / تجدید بیعت با شهید کربلا



عزاداری در اردبیل با اجرای صدها آئین شبیه خوانی در ظهر عاشورا به اوج می‌رسد، آئینی که از آن به رزمایش شیعه و اعلام آمادگی برای مبارزه با ظلم تعبیر می‌شود و در اردبیل قرن‌ها قدمت دارد.



محمد میرزایی
ناطق

عزاداری‌های ماه محرم در استان اردبیل شاخصه‌ها و فرم متفاوت و در برخی مواقع کم‌نظیری داشته و بخش مهمی از آن با موضوع تعزیه و شبیه خوانی در روز عاشورا گرده خورده است، چنانچه عزاداری اردبیلی‌ها برای واقعه عاشورا در سطح ملی و جهانی شهرت پیدا کرده و حتی مکتب تعزیه اردبیل به استان‌های مجاور نیز انتقال یافته است.

برگزاری برخی از آئین‌های اصیل عزاداری در اردبیل قرن‌ها قدمت دارد، شبیه خوانی یکی از این آئین‌ها است که از صبح عاشورا در بسیاری از شهرها و روستاها برگزار و تا بعد از ظهر ادامه می‌یابد.

استان اردبیل به ویژه مرکز این استان از گذشته‌های دور در برپایی باشکوه عزاداری ایام محرم بویژه در آئین چند صدساله شبیه خوانی شهرت داشته و به همین منظور بسیاری از علاقمندان از سراسر کشور و حتی از کشورهای همسایه برای شرکت در این عزاداری‌ها به شهر اردبیل مسافرت می‌کنند.

از جمله آئین‌های کهن و ماندگار عزاداری در اردبیل، شبیه خوانی است که هم‌زمان با عاشورای حسینی توسط گروه‌های کثیری از عاشقان اهل بیت (ع) در نقاط مختلف این استان بویژه در مرکز استان و روستاهای حاشیه آن برپا می‌شود تا فجایع خونبار دشت کربلا را برای دلسوخنگان آن حضرت ترسیم کنند.

آیین چند صد ساله شبیه خوانی روز عاشورا که با تصویرسازی واقعه دشت نینوا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش اجرا می‌شود، علاوه بر تجلی عشق و شور حسینی، عاملی برای ماندگاری و نقل سینه به سینه عاشورا در تاریخ بوده است. در این آئین سنتی و هنری عزاداران و عاشقان اهل بیت (ع) در نقاط مختلف استان اردبیل و در مناطق شهری و روستایی واقعه دشت نینوا به نمایش می‌گذارند.

تعزیه یا شبیه خوانی در اصل نمایشی است برپایه قصه‌ها و

مشاهده می‌شود به نوعی تمثیلی از این آمادگی است. به عنوان مثال علم و پرچم در گذشته در مقابل لشکر حرکت داده می‌شد تا خبر آمادگی لشکر برای جنگ را بیان کند و ما امروز شاهدیم که این موضوع در عزاداری‌های اردبیل نیز به کرات مشاهده می‌شود و به نوعی به یکی از مؤلفه‌های انکارناپذیر در ادوات عزاداری تبدیل شده است. رئیس حوزه هنری استان متذکر شد: بی‌شک چنین عزاداری خود به منزله اعلام آمادگی و تجدید بیعت با شهید کربلا است و به نوعی بیان این مطلب است که امروز شیعیان خود را سربازان امام حسین (ع) می‌دانند. آیین‌های سنتی شبیه خوانی روز عاشورا در اردبیل در میادین و یا مقابل مساجد در سه نوبت سپیده دم، ظهر و شامگاه عاشورا با شکوه خاصی اجرا می‌شود.

آیین شبیه خوانی واقعه کربلا که در استان اردبیل سابقه دیرینه دارد همه ساله با تمرین گروه‌های نمایشی شبیه خوانی چند روز مانده به روز عاشورا شروع و در روز عاشورا واقعه کربلا را بصورت نمادین شبیه خوانی می‌شود. این آئین روز عاشورا در بیشتر روستاها و در همه محلات شهرهای استان اردبیل به اجرا در می‌آید و هر محله بر اساس سبک و سیاق مخصوص خود این آیین مذهبی را با همت و همکاری جوانان محله اجرا می‌کند.

شبیه خوانان در این آیین احوالات و وقایع مربوط به هر کدام از شخصیت‌های برجسته واقعه کربلا از جمله حضرت امام حسین (ع)، حضرت امام سجاد (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت قاسم، حضرت ابوالفضل، حضرت رقیه، حضرت علی اصغر، حضرت علی اکبر و حر ابن یزید ریاحی و نیز شخصیت سپاهیان یزید از جمله شمر، ابن زیاد و عمر سعد را با دیالوگ‌هایی خاصی که از سال‌های گذشته به یادگار مانده است، اجرا می‌کنند.

در این آیین ابتدا دسته‌های تعزیه خوان و شبیه خوان از برابر تماشاچیان می‌گذرند و با سینه زدن، زنجیر زدن و کوبیدن سنج و حمل نشان‌ها و علم‌ها و نیز نوحه سرایی، ماجرای کربلا را به مردم یادآوری می‌کنند.

از سال‌ها پیش در برگزاری تعزیه؛ آوازها کمتر بوده و نشان‌ها بیشتر و واقعه خوانان ماجرای کربلا را نقل کرده و سنج و طبل و نوحه آنها را همراهی و تعدادی از نقالان نیز ملبس به لباسهای خاندان امام حسین (ع) و سپاه عمر سعد ملعون واقعه کربلا را شبیه سازی می‌کردند.

اما در آخرین نیم قرن دوره صفویه، تعزیه تحول نهائی خود

روایات مربوط به زندگی و مصائب خاندان پیامبر اسلام و به خصوص وقایع ماه محرم سال ۶۱ هجری در کربلا برای امام حسین (ع) و خاندانش که از گذشته تاکنون سینه به سینه نقل شده و همچنان زنده و پویا اجرا می‌شود.

● شبیه خوانی اعلام آمادگی و تجدید بیعت با شهید کربلا است

رئیس حوزه هنری استان اردبیل در خصوص شبیه خوانی و هنر تعزیه معتقد است: یکی از جنبه‌های قابل توجه در عزاداری‌های ماه محرم بویژه در بحث در فرم به منزله رزمایش شیعیان است و به نوعی واگویی بعد رزمی و آمادگی نظامی شیعه که خود را سربازان امام حسین (ع) می‌دانند.

امیر رجی ادامه داد: به دلیل اینکه واقعه عاشورا روایتی حق و باطل بود و در طول تاریخ همچنان به این مقوله تأکید شده است، نمادهایی که در عزاداری استفاده شده از جمله علم، شمشیر، پرچم، لباس شبیه خوانی، اسب‌ها و حتی فرم عزاداری شامل زنجیر و سینه زنی به نوعی آمادگی نظامی را تداعی می‌کند.

به گفته وی اغلب المان‌های بصری که در تعزیه اردبیل



و شهادت وی و افتادنش از روی اسب و نیز آتش زدن خیمه های یاران حسین که حزن و اندوه را در عزاداران تشدید می کند، به پایان می رسد. مدیرکل تبلیغات اسلامی استان اردبیل نیز در خصوص این آیین در اردبیل عنوان کرد: آنچه در موضوع عزاداری های ماه محرم به آن تأکید می شود در مرحله اول توجه به ارزش ها است. ما هر عزاداری داریم باید بتواند ارزش های عاشقانه را به تصویر کشیده و آن را منتقل سازد.

حجت الاسلام مهدی ستوده با آسیب شناسی آیین شبیه خوانی در اردبیل افزود: واقعه و اتفاقی که در معرض نمایش است باید با شرایط زمانی و مکانی سازگار شده و بتواند ابزارهای هنری را برای بیان ارزش ها به کار گیرد. وی با بیان اینکه در شبیه خوانی وقتی لباس شبیه خوان مناسب نیست درواقع باهدف اصلی عزاداری در تعارض است، یادآور شد: در عزاداری تطبیق اهمیت ویژه دارد چراکه شبیه خوان از احوالات افرادی دیگر در یک تاریخ دیگر سخن می گوید و نوع تبلیغ افراد اهمیت ویژه دارد.

مدیرکل تبلیغات اسلامی استان متذکر شد: در شبیه خوانی ها غفلت از این موضوع موجب می شود به اصل عزاداری ضربه بزند.

نسخه هایی که مورد استفاده شبیه خوانها و تعزیه گردانها قرار می گیرد تماما تراثها و نظمی است که از گذشته دست به دست و سینه به سینه منتقل شده اند. شبیه خوانی از جمله هنرهای نمایشی و تعزیه خوانی موسیقی بوده و بویژه ابزارهایی مانند طبل و شیپور نقش اساسی در ایجاد شور و هیجان در شبیه خوانی دارد. محل اجرای تعزیه نیز محلی به شکل دایره بوده که در بعضی مناطق به وسیله میله و طناب کشی و در بیشتر جاها نیز به وسیله عزاداران که به صورت دایره گرد آمده اند، ایجاد می شود. در دو طرف میدان دو محل برای شبیه خوانان اصحاب امام و افراد یزید تدارک دیده می شود که شامل چادر صحرایی و تکایا است.

خیمه های کوچکی در اطراف چادر امام خوانها ایجاد می شود که نشان از خیمه یاران امام حسین (ع) بوده و در وسط میدان یک راه برای ورود و خروج تعزیه خوانان جهت تغییر گرم و وجود دارد و چون مراسم معمولاً در نزدیک مساجد اجرا می شود، برای تغییر گرم قسمتی از مسجد برای این کار اختصاص داده می شود.

● آیین های عزاداری باید ارزش های عاشقانه را به تصویر بکشد

آیین شبیه خوانی و تعزیه با ورود امام حسین (ع) به میدان

را طی کرده و به شکلی که امروزه برگزار می شود، درآمده و به دلیل حفظ حرمت، فقط مردان در این دسته ها حضور می یابند و نقش زنان را جوانان کم سال بازی می کنند. در شبیه خوانی روز عاشورا گروه های شبیه خوانی سیار سوار بر اسب با عبور از خیابانهای شهر صحنه های کربلا را روایت می کنند. در برخی از شهرها و روستاهای استان نیز میدانی بزرگ به عنوان نمادی از میدان جنگ مهیا شده و یاران و اهل بیت امام حسین (ع) در یک گوشه و لشکریان عمرسعد ملعون در گوشه های دیگر قرار می گیرند و با ورود اصحاب امام به کارزار حماسه کربلا و در نهایت با شهادت امام حسین (ع) و آتش زدن خیمه ها شبیه خوانی به انجام می رسد.

شبیه خوانی معمولاً توسط عده ای از عزاداران معتقد و با استعداد اجرا شده و بازیگران آن به دو دسته موافق خوان و مخالف تقسیم می شوند. موافق خوانان، معمولاً نقش امامان معصوم و اصحاب ابا عبدالله الحسین (ع) را اجرا می کنند که گویش آنها ادبی بوده و به صورت نظم سخن می گویند و مطالب خود را به صورت آهنگین روی دستگاه ماهور و گوشه های آن ادا می کنند.

مخالف خوانها دسته دیگر بوده که نقش عمرسعد، شمر و لشکریان یزید را بازی می کنند و مطالب خود را معمولاً بصورت نثر و با صدای بلند، خشن و خوفناک ادا می کنند.

شمع گردانی روایت هزار سال سرسپردگی است / مویه های عاشقانه در ۱۴ مسجد



محمد میرزایی ناطق

امروز تاسوعا روز دلدادگی به حضرت سیدالشهدا (ع) و مویه های عاشقانه و نجوای قرن ها سرسپردگی به علمدار کربلا است، مردم اردبیل این روز را با آیین سنتی و هزارساله شمع گردانی روایت می کنند.

اردبیل به عنوان خاستگاه تشیع، در حالی عشق و عاشقی و وابستگی کامل خود را به خاندان ابا عبدالله الحسین (ع) بویژه حضرت ابوالفضل العباس (ع) به اثبات رسانده که این دلدادگی در ماه محرم و با برگزاری آیین هایی که به این منطقه تعلق دارد، به اوج خود می رسد. آیین هایی که هزاران سال قدمت داشته و حکایت از هزاران سال سرسپردگی است.

اردبیل مملو از آیین هایی در شور و عشق حسینی و میراث دار فرهنگ عاشقانه است و مردم آن از گذشته تا کنون ارادتی خالصانه به سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع)، حضرت ابوالفضل (ع) و خاندان پاک سیدالشهدا دارند، به طوری که در طول تاریخ این شهر و منطقه به شهر حسینی شهرت داشته است.

تمام این ارادت و سرسپردگی با برگزاری آیین هایی نمود پیدا می کند که صدها و هزاران سال قدمت داشته و از نسل ها به نسل های دیگر منتقل می شود، آیین هایی که مختص اردبیل و مردم این دیار بوده و یا از این منطقه به سایر

کشور منتقل شده است. مردم اردبیل به مانند سایر مناطق و فرهنگ های مختلف کشور، دارای آداب و رسوم و سنن خاصی در برگزاری مراسم عزاداری و سوگواری بوده، اما برخی از این مراسم از جمله طشت گذاری، شمع گردانی، برپایی دستجات محلات

ششگانه و... نه تنها در کشور بلکه در سراسر دنیا بی نظیر و متعلق به منطقه اردبیل است و همیشه در بررسی آیینهای عاشقانه مورد مطالعه قرار گرفته است. چنانچه مراسم ماه محرم در اردبیل را سرشار از نشانه ها و نمادها کرده است. شمع گردانی یکی از این آیین ها است

که در اردبیل تجلی و به نمادی از عشق و ارادت مبدل شده است شمع گردانی یکی از این آیین ها است که در اردبیل تجلی و به نمادی از عشق و ارادت مبدل شده است. این آیین همزمان با تاسوعای حسینی روز اقتدا به علمدار نینوا برگزار شده و مردم استان اردبیل با اجرای آیین

سنتی شمع‌گردانی، عشق و ارادت به علمدار کربلا حضرت ابوالفضل (ع) نشان می‌دهند.

● تاسوعا و عاشورا اوج عزاداری مردم اردبیل

یکی از پژوهشگران تاریخی و دینی استان اردبیل اظهار داشت: در روز تاسوعا دستجات عزاداری اقدام به شمع‌گردانی می‌کنند که با برگزاری این مراسم سنتی، عشق و ارادت به خاندان عصمت و طهارت در این روز به نقطه اوج خود می‌رسد.

بیوک جامعی اضافه کرد: در این آئین که از ظهر تاسوعا در شهرها و نقاط مختلف

همه دسته‌های عزاداری شامل محلات شش‌گانه، شعبات آن و مردم عزادار به بازار می‌آیند و ضمن عزاداری آیین شمع‌گردانی را نیز با شکوه خاص و هر چه تمام‌تر برگزار می‌کنند.

● ۴۱ مسجد اردبیل میزبان شمع‌گردانان

آیین شمع‌گردانی در روز تاسوعا تا اذان مغرب ادامه می‌یابد و عزاداران گاه به صورت گروهی و گاه در قالب دسته‌های عزاداری و اغلب نیز با پای پیاده به ۴۱ مسجد قدیمی شهر اردبیل می‌روند. در تشریح برگزاری این مراسم در اردبیل تصریح کرد: آیین شمع‌گردانی در روز

این آئین در بین جوانان و نوجوانان و بویژه بانوان از حال و هوای خاص برخوردار است، بطوریکه بانوان در حالی که چادر و لباس سیاه بر تن کرده‌اند در سقاخانه ابوالفضل العباس (ع) اردبیل جمع شده و ضمن سر دادن ندای عزاداری به شکل خاص با روشن کردن شمع و گره زدن تکه‌پارچه‌هایی خواستار برآورده شدن حاجات خود و خانواده می‌شوند.

● آیین‌های عزاداری اصیل در اردبیل احیاء می‌شود

مدیرکل تبلیغات اسلامی استان اردبیل با اشاره به آیین‌ها و فرهنگ‌های

حسینی شناخته‌شده. مدیرکل تبلیغات اسلامی استان برگزاری تجمع تاسوعایی در اردبیل را تداخلی با برگزاری آئین هزار ساله شمع‌گردانی ندانست و تاکید کرد: این آئین‌ها نشانگر دلدادگی و ارادت مردم این منطقه به علمدار کربلا با برگزاری عزاداری اصیل و ارزشی است. به گفته‌ی وی در جهت برگزاری منظم و با شکوه این مراسم و سایر مراسم ملی، در سال‌های اخیر تلاش شده سنت‌ها و آیین‌های عزاداری پرشورتر از گذشته برگزار شود.

● عزاداری روز تاسوعا؛ آیین منحصر و قدیمی اردبیل

شمع‌گردانی آیینی مختص اردبیل است و از سال‌های گذشته تاکنون همه ساله با شکوه خاصی برگزار می‌شود، اما این آئین طی سال‌های اخیر در استان‌های دیگر کشور بویژه استان‌های شمالغرب و همجواری اردبیل رواج یافته و مردم این مناطق نیز آئین شمع‌گردانی را به عنوان آئینی برای عرض ارادت به خاندان سیدالشهدا (ع) برگزار می‌کنند. در روز تاسوعا مردم اردبیل با روشن کردن ۴۱ شمع نذری در ۴۱ مسجد؛ حاجات خود را طلب می‌کنند. شهروندان اردبیلی مراسم و آیین عزاداری روز تاسوعا را یکی از آیین‌های منحصر و قدیمی اردبیل می‌دانند و تاکید دارد که در این روز مردم اردبیل با روشن کردن ۴۱ شمع نذری در ظرف‌های مخصوص شمع‌سوز در ۴۱ مسجد؛ حاجات خود را طلب می‌کنند.

معمدی با بیان اینکه این مراسم از ظهر تاسوعا تا پاسی از شب ادامه می‌یابد،

افزوده: این مراسم در زبان ترکی و محلی به نام «شمع پایلاما» معروف بوده و عزاداران حسینی بعد از هشت روز عزاداری در مساجد و خیابان‌ها و محلات اردبیل در روزی که منتسب به علمدار رشید کربلا، حضرت ابوالفضل العباس (ع) است اقدام به روشن کردن شمع می‌کنند و در سوگ آن علمدار رشید بر سر و سینه می‌زنند.

این پژوهشگر دینی اوج عزاداری مردم اردبیل را در روز تاسوعا و عاشورا عنوان کرد و بیان داشت: در تاسوعای حسینی



غنی این منطقه در زمینه فلسفه عاشورا خواستار توجه جدی به این سرمایه‌های معنوی و مذهبی در اردبیل شد و گفت: در این خصوص آیین‌های عزاداری اصیل در اردبیل احیاء می‌شود. حجت‌الاسلام مهدی ستوده با تاکید بر اینکه باید با آسیب‌شناسی آیین‌های ماه محرم در راستای احیاء و رشد و پویایی برخی سنت‌ها تلاش کرد، افزود: در این راستا امسال برای ششمین سال متوالی مراسم عزاداری و اجتماع عظیم تاسوعای حسینی با حضور هزاران نفر از سوگواران و حسینیان در اردبیل برگزار می‌شود.

وی با بیان اینکه تجمع بزرگ و عظیم عاشورایی نیز فردا در اردبیل برگزار خواهد شد، تاکید کرد که برگزاری این تجمعات علاوه بر جلوگیری از برخی حرکات‌های غیرمعتارف سبب می‌شود اردبیل بیش از پیش با شناسنامه عزای

تاسوعا تا اذان مغرب ادامه می‌یابد و عزاداران گاه به صورت گروهی و گاه در قالب دسته‌های عزاداری و اغلب نیز با پای پیاده به ۴۱ مسجد قدیمی شهر اردبیل رفته و با نیتی خالص و با هدف برآورده شدن حاجاتشان شمع را روشن و برای شهدای کربلا نیز فاتحه و صلوات می‌خوانند.

جامعی ادامه داد: این مراسم نه تنها در اردبیل بلکه سایر شهرها و امامزاده‌ها با حضور دسته‌ها و گروه‌های عزاداری با حال و هوای خاص بویژه در شکل و محتوای باشکوه برگزار می‌شود و نظیر آن را می‌توان در امامزاده سلیمان فخرآباد مشگین‌شهر، سیددانیال خلخال، مسجد غریب بیله‌سوار و دیگر اماکن مذهبی و مورد احترام مردم استان مشاهده کرد.

آیین شمع‌گردانی مختص گروه‌های سنین خاصی نیست چنانچه برگزاری

استان اردبیل آغاز شده و تا غروب ادامه می‌یابد، عزاداران با دسته‌های شمع به مساجد مختلف محلات رفته و با روشن کردن شمع که در حقیقت نذری آنها محسوب می‌شود، عشق و ارادت خود را به حضرت ابوالفضل (ع) نشان می‌دهند. وی با بیان اینکه این آئین سنتی بیش از هزار سال در اردبیل قدمت دارد، افزود: این مراسم در زبان ترکی و محلی به نام «شمع پایلاما» معروف بوده و عزاداران حسینی بعد از هشت روز عزاداری در مساجد و خیابان‌ها و محلات اردبیل در روزی که منتسب به علمدار رشید کربلا، حضرت ابوالفضل العباس (ع) است اقدام به روشن کردن شمع می‌کنند و در سوگ آن علمدار رشید بر سر و سینه می‌زنند.

این پژوهشگر دینی اوج عزاداری مردم اردبیل را در روز تاسوعا و عاشورا عنوان کرد و بیان داشت: در تاسوعای حسینی

مویه می‌کنند.

میان سپاهیان قرمزپوش با صورت‌ها و شمشیرهای خونین به اسرا حمله می‌کنند که همزمان با نمایش این صحنه از هر گوشه و کناری ناله و شیون زنان و مردان به آسمان بلند می‌شود.

حرکت ۱۴ بیرق به نشانه ۱۴ معصوم، سرهای بریده شهدای کربلا که به گفته اعضای «هیأت ذوالجناح» قدمت بسیاری از آنها به بیش از صد ساله رسیده و تعدادی از آنها خراب شده و به سرقت رفته است از دیگر بخش‌های تعزیه ظهر عاشورای ضیابر است. در میان کاروان کودکی بر تابت امام حسین (ع) در طول مسیر اذان می‌گویند و این یادآور اهمیت نماز از نظر آن حضرت است که حتی در ظهر عاشورا، در حال جنگ و در سخت‌ترین شرایط نیز این فریضه الهی را به جا آورد.

صحنه جنگ عاشورا نیز در میدان ضیابر و نزدیک مسجد برای سوگواران و حاضران به نمایش گذاشته می‌شود. صحنه‌ای که در آن یاران و اصحاب امام حسین (ع) تک به تک از اسب پیاده و در جنگ حق و باطل شرکت کرده و یک به یک نیز به شهادت می‌رسند.

صحنه‌ای زیبا و سوزناک که اشک‌ها را بر روی صورت روان و دل‌ها را با امام سجاد (ع) بیمار کربلا، حضرت رقیه، رباب و زینب کبری (س) همراه و در فراق سرور و سالار و شهیدان سوگوار و عزادار می‌کند. آتش زدن خیمه‌ها نیز صحنه‌های پایانی شبیه خوانی تعزیه ظهر عاشورا است. البته این مراسم به همین جا ختم نمی‌شود و در ادامه مراسم جنگ پایانی در حیاط خانه رضوی (منزل مرحوم آیت ا. ضیابری) به تصویر کشیده و بعد از اینکه شمر جنگ و چگونگی کشته شدن شهیدان کربلا را به این زیاد گزارش و خلعتی دریافت می‌کند، به پایان می‌رسد.

● شام غریبانی متفاوت برای شهیدان کربلا

شام غریبان در ضیابر نیز متفاوت از دیگر شهرها برگزار می‌شود. مردان و زنان از مسجد ضیابر حرکت کرده و هر کدام با دسته‌ای از کاه بر سر خود می‌زنند و می‌خوانند: ای شیعیان امشب شام غریبان است، نعش حسین امشب اندر بیابان است.

عزاداری با پایان عاشورا در ضیابر به پایان نمی‌رسد بلکه سه شب دیگر نیز مردم این دهستان شاهد برگزاری تعزیه هستند که شب اول آن مربوط به جلد و جمال، که یکی انگشتی و دیگری کمر بند امام حسین (ع) را به سرقت می‌برند، به نمایش گذاشته می‌شود.

تعداد بسیاری از مردم در خانه رضوی جمع می‌شوند تا از نزدیک شاهد اجرای این تعزیه شوند. در ادامه تعزیه، جمع آوری پیکر شهدا و دفن آن از سوی امام سجاد (ع) و قوم بنی اسد برای حاضران اجرا می‌شود. در شب پایانی هم تعزیه حضرت رقیه (س) و حضرت زینب (س) در مجلس یزید با حضور جمعی از مردم در خانه رضوی به نمایش گذاشته می‌شود.

ظهر عاشورا نزدیک است و مردم عزادار از سراسر کشور به ضیابر آمده‌اند تا شاهد برگزاری این آیین قدیمی باشند. این بار نیز نوای «هل من ناصر ینصرنی» در سراسر دهستان پیچیده و چشم‌ها در غم سرور و سالار شهیدان اشکیار است.



شهرت ملی عاشورای «ضیابر» / نوای «هل من ناصر ینصرنی» به گوش می‌رسد



● تعزیه ای با بیش از ۳۰۰ سال سابقه

اما یکی از مهم‌ترین و خاص‌ترین مراسمات عزاداری که در شهرستان صومعه سرا و در دهستان ضیابر برگزار می‌شود و از قدمت بیش از ۳۰۰ سال برخوردار است، مراسم تعزیه ای است که با شماره ۴۶۱ در تاریخ ششم دی ماه ۱۳۹۰ در فهرست آثار معنوی کشور ثبت شده و هر ساله هزاران نفر از اطراف و اکناف را در ظهر روز عاشورا به این دهستان می‌کشاند.

این شبیه خوانی توسط «هیأت ذوالجناح» برگزار می‌شود و قدیمی‌ترین و ریشه دارترین آیین مذهبی و سوگواری برای شهادت سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) بوده و از شهرت ملی برخوردار است.

اگر چند روز مانده به عاشورای حسینی به ضیابر سفر کنید خواهید دید که جنب و جوشی عجیب و شور و حالی باورنکردنی در میان پیرو جوان، زن و مرد، کودک و نوجوانان این منطقه دیده می‌شود. همه در تلاش هستند تا نقشی هرچند کوچک در برپایی نمایشی عظیم و باشکوه از واقعه عاشورا داشته باشند. وقایعی که در روز عاشورا از سوی «هیأت ذوالجناح» ضیابر به نمایش گذاشته می‌شود، برگرفته از نسخ قدیمی است.

ظهر عاشورا قبل از حرکت کاروان، سپاهی از سربازان «ابن زیاد» در کوچه‌های و خیابان‌های ضیابر به تاخت می‌روند و از مردم می‌خواهند که از سر راه «ابن زیاد» کنار روند در ادامه، حرکت کاروان امام حسین (ع) از مدینه به مکه و کربلا و حرکت اسرا از کربلا به شام توسط «هیأت ذوالجناح» به نمایش گذاشته می‌شود و کجاوه‌ها و خیمه‌ها یک به یک به حرکت در می‌آیند.

یکی دیگر از بخش‌های تعزیه این هیأت، حرکت خیمه‌های امام حسین (ع)، حضرت ابوالفضل عباس (ع)، حضرت زینب کبری (س)، حضرت علی اکبر (ع)، و خیمه‌های قاسم بن الحسن (ع)، حضرت عون بن جعفر (ع) (فرزند حضرت زینب) و حضرت علی اصغر (ع) از حسینیته ضیابر با رنگ‌های متفاوت و تزئینات متنوع و زیبا است.

در ادامه نیز تابتی که سر قنداقه غرق به خون شش ماهه امام حسین (ع) به نمایش گذاشته می‌شود و در این

تعزیه واقعه عاشورا در ضیابر با قدمتی ۳۰۰ ساله، از شهرت ملی برخوردار بوده و نوای «هل من ناصر ینصرنی»، عزاداران، برپایی این آیین مذهبی را فراخوان می‌دهد.



مریم اصغری

ظهر عاشورا و طنین نوای «هل من ناصر ینصرنی» به گوش می‌رسد، مردم تمامی روستاهای شهرستان صومعه سرا نیز همانند سایر شهرهای استان گیلان و کشور با برپایی دسته جات و هیئت‌های عزاداری ارادت و عشق خود را به سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) به نمایش می‌گذارند.

مراسم‌هایی که برخی از آنها از قدمت چند صدساله برخوردار بوده و برای برپایی آن مردم از سراسر استان و حتی کشور در روزهای تاسوعا و به ویژه عاشورای حسینی به شهرستان صومعه سرا سفر می‌کنند.

● مراسم معنوی «صبح عزا»

یکی از مهم‌ترین مراسماتی که مخصوص صبح عاشورا بوده ولی متأسفانه اکنون اجرای آن نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر شده مراسم «صبح عزا» است که فقط در برخی از روستاهای صومعه سرا به ویژه در دهستان ضیابر برگزار می‌شود. برنامه‌ای معنوی که در آن زنان و مردان بعد از اقامه نماز صبح دسته دسته در کوی و برزن و خانه به خانه به حرکت درآمده و با سوز و گداز می‌خوانند «بگریید ای عزاداران، بُود صبح عزا داری» و صاحب‌خانه نیز که به دلیل یخت غذایی نذری روز عاشورا تا صبح بیدار بوده با شیر و خرما از مهمانان پذیرایی می‌کنند.

به گفته بسیاری از اهالی دهستان ضیابر این مراسم پیش‌زمینه‌ای برای برگزاری مراسم عظیم تعزیه خوانی توسط هیأت ذوالجناح در ظهر روز عاشورا حسینی (ع) است که مردم را برای حضور در این مراسم بیدار و آماده می‌کند.

عاشورا و دلدادگی ارمنه تبریز / حسین مایه فخر عالمیان است



حسین (ع) امامی است که آوازه آزادی و آزادمردی وی نه تنها مسلمانان و شیعیان را که حتی پیروان سایر ادیان و مذاهب را نیز شیفته و مجذوب خود می سازد.



حسین (ع) و واقعه کربلا رویدادی مربوط به ۱۴ قرن پیش است، واقعه ای از جنس خون و شمشیر، صف آرای بی بی حق و باطل، حقی از جنس سلاله پاک ترین انسان روی زمین و خاتم الانبیاء و باطلی از قماش تمام ناپاکی ها و پلیدی ها.

حسین (ع) همان گونه که خود فرموده، برای بقای دینی به پا خاست که اکمال الدین بوده و پیام آور آن نیز خاتم الانبیاء (ص) و همین ویژگی است که کل یوم را عاشورا و کل ارض را کربلا کرده و اکنون پس از قرن ها از سرخگونی زمین و آسمان کربلا به روز عاشورا، هنوز هم آزادمردان و آزاد زنان عالم پیام حسین (ع) را در می یابند که فرمود «اگر آزاد نیستید، آزادمرد باشید».

آری، امروز می توان پاسخ به نوای هل من ناصر ینصرنی سردار کربلا را آنجا دید که غیرمسلمانان نیز علاوه بر اذعان به حقانیت شهید کربلا، در برهه ها و صحنه های حق طلبی دوشادوش مسلمانان در مقابل ستمکاران و اشقیاء زمان می ایستند و نمونه های آن را علاوه بر دوران دفاع مقدس، امروزه می توان در همراهی غیرمسلمانان با رزمندگان مقاومت و مدافعان حریم و حرم ولایت و ائمه (ع) در سوریه و عراق دید.

اما ملموس تر از این نمونه ها را شاید بتوان در همین ایام و روزهای عزاداری محرم و در حاشیه مراسم سوگواری سیدالشهدا (ع) یافت، آنجا که اقلیت های مذهبی چون ارمنه در این مراسم حاضر می شوند و حتی هیات های عزاداری ویژه خود را نیز دارند و ارادت خود را به سرور و سالار آزادگان عالم نشان می دهند.

تبریز نیز به عنوان یکی از شهرهای میزبان تعدادی از ارمنه و البته یکی از ولایت مدارترین مناطق کشور این روزها شاهد خلق صحنه هایی پرشکوه از دلدادگی آزادی خواهان و آزادی دوستان حسینی است و می توان در این میان گاه جلوه هایی را از حضور اقلیت های مذهبی چون ارمنه دید و نشستن پای صحبت تنی چند از آنان خالی از لطف نیست.

این حسین کیست که عالم...

آنجایی این صحنه ها دلنشین تر می شود که سخنان افرادی از همین اقلیت های غیرمسلمان رنگ و حسی شیعی به خود می



طول سال نگه می دارند و تلقی بیش از یک نذری ساده از آن دارند.

دوست دارم دیدگاه این آقا و خانم ارمنی نسبت به شخصیت های واقعه کربلا پایان بخش این گفت و گوی بی تکلف باشد و مارتین در این خصوص می گوید: بر اساس آنچه که در طول سالیان از محتوای مراسم محرم و البته معاشرت با شهروندان و همسایگان مسلمان درک کرده ام، آزادگی حسین (ع) در عین مظلومیت، وفاداری و ثبات قدم ابوالفضل (ع)، صبر و شکیبایی بی پایان زینب (س) و اوج معصومیت رقیه و علی اصغر است.

● عاشورا بستر ظهور شخصیت هایی از جنس اساطیر افسانه ای

اما تصور ماریانا رنگ دیگری دارد و معتقد است: بدون شک با نگاه و ادراک زمینی نمی توان در مورد شخصیت های این قاتله سخن گفت زیرا به نظر من این شخصیت ها بیشتر مانند اساطیر افسانه ای هستند که ملت ها و اقوام مختلف سعی کرده اند در دوره های متفاوت در شاهکارهای ادبی خود نمونه هایی همانند آنها را خلق و تصویر کنند.

وی تصریح می کند: در نگاه شخصی من آنجا که حسین (ع) طفل صغیر خود را به امید بیدار کردن وجدان به خواب رفته دشمنان بالای دست می گیرد و گلوی آن نوزاد با تیر کینه و جهالت دریده می شود، نهایت مظلومیت و صد البته تسلیم بودن در برابر خواست خداوند است و این چیزی است که مسلمانان در کنار عزاداری به خاطر آن، باید به داشتن چنین رهبر و امامانی به خود بیالند.

آری حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است و شنیدن سخنانی در تأیید این مرتبه از ایمان و آزادگی، آن هم از غیرمسلمانان به واسطه آشکار شدن بیش از پیش حقانیت و جاودانگی فرهنگ عاشورا و قهرمانان کربلا شیرین است، آزادمردان و شیرزنانی که حتی پیروان سایر مذاهب و ادیان نیز به حضور آنها در تاریخ می بالند.

امام مظلومی ها با فدای خویش و خاندانش، حقیقت و پیامی را برای همیشه زنده نگاه داشت که جبهه ناحق به خیال خام خود برای خاموش کردن چراغ فروزانش تمام شقاوت و کینه توزی هایش را در دشت کربلا با شمشیرهای چهل بر پیکر اسلام و شیعه آل علی (ع) فرود آوردند، غافل از آن که خورشید حق همیشه ماندگار و درخشان است و باطل محکوم به فنا و روسپاهی.

گیرد، مانند سخنان مارتین وارتانیان که وقتی از وی در خصوص نگاه و تلقی ارمنه از واقعه عاشورا و قیام کربلا می پرسم، می گوید: از کودکی که گاه با پدر و مادرم در ایام محرم در خیابان های تبریز تردد می کردیم و دسته جات خیابانی را می دیدم، این سؤال در ذهنم ایجاد می شد که مردم برای چه کسی این چنین بر سر و سینه می زنند.

از کودکی که گاه با پدر و مادرم در ایام محرم در خیابان های تبریز تردد می کردیم و دسته جات خیابانی را می دیدم، این سؤال در ذهنم ایجاد می شد که مردم برای چه کسی این چنین بر سر و سینه می زنند یا شنیدن این جمله یاد شعر معروف «این حسین کیست که عالم...» از محتشم کاشانی می افتم و می پرسم جوابی هم برای این سؤال خود یافتی و پاسخ می دهی: بعدها که بزرگتر شدم و دانسته ها و اطلاعاتم از اسلام و تشیع کمی بیشتر شد، فهمیدم که حسین (ع) یعنی قلب پندیده و همیشه بیدار مسلمانان شیعه و فارغ از این تعریف کلی که از سوی مسلمانان بیان می شود، در تفکرات من حسین نهایت حقانیت و آزادگی نوع بشر است.

آنچه این شهروند ارمنی تبریزی در ادامه می گوید، توجهم را بیش از پیش جلب می کند: حکایت سومین رهبر شیعیان از جنس مظلومیت عیسی ابن مریم است و البته مظلومیت این نوازه آخرین پیامبر الهی سراپا آمیخته با سرافرازی، شجاعت و حقانیت است و زنده بودن یاد و نام حسین پس از قرن ها بعد واقعه عاشورا و مشاهده جلوه های این جاودانگی در عزاداری های محرم در ایران و عراق شیعه نشین و حتی کشورهای اروپایی و آمریکا کمترین گواه این موضوع است.

ماریانا وارتانیان نیز از همراهان مارتین است که وقتی در خصوص برداشت آنها از عزاداری های ایام محرم جويا می شوم، در پاسخ دادن از مارتین پیشی می گیرد و می گوید: هر چند به دلیل تقیدهای دینی چندان در این گونه مراسم و برنامه ها حاضر نمی شویم اما در همین برخوردهای گذری و هر از گاه نیز حسی از جنس شور البته آمیخته با اندوهی سنگین از این عزاداری ها در ذهن آدم ایجاد می شود که وصف آن بسیار دشوار است.

صحبت را به سمت و سوی نذورات ایام محرم که می کشانم، ماریانا با تبسمی پاسخ می دهد: شاید برخی ها در این روزها تنها به هوای دریافت غذایی نذری میهمان این عزاداری ها باشند اما حتی برخی خانواده های مسیحی و از سایر ادیان را نیز سراغ دارم که با ایمان قلبی و اعتقاد به متبرک و پاک بودن چنین نذوراتی آنها را برای استفاده در

عزاداری نایینی‌ها در شب «بنی‌اسد» / برگزاری تعزیه خوانی ۱۲ محرم

تسلیم به زین‌العابدین حرکت می‌کنند و در آن جا به فریاد نوحه‌های خاص و سنتی به عزاداری می‌پردازند.

جلی نایینی با بیان اینکه ساعتی پس از این مراسم عزاداران هیئت حسینیہ چلون نیز دست بر سر زنان شمع‌ی به دست گرفته و از ابتدا تا انتهای شب به شش حسینیہ دیگر برای عزاداری می‌روند، گفت: این گروه در حالی که برق حسینیہ خاموش شده است نوحه‌ای با مضمونی در جواب نوحه گروه نخست فریاد می‌کنند.

● دیگر رسوم عزاداری نایینی‌ها در محرم و صفر

تعزیه و شبیه‌گردانی یکی از رسوم عزاداری است که در روزهای تاسوعا و عاشورا در روستای باغسان برگزار می‌شود و با اشاره به برخی از دیگر رسوم عزاداری‌ها در نایین تصریح کرد: روزهای دیگر محرم و صفر از قبیل شب اول ماه صفر، اربعین و ۲۸ صفر هم مراسم‌های عزاداری خاصی برگزار می‌شود؛ به طور مثال در شب ۲۸ صفر در محله کلوان در مقابل امامزاده حیدر (ع) دیگ‌های آش برپاشده و در این شب هیئت عزاداری از حسینیہ باب‌المسجد به حسینیہ کلوان آمده و سپس در مقابل دیگ‌های آش به عزاداری می‌پردازند.

رئیس اداره اوقاف و امور خیریه نایین اضافه کرد: همچنین تعزیه و شبیه‌گردانی یکی از رسوم عزاداری است که در روزهای تاسوعا و عاشورا در روستای باغسان برگزار می‌شود.

● شبیه‌خوانی و تعزیه خوانی در روستای بافران نایین

جلی نایینی با اشاره به اینکه مراسم شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی در روستای بافران نایین در نوع خود بی‌نظیر و دیدنی است، گفت: این مراسم که در روز عاشورا برگزار می‌شود بسیار حزن‌انگیز است و مردمی که وسیله نقلیه دارند در روز عاشورا از شهرها و روستاهای اطراف برای مشاهده این مراسم باشکوه خود را به بافران می‌رسانند.

مراسم «چق چقی زنی» یکی از آیین‌های قدیمی جذاب، و منحصر به فرد نایینیها است که در طول ماه‌های عزاداری حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) توسط هیئت کوی سنگ و محمدیه در امامزاده سلطان سیدعلی این شهرستان برگزار می‌شود.

در این مراسم دو نفر در حالی که دو قطعه چوب به نام «چق چقی» در دست می‌گیرند، روپروی هم ایستاده و با آهنگ خاص نوحه‌خوان این چوب‌ها را به هم می‌زنند و به این شیوه به عزاداری برای حضرت اباعبدالله‌حسین (ع) می‌پردازند.



عزاداری سنتی هفت هیئت قدیمی نایین در شب و روزهای پایانی دهه نخست محرم از شهرت خاصی برخوردار است؛ این مراسم در شب تاسوعا بدین ترتیب است که از اوایل شب هیئت‌های مذهبی قدیمی نایین که از هفت محله شهر هستند به ترتیب خاصی از راه بازار قدیم نایین به طرف سقاخانه چهل دختران می‌روند و در این مکان به احترام حضرت ابوالفضل (ع) به عزاداری می‌پردازند و سپس همگی وارد امامزاده سلطان سید علی (ع) شده و به عزاداری در این مکان ادامه می‌دهند.

عزاداری هفت هیئت قدیمی در دهه نخست محرم احمد جلی نایینی رئیس اداره اوقاف و امور خیریه نایین درباره عزاداری این هفت هیئت قدیمی به مهر می‌گوید: در روز تاسوعا این هیئت‌ها شامل هیئت حسینیہ باب‌المسجد، حسینیہ چلون، سرای نو، نوباد، پنجاهه، چهل دختران و در نهایت کوی سنگ در هر کدام از این حسینیہ‌ها به همان ترتیب بیان شده حاضر و به عزاداری برای حضرت ابوالفضل (ع) می‌پردازند و پس از رسیدن به هیئت چهل دختران همگی به امامزاده نایین رفته و آنجا به

● سبک خاص مراسم شام غریبان در نایین

وی با بیان اینکه مراسم شام غریبان امام حسین (ع) در نایین به سبک خاصی برگزار می‌شود، اضافه کرد: اوایل شب مردم محله کوی سنگ در حالی که دو دسته شده و شمع‌ی به دست گرفته‌اند به طرف مسجد حضرت سجاد (ع) برای عرض



مردم نایین در شب ۱۲ و ۱۳ محرم معروف به شب بنی‌اسد، به عزاداری برای امام حسین (ع) و کاروان اسیران کربلا می‌پردازند و برگزاری تعزیه نیز از جمله رسوم این شب‌هاست.



فاطمه کازرونی

مراسم عزاداری نایینی‌ها برای سید و سالار شهیدان به پایان دهه نخست محرم ختم نمی‌شود بلکه این عرض ارادت به امام حسین (ع) و شهیدان کربلا تا پایان ماه صفر ادامه دارد.

بدین ترتیب بنا بر یک سنت قدیمی از ابتدای این ماه تا پایان ماه صفر جوانان محله نیم ساعت پیش از آغاز مراسم عزاداری، در میدان بیرونی حسینیہ جمع شده و به کوبیدن دهل برای دعوت مردم به این مکان می‌پردازند.

● آیین «جوش» از مهم‌ترین رسوم مردم نایین در ماه محرم

برگزاری آیین «جوش» از مهم‌ترین رسوم مردم نایین در ماه محرم است، بدین ترتیب که از شب ششم محرم، در زمانی خاص از عزاداری، مردم دایره‌وار ایستاده و به دو گروه تقسیم می‌شوند و با فریاد یا حسین (ع) بر سر و سینه می‌زنند.

پس از پایان گرفتن نوحه سرایی دو نفر هم صدا با یکدیگر به خواندن دوازده بند محتشم کاشانی می‌پردازند در حالی که همگام با یکدیگر از میان خیل عزاداران عبور می‌کنند.

● عزاداری شب «بنی‌اسد» در هیئت چهل دختران و کلوان

در شب سیزدهم ماه محرم که به شب «بنی‌اسد» معروف است هیئت محله چهل دختران در امامزاده سلطان سید علی (ع) و هیئت محله کلوان در امامزاده سلطان مصلیه (س) به برگزاری عزاداری و سینه‌زنی می‌پردازند و تمام مردم نیز در این دو هیئت برای سوگواری شب سوم شهادت امام حسین (ع) و غریبی کاروان امام حسین (ع) و شهادت امام سجاد (ع) حضور پیدا می‌کنند.

در این میان عزاداری خاص و سنتی هفت هیئت قدیمی نایین در ایام محرم شهرت بسیار دارد و این عزاداری‌ها پس از اجرا به شیوه خاص در حسینیہ‌های این هفت هیئت در امامزاده سلطان سید علی (ع) ادامه پیدا می‌کند.

در شب‌های ۱۲ و ۱۳ ماه محرم در برخی هیئت‌های این شهرستان مراسم تعزیه خوانی نیز برگزار می‌شود.

عشق به حسین (ع) حد و مرز نمی شناسد



مهدی حسین‌نژادی

عشق به حسین (ع) مرزها را درنوردیده و اتباع مسلمان جمهوری آذربایجان و گرجستان را در کنار مردم شهرستان آستارا جمع کرده تا در غم شهادت سالار شهیدان، اشک عزایر گونه جاری کنند.



آیین‌های عزاداری ماه محرم در شهرستان مرزی بندر آستارا دوستداران زیادی در میان مردم مناطق جنوبی کشور مسلمان جمهوری آذربایجان داشته و هر ساله تعداد زیادی از دوستداران اهل بیت (ع) را به این شهرستان مرزنشین می کشانند.

عشق به حسین (ع) هرساله خیل عظیم این عاشقان را به حرم مطهر امام زادگان ابراهیم و قاسم (ع) آستارا، مساجد و تکایا کشانده و مسلمانان آذری در تاسوعا و عاشورای حسینی به عزای سرور و سالار شهیدان می نشینند.

حرم مطهر امام زادگان ابراهیم و قاسم (ع) آستارا، مساجد عباسیه، گیلک لر، غربا و مسجد جامع آستارا از جمله مساجدی است که اتباع مسلمان آذری و گرجی در آنها حضور یافته و علاوه بر عزاداری، سینه و زنجیرزنی، به اقامه نماز پرداخته و برای شفای بیماران خود دعا می کنند. زائران جمهوری آذربایجان در مراسمات مذهبی ماه محرم و تاسوعا و عاشورای حسینی همانند مردم شهید پرور و همیشه در صحنه آستارا لباس سیاه برتن کرده و در کنار روحانیون، مستولان و شیفتگان سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) به عزاداری می پردازند.

تمام مداحی‌ها در مساجد شهرستان مرزی آستارا به زبان آذری اجرا می شود و مداحان آستارایی در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی، سوزناک‌ترین اشعار مذهبی را در رثای سید الشهدا (ع) و مصائب حضرت زینب (س) قرائت می کنند که موجب حزن و اندوه زائران آذری می شود.

امسال نیز به رغم بارش شدید باران در شهرستان مرزی آستارا، توجه ویژه اتباع آذری به سخنرانی روحانیان مستقر در مساجد دربارہ قیام امام حسین (ع) و یاران یافوای ایشان، گفتگو با روحانیان مساجد، اقامه نماز جماعت ظهر عاشورا به یاد آخرین نماز ظهر امام حسین (ع) و حضور در مراسمات شبیه خوانی و تعزیه مساجد و تکایای از نکات قابل توجه اتباع جمهوری آذربایجان و گرجستان در شهرستان مرزی آستارا است.

● حیات اسلام مرهون عاشورا است

سرپرست یکی از کاروان‌های زائران آذربایجانی که اهل شهر باکو بوده و از طریق شهر مرزی آستارا جمهوری اسلامی ایران عازم کربلای معلی است، با بیان اینکه ایرانی‌ها و مردم آستارا بسیار مهمان‌نواز هستند، می‌گوید: مناسبات دو



مساجد و مکان‌های مقدس مذهبی پهن می‌کنند. وی مداحی‌های مداحان ایرانی در وصف سید الشهدا (ع) و بازماندگان کربلا را می‌ستاید و می‌گوید: مراسم‌های عزاداری دهه محرم در شهرهای آستارا، اردبیل و زنجان در بین مردم جمهوری آذربایجان از محبوبیت خاصی برخوردار است و در این ایام اتباع آذری به قصد شرکت در مراسمات مذهبی ماه محرم و تاسوعا و عاشورای حسینی به کشور دوست، همسایه و مسلمان جمهوری اسلامی ایران سفر می‌کنند.

● عزیمت اتباع آذربایجان و گرجستان از مرز زمینی آستارا به کربلای معلی

مدیر پایانه مرزی آستارا با بیان اینکه همه ساله در ماه محرم اعزام کاروان‌های خارجی از مرز زمینی آستارا به مرقد مطهر حضرت حسین (ع) انجام می‌شود، توضیح می‌دهد: کاروان‌های زیارتی جمهوری آذربایجان پس از ورود به ایران از طریق مرز زمینی آستارا و زیارت امام زادگان ابراهیم و قاسم (ع) راهی مشهد مقدس و حرم مطهر امام رضا (ع) شده و پس از چند روز اقامت به سمت کشور عراق و کربلای معلی راهی می‌شوند.

جلال دیانسایی با اشاره به افزایش تردد زائران آذری و گرجستان در مهر ماه سال جاری به مقصد کربلای معلی می‌افزاید: برخی از زائران به صورت کاروانی و از طریق اتوبوس‌های ویژه مسافرتی و برخی دیگر نیز به صورت شخصی راهی حرم‌های پاک و منور حضرت امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) در کربلای معلی و همچنین حضرت امام رضا (ع) در مشهد مقدس می‌شوند.

مدیر پایانه مرزی آستارا ادامه می‌دهد: در حال حاضر بیش از ۱۰۰ نفر از اتباع جمهوری آذربایجان و گرجستان با استفاده از مسیر زمینی ایران به کربلای معلی متصرف شده‌اند و این سفرهای زیارتی همچنان ادامه دارد و آمار فوق‌با نزدیک شدن به اربعین حسینی افزایش خواهد یافت. فرقی ندارد کجای دنیا باشی و فاصله‌ات تا کربلا چقدر باشد. مهم این است که عشق به حسین (ع) مرزها را درنوردیده و عاشقان وی در همه جای دنیا لبیک یا حسین گویند. تاسوعا و عاشورای سرور و سالار شهیدان را به سوگ می‌نشینند.

ملت مسلمان ایران و آذربایجان ناشی از احترام به علایق دیرینه و پیوند‌های مستحکم است.

ماهر حسین اف با اشاره به اینکه ماموران و مسئولان مرزی جمهوری اسلامی ایران همکاری صمیمانه‌ای با زائران آذری عازم کربلای معلی دارند، توضیح می‌دهد: با توجه به هماهنگی‌های کامل بین مقام‌های دو کشور، برای تسهیل در حرکت کاروان‌های زائران آذری، هیچ مشکلی برای کاروان‌ها در کشور ایران پیش نیامده و ما از مسئولان گمرکی ایران و مردم مهمان‌نواز آستارا تشکر و قدردانی داریم.

این تبعه آذری با اشاره به عزاداری عاشورای حسینی در شهرستان آستارا می‌افزاید: مسئله محرم و عاشورا از بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین مسائل مکتب تشییع بوده که حیات اسلام مرهون آن است.

حسین اف فرهنگ عاشورا را سرمشتقی روشن و کارساز برای تمام ملت‌های آزاد جهان دانسته و تصریح می‌کند: امام حسین (ع) به ما درس آزادگی آموخت که هرگز نباید تسلیم ظلم بود.

یکی دیگر از اتباع مسلمان جمهوری آذربایجان که تحصیلات حوزوی خود را در حوزه علمیه قم به پایان رسانده، با بیان اینکه قیام امام حسین (ع) ایستادگی در برابر متجاوزان، با هدف احیای دین، اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر و پایداری نماز در دین اسلام بوده است، اظهار می‌کند: امام حسین (ع) در واقعه عاشورا درس ایثار، شهامت و فداکاری را به بشریت آموخت و برای همیشه زنده و جاوید بوده و هرگز فراموش نمی‌شود.

● حرمت و اهمیت ماه محرم در بین شیعیان آذربایجان

علی محمد اف با اشاره به اینکه ماه محرم در نزد مردم جمهوری آذربایجان که عمدتاً شیعه هستند و بیشترین مسلمانان را در قاره اروپا دارد، از حرمت و اهمیت خاصی برخوردار است و آیین‌های عزاداری سنتی ماه محرم در اغلب مناطق این کشور برگزار می‌شود، ادامه می‌دهد: در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی مردم جمهوری آذربایجان به موازات برگزاری آیین‌های عزاداری اقدام به توزیع نذورات کرده و سفره‌های احسان امام حسین (ع) را در

عمری که باشور و دلدادگی می گذرد / سوگواره های محلی مردم آذربایجان



سوگواره ها و مراسم محلی عزاداری در آذربایجان شرقی بدون شک جز خودجوش ترین حرکت های مردمی است که در ایام محرم به اوج شور و شعور خود می رسد.



حسن عبدالمهدی

سوگواره ها و مراسم محلی عزاداری در آذربایجان شرقی را باید مردمی ترین ظرفیت هایی دانست که بدون کمترین اعتبارات دولتی و کاملاً به صورت خودجوش در بستر عزاداری های ماه محرم شکل می گیرند و می توانند بهترین مسیر برای انتقال پیام فرهنگ عاشورایی باشد. با فرا رسیدن محرم الحرام و آغاز ایام سوگواری سید و سالار شهیدان سیمای ظاهری آذربایجان شرقی همانند سایر نقاط کشور رخت سیاه عزای حسینی را بر تن می کند گوشه و کنار این استان ولای می مملو می شود از نواهای عاشورایی و اجرای برنامه ها و سوگواره های محلی که در بسیاری از موارد بدون هیچگونه حمایت و دستگیری های دولتی و تنها به واسطه ارادت و دلدادگی توده های مردمی شکل می گیرد.

عمری که با شور و دلدادگی در سوگواره های محلی می گذرد

محمدرضا خندان از جمله مداحان جوان تبریزی است می گوید: هم نسلان من و حتی ریش سفیدان و سن گذشتگان تبریز نیز از زمانی که به یاد می آورند، ایام عزای محرم را در همین برنامه ها و سوگواره های محلی سپری کرده اند.

وی ادامه می دهد: مراسم چون سینه زنی در دسته جات خیابانی تا زنجیرزنی در مراسم سنتی عزاداری بازار مظفریه تبریز یا اشک ریختن در شبه (تزیه خوانی) روز تاسوعا و عاشورا در دامنه کوه عون بن علی همه تجربیات نسل های مختلف مردم استان به ویژه تبریز از روزهای عزای سید و سالار شهیدان هستند. این مداح تبریزی خاطر نشان می کند: به جرات می توان گفت همین سوگواره ها و مراسم عزاداری محلی مهمترین

داند که در این سوگواره ها حضور و ظهور می یابند و معتقد است: مداحان و شعرا نقش محوری و بسیار اثرگذار در مراسم مذهبی استان به ویژه سوگواره های محرم دارند که البته چاقویی دولبه با اثرات مثبت و منفی هستند و در جهت مثبت نیز که همان نشر و ترویج پیام و فرهنگ عاشورایی است، به صورت کامل به کار گرفته نشده و بر همین اساس مدتی است که تدوین و ابلاغ دستورالعمل ساماندهی مداحان و شعرای مذهبی در دست اقدام است.

فتح الله زاده عزاداری های خیابانی را نیز از جمله ظرفیت های سوگواره های محرم می داند و می گوید: اگر این برنامه ها هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی با رعایت اصول و حدود دینی و عقلی برگزار شود، می تواند یک حرکت تبلیغی عظیم باشد اما باید فلسفه آن باید بازنگری شود و شکل مطلوب این است که هیات و دسته جات مراسم خود را در مساجد با برگزاری نماز و سخنرانی های دینی آغاز کنند و سپس به صورت محدود در خیابان ها عزاداری شود که آن هم باید با هدف ایجاد فضایی برای جذب حداکثری مردم به دین صورت گیرد و نه ابزاری برای سوء استفاده بدخواهان و تزییع کنندگان حقوق شهروندی و اجتماعی.

لزوم تبیین و ترویج بیش از پیش محتوای دینی و کلام و پیام ائمه (ع) در سوگواره های محلی

رئیس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان تبریز نیز از سوگواره های محلی محرم به عنوان فرصت بزرگی برای تبلیغ و نشر معارف دین به ویژه معارف اهل و فرهنگ عاشورایی یاد می کند و می گوید: به تعبیر امام راحل (ره) همین محرم و صفر اسلام را زنده نگه داشته و با توجه به این اهمیت، همواره مطمع نظر دشمنان در برهه های مختلف بوده است.

حبیب طاهری خاطر نشان می کند: به همین دلیل دشمنان از طرق مختلف چون تلاش برای ایجاد خلاء در معرفی عاشورا و نیز ایجاد جلوه های نامطلوب از آن، وارد کردن بدعت ها و خرافات، شبیه سازی مجالس عزا در سطوح مختلف فرهنگ ناب محرم را مورد حمله قرار می دهند و از این رو آگاهی مبلیغی و اقشار تاثیرگذار این حوزه در برپایی سوگواره ها و مراسم عزاداری بسیار حائز اهمیت است.

وی با اشاره به ظرفیت های بالقوه ای که در مراسم و سوگواره های آئینی و عاشورایی نهفته است، تاکید می کند: برگزاری مراسم شبه، مداحی های دل نشین و گیرا، برگزاری هیئات مذهبی و دسته های شاه حسین گوی همگی کاملاً وجهه و ماهیت مردمی دارند و در صورتی که در فضا سازی های تبلیغی برای آنها که با هیچ اعتبار و حمایت دولتی و حکومتی قابل اجرا نیستند، محتوای دینی معرف کلام و پیام ائمه گنجانده شود، بهترین خروجی را از این سوگواره ها و مراسم عزاداری محلی و مردمی خواهیم داشت.



مردم رکن اصلی سوگواره های محلی آذربایجان شرقی هستند

مسئول شورای هماهنگی هیئات مذهبی اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی می گوید: سوگواره های محلی استان کاملاً حالت مردمی دارند اما با این وجود در سال های گذشته بسیار تلاش شده تا این حوزه ساماندهی شود و اکنون بدون مجوز نمی توانند فعالیت کنند.

فتح الله زاده با بیان اینکه این اقدام با این هدف صورت می گیرد تا از ورود انحرافات، بدعت ها و خرافات به این بستر کاملاً مردمی جلوگیری شود، می افزاید: اما نمی توان صرف روح مردمی بودن این سوگواره ها از زیر بار برنامه ریزی و حمایت های مادی و معنوی آنها شان خالی کرد و باید گفت در خصوص حمایت های دولتی و زیرساخت های قانونی این حوزه خلاء هایی وجود دارد.

دبیر ستاد ساماندهی شئون فرهنگی در مناسبت های مذهبی آذربایجان شرقی تصریح می کند: همین امر باعث ورود برخی سوء استفاده کنندگان و البته کسانی می شود که به دنبال القاء انحرافات و شبهات هستند زیرا متأسفانه برخی تلاش می کنند مراسم دینی و مذهبی را از مساجد و هیئات به خیابان ها و صرفاً دسته های شاه حسین گویی محدود کنند که متأسفانه گاه حتی این مراسم نیز سوری هستند و تخلفاتی مانند تعدی به حقوق شهروندی و بی توجهی به موضوع حجاب و عفاف نیز در آنها رخ می دهد که با روح واقعی سوگواره های سنتی و محلی در تعارض است.

لزوم بازنگری فلسفه مراسمی چون عزاداری های خیابانی

مسئول شورای هماهنگی هیئات مذهبی اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی وجود بیش از ۲۵۰ شاعر مذهبی و بیش از پنج هزار مداح را از مهمترین ظرفیت هایی می

غیرت خوانساری ها تحریف عزاداری را گردن زد / حفظ رسوم سنتی



فاطمه کازرونی

مردم خوانسار آداب و رسوم عزاداری خود را با غیرت و پایداری بر سر حفظ سنت‌های دیرین از هجده تحریف در امان نگه داشتند و با بستن شال سبز سادات بر کمر همت، رسوم سنتی خود را حفظ کردند.



خوانسار شهری است که سابقه آن به پیش از اسلام برمی‌گردد اما قرن‌ها سابقه دین‌داری و ولایت‌داری را بر پیشانی‌نوشت پرافتخار تاریخ خود دارد؛ کهن‌شهری که آداب و رسوم عزاداری خود را با شمشیر غیرت و پایداری بر سر حفظ سنت‌های دیرین از هجده تحریف در امان نگه داشته است و نوای تعزیه سوگواری این باغ شهر ایرانی آوازه جهانی و بین‌المللی دارد.

خوانساری‌ها پیش از محرم سرتاسر کوچه‌باغ‌ها، خیابان، مساجد، حسینیه‌ها و تکایای شهر را با یاد مظلومیت امام حسین (ع) و یاران وفادارش سیاه‌پوش می‌کنند و بر سر هر مسجد، حسینیه و تکایای این شهر می‌توان نام یک هیئت عزاداری را دید. از روز ششم محرم شهر خوانسار حالت عزای عمومی به خود می‌گیرد، به شکلی که فعالیت‌های اقتصادی و تجاری نیز از این روز کم‌رنگ می‌شود.

از روز ششم کار مدارس و ادارات نیز تحت‌الشعاع محرم قرار می‌گیرد به گونه‌ای که برخی ادارات نیمه وقت هستند و یا کارکنان آن در این ایام مرخصی می‌گیرند. مراسم عزاداری در خوانسار تا روز دوازدهم ماه محرم ادامه دارد و پس از آن نیز در ادامه ماه محرم و صفر عزاداری‌ها در داخل تکایا متمرکز می‌شود.

برنامه‌های عزاداری در دهه اول محرم از صبح، بعدازظهر و از غروب تا پاسی از شب ادامه دارد و مردم سوگوار با حضور در مساجد و تکایا به عزاداری برای سید و سالار شهیدان می‌پردازند.

سادات خوانساری در شب‌ها و روزهای ماه محرم با انداختن شال سبز هنگام ورود به هیئت‌های عزاداری جلوه خاصی به این مراسم می‌دهند.

● تعزیه قودجان، پذیرای تعزیه‌گردانانی از سراسر کشور

برپای تعزیه نیز از مهم‌ترین آیین‌های سنتی خوانسار است که قدمت آن به سال‌هایی دور می‌رسد؛ تعزیه قودجان شهرتی جهانی و بین‌المللی دارد و در این ایام پذیرای تعزیه‌گردانانی از سراسر کشور است.

همچنین چندین تعزیه‌فعال در خوانسار، طی ماه محرم بعد از ظهرها به اجرای مراسم می‌پردازند.

رضاعلی رضایی نویسنده و پژوهشگر خوانساری، در ارتباط با رسوم عزاداری ماه محرم که اهالی شهر می‌گویند: شهر خوانسار همواره مرکزی برای توسعه تشیع بوده است و هنوز حسینیه‌های قدیمی با حال و هوای سنتی وجود دارد که در ایام محرم و صفر مراسم عزاداری ابا عبدالله حسین (ع) در آنها برگزار می‌شود. نوحه‌خوانی خوانسار دارای سبک ویژه‌ای است که اهالی شهر در طول سالیان سال این سبک را به خوبی حفظ کرده‌اند و تجدیدگرایی راه یافته در برخی نوحه‌خوانی‌های امروزی و استفاده از آهنگ‌های ترانه که در برخی نقاط به اسم جذب جوانان رواج یافته است در مداحی‌های خوانسار جایی ندارد. وی با بیان اینکه عزاداری خوانساری‌ها به همان شیوه سنتی قدیم برگزار می‌شود، افزود: چاووشی خوانی پیش از آغاز ماه محرم همچنان در خوانسار رواج دارد و مردم این شهر پیش از آغاز ماه محرم با این رسم قدیمی در کوچه خیابان‌های شهر، فرارسیدن ماه عزاداری سیدالشهدا را اعلام و یادآوری می‌کنند.

این نویسنده و پژوهشگر خوانساری با اشاره به اینکه در هفته پیش از آغاز ماه محرم جوانانی از هیئت‌های مختلف شهر با نصب پارچه، پرچم و علم‌های عزاداری، شهر خوانسار را به طور کامل سیاه‌پوش می‌کنند، ابراز داشت: سینه‌زنی در این شهر به همان شیوه سنتی و با مداحی‌های سوزناک و اشعار پر معنای سوگوارانه انجام می‌شود و گذر زمان نتوانسته بر این آیین قدیمی اثر بگذرد.

● **تجددگرایی در مداحی‌های خوانسار جایی ندارد**
وی تأکید کرد: در واقع آیین نوحه‌خوانی خوانسار دارای سبک ویژه‌ای است که اهالی شهر در طول سالیان سال این سبک را به خوبی حفظ کرده‌اند و تجدیدگرایی راه یافته در برخی نوحه‌خوانی‌های امروزی و استفاده از ترانه که در برخی نقاط به اسم جذب جوانان رواج یافته است در مداحی‌های خوانسار جایی ندارد. رضایی با بیان اینکه سبک مداحی‌های خوانسار را می‌توان در دستگاه حسینی توصیف کرد، ابراز داشت: در واقع پیر غلامان این شهر

● تبعیت از راهنمایی علما، عزاداری‌های خوانسار را از تحریف در امان نگه داشته است

وی ابراز داشت: خوانسار تاکنون علمای زیادی از جمله آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله سید احمد خوانساری، آیت‌الله نجفی خوانساری، آیت‌الله العظمی علوی و آیت‌الله حاج سید هادی غضنفری خوانساری به جهان تشیع معرفی کرده است که همین افراد سرمنشأ حفظ سنت‌های عزاداری در این شهر هستند.

عضو هیئت علمی دانشگاه خوانسار اظهار داشت: همه مردم خوانسار از هر قشر و شغلی در ایام عزاداری امام حسین (ع) خدمت می‌کنند به گونه‌ای که از نیمه محرم کوچه خیابان‌های این شهر حالت نیمه تعطیل بر خود می‌گیرد. در واقع تعزیه از دوره صفویه به خاطر تاسیس حوزه علمیه مریم بیگم صفوی در خوانسار رشد پیدا کرد که این حوزه هنوز نیز هر ساله شاگردان زیادی را تربیت می‌کند رضایی با اشاره به اینکه خوانسار دارای هیئت‌های بسیار زیادی است که هر کدام نام یکی از اهل بیت (ع) را برای خود انتخاب کرده‌اند، بیان داشت: خوانساری‌ها برای سادات احترام ویژه‌ای قائل هستند و از قدیم‌الایام، سادات این شهر در ماه محرم با انداختن شال سبز به هیئت‌های عزاداری وارد می‌شوند و این نوع پوشش شور خاصی به عزاداری می‌بخشد.

وی تعزیه خوانی را از سنت‌های مهم عزاداری خوانسار توصیف کرد که اغلب بعد از ظهرها برپا می‌شود و بیان داشت: در واقع تعزیه از دوره صفویه به خاطر تاسیس حوزه علمیه مریم بیگم صفوی در خوانسار رشد پیدا کرد که

این حوزه هنوز نیز هر ساله شاگردان زیادی را تربیت می‌کند. این نویسنده و پژوهشگر خوانساری با بیان اینکه تعزیه‌خوانی رسمی خوانسار امروزه در روستایی به نام قودجان اجرا می‌شود، بیان داشت: تعزیه قودجان که بیشتر در دهه آخر صفر انجام می‌شود از پرشورترین مراسم مذهبی خوانسار است و بسیار گسترده برگزار می‌شود.

● حرکت دسته‌های شترسوار و اسب‌سوار به یاد عبور کاروان اهل بیت امام حسین (ع)

وی اضافه کرد: حرکت دسته‌های عزاداری در قالب هیئت‌های سینه‌زنی یا زنجیرزنی راه اندازی سفره‌های نذری که از عزاداران پس از هر برنامه و گاه در هر سه نوبت پذیرایی می‌شود از دیگر رسوم عزاداری خوانساری‌هاست.

رضایی تصریح کرد: حرکت دادن دسته‌های شترسوار و اسب‌سوار که یادآور عبور کاروان اهل بیت امام حسین (ع) است و صدای شیپور جنگ و نقاره در لابه لای حرکت کاروان نیز تداعی صحنه‌های رزم و مبارزه‌ی آن زمان است از دیگر رسوم سنتی خوانسار است که در عزاداری ابا عبدالله‌الحسن (ع) برگزار می‌شود. وی با اشاره به حفظ حسینیه‌های قدیمی خوانسار که عزاداری سنتی در آنها قدمت ویژه دارد، ابراز داشت: به طور مثال حسینیه حبیبی‌ها است در سال ۶۶ بر اثر سیل تخریب شد اما اکنون به همان شیوه قدیمی بازسازی شده است.

این پژوهشگر خوانساری درباره معماری این حسینیه قدیمی گفت: دور تا دور این حسینیه دارای حجره است و در وسط آن نیز حوضی وجود دارد که روی آن با تخته پوشیده می‌شده و بر روی آن به اجرای تعزیه می‌پرداخته‌اند. این نویسنده و پژوهشگر خوانساری با اشاره به برنامه‌های تکایای عزاداری در خوانسار ابراز داشت: به طور مثال تکیه آیت‌الله نور رضا از یکی تکیه‌هایی است که برنامه‌هایش از اذان صبح شروع و تا مغرب ادامه دارد.

وی اضافه کرد: برنامه‌های این حسینیه شامل قرائت زیارت عاشورا، زیارت ناحیه مقدسه، سخنرانی وعظ مشهور و مداحی بوده و پذیرایی از عزاداران نیز در بیرون از هیئت انجام می‌شود.

● جمعیت ۵ برابری خوانسار در ایام محرم

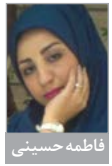
امروز کوچه و خیابانی در خوانسار نیست که در آن حسینیه‌هایی و یا تکیه‌هایی مذهبی ساخته نشده باشد و حسینیه‌های جدید همگی دارای فضای گسترده و زیبایی با معماری سنتی هستند که در خور توجه است.

مردم خوانسار به عزاداری در شهر خود عقیده خاصی دارند و بر این اساس از هر کجای ایران برای ایام عزاداری سیدالشهدا خود را به این شهر می‌رسانند و بدین شکل جمعیت خوانسار در این ایام چندین برابر ماه‌های دیگر سال می‌رسد.

لرستان غرق «گل» در ماتم حسین (ع) / روایتی از خاکی ترین آئین عاشورایی



خاک متبرک و گلاب و بهانه‌ای برای عاشقانه‌ای دیگر؛ این روایت خاکی‌ترین و خالصانه‌ترین آئین عاشورایی است که لرستانی‌ها هر جای دنیا که باشند برای به‌جا آوردنش بی‌قرارند.



بار دیگر محرم از راه رسیده، درودیوار شهر غرق در ماتم و اندوه است به هر کجای شهر سرک می‌کشی ردی از پارچه نوشته‌های مشکمی می‌بینی، سر هر خیابان خیمه‌های عزا برپاشده و جوانان و نوجوانان بی‌شماری گرد آن‌ها جمع شده‌اند تا امسال نیز همچون سال‌های گذشته عشق و ارادت خود به سرور و سالار شهیدان را نشان دهند.

● آئین گل مالی در لرستان

دهه اول محرم در هر شهر و دیار با آیین و سنن خاصی برگزار می‌شود آیینی که موجب می‌شود تا مردم هر دیار در هر کجای دنیا هم که باشند در ایام محرم خود را به زادگاه خویش رسانده و فارغ از همه هیاهوها و مشغله‌های زندگی با یاد مظلوم دشت کربلا و عشق‌بازی با امام خویبان روح خود را صیقل داده و چند روزی تنها برای خودشان باشند. به راستی باز این چه شورش است که در خلق عالم است... من نیز در این روزها بون در زادگاه خویش را با هیچ جا عوض نمی‌کنم چراکه دلم پر کشیده برای دسته‌ها زنجیرزنی و سینه‌زنی شهر، برای خیمه‌های سیاه‌پوش، برای مداحی لالایی علی‌اصغر، برای تعزیه غمناک سقایی دشت کربلا، برای چهل منبر رفتن در روز تاسوعا و ... همه این دل‌تنگی‌ها یک‌طرف دل‌تنگی برای حضور در مراسم گل مالی روز عاشورا یک‌طرف، آیینی که مردم لرستان هر ساله به یاد سروصورت گل‌آلود زینب داغدار در روز عاشورا برپا می‌کنند، به راستی باز این چه شورش است که در خلق عالم است...

● عشقی که از آب و گل درآمد

آیین گل مالی روز عاشورا در بسیاری از شهرهای لرستان و طی چند مرحله برگزار می‌شود که برای اجرای آن در روز تاسوعا و در کنار هر کدام از خیمه‌های اباعبدالله الحسین (ع) حوضچه‌هایی برای جمع‌آوری گل عاشورا ساخته می‌شود. روز تاسوعا عزاداران حسینی خاک نرم و مخصوصی بنام

غمبار سپری می‌شود.

صبح روز عاشورا با صدای ساز و دهل و نوای سوزناکی که به نوای «چمرونه» که یک نوع موسیقی لری است و در سوگ بزرگان نواخته می‌شود آغاز می‌شود، این لحظه دل همه عاشقان حسین (ع) بی‌تاب است اکثر قریب به اتفاق مردم خرم‌آباد صبح زود از خواب بیدار شده و خود را به‌پای خیمه‌های عزا می‌رسانند تا از گل جمع شده در حوضچه‌های کنار این خیمه‌ها به نشان عزادار بودن بر لباس خود بمانند.

اعضاء هیئت‌های سینه‌زنی نیز یکی‌یکی و به‌نوبت خود را داخل این حوضچه‌های گلی انداخته سپس مقابل آتش برافروخته از هیزم‌های کوبه شده کنار خیمه‌ها خود را گرم می‌کنند و با تشکیل ردیف‌های منظم که بزرگ‌ترها جلو دار آن هستند خود را آماده عزاداری و حرکت به سمت جایگاه‌های عزاداری ایجادشده در مرکز شهر می‌کنند.

در این میان هستند افرادی که با آوردن نذوراتی همچون حلیم، شله‌زرد، شیر و خرما و ... به کنار خیمه‌ها از عزاداران حسینی پذیرایی می‌کنند، خلاصه اینکه در روز عاشورا هر کس به‌اندازه ارادت خود عشقش را به سرور و سالار شهیدان نشان می‌دهد.

● «این بدن از کیست که سر ندارد»...

«این بدن از کیست که سر ندارد/ عزیز زهراست کفن ندارد» در میان این شلوغی‌ها اما بازار شهر که با پرچم‌های سیاه آذین‌شده سراسر تعطیل بوده و در سکوتی عمیق فرورفته است دیگر مغازه‌های موجود در سطح شهر نیز تعطیل هستند چراکه در این روز هیچ‌کس دل‌ودماغ کار کردن نداشته و علاوه بر این مردم اعتقاد دارند کار کردن در این روز کراهت دارد.

روز عاشورا عکاسان و خبرنگاران زیادی از سراسر کشور و حتی می‌توان گفت از دیگر کشورها خود را به خرم‌آباد و دیگر شهرهای لرستان می‌رسانند تا تصاویر زیبایی از مراسم «گل مالی» و عزاداری مردم تهیه کنند، گردوغباری که از خاک لباس‌های سینه‌زنان و زنجیرزنان بند می‌شود تصاویر زیبایی به وجود می‌آورد که می‌تواند خوراک خوبی برای عکاسان باشد.

اینجا چشم‌ها نمناک است و دل‌ها بی‌قرار، مردم از زیر گرفته تا جوان، از زن گرفته تا مرد بر سر و سینه می‌زنند و نوای «این بدن از کیست که سر ندارد/ عزیز زهراست

گل باغ چاله (گل رس) تهیه کرده و در حوضچه‌هایی که در کنار هر خیمه با آجر چیده شده‌اند می‌ریزند سپس در روز عاشورا این خاک را با گلاب معطر می‌کنند که عموماً از محل نذورات مردم جمع‌آوری شده است مخلوط می‌کنند و بدین ترتیب گل روز عاشورا آماده می‌شود.

غروب روز تاسوعا بزرگ‌ترهای هر هیئت گرد هم آمده و برای جمع‌آوری هیزم روز عاشورا راهی جنگل‌های اطراف شهر می‌شوند تا از چوب خشک درختان شکسته هیزم تهیه کنند که از این هیزم‌ها در روز عاشورا و پس‌ازاینکه عزاداران خود را در گل می‌اندازند آتشی برافروخته شده تا به این وسیله افراد گل خود را با آن خشک کنند، مردم لرستان به این گل اعتقاد زیادی داشته و آن را متبرک و شفابخش دانسته و از آن برای گرفتن شفا بر قسمت‌های رنجور خود می‌مالند.

● صبح عاشورا و نوای سوزناک «چمرونه»

شب عاشورا درحالی که همه هیئتی‌ها از مراسم عزاداری برگشته‌اند دور حوضچه‌های پرشده از خاک جمع شده و با خواندن زیارت عاشورا، دعای توسل و ... شب را تا صبح در کنار خیمه‌ها بیدار می‌مانند و در این شب‌زنده‌داری عاشقانه با یاد شب‌زنده‌داری امام حسین (ع) در شب عاشورا آرام‌آرام اشک می‌ریزند و به‌این ترتیب شب عاشورا با سکوتی



گذشته عزاداری مردم خرم‌آباد به‌عنوان پدیده عزاداری‌ها در ایران اسلامی مطرح شد لذا این نحوه عزاداری سنتی را باید به مردم دین‌دار و ولایت مدار لرستان تریک گفت. وی با تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر سنتی برگزار کردن عزاداری‌های اباعبدالله الحسین (ع) اشاره کرد و افزود: در کل کشور پنج استان وجود داشته که در آن‌ها اجتماع بزرگ عزاداری به‌صورت سنتی وجود دارد که مردم لرستان نیز از این عزاداران هستند.

معاون فرهنگی، آموزشی و پژوهشی اداره کل تبلیغات اسلامی لرستان بایبان اینکه مراسم «گل مالی» در اکثر شهرستان‌های استان برگزار می‌شود، ادامه داد: آئین «گل مالی» در لرستان از سال‌ها قبل از انقلاب نیز در شهرهای مختلف استان برگزار بوده است.

حجت‌الاسلام غلامی بایبان اینکه برای گرفتن پیام عاشورا و انتقال آن باید از قرآن بهره گرفت، تصریح کرد: عزاداری امسال مردم لرستان قرآن محور و سخنرانی گرا بوده که به‌صورت سنتی برگزار خواهد شد.

وی بر لزوم اقامه نماز ظهر عاشورا که تکمیل عزاداری عزاداران حسینی است، تأکید کرد و گفت: به همه جوانان و نوجوانان توصیه می‌شود به نماز اهمیت دهند زیرا همه این عزاداری‌ها در گرو پذیرش نماز است و اگر نماز آن‌ها رد شود عزاداری آن‌ها ارزشی نخواهد داشت.

هر چیزی آلوده باشد به‌وسیله خاک پاک می‌شود و مردم برای تهیه گل روز عاشورا از بهترین خاک استفاده می‌کنند و سپس آن را با گلاب مخلوط کرده و «گل» درست می‌کنند. وی افزود: عزاداران اباعبدالله الحسین (ع) «گل» روز عاشورا را به‌عنوان تبرک به سر و صورت و لباس خود می‌مالند تا خود را در برابر همه بیماری‌ها و گرفتاری‌ها بیمه کنند و با این حرکت به‌نوعی اعتقاد خود را به این آیین اعلام می‌کنند. معاون فرهنگی، آموزشی و پژوهشی اداره کل تبلیغات اسلامی لرستان با اشاره به اینکه «گل» مالیدن افراد اوج عزای آن‌ها در هنگام مرگ عزیزانشان را نشان می‌دهد، بیان داشت: مالیدن «گل» در روز عاشورا توسط مردم لرستان برگرفته از عاطفه درونی و به یاد حضرت زینب (س) که در عزای سیدالشهدا (ع) بر سر و صورت خود خاک مالید، بوده است و مردم از این طریق می‌خواهند اعتقاد و علاقه خود را به امام حسین (ع) نشان دهند.

● معرفی عزاداری مردم خرم‌آباد به‌عنوان پدیده عزاداری‌ها در کشور

عزاداری مردم خرم‌آباد به‌عنوان پدیده عزاداری‌ها در ایران اسلامی مطرح شد حجت‌الاسلام غلامی با اشاره به اینکه در هیچ جایی ندیده‌ام که مراسم «گل مالی» و این نحوه عزاداری در روز عاشورا نهی شده باشد، بیان داشت: در سال

کفن ندارد» سر می‌دهند، هستند کسانی که در این به سر و سینه زدن‌ها چنان غرق می‌شوند که به ناگاه از هوش می‌روند و این است معنای عشق به حسین...

کم‌کم ظهر از راه می‌رسد و چشم‌ها اشک‌بارتر می‌شود، نوحه‌خوان‌های هیئت‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی به‌نوبت بالای جایگاه‌های مرکزی که در سطح شهر تعبیه شده‌اند رفته و ویژه‌ترین نوحه‌های خود را در ساعات پایانی سر می‌دهند، ظهر که می‌شود همگی آماده اقامه نماز ظهر عاشورا می‌شوند.

● مراسم «گل مالی» اوج غم و اندوه مردم لرستان

معاون فرهنگی، آموزشی و پژوهشی اداره کل تبلیغات اسلامی لرستان با اشاره به اینکه من به‌عنوان یک طلبه با عشق و علاقه به سنت «گل مالی» اعتقاد دارم، اظهار داشت: آیت‌الله بروجردی به‌عنوان تنهاترین عالم شیعه در زمان خود بر آئین گل مالی صحنه گذاشته‌اند به‌طوری‌که زمانی که عزاداران حسینی از درب منزل ایشان عبور می‌کردند خاک‌پای آن‌ها را بر چشم مالیده و دیگر تا آخر عمرشان چشم‌درد نداشتند.

حجت‌الاسلام غلامی بایبان اینکه برخی تصور نکنند گل مراسم «گل مالی» از نظر بهداشتی مشکل دارد، عنوان کرد: خاک یک نوع پاک‌کننده به‌تمام‌معنا بوده به‌طوری‌که

هم‌نوا با تعزیه خوانان ایران در تاسوعا؛

«گو عمویم به حرم بر گردد»



«تعزیه»، همراهی اقوام ایرانی در غم اهل بیت حسین است، آیینی که از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب را صحنه عرض ارادت کرده است و تاسوعا تعزیه‌خوان چنین سر می‌دهد: گو عمویم به حرم بر گردد.

جمعیت روی جمعیت می‌آید، عزادار گرد عزادار، جمع که جمع می‌شود صدای تعزیه‌خوان بلند می‌شود که از مصیبت زینب می‌گوید و اسارت اهل بیت حسین (ع)؛ از مصیبتی که تاریخ مانند آن را به یاد ندارد و از زنی که چنین بار گرانی را به دوش کشیده است. جمعیت فریاد سر می‌دهد: «وای زینب، وای زینب، وای زینب...»

مطلع تعزیه باغم زینب و اشک زنان بر بانوی درد شروع می‌شود تا آندوه جمع بغض تعزیه‌خوان را بترکاند، گریان و نالان در مصیبت بانوی صبر و عطف می‌گوید: «خوش به آن روزی که اکبر داشتی / عون و عباس داشتی...» و حالا کنار ذکر وای زینب، صدای «یا عباس» سکوت جمع را می‌شکند.

شمرخوان تعزیه روی صحنه می‌آید و با چهره‌های شرمسار از خودش می‌گوید، هر جمله‌ای که می‌گوید بعدش سرش را پایین می‌اندازد و با انگشتانش چشمان سرخ‌شده‌اش را می‌مالد، اشک‌ها آن قدر داغ است و بی‌مهابا که پلک‌ها جلو‌دارشان نیست.

«دخترم بر تو فرستاده سلام، این چنین بهر تو داده پیام، گر نشد آب میسر گردد... گو عمویم به حرم بر گردد...» حسین خوان تعزیه وقتی «بر گردد» را تکرار می‌کند وسط صدای لرزانش فقط می‌شود یک عالمه بغض و اشک را دید و حالا جمعیت بر سر و سینه می‌زند و فریاد «گو عمویم به حرم بر گردد» ماجرای این تعزیه غمبار را تکمیل می‌کند.

مادران حاضر در مراسم کودکان خردسال و نوزادان خود را به تبرک روی صحنه تعزیه می‌برند تا حسین خوان و عباس خوان تعزیه به تبرک دستی بر سر و روی آن‌ها بکشند. مردم نذرهای خود را در میانه میدان برای گروه تعزیه جمع می‌کنند.

این روایتی از برگزاری مراسم قدیمی و سنتی تعزیه در روستای «زنبا» از توابع شهرستان دورود در استان لرستان

برسان زود به بالین برادر...»

«کجایی ای برادرم پشت پناه لشکرگم؛ نور دو چشمان ترم برادرم برادرم» حسین خوان تعزیه با بغض این بیت را می‌خواند و راهی صحنه می‌شود؛ جمعیت توان ایستادن ندارد و حالا بیشترشان نشسته صحنه را می‌پایند، مردها را که ورنه انداز می‌کنی مردانه دست‌هایشان را جلوی چشم‌ها می‌مالند و یا شاید اشک‌هایشان گرفته‌اند، ولی صدای آه و آندوه زنان عزای عباس را کامل کرده است.

عباس خوان سرش را روی دامن حسین تعزیه می‌گذارد و حالا نوبت عباس است که آندوه جمعیت را مضاعف کند: «مرا به خیمه میر تا که حالتی دارم؛ که من ز روی سکنینه خجالتی دارم...»

● به زیر بار گنه رنگ زرد آمده‌ام

بغضش را می‌خورد و کلامش را با تک‌بیتی شروع می‌کند: «به زیر بار گنه رنگ زرد آمده‌ام...» جمعیت غوغا می‌شود؛ شمرخوان تعزیه که از فغان جمعیت به فغان آمده است می‌گوید: نه من شمرم، نه اینجا کربلا و نه این لشکر اشقیاء!

قرار است تعزیه «عباس» خوانده شود و شمرخوان تعزیه شروع به روایت می‌کند، از کربلا و علقمه و عباس و دیگر هیچ حرفی نیاز نیست تا بغض جمعیت بترکد، همه‌چیز تام و تمام است برای یک دل سیر گریه!

عباس خوان تعزیه با دست‌های بریده و تن خونین صدا می‌زند: «ای زاده زهرا به کجایی تو حسین جان؛ خود را

● قزوین از مهم ترین کانون های تعزیه خوانی

شاخص ترین وجه نمایشی در استان قزوین تعزیه و شهر قزوین یکی از مهم ترین کانون های تعزیه خوانی بوده است. مشهورترین این تعزیه خوان ها ملاحظه کردیم جناب قزوینی، یکی از چهره های موسیقی در دوره قاجار و استاد آواز، اقبال آذر است؛ البته چهره های دیگری هم چون ابوالحسن اقبال آذر و میرزا حسن ثقفی، نیز در این دوره حضوری جدی دارند. تا چند سال قبل، شبیه خوانی و تعزیه خوانی از هفتم محرم در میدان ها و صحن حیاط حسینی ها و تکایا در شهرستان ها معمول بود و شبیه خوان ها که برای این کار تعلیم یافته بودند، کار خود را با طبل، شیپور و کرنا در محل تعیین شده آغاز می کردند.

نظر علی ایوبی یکی از تعزیه خوانان قزوینی با بیش از ۵۰ سال سابقه در اجرای نقش های مخالف و موافق خان در این خصوص می گوید: روستای یانس آباد واقع در بخش مرکزی (کوهپایه) شهرستان آبیک با جمعیتی بیش از ۸۰۰ نفر یکی از مهد های مهم تعزیه در استان با بیش از صدسال سابقه است که تعزیه در این روستا توسط بزرگانی که در حال حاضر در جمع ما نیستند به یادگار مانده است.

● ثبت تعزیه خراسان شمالی

معاون میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان شمالی می گوید: معاونت میراث فرهنگی با توجه به وظایف خود در زمینه ثبت میراث ناملموس (معنوی) و بر اساس دستورالعمل های ثبت، اقدام به ثبت ملی آیین های عاشورایی در قالب هشت پرونده میراث ناملموس کرده است.

علی اکبر وحدتی اظهار می کند: عاشورا در فرهنگ مذهبی مسلمانان همواره جایگاه خاص و برجسته ای دارد و زمینه ساز مجموعه ای از سنت ها و مراسمی است که در طول تاریخ به عنوان میراثی معنوی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. وی تعزیه ترک های شمال خراسان، تعزیه کردهای شمال خراسان و هنر تعزیه خوانی بجنورد را از جمله هشت آیینی برمی شمارد که به ثبت ملی رسیده است.

ترک های خراسان شمالی بخشی از اقوام ترک تبار ساکن خراسان هستند که به زبان ترکی خراسانی تکلم می کنند و از لحاظ جمعیتی یکی از گروه های قومی در استان های خراسان به شمار می روند.

همچنین کردهای خراسان و ترک های خراسان در منطقه وسیعی از نواحی شمال خراسان زندگی می کنند و از لحاظ جمعیتی یکی از گروه های قومی در استان های خراسان به شمار می روند.

بیشترین تعزیه ای که در استان خراسان شمالی اجرا می شود



این هنر اصیل به دلیل عدم آموزش های دانشگاهی، نبود پژوهش های صحیح و با توجه به شیوه انتقال نسل به نسل در طول سالیان دچار آسیب ها و تحریف هایی شده است. تأکید می کند: اجرای برخی تعزیه ها مانند داستان شهادت امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) در تعزیه خوانی مرسوم هستند و برخی مانند تعزیه های پیامبران و برخی امامان معصوم، سوغاتی آوردن شمر و موارد دیگر که تعزیه قریب خوانده می شوند، کمتر در میان تعزیه خوانان متداول اند.

وی البته نگرانی هایی هم در زمینه تحریف این آیین قدیمی دارد و می گوید: گرچه شیوه و اسلوب هنر تعزیه در گذر زمان تغییر چندانی نکرده است اما این هنر اصیل به دلیل عدم آموزش های دانشگاهی، نبود پژوهش های صحیح و با توجه به شیوه انتقال نسل به نسل در طول سالیان دچار آسیب ها و تحریف هایی شده است که از مهم ترین این موارد ترویج متون غیر مستند به ویژه در تعزیه های مرسوم است به شکلی که تعزیه خوان حاضر نیست اشتباهات متون یا نقل های اشتباهی که از بزرگ تر خود شنیده است، را تغییر دهد.

در این گزارش نگاهی به روند اجرای تعزیه در استان های مختلف کشور خواهیم داشت از اصفهان و لرستان تا قزوین و خراسان و البرز و یزد و کرمان.

است که هر سال با حضور عزادارانی از جای جای ایران برگزار می شود.

● تعزیه رساترین نوا

بنابراین گزارش تعزیه به عنوان رساترین نوا سوزناک عزاداری در طول تاریخ، با فریاد رسای خود پرده جهل و ظلمت را دریده و زبان گویای حق طلبان برای انتقال پیام نهضت عاشورا به ویژه در دوران سلطه حاکمان ظالم و فاسد تاریخ بوده است.

این هنر بی بدیل که با حماسه عاشورا پیوندی ناگسستگی دارد، مهم ترین و اثرگذارترین شیوه نمایش ایرانی است که در طول دوران اختناق تاریخ و در میانه آوای جاهلان ظالمان با زبان گویا و رسای خود، نوا مظلومیت و حقانیت سیدالشهدا برای زنده نگاه داشتن دین خداوند را فریاد زده است.

هنر تعزیه، در طول زمان تغییراتی را به خود دیده اما هنوز هم در ردیف اصیل ترین و پر سابقه ترین هنر های ایرانی و اسلامی مردمان ایران است هنر تعزیه، در طول زمان تغییراتی را به خود دیده اما هنوز هم در ردیف اصیل ترین و پر سابقه ترین هنر های ایرانی و اسلامی مردمان ایران است و در استان های مختلف ایران از شمالی ترین شهرهای خراسان و آذربایجان تا جنوبی ترین شهرهای سیستان و اهواز از پهنه کویر تا حاشیه های زاگرس، البرز و قزوین از دریای خزر تا خلیج فارس در ایام ماه محرم، برگزار می شود.

● بزرگ ترین شیوه نمایشی خاص ایران

منصور قربانی کارگردان تئاتر، کارشناس تعزیه و از تعزیه گردانان اصفهانی در این رابطه تأکید می کند که هنر تعزیه سابقه بسیار درخشان تاریخی را در دل خود نهفته دارد به نوعی که بزرگ ترین شیوه نمایشی خاص ایران محسوب می شود.

وی می گوید: در واقع زمانی که شبیه خوانی شکل عزا، سوگ و حزن و اندوه را به خود بگیرد به شکل تعزیه درمی آید و سه عنصر موسیقی، نمایش و ادبیات مبنای هنری آن را شکل می دهد.

قربانی یادآوری می کند: این هنر نمایشی با توجه به قاعده مندی خود از ارزش ویژه ای برخوردار است چراکه دارای معیارها و قوانین از پیش تعیین شده است. این کارشناس تعزیه معتقد است که تعزیه از دیدگاه اعتقادی، دینی و تاریخی نیز ارزش فراوانی دارد و در اواخر دوران صفویه و قاجار رونق فراوانی گرفته و به شکل کنونی درآمده است.



سیروس رستمی رئیس هیئت امنای تکیه حسینی اعظم ارمغانخانه زنجان هم در این رابطه می گوید: مراسم تعزیه خوانی تکیه حسینی اعظم ارمغانخانه زنجان یکی از مشهورترین تعزیه خوانی ها است که همساله از اول تا ۱۴ محرم برپا می شود.

رستمی با اشاره به اینکه تکیه حسینی تاریخی ارمغانخانه از قدیمی ترین تکیه های شمال غرب کشور است، اضافه می کند: قدمت این مراسم ۴۰۰ ساله بوده و اجرای آن از سال ۱۳۸۹ در میراث معنوی ایران به ثبت ملی رسیده است.

رئیس هیئت امنای تکیه حسینی اعظم ارمغانخانه زنجان با اشاره به اینکه هر سال استقبال مردم از برگزاری مراسم تعزیه تکیه ارمغانخانه مطلوب است، یادآور می شود: هدف از اجرای این مراسم، احیای فرهنگ عاشورایی و بزرگداشت ایام شهادت امام حسین (ع) است.

● تعزیه روستای توت یزد

روستای توت که در ۶۰ کیلومتری شرق شهرستان اردکان قرار دارد از مهم ترین مناطق برپایی آیین سنتی تعزیه است که هر سال عزاداران و عاشقان زیادی را به سمت خود می کشاند و بیش از ۲۰ گروه تعزیه خوان در این روستا در طول یک هفته فعالیت می کنند.

اجرای هنر تعزیه یکی از سنت های عزاداری در ترسیم و بازسازی و بیان ابعاد نهضت خونین عاشورا است که در روستای توت سابقه های به قدمت دوره حکومت قاجاریه دارد که طی سالیان متمادی جایگاه خود را در فرهنگ این مردم حفظ کرده است.

هرسال با فرارسیدن ماه محرم و صفر مردم متدین روستای توت میزبان عزاداری سید و سرور شهیدان هستند و در هفته آخر ماه صفر به رسم دیرینه و سنت پیشینیان خود، میزبان گروه های هنری تعزیه و شبیه خوانی هستند که بازسازی وقایع صحرائی نینوا و مظلومیت امام حسین (ع) و اصحاب ایشان را به نمایش می گذارند.

با وجود اینکه در ایام عادی سال، جمعیت این روستا کمتر از ۲۰ نفر است اما در این روزها جمعیت این روستا از مرز ۱۲۰ هزار نفر هم عبور می کند با وجود اینکه در ایام عادی سال،



جزئیاتش در جم به اجرا درآورد و این شد که در سال بعد نسخه خوان هایی از شیراز به جم دعوت کرد و این گروه شیرازی چندین سال با هزینه وی در جم به اجرای مراسم تعزیه خوانی پرداختند.

این مراسم با استقبال زیاد مردم جم روبرو شد؛ به طوری که بعد از آشنایی مردم جم با این مراسم، خود به ایفای نقش های تعزیه پرداختند.

علی پریشان سرپرست هیئت تعزیه خوانی جم به ویژگی های آیین تعزیه خوانی جم پرداخت و گفت: ویژگی این مراسم که به آن، عظمت و جلوه های خاص داده برگزاری میدانی است، برخلاف بیشتر نقاط کشور که تعزیه در تکیه یا سالن و بر روی سن اجرا می شود، این آیین در جم، در میدانی وسیع به اجرا درمی آید.

● تعزیه تکیه ارمغانخانه زنجان

تعزیه حضرت عباس (ع) و بعد از آن تعزیه حضرت علی اکبر است تعزیه این دو قوم اصیل با چهار چوبی خاص و یکی از جلوه های ماه محرم است که وقایع مذهبی، داستان های تاریخی، اساطیر و قصه های عامیانه را بازگو می کند.

تعزیه بنی اسد یکی از رسوم دیرین مردم خراسان شمالی است که در عزاداری ماه محرم و در دوازدهمین روز محرم برگزار می شود.

بیشترین تعزیه ای که در استان خراسان شمالی اجرا می شود تعزیه حضرت عباس (ع) و بعد از آن تعزیه حضرت علی اکبر است. تعزیه در این استان به صورت یک سنت و فرهنگ درآمده است.

● تعزیه مردم زرقان در استان فارس

مردم زرقان روز هفتم محرم را متعلق به ساحت حضرت ابوالفضل علیه السلام می دانند و طی آیین سنتی دیگری مراسم جمع آوری علم و پرچم های حسینی از خانه های عزاداران با حضور هیئت های عزاداری انجام شده و علم و پرچم های جمع آوری شده به هریک از این حسینی ها منتقل می شود.

شهر زرقان از دیرباز قلب تپنده تعزیه در کشور بوده است که هر سال در ماه محرم و صفر برنامه های ویژه کشوری در بخش هنر تعزیه در این شهر برگزار می شود.

به دلیل اینکه هنر تعزیه در فارس و شهر زرقان یکی از هنر های مورد توجه جدی مردم است در چند سال اخیر سوگواره تعزیه با حضور تعزیه خوانان کشوری در سطح ملی در زرقان برگزار می شود که امسال نیز این برنامه در این شهر اجرا خواهد شد.

● تاریخچه تعزیه در جم استان بوشهر

در همان زمانی که تعزیه در اوج عظمت و رونق خود بود، یعنی در اواسط دوران ناصری در حدود سال های ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۵ هجری قمری در مسافرتی که «محمدعلی خان جمی» متوفی ۱۲۹۹ ه. ق. به شیراز داشت با مراسم تعزیه از نزدیک آشنا شد.

محمدعلی خان بسیار مایل بود که این مراسم را با تمام



● تعزیه خوانی شیوه عزاداری در سرخه سمنان

مراسم تعزیه خوانی در شهرستان سرخه و بهویژه در روستای افتر و شهر سرخه نیز قدمتی دیرینه و بالای ۲۰۰ سال دارد که در حقیقت نمایش مذهبی و اصیل ایرانی است.

در این آیین مصیبت‌های جان‌سوز خاندان پیامبر اکرم (ص) به‌ویژه واقعه عاشورا و صحرای کربلا از روزهای آغازین تا شهادت امام حسین (ع) به شکل نوحه، روضه خوانی، شبیه‌سازی همراه با آوای دهل، سرنا، شیپور، سنج، نی و طبل از روز اول محرم در تکایا و مساجد روستای افتر و شهر سرخه برای عزاداران حسینی به نمایش درمی‌آید.

● آئین تعزیه خوانی سیار اراک

تعزیه در استان‌های مختلف از شهر گرفته تا روستا به شیوه‌های مختلف برگزار می‌شود که در این گزارش تنها نگاهی به برخی مراسم‌های تعزیه در تعداد معدودی از استان‌ها شده است.

فیلم ابتدایی گزارش نیز به مراسم تعزیه در بازار اراک اختصاص دارد. آئین تعزیه خوانی سیار اراک تا سال ۱۳۴۲ هرسال بدون وقفه برگزار می‌شد اما در سال ۴۲ به علت ممنوعیت عزاداری متوقف شد و حالا مجدداً احیاء شده این آئین مذهبی و تاریخی چندین سال است که احیا شده و از سال ۹۲ تاکنون، طی دهه اول محرم قبل از روزهای تاسوعا و عاشورا با حضور گروه‌های متعدد تعزیه خوان و هیئت‌های مذهبی در اراک برگزار می‌شود.

آئین تعزیه خوانی سیار اراک و ۱۱ آئین عزاداری دیگر استان مرکزی، در فهرست آئین‌های عاشورایی ثبت ملی شده کشور قرار دارند.

تکیه بالا محله می‌مانند.

هر جا چشم برمی‌گردانیم سیاه‌پوش است و آن قدر حال و هوای حسینی پرشور و حال است که هر کسی را به وجد می‌آورد. صدای شیپور و طبل، نوای تعزیه‌خوان‌ها همه را به یاد کربلا می‌اندازد.

زنی جوان که از روستای چندار آمده است می‌گوید: من هرسال به دیدن تعزیه برغان می‌آیم عشق به امام حسین (ع) و اهل بیت مردم را به اینجا می‌کشاند. بودن در این فضا حالمان را دگرگون می‌کند.

وی اضافه می‌کند: در حسینه اعظم برغان حدود ۵۰۰ سال است که شبیه‌خوانی اجرا می‌شود. بنای حسینه متعلق به سال ۹۳۱ قمری است.

وی می‌گوید: دهه اول محرم بیش از ۱۰۰ مجلس برگزار می‌شوند هرساله بیش از ۵ هزار نفر برای عزاداری و دیدن تعزیه موسی ابن جعفر، جوانمرد قصاب، دو طفلان مسلم، مسلم ابن عقیل، علی‌اکبر (ع)، حضرت عباس (ع) و روز عاشورا به این روستا می‌آیند.

● تعزیه قودجان اصفهان، پذیرای تعزیه‌گردانانی از سراسر ایران

برپایی تعزیه از مهم‌ترین آیین‌های سنتی خوانسار است که قدمت آن به سال‌هایی دور می‌رسد؛ تعزیه قودجان شهری جهانی و بین‌المللی دارد و در این ایام پذیرای تعزیه‌گردانانی از سراسر کشور است.

همچنین چندین تعزیه‌فعال در خوانسار، طی ماه محرم بعد از ظهرها به اجرای مراسم می‌پردازند.

رضاعلی رضایی نویسنده و پژوهشگر خوانساری، در ارتباط با رسوم عزاداری ماه محرم می‌گوید: شهر خوانسار همواره مرکزی

جمعیت این روستا کمتر از ۲۰ نفر است اما در این ایام به‌ویژه هفته آخر از ماه صفر، عزاداران حضرت اباعبدالله (ع) از اقصی نقاط استان و حتی استان‌های هم‌جوار از جمله اصفهان، فارس و کرمان نیز خود را به این روستا می‌رسانند تا در عزاداری خاص این روستا شرکت کنند به طوری که در این روزها جمعیت این روستا از مرز ۱۲۰ هزار نفر هم عبور می‌کند.

نادر پیروی اردکانی محقق و پژوهشگر دینی با اشاره به قدمت بیش از ۱۵۰ ساله حسینه تاریخی روستای توت می‌گوید: اجرای تعزیه در روستای توت از اصیل‌ترین تعزیه‌هایی است که در کشور شاهد برگزاری آن هستیم و با وجود اینکه برگزاری آن منحصر به چند روز است، شور و هیجان مردم برای برگزاری این مراسم هرسال بیش از سال‌های قبل می‌شود.

● کرمان و سابقه دیرین تعزیه

شبیه‌خوانی شخصیت‌های مذهبی و اسلامی در قالب تنها هنر مذهبی جهان اسلام، یعنی تعزیه از دیرباز در کرمان هم به‌عنوان یکی از روش‌های در سوگ نشستن مصیبت‌های وارده بر اهل بیت عصمت و طهارت (س) به‌ویژه حضرت سیدالشهدا (ع) از استقبال عمومی باشکوهی برخوردار بوده است.

عباس عطایی، مسئول گروه تعزیه حضرت علی‌اکبر (ع) شهر چترود با اشاره به اینکه از سال ۱۳۶۵ فعالیت خود را در عرصه تعزیه آغاز کرد می‌گوید: در حال حاضر دو پسر و نوام هم در تعزیه شبیه‌خوانی می‌کنند.

وی که سن ۶۰ سالگی را سپری می‌کند در مورد اعتقاداتش به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و عزاداری به شیوه شبیه‌خوانی می‌گوید: آن قدر خوبی از آقا دیدم که هر چقدر عمر از خدا بگیرم خدمت به امام حسین (ع) را فراموش نمی‌کنم و اگر چه توان اجرای تعزیه را به لحاظ جسمی ندارم اما می‌توانم حداقل لباس‌های تعزیه را بشویم و یا چکمه‌های شبیه‌خوانان را واکس بزنم.

● مراسم تعزیه در «ضیابر» استان گیلان

«تعزیه» از جمله آیین‌های گیلانیان است که سالیان سال همگام با سراسر کشور در ایام شهادت امام حسین (ع) و یارانش در شهرها و روستاهای این استان به اجرا درمی‌آید. آیین پر مخاطب تعزیه در بسیاری از شهرهای استان، در ظهر روز عاشورا و در برخی دیگر در سومین روز از شهادت امام برگزار می‌شود و وقایع مختلف حماسه کربلا را به تصویر می‌کشد که از مهم‌ترین اجراهای تعزیه‌ها می‌توان به تعزیه در حرم آقا سید جلال‌الدین اشرف (ع) در شهرستان آستانه‌اشرفیه و تعزیه در ضیابر اشاره کرد.

گروه‌های تعزیه مانند گروه «مسلم بن عقیل» به سرپرستی استاد «محمدحسین مصصام»، گروه «حر شهید» به سرپرستی استاد دهقان، گروه «شاهزاده ابراهیم» به سرپرستی برداران اورسا و گروه «حضرت قاسم (ع)» به سرپرستی استاد مفتاح از جمله گروه‌های فعال تعزیه در گیلان هستند که سالیان سال نسل در نسل با هنرمندی خود بازگوکننده راستین حماسه کربلا بوده‌اند.

مراسم تعزیه در «ضیابر» که در ۴۵ کیلومتری شهر رشت واقع شده، نیز هرساله باشکوه خاصی در ایام محرم به‌خصوص در دو روز تاسوعا و عاشورا برگزار می‌شود که مراسم شبیه‌خوانی عاشورا در این منطقه از پیشینه‌های چند صدساله برخوردار بوده و در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

● تعزیه روستای برغان در البرز

در استان البرز هم روایت همین است، روز نهم محرم قصد کرده‌ایم برای دیدن تعزیه به روستای برغان برویم مقصد نهایی ما حسینه اعظم برغان است که محلی‌ها آن را



پیتر چلکوفسکی تعزیه شناس اروپایی در کتاب تعزیه هنر بومی پیشرو درباره تعزیه چنین می‌گوید: اگر درجه مهارت نمایش نویسن را تأثیر بر تماشاگر بدانیم هیچ تراژدی به عظمت تعزیه نمی‌رسد.

تعزیه؛ هنری است که با حماسه عاشورا پیوندی ناگسستنی دارد و بر این اساس بدیهی است تا زمانی که شور عظیم حادثه عاشورا در جهان برپاست تعزیه نیز برای به تصویر کشیدن نوای حق‌طلبی و آزادگی امام حسین (ع)، فریادی بس عظیم و تأثیرگذار در گلوی تاریخ خواهد داشت.

این گزارش را با فیلمی از مراسم سنتی «یا عباس، یا عباس» در شاهرود استان سمنان تمام می‌کنیم، تا تاسوعا بهانه‌ای برای عرض ارادت به علمدار دشت کربلا باشد؛ همراه آئین‌های عاشورایی اقوام ایرانی ذکر می‌گیریم: «ای اهل حرم میر و علمدار نیامد...»

برای توسعه تشیع بوده است و هنوز حسینه‌های قدیمی با حال و هوای سنتی وجود دارد که در ایام محرم و صفر مراسم عزاداری اباعبدالله حسین (ع) در آنها برگزار می‌شود.

وی تعزیه خوانی را از سنت‌های مهم عزاداری خوانسار توصیف کرد که اغلب بعد از ظهرها برپا می‌شود و بیان داشت: در واقع تعزیه از دوره صفویه به خاطر تاسیس حوزه علمیه مریم بیگم صفوی در خوانسار رشد پیدا کرد که این حوزه هنوز نیز هر ساله شاگردان زیادی را تربیت می‌کند. این نویسنده و پژوهشگر خوانساری با بیان اینکه تعزیه خوانی رسمی خوانسار امروزه در روستایی به نام قودجان اجرا می‌شود، بیان داشت: تعزیه قودجان که بیشتر در دهه آخر صفر انجام می‌شود از پرشورترین مراسم مذهبی خوانسار است و بسیار گسترده برگزار می‌شود.

■ کمتر کسی است که فیلم‌های شلیک گلوله در مراسم عروسی و کشته شدن آدم‌های بی‌گناه را در فضای مجازی ندیده باشد، فیلم‌هایی واقعی که اتفاقی در دوربین کوچک تلفن همراهی ضبط شده، دوربینی که به قصد ضبط گوشه‌ای از سرخوشی مردم در یک مراسم عروسی روشن شده اما به ناچار و ناخواسته در کمال تأسف صحنه غم‌انگیز کشته شدن یک نفر و گاه داماد شده است، تفنگ‌هایی که خواسته‌اند کل شادمانی بزنند اما عروس دم حجله‌ای را به خاک سیاه عزا نشانده‌اند.

■ دیگر بوی کاهگل به مشام نمی‌خورد. از حاج ولی، بی‌بی سیادت، کربلایی حسن و ننه گلی دیگر خبری نیست. بوی اسپند در کوچه‌ها دلاویز نمی‌شود، دیگر تصویر زیبای غروب بر بام خانه‌های روستایی مجسم نمی‌شود و دیگر هیچ گله‌ای شبانگهان از ورودی روستایی سر به بیابان نمی‌نهد. حالا سکوت است که بر تن خسته روستا فریاد می‌زند.

■ صدای آخرین تپش‌های قلب جسم نیمه‌جان دشت‌های شهرستان جم به گوش می‌رسد و می‌طلبد، قبل از آنکه دیر شود، تدابیری اصولی و کارشناسی برای احیای این دشت‌ها اتخاذ شود و حیاتی دوباره گیرند.

■ چهره روستا محرومیت را فریاد می‌زند، دیدن خانه‌ها، مدرسه و حتی ساکنان روستا شاید بیشتر از تابلویی که بر سر در روستا نبود؛ نام «سیاه دره» را در ذهنمان تداعی کند، اینجا «فقر» در قاب تصویر روستا کنار هر خانه و صاحب‌خانه‌ای ایستاده است و خبر از نداری مردمانش می‌دهد.

جامعه ایران



آزیر قرمز فقر در «سیاه دره»: اهالی روستا محرومیت به ارث می برند



«سیاه دره» از روستاهای دور افتاده بخش خزل با ۲۴ خانوار است که حدود نیمی از این خانوارها روزگار را با فقر سپری می کنند و حتی برخی خانه های روستا از امکاناتی مانند حمام بی بهره هستند.



حسین بهیرایی

«سیاه دره» روستایی در ۳۰ کیلومتری شهر فیروزان از توابع شهرستان نهاوند با جمعیت تقریبی ۸۰ نفر است که شاید نامش از همان ابتدا سیاهی را بر حال و احوال این روستا غالب کرده است.

دنیال تابلوی نام روستا در ورودی آن می گردم تا مطمئن شوم درست رفته ام، اما خبری نیست، روستا نه تابلویی دارد و نه نام و نشانی.

چهره روستا محرومیت را فریاد می زند، دیدن خانه ها، مدرسه و حتی ساکنان روستا شاید بیشتر از تابلویی که بر سر در روستا نبود؛ نام «سیاه دره» را در ذهنمان تداعی کند، اینجا «فقر» در قاب تصویر روستا کنار هر خانه و صاحب خانه ای ایستاده است و خبر از نداری مردمانش می دهد.

با قدم زدن در کوچه پس کوچه های روستا با برخی از ساکنان «سیاه دره» به گفتگو می نشینیم.

یکی از اهالی این روستا به علت ناتوانی در تامین معاش روزانه خانواده خود، مدتی به کرج مهاجرت کرده است «جلیل خزایی» یکی از اهالی این روستا است که به علت ناتوانی در تامین معاش روزانه خانواده خود، مدتی به کرج مهاجرت کرده و به گفته خودش در کرج به بنایی ساختمان مشغول بوده است.

وی بایبان اینکه چندی پیش پدرم در دنیا رفت و من که به دیار خود و هویتم علقه ای خاص داشتم نتوانستم در کرج دوام بیاورم و نهایت راهی سیاه دره شدم، گفت: این روستا از حداقل امکانات هم بی بهره است.

خزایی ادامه داد: مدت زیادی از سکونت مجدد در روستا نگذشته بود که شنیدم قرار شده مسئولان شهرستان نهاوند به همراه بخشدار و مسئولان شهر فیروزان به روستای ما بیایند اما این ها هم می آیند و می روند و سیاه دره سیاه تر از پیش باقی خواهد ماند.

وی بایبان اینکه البته اقدامات اندکی از سوی مسئولان برای این روستا انجام شده است که نباید آنها را نیز نادیده گرفت، گفت: پس از حضور مسئولان در روستای سیاه دره یک دستگاه منزل خیر ساز به بهره برداری رسید و ۳ دستگاه دیگر نیز در حال ساخت است.

وی افزود: برای ساخت و ساز خانه های جدید در روستا اداره منابع طبیعی شهرستان بخشی از اراضی تحت پوشش خودش را آزاد کرده و در اختیار اهالی روستا گذاشته است.

احمد خزایی از دیگر ساکنان این روستا نیز گفت: «سیاه دره» دارای ۱۰ دانش آموز ابتدایی در پایه های مختلف است اما مدرسه روستا مناسب نیست و در زمستان مشکلات زیادی دارد.

خزایی با بیان اینکه تغییراتی در روستا انجام شده است اما هنوز کارهای بسیاری روی زمین مانده است، ادامه داد: به جز جاده اصلی که سیاه دره را به روستاهای فارسبان و اطراف متصل می کرد جاده ای مناسب در

چون سایه دره، شطزل، تاریک دره، دارسیبه و غیره ارائه شود علاوه بر جلوگیری از مهاجرت به شهرها موجب مهاجرت معکوس نیز می شود؛ همچنان که خانواده جلیل خزایی به سیاه دره بازگشته اند.

وی به کمک ۲ میلیون تومانی مدیرکل بنیاد مسکن استان علاوه بر وام ۱۸ تا ۲۰ میلیون تومانی و تسهیلات ضمیمه این وام ها اشاره کرد و گفت: خانم سعیدی از خیرین شهرستان برای بهسازی روستا از محل امور خیریه ۲۰ میلیون تومان در نظر گرفته که تا قبل از فرا رسیدن فصل سرما اقدامات خوبی انجام شده و در حال حاضر نیز ماشین آلات راه سازی برای تسطیح معابر داخلی به این روستا رفته اند.

جهانیان از ارائه تسهیلات بلاعوض به خانواده های تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد خبر داد و گفت: اداره بهزیستی نیز به خانواده تک معلولی مبلغ ۶ میلیون تومان و به خانواده های دو معلول ۱۸ میلیون تومان تسهیلات بلاعوض ارائه می کند.

در ادامه رئیس بنیاد مسکن شهرستان نهاوند در خصوص خصوص اقدامات انجام شده توسط بنیاد مسکن شهرستان نهاوند برای اهالی این روستا به مهر گفت: حدود ۶۰ فقره پرونده در روستاهای شطزل، سیاه دره، کوتاه دره و تاریک دره تشکیل شده است.

داوود سوری ادامه داد: در راستای تامین رفاه این اهالی و انجام اقدامات به صورت جدی و سریع تر کارشناسان بنیاد مسکن شهرستان با تجهیزاتی لازم به این روستا راهی شدند و نسبت به تشکیل پرونده اقدام کردند. سوری با اشاره به اینکه تسهیلاتی که به این روستائیان ارائه می شود به صورت ضامن زنجیره ای است، گفت: با توجه به تخصیص اعتبارات استانی اعتبارات سهم شهرستان نیز نهایتاً در هفته جاری واریز و به بانکها ابلاغ شود.

● اعلام آمادگی بنیاد مسکن برای اجرای طرح هادی روستا

وی افزود: بنیاد مسکن آمادگی انجام عملیات و اقدامات مربوط به بهسازی و نوسازی منازل روستایی و همچنین

روستا نبود اما اکنون وضعیت تاحدودی بهتر شده است. وی با بیان اینکه ساکنان این روستا به امید بهتر شدن اوضاع زندگی روستا را رها نکرده اند، گفت: در هر کدام از روستائیان حس آمیدی می بینیم که شاید وضعیت سیاه دره روشن شود.

در همین زمینه بخشدار بخش خزل در گفتگو با مهر از بسیج امکانات و توانمندی خیرین در این روستا برای پاک کردن غبار فقر خبر داد و گفت: تقریباً در اوایل مهرماه بود که هیئتی متشکل از خیرین و مسئولان نهادهای حمایتی و عمرانی به بخش خزل دعوت شدند.

فرهاد جهانیان ادامه داد: برای دیدار و بازدید از سیاه دره راهی این روستا شدیم و جلسه ای برای بررسی مشکلات روستا در منزل یکی از اهالی ترتیب دادیم که انصافاً در بخش خزل این گونه جلسه ها بی سابقه بود.

خبرنگاران پیگیر اقدامات انجام شده توسط ادارات در «سیاه دره» شوند بخشدار بخش خزل گفت: در آن روز نمایندگان بهزیستی و کمیته امداد فیروزان در روستا مقرر کردند طی ۱۵ روز آینده نسبت به شناسایی جوامع هدف خود اقدام کنند و خدماتی را که به سایرین می دهند به آن ها نیز ارائه کنند.

وی بایبان اینکه شما خود پیگیر اقدامات انجام شده توسط این ادارات شوید، گفت: تاکنون اقدامات خوبی انجام شده و چهار دستگاه منزل خیر ساز بهره برداری شده یا در حال ساخت است.

جهانیان از اجرای طرح بهسازی و نوسازی بخش خزل خبر داد و گفت: مقرر شد که بنیاد مسکن شهرستان نهاوند نیز برای تشکیل پرونده و انجام جدول کشی و آسفالت معابر این روستا اقداماتی انجام دهد.

● وجود ۶۱ روستا در بخش خزل

وی از وجود ۶۱ روستا در بخش خزل خبر داد و گفت: تقریباً ۱۰ روستای دیگر در بخش خزل وضعیتی مشابه «سیاه دره» دارند که امیدواریم با تخصیص اعتبار ۲ درصد نفت و گاز در سال های آینده شاهد تحول در این روستاها باشیم.

بخشدار خزل تأکید کرد: اگر خدمات رفاهی در روستاهایی

می‌دهد که رفع محرومیت در این روستا نیازمند اقدامی جهادی از سوی مسئولان به صورت مستمر و مداوم است چراکه عمق محرومیت در این روستاها به حدی است که برخی خانواده‌ها نه از حمام عمومی برخوردار هستند و نه از حمام شخصی! به‌هرروی توجه به روستاها در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های «فقرزدایی و رفع محرومیت» ضروری به نظر می‌رسد و بر همین اساس انتظار می‌رود مسئولان امر در سطح استان همدان و شهرستان نهاوند رسیدگی جدی به وضعیت روستاها را در دستور کار خود قرار دهند، چراکه استمرار کم‌توجهی به روستاها منجر به افزایش مهاجرت و خالی شدن روستاها از سکنه خواهد شد.

خدمات شرکت داده‌شده‌اند. رئیس اداره بهزیستی نهاوند اظهار داشت: در خصوص بهبودیافتگان اعتیاد نیز ۲ نفر معرفی شدند که تا اواخر مهرماه به آن‌ها تسهیلات پرداخت خواهد شد. سلگی از تشکیل یک شرکت تعاونی با همکاری بسیج سازندگی در این روستا خبر داد و گفت: در خصوص پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی واحد پیشگیری برای ارائه مشاوره یک مرحله به روستا اعزام شده‌اند. وی افزود: با توجه به آغاز سال تحصیلی نیز ۱۰ بسته انواع اقلام آموزشی و حمایتی به ارزش ۱۰ میلیون ریال نیز به دانش آموزان این روستا داده شده است. با تمام این تفاسیر آنچه در روستای سیاه دره دیدیم نشان

اجرای طرح هادی در روستاها را دارد اما نیازمند متقاضی و پیگیری مالکان و اهالی روستاها است. رئیس اداره بهزیستی نهاوند نیز در خصوص اقدامات انجام شده در رابطه و وظایف محوله خود در راستای محرومیت‌زدایی و در برگیری جوامع هدف خود، گفت: تاکنون ۷ مرحله کارشناسان اداره بهزیستی شهرستان در حوزه‌های مشارکت‌ها، توانمندی، توان بخشی و غیره به این روستا اعزام شده‌اند. داریوش سلگی گفت: در پی حضور کارشناسان در این روستا ۵ معلول شامل ۳ معلول ذهنی، یک معلول جسمی و یک مورد نابینا شناسایی شده که برای ارزیابی اولیه در کمیسیون شهرستان برای صدور کارت معلولیت و ارائه

پروژه‌ای که به مقصد نرسید / کندی و رکود در احداث مراکز درمانی قدس



عملیات احداث بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی قدس که از پروژه‌های مصوب سفر ریاست جمهوری به این منطقه به شمار می‌رود، مدت‌ها است در رکود و تعطیلی به سر می‌برد.



ناصر رمضانی

تأمین سرانه‌های بهداشتی و درمانی و توسعه زیرساخت‌های مرتبط، متناسب با جمعیت مستقر در شهرها ضرورتی است که در فقدان آن، بروز مشکلات، معضلات و دشواری‌های بسیار، قطعی خواهد بود و بدون تردید در نبود چنین امکاناتی، تحمیل هزینه‌های سنگین مالی و جانی به افراد نیازمند و متقاضی دریافت خدمات درمانی، دور از انتظار نیست.

با چنین اوصافی، هر آنچه بر بار جمعیتی افزوده شود، افزایش امکانات مرتبط با این عرصه نیز ضروری خواهد بود، با این وجود در شهرستان‌های قدس و ملارد (در مجموع با ۸۰۰ هزار نفر جمعیت)، یک تخت بیمارستانی مجهز و تخصصی مطلوب وجود ندارد.

شهرستان شهریار نیز با ۷۵۰ هزار نفر جمعیت با کمبودهایی در این عرصه مواجه بوده، اما در مقایسه با شهرستان‌های هم‌جوار اشاره شده، به‌مراتب از وضعیت و شرایط مطلوب‌تری برخوردار است.

اگرچه بیمارستان ۳۱۳ تختخوابی امام خمینی (ره)، پس از ۲۰ سال همچنان در حال احداث است و تنها در طول دو سال اخیر شاهد حصول توفیقات مطلوبی در این عرصه بوده‌ایم که بنابر اظهارات برخی مسئولان با رایزنی‌ها و پیگیری‌های مستمر، ۳۰ درصد از پیشرفت

مردم ساکن در این شهرستان‌ها، امکان برخورداری از خدمات درمانی بیمارستان نور را که به صورت خصوصی ارائه خدمات می‌کند را نخواهند داشت، زیرا تأمین و پرداخت هزینه‌ها در چنین مجموعه‌ای، برای بسیاری از مردم امکان‌پذیر نیست. می‌طلبید مسئولان استانی و شهرستانی، نگاه ویژه‌ای را به این منطقه لحاظ کنند تا در صورت اضطرار و در مواقع اورژانسی، سلامت و حیات مردم، قربانی کمبود امکانات در این عرصه نشود. این شهروند ساکن شهریار عنوان کرد: می‌طلبید مسئولان استانی و شهرستانی، نگاه ویژه‌ای را به این منطقه لحاظ کنند تا در صورت اضطرار و در مواقع اورژانسی، سلامت و حیات مردم، قربانی کمبود امکانات در این عرصه نشود.

بیمارستانی در مقایسه با قدس و ملارد از شرایط مطلوب‌تری برخوردار است، اما سرریز متقاضیان دریافت خدمات درمانی از شهرستان‌های هم‌جوار، شرایطی را ایجاد کرده که عملاً امکان خدمات‌دهی مناسب به تمامی متقاضیان را دشوار ساخته است. وی افزود: بر اساس آنچه در رسانه‌های محلی عنوان شده، در مجموع و در سه شهرستان شهریار، قدس و ملارد یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر جمعیت استقرار دارد و بدون تردید ارائه خدمات به متقاضیان برخورداری از تخت بیمارستانی با چنین حجمی از جمعیت امکان‌پذیر نخواهد بود. مزروعی گفت: اخیراً افتتاح بیمارستان نور شهریار، روزنه امیدی برای مردم این خطه ایجاد کرده، اما نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که اکثریت

فیزیکی این پروژه حاصل شده، اما به هر ترتیب بیمارستان‌های تأمین اجتماعی و امام سجاد (ع) در کنار بیمارستان تخصصی نور، بخشی از نیازها و الزامات مورد نیاز این حوزه را تأمین می‌کند و از این حیث، یکی از مهم‌ترین شهرستان‌های غربی استان تهران از لحاظ امکانات درمانی و در مقایسه با شهرستان‌های هم‌جوار (قدس و ملارد) به‌مراتب در شرایط مطلوب‌تری قرار دارد.

● **مراجعه متقاضیان دریافت خدمات درمانی قدس و ملارد به بیمارستان‌های شهریار**

منیژه مزروعی یکی از ساکنان شهرستان شهریار با اشاره به لزوم تقویت و توسعه خدمات بهداشتی و درمانی در این خطه از غرب استان تهران اظهار داشت: اگرچه در ظاهر شهریار از لحاظ سرانه تخت



● ۲۰ سال انتظار برای افتتاح بیمارستان امام خمینی (ره) زبنده مسئولان نیست

ناصر مهریزی یکی از کارمندان بخش خصوصی و ساکن در منطقه امیریه شهپار عنوان کرد: این شهرستان از هفت شهر تشکیل شده که جز در بخش مرکزی، هیچ‌گونه امکانات مناسبی برای ارائه خدمات درمانی در آن تعبیه نشده است. وی افزود: بر اساس اظهارات مسئولان، بیمارستان ۳۱۳ تختخوابی واقع در بخش مرکزی نیز قریب به ۲۱ سال پیش کلنگ زنی شده که همچنان بعد از گذشت دو دهه، عملیات احداث آن به اتمام نرسیده است.

این شهروند شهرداری ساکن امیریه عنوان کرد: زبنده مسئولان نیست که بعد از گذشت ۲۰ سال، نتوانسته‌اند چنین پروژه‌ای را به اتمام برسانند.

مهریزی عنوان کرد: بسیاری از متقاضیان دریافت خدمات درمانی، عطای حضور در مراکز درمانی شهپار را به لقای می‌بخشند و با حضور در مراکز درمانی کرج و تهران، پیگیر روند درمانی خود می‌شوند، زیرا حضور بیمارانی از قدس و ملارد، امکان ارائه خدمات به ساکنان شهرستان شهپار را با محدودیت‌هایی جدی مواجه ساخته است.

● بیمارستان ۴۰ تختخوابی قدس فاقد امکانات مناسب است

شهرستان قدس با ۴۰۰ هزار نفر جمعیت، یکی از متراکم‌ترین مناطق از حیث جمعیتی محسوب می‌شود اما علیرغم چنین جمعیت انبوهی، تنها مرکز درمانی تعبیه شده در آن، به بیمارستان تأمین اجتماعی معطوف می‌شود که بنا بر اظهارات ساکنان این خطه، فاقد هرگونه امکانات مناسبی است.

مریم شرفی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق و ساکن در شهرستان قدس عنوان کرد: به نظر بنده اطلاق عنوان بیمارستان به این مجموعه تنها بر روی کاغذ امکان‌پذیر است و در مقام عمل شاهد ارائه خدمات مناسبی در این قالب نیستیم.

اطلاق عنوان بیمارستان به این مجموعه تنها بر روی کاغذ امکان‌پذیر است و در مقام عمل شاهد ارائه خدمات مناسبی در این قالب نیستیم.

وی افزود: عملیات احداث بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی قدس که ظاهراً از پروژه‌های مصوب سفر ریاست جمهوری به این منطقه به شمار می‌رود نیز مدت‌ها است در رکود و تعطیلی به سر می‌برد. شرفی عنوان کرد: جای تأسف است که نماینده وقت مردم در مجلس شورای اسلامی و برخی مسئولان پیشین، سال

گذشته با قاطعیت خبر از افتتاح این پروژه در سال ۹۵ می‌دادند، اما عملاً شاهد پیشرفت قابل توجهی در این پروژه نیستیم و بعید به نظر می‌رسد با چنین روندی و در آستانه فصل سرما و بارندگی، پیشرفت خاصی در این پروژه حاصل شود.

وی گفت: انتظار می‌رود مسئولان از دادن وعده‌های بی‌ثمر پرهیز کنند، زیرا چنین خلف وعده‌هایی به اعتماد عمومی مردم به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه اجتماعی آسیب می‌رساند.

● عدم بهره‌برداری از بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی قدس در زمان مقرر قابل پیش‌بینی بود

خدابخش محمد زاده پودینه عضو شورای اسلامی شهر قدس از نخستین مسئولانی بود که سال گذشته طی مصاحبه‌هایی، از روند احداث بیمارستان قدس ابراز نگرانی کرد.

وی سال گذشته ضمن اشاره به رکود این پروژه و عدم تأمین اعتبارات موردنیاز، عنوان کرد: علیرغم برخی اظهارات در خصوص تزریق و تخصیص بودجه موردنیاز، سرعت و شتاب مناسبی در اجرای طرح مشاهده نمی‌شود و به نظر می‌رسد با چنین اوصافی، بهره‌برداری از این پروژه طبق زمان‌بندی تعریف شده میسر نخواهد بود.

عضو شورای اسلامی شهر قدس در گفت‌وگوی مجدد ضمن یادآوری اظهارات سال گذشته گفت: وضعیت فعلی بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی قدس با اوصافی که از سال گذشته شاهد آن بودیم، قابل پیش‌بینی بود.

وی افزود: علیرغم گزارش و اخبار مسرت بخشی که بعد از سفر رئیس‌جمهور در ارتباط با این پروژه به گوش می‌رسید، اما بعد از مدتی این طرح با انسدادهایی جدی مواجه شد و شواهد و قرائن، مؤید این واقعیت بود که امکان بهره‌برداری از فاز نخست این پروژه در زمان‌بندی تعیین‌شده (آذرماه ۱۳۹۵) وجود ندارد.

پودینه گفت: گزارش‌هایی که از انباشت بی‌درپی مطالبات پیمانکار در سال گذشته به ما واصل می‌شد، نویدبخش نبود و در حال حاضر شاهد هستیم که بعد از گذشت قریب به یک سال و اندی از این پروژه، تنها اسکلت و بلوک طرح تعبیه شده و همچنان پروژه در تعطیلی به سر می‌برد.

سازمان مدیریت برای تحقق وعده‌های دولت تلاش کند

محمد زاده پودینه با بیان پیشرفت قریب به ۱۵ درصدی پروژه عنوان کرد: سازمان مدیریت برای تحقق وعده‌های دولت تلاش هر چه بیشتری را لحاظ کند تا محرومیت‌های شدید در عرصه امکانات درمانی شهرستان قدس که عمده ساکنان آن کارگر هستند، مرتفع شود.

وی افزود: نیازی بالاتر از تأمین زیرساخت‌های درمانی و سلامت در این خطه از غرب استان تهران وجود ندارد و در شرایطی که حوزه سلامت از جدی‌ترین دغدغه‌های این منطقه به شمار می‌رود، امیدواریم دستگاه‌های مسئول و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تلاش هر چه بیشتری را در این خصوص لحاظ کنند.

● تسریع عملیات احداث بیمارستان در اولویت فرمانداری قدس قرار دارد

محسن ضرغام فرماندار قدس با اشاره به نقش برخی محدودیت‌های مالی و اعتباری در کندی روند عملیات اجرایی و پیشرفت بیمارستان قدس عنوان کرد: چندی پیش طی بازدید معاون وزیر راه و شهرسازی که متولی اصلی ساخت بنای این طرح است و پیگیری‌های استاندار تهران و معاون عمرانی این مجموعه، بخشی از اعتبارات تخصیص‌یافته پرداخت شد و در حال حاضر پیمانکار در صدد تجهیز کارگاه بوده تا فعالیت عمرانی این پروژه از سر گرفته شود.

وی افزود: در آستانه برگزاری جلسه‌ای مهم در استانداری هستیم و به‌طور مشخص در خصوص این طرح، مذاکرات و رایزنی‌های لازم در دستور کار قرار دارد.

ضرغام گفت: تسریع عملیات اجرایی پروژه و بهره‌برداری از این طرح، از اولویت‌های جدی و اساسی فرمانداری قدس محسوب می‌شود و برای تحقق و حصول توفیقات هر چه بیشتر در این خصوص، تلاشی موجدانه را لحاظ خواهیم کرد.

به هر ترتیب مردم شهرستان قدس در غرب استان تهران همچنان منتظر عمل مسئولان به وعده‌های داده شده هستند و ارتقای سرانه بهداشتی و درمانی را یکی از مطالبات جدی خود می‌دانند و امیدوارند روزی برای پیگیری امور درمانی خود به مناطق اطراف مراجعه نکنند.

امید به سحر معجونهای قهرمان شدن / رویاهایی که وارونه تعبیر می شوند

فتحنی بیان کرد: متأسفانه خرید و فروش مکمل‌های غیرمجاز البته به صورت مخفیانه و دور از چشم ناظران در باشگاه‌ها رواج دارد و با توجه به گرایش ورزشکاران برای مصرف مکمل پیشنهاد می‌شود نهادهای مسئول همچون ورزش و جوانان نظارت‌ها را بیشتر کنند و چاره‌ای اساسی در پیش گیرند.

وی بحث قاچاق مکمل‌های ورزشی را از دیگر مشکلات این حوزه دانست و افزود: نهادهای نظارتی و مسئولان باید توجه بیشتری داشته و کنترل و نظارت خود را بیشتر کنند و از خرید و فروش مکمل غیرمجاز و تقلبی و قاچاق در داخل جلوگیری شود.

● اهمیت بحث مکمل‌های غیرمجاز به اندازه مبارزه با مواد مخدر است

فتحنی بیان کرد: همانطور که دولت تلاش جدی برای مقابله با مواد مخدر دارد باید به بحث ساماندهی خرید و فروش مکمل و مقابله با عرضه مکمل‌های ورزشی غیرمجاز توجه بیشتری داشته باشد و به اعتقاد من اهمیت مسئله مکمل‌های غیرمجاز به اندازه بحث مبارزه با مواد مخدر است.

وی سودجویی و کسب درآمدها را از انگیزه‌های غیرانسانی فروش مکمل‌های تقلبی و قاچاق دانست و گفت: فروش مکمل‌های غیرمجاز که متأسفانه در کرمانشاه نیز رواج دارد منبع درآمدی برای سودجویان شده است.

فتحنی افزود: آنچه که در بحث مصرف مکمل رواج دارد بیشتر پروتئین‌ها است اما گرایش به سمت تزریق آمپول هم زیاد شده چراکه فرد فکر می‌کند تاثیر تزریق آمپول بسیار سریع است.

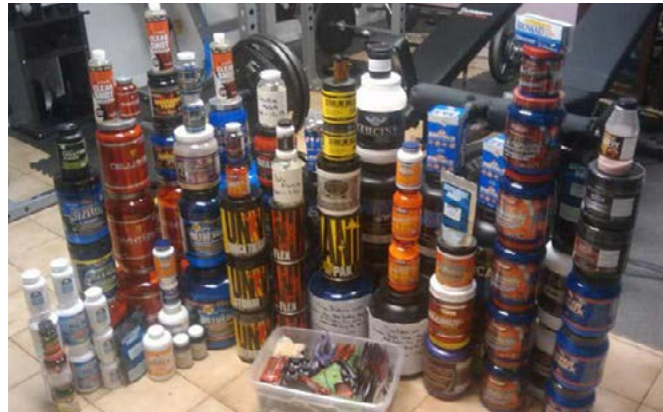
● دوره تخصصی تغذیه پزشکی در کرمانشاه برگزار می‌شود

مسئول کمیته آموزش هیئت پزشکی ورزشی استان کرمانشاه، اظهار داشت: در راستای آشنایی با مکمل‌های ورزشی و برنامه‌های غذایی ورزشکاران یک دوره تغذیه ورزشی سطح یک برای اولین بار در استان با همکاری فدراسیون پزشکی ورزشی برگزار کردیم.

نسرین نازنی با اشاره به حضور ۱۰۰ شرکت‌کننده از استان‌های تهران، مشهد، اصفهان و... در این دوره گفت: متأسفانه استفاده غیراصولی از مکمل‌های ورزشی آسیب‌های جبران‌ناپذیری به ورزشکار وارد می‌کند و لازم است که در این زمینه ورود پیدا کنیم.

به هر حال همه صاحب نظران از عواقب سوء رواج مکمل‌های غیرمجاز و زبان‌های جبران‌ناپذیر برای مصرف‌کننده آگاه هستند اما نظارت‌ها کافی نبوده و مسئولان بیشتر باید در این زمینه ورود پیدا کنند.

مقابله با معضل خرید و فروش مکمل‌های غیرمجاز در استان کرمانشاه نیازمند اطلاع رسانی و همت جمعی دستگاه‌های مسئول است.



علوم پزشکی جلسه داشتیم و اخیراً در نشست با معاونت غذا و دارو بر ساماندهی وضعیت عرضه مکمل‌ها بحث و به نتایجی رسیدیم.

وی بازرسی از باشگاه‌ها و اماکن ورزشی را از برنامه‌های فدراسیون پزشکی ورزشی برای کنترل و جلوگیری از عرضه مکمل‌های غیرمجاز عنوان کرد و گفت: بسیار دقیق و موشکافانه تلاش می‌کنیم تا از عرضه مکمل‌های غیرمجاز در باشگاه‌ها جلوگیری شود. حضوری افزود: قبلاً در باشگاه‌ها بحث خرید و فروش مکمل‌ها رواج داشت اما طی این سال‌ها تلاش کردیم تا خرید و فروش مخفی و پنهانی مکمل‌ها ساماندهی شود. وی افزود: ورزشکاران در خصوص مصرف مکمل‌ها دقیق رفتار کنند. ما هر ساله از شرکت‌هایی که مکمل‌های مجاز و سالم تولید می‌کنند و علاقه‌مند به کار در این فضا هستند نمونه‌هایی را آزمایش کرده و اگر آن مکمل آلودگی نداشته باشد به فدراسیون‌های معرفی می‌کنیم.

این مسئول خواستار ارتباط بیشتر ورزشکاران با هیئت‌های پزشکی ورزشی در استان‌ها شد و افزود: هیئت پزشکی ورزشی کرمانشاه از بهترین‌های کشور است و خدمات ارزنده‌ای به ورزشکاران در بحث مکمل و مشاوره ارائه می‌دهد.

وی افزود: ورزشکاران مواظب باشند و اعتمادشان به نهادهای نظارتی بیشتر شود و اسیر تبلیغات سوء نشوند و فریب نخورند.

● بیشترین مصرف مکمل‌ها در میان رشته‌های بدنسازی رواج دارد

یک مربی کاراته در کرمانشاه، اظهار داشت: بیشترین مصرف مکمل‌ها بین ورزش‌های پرورش اندام و بدنسازی رواج دارد.

نبی فتحنی بیان کرد: مصرف مکمل برای ورزشکار یک ضرورت است اما باید اصول لازم را رعایت کرد و از مصرف مکمل‌های غیرمجاز و تقلبی دوری شود.

وی کربوهیدرات، کراتین، پروتئین و گلوتامین را از انواع مکمل‌های رایج عنوان کرد و گفت: مکمل باید زیر نظر مشاور تغذیه‌ای و یا مربی متخصص که تخصص لازم در بحث تغذیه ورزشی را دارد مصرف شود.

مکمل مجاز تحت نظارت وزارت بهداشت وارد توزیع می‌شود.

● مکمل‌های غیرمجاز آلودگی دوپینگ دارند

حضوری بیان کرد: مکمل‌های که به صورت قاچاق وارد می‌شود غیرمجاز هستند و شرایط نگهداری در مورد آنها رعایت نشده و از نظر سلامتی آسیب‌زا هستند. از سوی دیگر مکمل‌های تقلبی که ترکیبات اصل ندارند زیاد شده و در بسیاری از مواقع آلوده به ترکیبات غیرمجاز همچون هورمون‌ها هستند که سلامت ورزشکار را به خطر می‌اندازد.

وی بیان کرد: چندی پیش یکی از ورزشکاران رزمی که خود را برای مسابقات آماده می‌کرد به دلیل تست دوپینگ که در اثر مصرف یک مکمل بسیار ساده پیش آمده بود از مسابقات محروم شد به طوری که تصور می‌کرد با مصرف پروتئین می‌تواند بافت بهتری بسازد و عملکرد بهتری در مسابقات داشته باشد در حالیکه آن مکمل مجاز و مناسب نبود و آلودگی دوپینگ داشت.

حضوری با ادامه توضیحات افزود: این مسئله یک آسیب ورزشی بود و این ورزشکار به دلیل مصرف مکمل غیرمجاز از مسابقات دور شد و باید منتظر بماند در پرونده قضایی چه مدت محرومیت برای وی درج می‌شود.

وی یادآور شد: تقاضای ما این است که ورزشکاران تحت هیچ شرایطی فریب افراد سودجو را نخورند و برای انتخاب مکمل‌های خود حتماً با متخصصان تغذیه ورزشی مشورت کنند.

● ورزشکاران از خرید و مصرف مکمل‌های تقلبی اجتناب کنند

حضوری با اشاره به اقدامات فدراسیون پزشکی ورزشی در راستای مقابله با عرضه مکمل‌های غیرمجاز گفت: فدراسیون به عنوان نهاد مدافع و حافظ و حامی سلامت ورزشکاران در بحث مکمل‌ها بارها با نهادهای متولی همچون معاونت غذا و دارو و وزارت بهداشت، تربیت بدنی و دانشگاه

مصرف مکمل‌های غذایی در میان ورزشکاران گرچه یک ضرورت است اما گاهی استفاده ناآگاهانه از تولیدات تقلبی و قاچاق پایان عمر ورزشی یک قهرمان را رقم می‌زند.



مسلم معین

رواج مصرف مکمل‌های ورزشی غیرمجاز در بسیاری از باشگاه‌های ورزشی مشکل و آسیب جدی برای ورزشکاران استان کرمانشاه ایجاد کرده و متأسفانه با وجود توصیه‌ها همچنان تقاضا برای مصرف مکمل در میان ورزشکاران کرمانشاهی بالاست.

آنچه در این زمینه خطرات آفرین و مشکل‌ساز شده بازار گرمی سودجویان و سوءاستفاده آنان از ورزشکاران است که تلاش می‌کنند مکمل‌های تقلبی و دست‌ساز را با تبلیغات سوء به ورزشکار تحمیل کنند.

متأسفانه گرایش به مصرف مکمل‌ها و به‌ویژه مکمل‌های غیرمجاز در باشگاه‌های ورزشی استان به ویژه باشگاه‌های بدنسازی به دلیل تصورات غلط رایج است و این مسئله سلامت ورزشکاران را به خطر انداخته است.

مسئول انجمن تخصصی تغذیه ورزشی فدراسیون پزشکی ورزشی، اظهار داشت: استقبال ورزشکاران کرمانشاهی در مصرف مکمل‌ها زیاد است اما ما معتقدیم که مکمل تکمیل‌کننده است و یک فرد باید دارای پتانسیل و توان ژنتیکی برای انجام فعالیت‌های ورزشی باشد و درعین حال از برنامه‌های تمرینی خوبی تحت نظر مربی بهره‌مند شود و در نهایت با استفاده از مکمل که در برنامه غذایی ورزشکار جیده می‌شود به هدف نهایی برسد.

محمد حضوری افزود: متأسفانه در آغاز ورزش و خیلی زودتر از زمان لازم، مکمل را برای ورزشکار تجویز می‌کنند و اینجا منافع وجود دارد که به این بحث دامن می‌زنند.

وی با توصیه به ورزشکاران برای مصرف مکمل‌های ورزشی گفت: قبل از اقدام برای دریافت و مصرف مکمل‌ها حتماً ارزیابی داشته باشند و در مورد برنامه غذایی خود با یک تخصص تغذیه ورزشی مشورت کنند و اگر نیاز بود مکمل تجویز شود.

حضوری پاسخ‌دهی مکمل و حصول نتیجه دلخواه را منوط داشتن برنامه اصولی غذایی از سوی ورزشکار دانست و اظهار کرد: مکمل معجزه نمی‌کند و بدون برنامه غذایی نمی‌توان انتظاری از مکمل داشت. وی با اشاره به رواج مصرف مکمل‌های ورزشی در بازار طی سالین اخیر گفت: متأسفانه شاهد ورود مکمل‌های تقلبی غیراستاندارد و غیراصولی هستیم و باید گفت

جسم نیمه جان دشت‌های جم و ریز / صدای آخرین تپش‌ها به گوش می‌رسد



علی حسینی
صدای آخرین تپش‌های قلب جسم نیمه‌جان دشت‌های شهرستان جم به گوش می‌رسد و می‌طلبد، قبل از آنکه دیر شود، تدابیری اصولی و کارشناسی برای احیای این دشت‌ها اتخاذ شود و حیاتی دوباره گیرند.

در سالیان گذشته به صورت غیراصولی بار زیادی از اشتغال بر دوش کشاورزی انداخته شد و با چشم پوشی‌هایی که صورت گرفت، چاه‌های غیرمجاز زیادی سربرآورد، این روند روز به روز خطرناک‌تر را نشان داده، از نشست زمین در نقاط مختلف تا توقف فعالیت قانونی کشاورزان به دلیل نبود آب در چاه‌های مجازشان؛ از این رو دولت تدبیر و امید به خوبی به زبان‌های این وضعیت آگاه است و تکالیفی را به استان‌ها ابلاغ کرده است.

دشت ریز در شهرستان جم و دشت تنگ ارم در دشتستان بحرانی‌ترین دشت‌های استان به لحاظ کمی و افت سطح ایستابی آب و دشت آبدان در شهرستان دیر نیز از لحاظ کیفیت، بحرانی‌ترین شرایط در استان محسوب می‌شود. طبق بررسی کارشناسان مربوطه روند برداشت آب در دشت‌های جم و ریز فاجعه بار است؛ دشت ریز به علت اینکه منبع تامین آب شرب، صنعت و کشاورزی محسوب می‌شوند به همراه دشت آبدان به عنوان دشت‌های پایلوت کشوری در طرح اجبا و تعادل بخشی قرار گرفته‌اند. گزارش بحران آب در دشت‌های جم و ریز به سربالی تکراری تبدیل شده است تا هر ساله کم‌وبیش مردم و مسئولان با این معضل درگیر باشند و تدابیر اندیشیده شده تنها نقش مسکن را بازی کنند.

دشت جم و دشت ریز سالیان گذشته به عنوان دشت‌های پر آب استان بوشهر با منابع آب شیرین محسوب می‌شد و در باور کسی نمی‌گنجید که روزگاری دچار کم‌آبی و خشکسالی شود.

● برداشت بی‌رویه عامل تخریب دشت ریز
رئیس شورای اسلامی شهرستان جم بیان داشت: برداشت‌های بی‌رویه و غیراصولی توسط صنایع از جمله شرکت پالایش گاز فجر جم، منطقه عملیاتی نار و کنگان،



کم و زیاد شده است ولی به دلیل برداشت‌های شدید و خشکسالی‌های متعدد با این شدت افت سطح ایستابی به هیچ عنوان قابل بازگشت نیست. به این دلیل که با استخراج آب، به علت سنگینی لایه‌های متعدد خاک، لرزش و زلزله‌های خفیف، لایه‌های بالایی زمین نشست کرده است و منافذ خاک پرمی‌شود به طوری که آنچه ماطی این سی سال شاهد آن هستیم فقط پایین رفتن سطح ایستابی آب بوده است.

همه مردم به‌ویژه کشاورزان و مسئولان صدای آخرین تپش‌های قلب دشت‌های جم و ریز را بشنوند و وظایف خود در زمینه حراست و حفاظت از اندک آب مانده در سفره‌های زیرزمینی دشت‌های جم و ریز انجام دهند با تاکید اینکه در اغلب نقاط این سفره به گفته کشاورزان و بهره‌برداران آب، با کفشکنی و فرو رفتن در دل خاک دیگر آبی موجود نیست بطوری که بهره‌برداران آب اقدام به حفر تونل‌های صلیبی در لایه‌های بالایی که مختصری آبدار است می‌کنند، عنوان کرد: به گفته کارشناسان منابع آب این دیگر آب نیست بلکه خون زمین است که از رگ‌های جسم نیمه‌جان زمین می‌تراود.

محدثی گفت: باید همه مردم به‌ویژه کشاورزان و مسئولان صدای آخرین تپش‌های قلب دشت‌های جم و ریز را بشنوند و وظایف خود در زمینه حراست و حفاظت از اندک آب مانده در سفره‌های زیرزمینی دشت‌های جم و ریز را انجام دهند.

● برخورد با کشاورزان متخلف
فرماندار جم بیان داشت: با توجه به اضافه برداشت ۴ میلیون متر مکعبی چاه‌های مجاز به نسبت برداشت یک میلیون متر مکعبی چاه‌های غیرمجاز در دشت ریز، لازم است توجه ویژه‌ای به اضافه برداشت چاه‌های مجاز صورت گیرد تا شاهد کاهش برداشت در دشت ریز باشیم. صورت‌الله نوروزی به وضعیت بحرانی آب شهرستان جم به خصوص دشت ریز اشاره کرد و گفت: لازم است با اتخاذ تدابیر عملیاتی و قابل اجرا، تمامی راهکارها در راستای احیای دشت ریز به صورت هماهنگ اجرایی شود. رئیس شورای حفاظت منابع آب شهرستان جم با بیان اینکه باید ساز و کاری برای برخورد با متخلفان در حوزه کشاورزی

افزایش قارچ‌گونه سنگ‌شکن‌ها در مسیر و بستر رودخانه و همچنین کشاورزی بی‌رویه و غیراصولی و افزایش مصرف خانگی با افزایش جمعیت شهرستان از جمله عوامل به وجود آمدن مشکل کم‌آبی در شهرستان جم است. وی افزود: همچنین کم‌بارشی و خشکسالی‌های بی‌سابقه اخیر سبب شده است که روند خشک شدن سفره‌های زیرزمینی دو چندان شود تا حدی که هم‌اکنون خطر نشست زمین شهرستان جم را تهدید می‌کند.

● آبی که مستقیم راهی دریا می‌شود
حسین محدثی خاطر نشان کرد: در زمان بارندگی با توجه به باران‌های سیل‌آسا در شهرستان جم، این آب‌ها با جاری شدن بر سطح زمین به تبعیت از شیب زمین از دشت جم به دشت ریز و سپس باغان یا سرعت هر چه تمام‌تر به خلیج فارس سرازیر شده و کمتر باعث تغذیه سفره‌های زیرزمینی می‌شود. وی گفت: اگر چه در سالیان اخیر طرح‌های آبخیزداری در برخی نقاط شهرستان ایجاد شده است ولی چندان نتوانسته عدم توازن بین برداشت و تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی شهرستان را جبران کند.

رئیس شورای اسلامی شهرستان جم گفت: طی حدود ۴۰ سال گذشته به دلیل عدم نظارت کافی بر برداشت منابع آب و برداشت‌های بی‌رویه و غیراصولی توسط صنایع، ایجاد سنگ‌شکن‌ها در مسیر و بستر رودخانه و کشاورزی بی‌رویه و افزایش جمعیت، این سفره زیرزمینی دچار افت شدید سطح ایستابی شده است. وی با بیان اینکه سفره آب زیرزمینی در برخی نقاط شهرستان کاملاً خشکیده است و در برخی مناطق حدود ۴۰ تا ۵۰ متر افت داشته، افزود: متأسفانه برخورد عملی نسبت به جلوگیری از برداشت‌های غیرقانونی صورت نگرفته و تنها هزینه تمدادی بنر و پوستره‌های تبلیغاتی هدر رفته است.

● آخرین تپش‌های قلب دشت‌های جم و ریز
محدثی تصریح کرد: منابع آب ذخیره شده، مربوط به میلیون‌ها سال است که در دل خاک نگهداری و گاهی



شامل آبخیزداری و آبخوانداری، سد باغان، خط انتقال آب سیراف - جم و احداث آبشیرین کن مشکل تامین آب مصرفی جم به طور کامل حل خواهد شد.

وضعیت دشت‌های جم و ریز بحرانی است و به عقیده کارشناسان به فرض تامین سریع آب از منابع دیگر بازگشت وضعیت این دشت‌ها به شرایط عادی زمان‌بر خواهد بود عضو کمیسیون انرژی مجلس خاطر نشان کرد: هم‌اکنون تمام آب مصرفی شهرستان جم در بخش کشاورزی، صنعت و خانگی از سفره‌های زیرزمینی تامین می‌شود. وضعیت دشت‌های جم و ریز بحرانی است و به عقیده کارشناسان به فرض تامین سریع آب از منابع دیگر بازگشت وضعیت این دشت‌ها به شرایط عادی زمان‌بر خواهد بود. وی با اشاره به ضرورت اجرای پروژه سد باغان، ساخت این سد را برای تامین آب مصرفی بخش ریز و صنایع موجود در شهرستان بسیار مهم خواند و گفت: این سد از اولویت‌های اصلی وزارت نیرو است و باید هر چه سریع‌تر ساخته شود.

الماسی افزود: تامین اعتبار این سد از محل فاینانس سال‌ها پیش به تأیید رسیده است اما به دلیل وجود تحریم‌ها و بسته بودن خطوط اعتباری تاکنون موفق به جذب اعتبار خارجی نبوده‌ایم.

● لزوم اصلاح آبیاری کشاورزی

نماینده جنوب استان ادامه داد: از سال ۹۳ فاینانس این طرح به تصویب دولت رسیده است و امیدواریم پس از توافقات بین‌المللی ایران و امضاء برجام شاهد به نتیجه رسیدن فاینانس این پروژه و تامین اعتبار آن باشیم.

وی با بیان اینکه این پروژه مهم در مقطعی با کندی و حتی تعطیلی مواجه شده است تأکید کرد: خط انتقال آب به جم باید با سرعت انجام شود و در صورتی که با کمبود اعتبار مواجه شود از هر طریقی آن را تامین می‌کنیم. الماسی در پایان بر لزوم اصلاح الگوی مصرف به ویژه در بخش کشاورزی تأکید کرد گفت: در بخش مصارف صنعت نیز، وزارت نفت باید به برداشت خود از سفره‌های زیرزمینی پایان دهد.

حال و روز سفره‌های زیرزمین دشت جم و ریز خوب نیست و صدای آخرین تپش‌های جسم نیمه‌جان این دشت و البته دیگر دشت‌های استان بوشهر به گوش می‌رسد و باید چاره‌ای اساسی برای آن شود. شاید الان هم خیلی دیر باشد ولی راهکارهای اساسی باید اتخاذ شده و اجرایی و عملیاتی شود؛ نه اینکه فقط تصویب شود.

این مقام مسئول هشدار داد: دشت ریز در معرض خطر است و با ادامه روند کنونی با کاهش سفره‌ها و افزایش برداشت‌ها تا چند سال آینده، سفره دشت ریز به طور کامل خشک خواهد شد.

● احیای دشت جم و ریز

وی همچنین اضافه برداشت‌ها را یکی دیگر از معضلات دشت جم و ریز عنوان کرد و افزود: میزان برداشت چاه‌های غیرمجاز در دشت ریز ۱.۳ میلیون متر مکعب و میزان برداشت اضافه چاه‌های مجاز، حدود ۴ میلیون متر مکعب است که باید هر دو مورد در راستای بهبود وضعیت سفره‌های ریز اصلاح شود.

رجایی از احیای دشت جم و ریز طی چند سال آینده خبر داد و افزود: برای احیای این دو دشت راهکارهایی طی چند سال آینده تعریف شده است که از جمله این طرح‌ها می‌توان به حذف برداشت آب چاه‌های شرکت پالایش گاز فجر جم با تکمیل پروژه آب جم به سیراف در سال ۹۷ نام برد. وی ادامه داد: شرکت پالایش گاز فجر جم تا سال ۹۷ نیز باید به صورت تدریجی برداشت خود از دشت ریز را کاهش دهد.

● حذف برداشت آب شرب و صنعت از دشت ریز

رجایی، حذف برداشت آب شرب و صنعت از دشت ریز با بهره برداری از سد باغان در سال ۹۹ را از دیگر راهکارهای بهبود دشت جم و ریز عنوان کرد و گفت: اجرا و تکمیل طرح‌های آبخیزداری در دشت ریز، اجرای طرح تغذیه آبخوان و پساب آب‌های انتقالی خارج از حوزه، حذف اضافه برداشت چاه‌های مجاز دشت ریز، سامان‌دهی چاه‌های غیر مجاز قبل از سال ۸۵، حذف چاه‌های غیرمجاز بعد از سال ۸۵، اصلاح پروانه چاه‌های مجاز نیز در دستور کار قرار خواهد گرفت.

وی افزود: با این اقدامات و ثبات میزان بارندگی سالیانه می‌توان در ۱۷ سال، شاهد احیای دشت ریز باشیم.

مدیر عامل آب منطقه ای استان بوشهر از اخذ مجوز فاینانس سد باغان توسط دولت خبر داد و افزود: مجوز فاینانس صادر شد و در چند ماه آینده فاینانس اجرایی می‌شود.

● ضرورت اجرای پروژه سد باغان

سکینه الماسی نماینده دیر، کنگان، جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی نیز بحران آب در جم را از اولویت‌های اصلی این شهرستان برشمرد و گفت: با اجرای چند طرح بزرگ

تعریف شود گفت: در سال گذشته محدودیت کشت ۳۰۰ هکتاری برای شهرستان تعریف شد و تعدادی از کشاورزان با جهاد کشاورزی تفاهم نامه امضا کردند اما برخی نیز بدون نظارت و تفاهم نامه اقدام به کشت کردند که ساز و کاری برای مقابله با این موضوع تعریف نشده بود.

نوروزی افزود: امروز در شرایطی قرار است کشت فضای باز در شهرستان محدود شود که در گذشته به گوجه کاران تسهیلات اعطا شده و حتی مورد تشویق قرار گرفته اند لذا باید تصمیمات و اقدامات در خصوص موضوع کاملاً دقیق و با لحاظ همه جوانب انجام شود.

● مردم برای بهبود وضعیت آب همکاری کنند

وی خاطر نشان کرد: امروز مردم بهترین حافظان آب هستند و باید از ظرفیت سمن‌ها در کنار اقدامات قانونی بهره برد. فرماندار جم لزوم کنترل گذاری چاه‌ها را مورد تأکید قرار داد و افزود: لازم است اطلاعات دقیق حوزه کشاورزی از سوی جهاد کشاورزی احصا شود تا بتوان بر مبنای آن در بحث محدودیت کشت تصمیم گیری کرد.

نوروزی در ادامه صحبت های خود از کلنگ‌زنی آبشیرین کن‌های خط انتقال آب سیراف به جم با حضور وزیر نیرو خبر داد و گفت: ترک تشریفات تکمیل خط انتقال نیز انجام شده و بخشی از اعتبار از سوی وزارت نفت به پیمانکار پرداخت شده است.

● وضعیت بحرانی جم از آمار و ارقام گذشته است

شاپور رجایی مدیر عامل آب منطقه‌ای استان بوشهر تأکید کرد: وضعیت بحرانی آب شهرستان جم در حدی است که دیگر نیازی به ارائه آمار و ارقام ندارد و دشت ریز بحرانی‌ترین دشت استان از لحاظ افت سفره‌های زیر زمینی است.

وی افزود: دشت ریز در شش ماهه اول سال جاری با حدود ۲ متر افت سطح ایستایی آب مواجه شده است.

برنامه‌های مختلفی برای احیای دشت ریز برنامه‌ریزی شده است که در صورت تحقق همه این برنامه‌ها، ۱۴ تا ۱۷ سال دیگر می‌توانیم دشت را احیا کنیم مدیر عامل آب منطقه‌ای استان بوشهر با بیان اینکه دشت ریز به عنوان دشت پایلوت کشوری انتخاب شده است گفت: برنامه‌های مختلفی برای احیای آن برنامه‌ریزی شده است که در صورت تحقق همه این برنامه‌ها، ۱۴ تا ۱۷ سال دیگر می‌توانیم دشت را احیا کنیم.



حریم حیات وحش زیر چکمه قاتلان / جاده‌های مرگ در کمین و حوش

این روزها که حریم حیات وحش بارها زیر چکمه‌های شکارچیان درهم شکسته، گویی جاده‌های مرگ نیز هم‌نوا با متخلفان شکار، ساز مرگ را برای حیوانات بیگناه کوک می‌کنند.



فاطمه کازرونی



استان اصفهان به علت استقرار در فلات مرکزی ایران، تنوع آب و هوایی، توپوگرافی ویژه و نیز هم‌جواری با زاینده‌رود از تنوع گیاهی و جانوری برخوردار است و بر این اساس دارای مناطق حفاظت شده متعددی است، مشهورترین مناطق حفاظت شده اصفهان شامل پارک ملی و پناهگاه حیات وحش قمیشلو، پناهگاه حیات وحش موته، پارک ملی کلاه قاضی و منطقه شکار ممنوع کلاته است.

حریم این مناطق در طول سال بارها و بارها در زیر گام‌های شکارچیان و متخلفان صید و شکار لگدمال می‌شود به گونه‌ای که به طور معمول در ماه‌های شکار، هفته‌ای سه تا چهار مورد متخلف شکار در این مناطق دستگیر می‌شوند.

یگان حفاظت محیط زیست استان در این مناطق به شکل شبانه‌روزی در حال فعالیت است و به گفته جمشیدیان فرمانده یگان حفاظت محیط زیست بسیاری از متخلفان شکار شبانه دستگیر می‌شوند.

در سال جاری «موته» بیشترین تلفات جاده‌ای را در میان مناطق حفاظت شده اصفهان داشته است به گونه‌ای که از ابتدای سال ۹۴ تاکنون حداقل سه کفتار، یک گرگ و تعداد زیادی آهو بر اثر برخورد با خودروهای عبوری تلف شدند اما در این میان جاده‌های مرگ نیز با شکارچیان هم‌نوا شده و خودروهای عبوری ساز مرگ را برای حیوانات بیگناه مناطق حفاظت شده کوک می‌کنند.

آخرین مورد گزارش در این ارتباط مربوط به چند روز گذشته است که یک کاراکال (یکی از گونه‌های کمیاب از هشت گربه سان وحشی ایران) بر اثر برخورد با خودروهای عبوری در بادرود از توابع نطنز در استان اصفهان از بین رفت. اما در سال جاری گویی «موته» بیشترین تلفات جاده‌ای

کشورهای دیگر گاه چنین جاده‌هایی مسدود و تردد از طریق ساخت جاده‌های جدید انجام می‌شود اما احتمالاً به دلیل هزینه‌های زیاد این امر در ایران امکان‌پذیر نیست.

وی تأکید کرد: رفع این مشکل راهکارهای مختلفی دارد از جمله اینکه می‌توان با ایجاد مانع برای ورود حیوانات به جاده، آنها را وارداد به عبور از روگذر کرد اما تاکنون قصور زیادی در این ارتباط و همچنین برای نصب تابلوهای هشدار عبور حیوانات در این جاده شده است.

● یک جاده آسفالتی بدون علائم هشدار؛ قاتل حیات وحش «موته»

این کارشناس محیط زیست اضافه کرد: برخی گونه‌های حیات وحش که در مناطق حفاظت شده زندگی می‌کنند بسیار کمیاب و نادر هستند و مرگ حتی یکی حیوان نیز خسراتی برای محیط زیست کشور است.

وی ادامه داد: در واقع فلسفه ایجاد مناطق حفاظت شده جلوگیری از مرگ غیرطبیعی این حیوانات و ازدیاد تعداد گونه‌های در حال انقراض است؛ بر این اساس انتظار نداریم مدام شاهد مرگ حیات وحش در جاده پناهگاه حیات وحش موته باشیم در حالیکه اقدام عملی برای جلوگیری از مرگ حیوانات بیگناه این منطقه نیز انجام نمی‌شود.

به گفته کارشناسان مهم‌ترین دللی که حیات وحش را از این مناطق زیستی حفاظت شده بیابانی یا کوهستانی به سمت جاده‌ها و یا مناطق مسکونی می‌کشاند و در خطر شکار و مرگ قرار می‌دهد جست‌وجوی غذا است اما در مورد پناهگاه حیات وحش موته عبور یک جاده آسفالتی از میان این پناهگاه مرگ این حیات وحش بی‌گناه را رقم زده است.

مرتضی جمشیدیان فرمانده یگان حفاظت محیط زیست استان اصفهان در این ارتباط در گفت‌وگو با مهر، در ابتدا به ارزش‌های زیستی منطقه موته اشاره و بیان داشت: این پناهگاه حیات وحش با وسعت ۲۲۰ هزار هکتار از کوهستان، دشت و تپه‌ماهورهای متعددی تشکیل شده و یکی از باارزش‌ترین مناطق حفاظت شده ایران محسوب می‌شود زیرا این منطقه از گیاهان منحصر به فرد پوشیده شده و زیستگاه آهو به شمار می‌رود.

برخورد حیوانات به ویژه آهوان با خودروهای عبوری که غالباً با سرعت بسیار بالا در این جاده در تردد هستند، مرگ آنها را رقم می‌زند و تاسف انگیز اینک برخی ماشین‌ها به عمد با حیوانات تصادف می‌کنند و افزود: پوشش جانوری این منطقه از ۲۵ گونه پستاندار،

را در میان مناطق حفاظت شده اصفهان داشته است به گونه‌ای که از ابتدای سال ۹۴ تاکنون حداقل سه کفتار راه راه (دو مورد در طول سه ماه گذشته)، یک گرگ و تعداد زیادی آهو و بچه آهو بر اثر برخورد با خودروهای عبوری در این محور تلف شده‌اند.

● موته از غنی‌ترین عرصه‌های طبیعی ایران به لحاظ تنوع زیستی است

خسرو شیرازی کارشناس حیات وحش در این ارتباط، می‌گوید: پناهگاه حیات وحش موته از جمله غنی‌ترین عرصه‌های طبیعی ایران به لحاظ تنوع زیستی محسوب می‌شود.

وی افزود: در این منطقه انواع گیاهان متنوع رشد می‌کند و تاکنون بیش از ۳۰۰ گونه گیاهی مرتعی که ارزش علفی‌های، دارویی و صنعتی دارند شناسایی شده است.

کارشناس محیط زیست با اشاره به اینکه گونه‌های جانوری در این منطقه بسیار کمیاب هستند، تأکید کرد: شرایط مساعد زیستی برای آهوها در دشت‌ها و شوره‌زارهای منطقه توأم با حفاظت، ادامه زندگی را برای این حیوان زیبا هموار ساخته و به عنوان گونه جانوری شاخص منطقه از آن یاد می‌شود.

وی اضافه کرد: وجود تپه‌ماهورها، تل‌ها و دشت‌های کوهستانی در موته امکان زندگی را برای گونه کوچ و میش فراهم ساخته و صخره‌ها و ارتفاعات صعب‌العبور، زیستگاه خوبی را برای ادامه حیات کل و بز پدید آورده است.

می‌توان با ایجاد مانع برای ورود حیوانات به جاده، آنها را وارداد به عبور از روگذر کرد اما تاکنون در این ارتباط و همچنین در خصوص نصب تابلوهای هشدار

عبور حیوانات در جاده قصور شده است شیرازی تصریح کرد: این منطقه بهترین زیستگاه آهو در ایران محسوب می‌شود که برای رشد، تکثیر و جلوگیری از انقراض آهوها اختصاص یافته است اما متأسفانه به دلیل ساخت جاده در میانه این پناهگاه بدون انجام کارهای پژوهشی و کارشناسی موته اکنون به قتلگاه آهوان و حیات وحش مبدل شده است.

وی با بیان اینکه ساخت این جاده از ابتدا اشتباه بوده است، بیان داشت: در



● جاده مرگ دسترسی شکارچیان را به قلب موته آسان می‌کند

وی با اشاره به اینکه این جاده مشکلات دیگری نیز برای حیات وحش به جز تصادف ایجاد کرده است، گفت وجود این جاده دسترسی متخلفین به قلب منطقه به ویژه زیستگاه‌های آهو را آسان و کنترل و حفاظت را برای محیط بانان سخت کرده است.

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست استان اصفهان ایراز داشت: این جاده تا پیش از پیروزی انقلاب تنها یک مسیر خاکی و ناهموار برای دسترسی بومیان منطقه بوده است و با موافقت مدیران وقت سازمان محیط زیست حدود ۳۰ سال قبل در این منطقه احداث شده است.

در این میان گویی «موته» به جاده مرگ حیات وحش تبدیل شده است؛ آخرین مورد تلفات این جاده مربوط به شهرپورماه امسال است که یک کفتار راه راه در جاده میانگذر پناهگاه حیات وحش موته اصفهان از بین رفت و تیرماه امسال نیز یک آهوی ماده بر اثر برخورد با خودروهای عبوری در این جاده کشته شد.

از سویی به گفته کارشناسان، تصادفات جاده‌ای، بزرگ‌ترین عامل مرگ گربه‌سانان بزرگ ایران است اما تا کنون هیچ گذرگاه امنی برای عبور حیات وحش از جاده‌های کشور ایجاد نشده است.

این موضوع خلا بزرگی برای کشور ایران با وجود پناهگاه‌های متعدد و بی نظیر حیات وحش است و به نظر می‌رسد با توجه به زندگی حیوانات کمیاب زیستی در این مناطق نیازمند در نظر گرفتن بودجه برای ایجاد گذرگاه‌های امن در مناطق حفاظت شده هستیم.

بیشتر و سرعت‌گیرهای مناسب، اعلام محدودیت سرعت و ثبت تخلفات به کمک دوربین‌های هستیم، ایراز داشت: مشکلات این منطقه به راه و شهرسازی استان اطلاع داده شده است اما با وجود قول‌های متعدد برای نصب دوربین و ایجاد تمهیدات لازم هنوز شاهد اقدام عملی در این ارتباط نبوده‌ایم.

● کمبود اعتبار برای حفاظت از جان حیوانات، اعتباری برای دوبانده کردن جاده مرگ

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست استان اصفهان ایراز داشت: این مطلب به ما اعلام شده است که در صورت تامین اعتبارات و بودجه اقدامات لازم انجام می‌شود اما در شرایط خطرناک کنونی برای این حیوانات نه تنها هیچ علایم هشداردهنده این نصب نشده بلکه جاده نیز دو بانده شده است.

وی در پاسخ به این سوال که آیا نصب علایم هشداردهنده و یا سرعت گیر مانعی جدی برای جلوگیری از مرگ این حیوانات محسوب می‌شود، گفت: نمی‌توان از مهاجرت و یا تردد حیوانات برای یافتن غذا جلوگیری کرد چراکه این منطقه محل زندگی طبیعی این حیوانات و محلی برای حفاظت از جان و زندگی آنهاست.

جمشیدیان گفت: بر این اساس برترین راهکار ممکن کشیدن فنس در کناره جاده و ایجاد جاده روگذر برای عبور این حیوانات است؛ شیوه‌ای که در تمام دنیا انجام می‌شود اما این جاده ۴۰ کیلومتر وسعت دارد و بر این اساس به نظر می‌رسد موضوع کمبود بودجه مانعی برای ایجاد این راهکار باشد؛ همانگونه که به گفته مسئولان در شرایط کنونی این امر امکان پذیر نیست.

۸۸ گونه پرنده و ۲۵ گونه خزنده از جمله کل و بز، قوچ و میش، گربه وحشی، گرگ، پلنگ، کفتار، روباه، شغال، آهو، فلامینگو، پلیکان، انواع غازها، مرغابی‌ها، حواصیل‌ها، کشیم‌ها، درنا، لک‌لک، کاکایی‌ها، پرستوهای دریایی، هویزه، بلدرچین، کبک، چلچله، دارکوب، انواع گنجشک‌سانان، عقاب‌ها، دال، بحری، بالابان، شاهین و دلججه تشکیل شده است.

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست استان اصفهان در ارتباط با مرگ حیات وحش در این منطقه ایراز داشت: عبور جاده آسفالتی از میان دشت موته این زیستگاه ارزشمند را به دو قسمت تقسیم و ارتباط اکولوژیک مابین دو سمت جاده را تا حد زیادی قطع نموده است.

● ساخت جاده آسفالتی در میان دشت موته؛ قصوری جبران نشدنی

وی با بیان اینکه موته از سال ۴۶ به عنوان منطقه حفاظت شده اعلام شده و بر این اساس ساخت جاده آسفالتی در میان دشت موته از ابتدا اشتباه بوده است، بیان داشت: با توجه به اینکه این جاده پناهگاه حیات وحش موته را به دو قسمت تقسیم کرده است و حیوانات هنگام تردد و مهاجرت از میانه این جاده عبور و به ویژه شب‌ها از نور ماشین‌ها می‌هراسند.

جمشیدیان ایراز داشت: بدین ترتیب برخورد حیوانات بیگناه به ویژه آهوان با خودروهای عبوری که غالباً با سرعت بسیار بالا در این جاده در تردد هستند، مرگ آنها را رقم می‌زند و نکته تاسف‌انگیز اینکه برخی ماشین‌های عبوری نیز به عمد با حیوانات تصادف می‌کنند. وی با بیان اینکه در این منطقه نیازمند علایم جاده‌ای

راز حملات حیوان جگر خوار به شهداد / نصب دوربین‌های تله‌ای در شهر



حملات حیوان ناشناخته‌ای که دام‌های مردم شهر تاریخی شهداد را مورد حمله قرار می‌دهد و جگر آنها را می‌خورد همچنان ادامه دارد و بازار شایعات در خصوص این حیوان داغ است.



اسما محمودی

حدود یک ماه قبل بود که مردم شهر تاریخی شهداد با یکی از عجیب‌ترین رویدادهای سال‌های اخیر این شهر تاریخی مواجه شده‌اند.

هر چند شهر شهداد داستان‌های عجیب و سر به مهر فراوانی از جمله شهر کوتوله‌ها را در کارنامه خود دارد اما مردم این منطقه از ماه پایانی تابستان گذشته تا به حال با حملات متعدد حیوانی مواجه شده‌اند که صدها راس دام را از پای درآورده و پس از خوردن جگر دام بقیه قسمت‌های شکارش را رها می‌کند.

با وجود اینکه مردم محلی برای نجات دام‌هایشان از شر این حیوان مرموز اقدام به گشت‌های محلی و نصب تله‌های متعدد کرده‌اند اما تا کنون هیچ مورد مستندی در خصوص مشاهده و یا به دام افتادن این حیوان مرموز گزارش نشده است.

هر چند طی هفته‌های گذشته روند شکار دام‌های محلی کاهش یافته بود اما طی روزهای اخیر مردم شهداد مجدد با تماس با خبرگزاری مهر از ادامه تلف شدن دام‌هایشان توسط این حیوان خبر می‌دهند.

به احتمال زیاد توسط سگ‌های ولگرد انجام می‌شود. این اظهارنظر اما در مقابل شایعات و نظر مردم محلی قرار داد، به گونه‌ای که بسیاری از مردم ادعا دارند حملات توسط حیوانی انجام می‌شود که توسط محیط زیست در منطقه رها شده است؛ البته این ادعا نیز توسط سازمان محیط زیست قویا رد شده است. در صورت قبول اینکه حیوان مهاجم سگ بدون صاحب باشد در این صورت غرامتی بابت دام‌های تلف شده به دامداران پرداخت نخواهد شد.

● حیوان ناشناخته شکار دوربین‌ها هم نشد

این در حالی است که حدود سه هفته قبل محیط زیست استان کرمان برای شناسایی این حیوان اقدام به نصب چندین دوربین تله‌ای در سطح بخش شهداد کرده است با این وجود هیچ نشانی از حیوانی که مردم ادعا می‌کردند دام‌ها را شکار می‌کند در تصاویر این دوربین‌ها مشاهده نشد و در نهایت مدیر کل محیط زیست استان کرمان در اظهار نظری با رد حمله هر گونه حیوان محافظت شده به شهداد اینگونه گفت که این حملات

است که در دوربین ها سگ ها دیده می شوند این حیوان آنقدر هوشیار است که با وجود مراقبت دامداران هنوز هم به تله نیفتاده است و این نشان می دهد ما با حیوانی باهوش مواجه هستیم و نمی توان به سادگی این حملات را به چند قلاده سگ ولگرد مرتبط دانست.

وی گفت: سگ سانان مثل گرگ، اگر به دام حمله کنند چندین گوسفند را خفه می کنند اما در تمام حملات فقط یک دام کشته می شود، پس بهتر است مسئولان به فکر پیدا کردن حیوان مهاجم باشند.

● طی روزهای اخیر ده ها راس دام در شهاده تلف شده است

وی ادامه داد: طی روزهای اخیر ده ها دام از مردم در محلات مختلف دریده شده است و این روند همچنان ادامه دارد.

این دامدار افزود: همچنین چند شب قبل تله ای در منزل یکی از روستاییان کار گذاشته شد و حیوانی وارد آن شده است که به محض کشیدن گوشت آویزان شده در تله بسته می شود اما حیوان با پاره کردن فنس تله فرار می کند و کسی آن را نمی بیند.

در حال همکاری با یکی از اساتید جانورشناس هستیم که از روی شواهد حیوان وحشی در شهاده شناسایی شود یکی دیگر از شهروندان شهاده در خصوص پیگیریهای مردم برای حل این مشکل گفت: در حال همکاری با یکی از اساتید جانورشناس هستیم که از روی شواهد حیوان وحشی در شهاده شناسایی شود.

وی افزود: تاکنون عکس گوسفندان دریده شده در اختیار ایشان قرار گرفته شده است اما برای شناسایی از روی شواهد نیاز به تصاویر و مستندات بیشتری است. مانند وضعیت مکانی محل حمله، مختصات محل حمله، ارتفاع دیواری که حیوان از آن بالا رفته، میزان فرورفتگی دندان ها، طرز خفه کردن طعمه که امیدواریم با ارائه این مستندات بتوانیم حیوان را تشخیص دهیم و چاره اندیشی کنیم.

● نمایی از حیوان ناشناخته

هر چند معمای حیوان درنده ای که به شهر شهاده حمله کرده است هنوز حل نشده اما اگر پای صحبت های مردم این شهر بنشینیم شایعات مختلفی می شنویم که دلیل اصلی بروز این شایعات حل نشدن معمای این ماجرا توسط مراجع علمی است. مردم می گویند این سر حیوان شکلی همانند شیر با دو گوش گرد دارد، این حیوان بدنی مانند یک سگ اما کمی کشیده تر دارد و پنجه هایش ۲ تا ۲.۵ سانتیمتر است.

رنگ پوست این حیوان زرد و کرم گزارش شده و قدرت جانور چند برابر سگ عنوان شده است به گونه ای که قادر است تله هایی که در آن گیر می کند را تخریب کند.

گفته می شود حملات این حیوان بین ساعت ۳ تا ۶ صبح روی می دهد همچنین گفته شده فاصله بین هر بار شکار این حیوان دو شب است و در صورت ورود به محل نگهداری دام ها فقط یک حیوان را تلف می کند و در نهایت دل، جگر و کلیه های شکار را می خورد.

طریق شکار حیوان مهاجم نیز اینگونه است که ابتدا شکار را از انتهی گردن خفه می کند و بیشترین موارد حمله نیز به گوسفند و بز بوده است.



قاطعیت تکذیب می شود و صحت ندارد. با وجود صحبت های مسئولان محیط زیست اما طبق گفته مردم محلی همچنان حمله حیوان مهاجم به دام های مردم به خصوص در روستاها ادامه دارد.

محمد یکی از ساکنان این منطقه است می گوید: طی شب های گذشته این حیوان به محل نگهداری دام های بنده حمله کرد اما اینکه گفته می شود این حیوان سگ ولگرد است را قبول ندارم چون دیوارهای محل نگهداری دام های من چندین متر ارتفاع دارد و هیچ سگ سانی نمی تواند از این دیوارها بالا برود.

وی افزود: مثل دفعات قبل قسمت های درونی دام کاملاً دریده شده است و بقیه قسمت های دام سالم مانده است.

وی گفت: تا کنون هیچ شخصی این حیوان را ندیده است و فقط شایعاتی از نحوه حمله های این حیوان شنیده می شود که اغلب قابل اتکا هم نیستند. این دامدار ادامه داد: اگر این شایعات را کنار بگذاریم اما حمله این حیوان درنده به دام ها صحت دارد و باید نوع حیوان دقیق مشخص شود چون یک سگ نمی تواند این تعداد دام را تلف کند و دیده هم نشود.

با اعلام اینکه این حیوان سگ است عملاً دامداران هم هیچ خسارتی دریافت نمی کنند و صورت مسئله پاک می شود در صورتیکه این حیوان به شدت زیرک استعلی یکی دیگر از روستاییان شهاده است می گوید: با اعلام اینکه این حیوان سگ است عملاً دامداران هم هیچ خسارتی دریافت نمی کنند و صورت مسئله پاک می شود در صورتیکه این حیوان به شدت زیرک است، بطوریکه بعد از گذشت چند ماه از آغاز حملات و تلف شدن صدها راس دام آن هم در حالیکه گروه های مختلف مردم برای به دام انداختن این حیوان درنده بسیج شده اند اما تاکنون حتی موفق به دیدن حیوان نشده اند.

این دامدار افزود: سگ ها همیشه در روستاها وجود داشته اند و این سوال را می پرسم که چرا تاکنون سگ ها به دام ها حمله نکرده اند و چرا حتی یک نمونه آن را ندیده ایم.

وی با اشاره به تعداد سگ های ولگرد افزود: مسلم

به هر روی مدیرکل حفاظت محیط زیست استان کرمان در این خصوص به مهر می گوید: برای شناسایی حیوانی که به دام ها حمله می کند اقدامات زیادی انجام شده و کارشناسان به منطقه اعزام شده اند.

محمد صفرزاده گفت: تصمیم گرفته شد که برای رصد منطقه پایش های لازم انجام شود ضمن اینکه تله های زنده گیری و دوربین نیز در منطقه نصب شده است.

تنها حیوانی که در دوربینها دیده شده است سگ ها بدون صاحبی هستند که در منطقه رفت و آمد می کنند و گمان می رود حملات نیز توسط این حیوانات انجام شده است وی افزود: تنها حیوانی که در دوربین ها دیده شده است سگ های بدون صاحبی هستند که در منطقه رفت و آمد می کنند و گمان می رود حملات نیز توسط این حیوانات انجام شده است.

صفرزاده در خصوص اینکه چرا حیوان شکارچی اعضای درونی دامها را می خورد نیز عقیده دارد که این اقدام کاملاً طبیعی است و شکارچی ابتدا این قسمت از دام را می درد و نمی توان از این طریق به نتیجه گیری خاصی رسید.

حمید هرنندی رئیس روابط عمومی محیط زیست استان کرمان اظهارداشت: معمولاً در صورت بروز حملات حیوانات وحشی به مناطق مختلف شایعه سازی ها زیاد می شود و در چنین مواقعی باید جو روانی را سالم نگه داشت و نتیجه نهایی را به تحقیقات علمی و کارشناسی موکول کرد.

وی افزود: اگر ثابت شود این حمله ها توسط حیواناتی که در لیست حیوانات حفاظت شده قرار دارد انجام شده خسارت دامداران پرداخت می شود.

هرندی ادامه داد: در سطح منطقه و در مناطقی که گمان می رفت محل رفت و آمد حیوان مهاجم باشد دوربین نصب شده است اما هیچ حیوان حفاظت شده ای در این تصاویر دیده نشده است.

● هرگونه رهاسازی حیوان در معرض انقراض در منطقه کذب است

وی گفت: این شایعه که حیوانی در معرض انقراض در بیابان های اطراف شهاده رها سازی شده است با

شترها عامل گردوغبار قزوین / سفینه صحرای از استان اخراج می شود

تشدید پدیده گرد و غبار می شود از این رو، جلوگیری از چرای شترها می تواند مانع تداوم روند بیابانی شدن، وقوع گرد و غبار و تبعات آن شود.

مظفری بیان می کند: در گذشته شاید تنها هفت یا هشت نفر شتر در قزوین وجود داشته و بعدها از استان های دیگر وارد قزوین شده است.

وی با بیان اینکه معرفی گونه جانوری متعلق به یک منطقه به منطقه دیگر نادرست است، اضافه می کند: از آنجا که شتر، متعلق به مناطق کویری و یک گونه معرفی شده به قزوین است، برای حفاظت از محیط زیست قزوین از یک سو و حفظ زندگی این حیوانات از سوی دیگر، اصل بر این است که آنها به زیستگاه اصلی خود برگردانده شوند.

معاون نظارت و پایش اداره کل حفاظت محیط زیست قزوین بیان می کند: به منظور کاهش تبعات چرای شترها در استان قزوین پیگیری های انجام شده در حوزه ادارات کل حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی قزوین برای بازگردانی شترها به زیستگاه اصلی آنها ادامه می یابد تا شکنندگی منطقه ترمیم شود.

مظفری عنوان می کند: چنانچه مدیریت درست و حفاظت مناسب از منطقه صورت گیرد، منطقه یاد شده می تواند خود را ترمیم و احیا کند که مدت زمان لازم برای ترمیم آن به تا مین حداقل به محیط زیستی، مدیریت مسئولان و اجرای برنامه های جلوگیری از بیابانی زدایی بستگی دارد و به تازگی اداره کل مدیریت بحران استانداری نیز وارد عمل شده است.

رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری آبیک هم چند ماه پیش در گفتگویی، با اشاره به ممنوعیت تبلیغ و چرای شترها در پی ابطال پروانه تبلیغ شتر در اراضی شور و دشت جنوب این شهرستان و شهرستان بوئین زهرا بیان کرده بود: با توجه به اینکه شترها به سمت دشت بوئین زهرا روانه می شوند، باید مراجع قضایی در آن شهرستان برای خروج شترها از آبیک همراهی کنند.

حمیدرضا رضانژاد این را هم گفته بود که اگر شتری در این شهرستان دیده شود، به کشتارگاه انتقال می یابد؛ چرا که سلامت مردم قابل معامله با سودجویان دامنارما نیست.

● هر که رود خانه خود

در شرایطی که پدیده ریزگردها و گرد و غبار به یکی از معضلات منطقه و ایران تبدیل شده و سلامت مردم بخش های مختلف را تهدید می کند، جا دارد از هر آنچه موجب تشدید و تسریع وقوع این پدیده می شود، جلوگیری به عمل آید؛ حتی اگر شترها باشند.

به نظر می رسد میهمانی برای سفینه صحرای تمام شده باشد.



این شترها را مورد توجه قرار می دهد و عنوان می کند: طی امسال و سال گذشته با تشکیل پرونده برای متخلفان چرای شترها، با آنان برخورد قانونی صورت گرفته است؛ به طوری که قضات شهرستان های آبیک و بوئین زهرا با علم به خطرهای چرای شترها برای منطقه و استان، همکاری خوبی برای برخورد با متخلفان داشتند و این گونه اقدامات باید تا اخراج کامل دام های غیرمجاز ادامه یابد.

● شترهای قزوین کمتر از ۸ نفر بوده است

مظفری، معاون نظارت و پایش اداره کل حفاظت محیط زیست قزوین هم تعداد این شترها را بیش از ۵۰۰ نفر عنوان می کند و به مهر می گوید: میزان بهره برداری از اکوسیستم باید مبتنی بر توان اکولوژیکی آن باشد؛ حال آنکه محدوده ای که این شترها در آن چرا می کنند، توان لازم را ندارد.

وی می افزاید: در حال حاضر این منطقه آورده های قدیم خود را از منابع آبی ندارد و عواملی چون تغییر الگوی بارش، موجب شکنندگی منطقه شده که شترها نیز در این میان اثرگذار بوده و چرای آنها به روند از بین رفتن اندک پوشش گیاهی باقی مانده کمک کرده است.

معاون نظارت و پایش اداره کل حفاظت محیط زیست قزوین با تاکید بر اهمیت تهدید بیابانی شدن منطقه ادامه می دهد: از دست دادن پوشش گیاهی موجب فرسایش آبی و بادی منطقه و در نتیجه وقوع و

است، همین تعداد کم نیز باید از منطقه خارج شود.

وی اضافه می کند: روند تغییرات در وضعیت پوشش گیاهی بخش های وسیعی از زمین های استان، فرونشست بخشی از دشت، رها شدن زمین های کشاورزی بر اثر کم آبی، برداشت های بی رویه از منابع آبی زیرزمینی و همچنین خشکسالی های بی پی، وقوع پدیده گرد و غبار شدید به ویژه در فصل دوم سال علائم نگران کننده ای از روند بیابانی زایی در استان قزوین است.

وی بخش هایی از اراضی واقع در شمال شرق و غرب شهرستان بوئین زهرا و جنوب شهرستان آبیک را به دلیل فقر پوشش گیاهی بیشتر در معرض بیابانی شدن می داند و می افزاید: بی شک یکی از دلایل تشدید روند بیابانی شدن چرای بی رویه دام به ویژه دام سنگین نظیر شتر است که در سال های اخیر، ورود دام به مناطق حساس و در معرض بیابانی شدن این روند را تشدید کرده؛ در حالی که هیچ مجوزی برای چرای دام سنگین در این مناطق صادر نشده است.

مدیرکل منابع طبیعی قزوین در خصوص راه های مقابله با آن بیان می کند: باید ورود دام سنگین در تمام طول سال به مناطق حساس ممنوع شود و هیچ گونه دامی در این مناطق اجازه چرا نداشته باشد.

اسداللهی ادامه می دهد: این دام ها باید در هر شرایطی اخراج شوند و حتی در مورد دام سبک هم باید دوره قید شده در پروانه رعایت شود.

وی اقدامات صورت گرفته برای مقابله با

کارشناسان معتقدند شترهایی که از استان های دیگر به قزوین آمده اند گرد و غبار این استان را افزایش داده اند از این رو سفینه صحرای استان اخراج می شود.



میترا بهرامی

چندی پیش اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور با الگوبرداری به قزوین سفر کرد تا چنانکه استانداری اعلام کرده بود، از کانون بحران مناطق بیابانی استان از نزدیک بازدید کند؛ چه استاندار معتقد است مدیریت کانون بحران بیابانی به ویژه در جنوب آبیک حمایت ملی را می طلبد و این را فروردین ماه امسال هم در بازدید از این منطقه گفته بود.

سیاوش شمسی پور، مدیرکل حفاظت محیط زیست قزوین نیز همان ایام به مناسبت روز زمین پاک در مصاحبه ای پدیده گرد و غبار را در کنار پسماندها یکی از دو تهدید مهم محیط زیستی این استان دانسته و بیان کرده بود: دشت جنوبی قزوین به عنوان کانون اصلی ریزگردهای این استان در حال بیابانی شدن است.

جالب است این کارشناس و مسئول محیط زیستی، علاوه بر برداشت بی رویه از منابع آب و رعایت نشدن حقایق محیط زیستی عاملی به نام شتر را از دلایل این تهدید عنوان و بیان کرده بود؛ از بین رفتن پوشش گیاهی منطقه با وجود یک هزار و ۵۰۰ نفر شتر و چرای آنها به بیابانی شدن کانون اصلی ریزگردهای استان کمک می کند.

مدتی پس از آن مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری قزوین از ممنوعیت چرای یک هزار و ۲۰۰ نفر شتر در استان طی سال گذشته خبر داده و گفته بود: قزوین جای مناسبی برای چرای شتر نیست.

اکبر اسداللهی با اشاره به ورود شترهایی از قم، البرز و مرکزی به قزوین اضافه کرده بود: چرای شترها در بوئین زهرا و آبیک تهدید محیط زیستی برای این استان است.

به گفته وی قرار شده بود شترهای استان های همجوار پس از جمع آوری در یک مکان مشخص، به استان های خود بازگردانده شوند و از ورود دوباره شترها به استان جلوگیری شود.

● همکاری تا اخراج کامل شترها

اینک مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری قزوین در این مورد می گوید: گرچه در حال حاضر تعداد شترها در این استان به علت برخوردهای قانونی کاهش پیدا کرده



صدای پای آنفلوآنزا در کرمان به گوش می رسد



هر ساله با شروع فصل سرمای هوا و در آغاز پاییز آنفلوآنزا هم می آید اما به دلیل تجربه ای که با تلفات جانی همراه بود، مردم کرمان امسال پیش از هر سال باید به فکر پیشگیری باشند.



اسما محمودی

استان کرمان سال گذشته با اپیدمی آنفلوآنزا مواجه شد بطوریکه برای چند روز مدارس تعطیل شد و حتی چهره شهر از این بیماری متأثر شد. اینکه شرایط جوی کرمان با این پدیده مرتبط باشد کاملاً رد شده است اما برخی فاکتورهای از جمله حضور اتباع بیگانه غیر مجاز، عدم پیشگیری و مسافرت های خارج از استان به مراکز شیوع آنفلوآنزا، از مهمترین دلایل بروز این بیماری بود.

سال گذشته این بیماری که همان سرماخوردگی عامیانه است به دلیل تغییر و جهش های مختلف در ویروس موجب مرگ ۳۳ نفر در کرمان شد.

اما همه این افراد دارای بیماریهای زمینه ای مختلف بودند که شامل بیماریهای نقص ایمنی، تنگی نفس، عارضه های قلبی می شد.

این در حالی بود آنفلوآنزا H1N1 به راحتی با رعایت برخی از نکات پیشگیرانه به سادگی مهار شد و تب و تب شیوع این بیماری در بین مردم کاملاً از بین رفت.

در سال جاری اما مسئولان بهداشتی استان کرمان تدابیر لازم را در نظر گرفته اند و در اکثر داروخانه های کرمان واکسن این بیماری به سادگی در دسترس است.

در سال جاری اما مسئولان بهداشتی استان کرمان تدابیر لازم را در نظر گرفته اند و در اکثر داروخانه های کرمان واکسن این بیماری به سادگی در دسترس است و هر چند که گفته می شود تزریق واکسن بیماری به هیچ عنوان برای همه افراد جامعه توصیه نمی شود اما از افرادی که دچار بیماری خاص و زمینه ای هستند خواسته شده واکسن را تهیه و تزریق کنند.

مهمترین عامل پیشگیری از بیماری در صورت شیوع، رعایت نکات بسیار ساده است، در معرض تماس با افرادی که دچار آنفلوآنزا می شوند قرار نگیرید، با یکدیگر دست ندهید و دستها را با صابون با دقت بشویید و از تماس دست با مکانهایی که احتمال می دهید امکان آلودگی دارد جلوگیری کنید.

در هنگام عطسه و سرفه زدن از دستمال استفاده کنید و در



هر سال تکرار نمی شود و هر چند سال یک بار روی می دهند و به همین دلیل انتظار بروز اپیدمی سال گذشته را نداریم اما اقدامات پیشگیرانه را انجام داده ایم و دارو و اقلام مورد نیاز برای مقابله با اپیدمی فراهم شده است.

وی تصریح کرد: هیچ نگرانی در خصوص واکسن وجود ندارد و داروهای لازم برای درمان هم اکنون در استان کرمان وجود دارد اما به هر روی رعایت نکات ایمنی را به همه توصیه می کنیم و پیشگیری از این بیماری بسیار راحت تر و کم هزینه تر از مقابله با اپیدمی و درمان است.

گروه های در معرض خطر واکسن تزریق کنند

حق دوست هم تنها به گروههای در معرض خطر توصیه می کند از واکسن استفاده کنند.

وی تأکید می کند اصلاً جای نگرانی وجود ندارد با این وجود ما ترجیح داده ایم آمادگی خود را حفظ کنیم به همین دلیل طرحهای مانند تأمین دارو، واکسن، اقلام بهداشتی و آموزش کادرهای مختلف انجام شده است. با وجود تمام اقداماتی که دانشگاه علوم پزشکی استان کرمان انجام داده است باید یادآوری کنیم که هر سال این بیماری در ایران ۵ تا ۱۰ درصد مردم را مبتلا می کند و در برخی موارد تلفات جانی می گیرد.

آنچه که در خصوص این بیماری خطرناک است جهش های سالانه این ویروس است و هر سال با چهره جدیدی نمایان می شود و به همین دلیل نیز خسارات جانی بالایی را وارد می کند آنچه که در خصوص این بیماری خطرناک است جهش های سالانه این ویروس است و هر سال با چهره جدیدی نمایان می شود و به همین دلیل نیز خسارات جانی بالایی را وارد می کند.

مردم کرمان به یاد دارند که سال گذشته در ایام سرد سال اکثر مردم تا ماهها با ماسک در جامعه حاضر می شدند و سعی می کردند کمتر در مراکز جمعیتی حضور یابند. تقاضا برای ماسک، واکسن و ژل های ضد عفونی کننده آنقدر افزایش یافته بود که مردم کرمان برای تهیه این اقلام با مشکلاتی مقطعی مواجه بود.

اما در سال جاری مسئولان استان کرمان با برنامه ریزی و آگاه سازی مردم برای اجرای اقدامات پیشگیرانه به استقبال فصل سرد سال می رود و همکاری مردم در جلوگیری از شیوع بیماری می تواند نقش کلیدی داشته باشد.

صورت بروز علائم از خوددرمانی جلوگیری کرده و بلافاصله به پزشک مراجعه کنید.

رعایت نکات اولیه بهداشتی مهمترین عامل کنترل بیماری است

به نظر می رسد استان کرمان در سال جاری به شدت سال قبل با این اپیدمی مواجه نخواهد شد اما رعایت نکات ایمنی بسیار مهم است زیرا آنفلوآنزا هر سال با تغییر و جهش ویروس در کشورهای مختلف جهان تلفات می گیرد.

مدیر گروه پیشگیری و مبارزه با بیماریهای دانشگاه علوم پزشکی کرمان اظهار داشت: در سال جاری با اقدامات انجام شده واکسن آنفلوآنزا به میزان کافی تهیه و در دسترس مردم قرار گرفته است اما تأکید می کنیم به هیچ عنوان نیاز نیست که همه مردم از این واکسن استفاده کنند.

مهدی شفیعی گفت: در واقع ما یک جامعه هدف برای این واکسن داریم که شامل سالمندان، زنان باردار، پیوند عضو، نقص ایمنی و افراد دارای برخی بیماریهای زمینه ای می باشند در واقع گمان می رود به دلیل بیماری زمینه ای در صورت بیمار شدن به ویروس آنفلوآنزا درگیر فرمهای شدیدتر بیماری می شوند.

این واکسن هر سال برای چهره های جدید بیماری در همان سال تولید می شود پس باید واکسن حتماً مربوط به سال میلادی جاری باشد شفیعی عنوان کرد: برای برخی از اقشار جامعه مانند کادرهای درمانی بیمارستانها نیز تزریق این واکسن توصیه می شود.

وی تأکید کرد که هم اکنون این واکسن در همه داروخانه های استان کرمان وجود دارد و در این خصوص پیش بینی های لازم انجام شده است.

وی اما یک توصیه به متقاضیان این واکسنها دارد و می گوید: این واکسن هر سال برای چهره های جدید بیماری در همان سال تولید می شود پس باید واکسن حتماً مربوط به سال میلادی جاری باشد.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمان نیز در ادامه می گوید: از مردم می خواهیم فقط نکات ابتدایی بهداشتی را رعایت کنند و با انجام کارهای اولیه بهداشتی امکان شیوع این بیماری را کاهش می دهیم.

علی اکبر حق دوست گفت: این نوع اپیدمی ها معمولاً

کوچ غربانه مرز نشینان / زنگ انقراض روستاها به صدا در آمد



فاطمه زبیراچی

عالیه نخعی

رقیبه حمیدی راد

چند سالی است به

یک مشکل جدی

تبدیل شده و اگر برای این معضل

چاره اندیشی نشود با خالی شدن

روستاها امنیت کشور در معرض تهدید

قرار می گیرد.

دیگر بوی کاهگل به مشام نمی خورد. از حاج ولی، بی بی سیادت، کربلایی حسن و ننه گلی دیگر خبری نیست. بوی اسپند در کوچه ها دلاویز نمی شود، دیگر تصویر زیبای غروب بر پام خانه های روستایی مجسم نمی شود و دیگر هیچ گله ای شبانگهان از ورودی روستایی سر به بیابان نمی نهد. حالا سکوت است که بر تن خسته روستا فریاد می زند.

روستاها ی زیادی در خراسان جنوبی همانند اسکلتهایی، سرد و خاموش روزگار می گذرانند. نه صدای خنده کودکی را بر خود حس می کنند و نه ناله دردهای شبانه پدری را. تاز یانه های روزگار زخم هایی کهن را بر این روستاها به یادگار گذاشته است. تاز یانه هایی از جنس بی آبی، خشک سالی، کمبود علفه دام، خشک شدن قنوت و درختان و زخم هایی مانند مهاجرت صدها روستایی.

این روستاها زمانی همانند نگینی درخشان بر تاج خراسان جنوبی درخشیده اند اما هم اکنون از آن همه درخشش چیزی در اذهان نمانده است. قدم به این حوالی که بگذاری فقط بیابان است و بیابان. درختانی با تنه های قوی و اما تو خالی که خشک سالی آن ها را به بستری برای انواع آفات تبدیل کرده و شاخه های بی جان شان به امید نزول قطره های باران دست به دعا گشوده اند.

دیرزمانی نگذشته که مردمان این روستاها از این منزل به آن منزل می رفتند و تکتک لحظات زندگی را با همسایه کنار دستی شان به خوشی سپری می کردند اما هم اکنون زندگی در این مکان ها رنگ غریب به خود گرفته است. مسیرش فاصله زیادی از شهر ندارد چیزی حدود ۴۵ دقیقه، ۱۰ دقیقه ای را باید جاده به خاک نشستهای را طی کنی تا بازی روزگار را در روستای قدیم تماشا کنی.

● «غلامعلی» بی هم نشین شد

خانه ها از دور ردیف کنار هم چیده شده اند. یکی در میان نیز مخروبه و برخی هم از بین رفته اند. درختان خشک، نمایی ناخوشایند را در قاب نگاهت به تصویر می کشند. استخر بی جانی هم آرام در زیر آفتاب سوزان آرمیده و لبهای ترک خورده اش را به نمایش گذاشته است. اینجا روستای «غلامعلی» از توابع بخش

مرکزی خراسان جنوبی است.

این روستا جمعیت زیادی را در همین خانه های مخروبه به خود دیده اما هم اکنون کاملاً خالی از سکنه شده است یکی از اهالی این روستا که به گفته خودش به روستای بالادستی مهاجرت کرده است، می گوید: این روستا جمعیت زیادی را در همین خانه های مخروبه به خود دیده اما هم اکنون کاملاً خالی از سکنه شده است.

غضنفر براتی بایبان اینکه خشک سالی و خشک شدن تدریجی قنات، سبب مهاجرت روستاییان شده است، می گوید: من نیز به دلیل شغل دامداری به تنهایی در این روستا زندگی می کردم.

وی ادامه داد: آب شرب گوسفندان و همچنین خانواده را با استفاده از تانکر تهیه می کردیم اما در اواخر سال ۱۳۹۴، مجبور به مهاجرت شدم.

براتی با انتقاد از مسئولان، گفت: تمامی مسئولان در برابر خالی شدن روستاها و مهاجرت روستاییان به شهرها مسئول هستند چرا که ما نیز بخشی از جامعه ایم و باید با ما هم، مانند دیگر هموطنان رفتار شود.

غلامعلی را در سکوت گوش خراش ویرانه هایش را رها کرده و به سمت «چاحوض» پیش می روم گویی دست نامهربان سرنوشت بر اینجا نیز سایه افکننده و وضعیتی بهتر از روستای غلامعلی ندارد.

کاهش ۷۰ درصدی جمعیت روستا نخستین چیزی است که دهیار روستا برای نشان دادن عمق فاجعه بازگو می کند.

● سرنوشت شوم روستای غلامعلی در انتظار چاحوض

دهیار روستای چاحوض، می گوید: این روستا در ابتدا بیش از صد نفر جمعیت داشته که امروز کمتر از ۳۰ نفر از آن ها

باقی مانده اند.

«علی کرامتی نیا» نبود شغل را مهم ترین دلیل مهاجرت اهالی روستا عنوان کرد و افزود: بیکاری، بسیاری از جوانان را به سمت شهرها روانه کرده است. وی کمبود آب و خشک شدن درختان را مشکلی بزرگ در این روستا دانست و گفت: آب شرب این مردم هر ۱۵ روز از طریق تانکر تهیه شده که پاسخگوی مصرف آن ها نیست.

کرامتی نیا بایبان اینکه ادامه یافتن این روند سبب افزایش مهاجرت روستاییان می شود، اظهار کرد: تا چند سال آینده این روستا نیز مانند بسیاری از روستاها خالی از سکنه خواهد شد که باید مورد توجه قرار گیرد.

● دهنه تنگل خالی از سکنه شد

«دهنه تنگل» هم یکی از روستاهای شهرستان سربیشه است که در بخش درج واقع شده و با وجود داشتن نعمت برق و مدرسه در روستا اما چند سالی است که خالی از سکنه شده است.

در گذشته بیش از ۱۵۰ خانوار در این روستا زندگی می کرده اند که خشک سالی و بحران آب در یک دهه اخیر مردم روستا را مجبور به مهاجرت کرده است و هیچ گونه آثار زندگی اکنون در این روستا به چشم نمی خورد.

● ۱۷۰۰ روستای خراسان جنوبی خالی از سکنه شد

مدیرکل دفتر روستایی و شوراهای استانداری خراسان جنوبی چندی پیش در گفت و گو با خبرنگاران گفته بود: استان خراسان جنوبی ۳ هزار و ۵۵۵ آبادی طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ دارد.

محمد شقیمی اعلام کرد: بر اساس این سرشماری یک هزار و ۸۵۲ آبادی دارای سکنه و یک هزار و ۷۰۳ روستا فاقد سکنه

است.

استان خراسان جنوبی ۳ هزار و ۵۵۵ آبادی طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ دارد که هزار و ۸۵۲ آبادی دارای سکنه و یک هزار و ۷۰۳ روستا فاقد سکنه شده است. وی بیان کرد: خشک سالی، کم آبی و عدم وجود شغل از مهم ترین دلایل مهاجرت مردم روستا به شهرها بوده است و مهاجرت از روستاهای خراسان جنوبی بسیار شدیدتر از سایر استان های کشور است.

● امنیت شرق در معرض خطر

استان خراسان جنوبی به عنوان سومین استان پهناور کشور و با جمعیت بالغ بر ۷۹۰ هزار نفر بیش از ۴۶۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان دارد که خالی شدن روستاها به خصوص در مناطق مرزی تهدیدی برای امنیت شرق کشور محسوب می شود.

مشکل بحران آب در این استان هر روز سایه اش سنگین تر شده و این امر مهم ترین عامل تخلیه روستاها عنوان می شود.

نماینده مردم «زیرکوه» و «قاین» در مجلس شورای اسلامی با اشاره به خالی شدن روز به روز روستاها طی سال های گذشته، اظهار کرد: یکی از دلایل اصلی این مهاجرت ها خشک سالی و از بین رفتن اشتغال روستاییان است.

فرهاد فلاحتی ادامه داد: کمبود نزولات آسمانی، خشک شدن قنوت و کاهش سفره های آب زیرزمینی در برخی از حوزه ها سبب ایجاد مشکلات شدید در بخش کشاورزی و دام پروری استان به خصوص در مناطق مرزی شده است.

● افزایش روز به روز تعداد روستاهای خالی از سکنه

وی با اشاره به اینکه مردم استان حدود ۱۸ سال است که با خشک سالی و

● دولت هیچ طرح و برنامه‌ای برای روستاهای خراسان جنوبی ندارد

در شرایط کنونی طرح جامعی برای نجات روستاییان در دولت فعلی نمی‌بینم و تاکنون در راستای رفع مشکلات روستاییان زیاد فریاد زدیم اما به جایی نرسیدیم. با بیان این پرسش که «آقای نوبخت و جهانگیری که استوانه‌های دولت هستند چه طرح و برنامه‌ای برای روستاییان دارند؟»، اظهار کرد: تاکنون هیچ طرحی در این راستا ارائه نشده است.

حجت‌الاسلام عبادی ادامه داد: باید به جای توجه به کسانی که حقوق‌های نجومی می‌گیرند، به فریاد کشاورزان و دامداران برسیم.

وی با بیان اینکه در شرایط کنونی طرح جامعی برای نجات روستاییان در دولت فعلی نمی‌بینم، افزود: تاکنون در راستای رفع مشکلات روستاییان زیاد فریاد زدیم اما به جایی نرسیدیم.

نماینده مردم بیرجند، درمیان و خوسف در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: از ۱۰ سال گذشته تاکنون قریب به ۵۰ درصد از روستاهای خراسان جنوبی حاشیه مرز با مهاجرت چشمگیری مواجه بوده‌اند.

دومینوی سخت مهاجرت اجباری از روستاها به دلیل خشکسالی موجب شده تا روستائیان در غربت با مشکلات زندگی شهری و حاشیه‌نشینی دست‌وپنجه نرم کنند.

بحران آب و مهاجرت مردم از روستاها سبب شد تا مسئولان و نمایندگان خراسان جنوبی در جریان سفر مسئولان ارشد کشور از جمله رئیس‌جمهور، معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دولت موضوع تامین آب و تعیین تکلیف برنامه انتقال آب به استان را بارها مطرح کنند اما متأسفانه هیچ مصوبه‌ای به تصویب نرسید تا بارقه‌امید را در میان روستائیان و مرزنشینان این استان زنده کند.

در استانی که اقتصاد ۲۵ درصد مردم آن بر پایه کشاورزی است خشکسالی و از بین رفتن زمین‌های اشتغال به‌عنوان مهم‌ترین عامل خالی شدن روستاها مطرح است و اگر بخواهیم مانع این روند رو به رشد شویم چاره‌ای جز ایجاد اشتغال جایگزین و انتقال آب برای روستاییان وجود ندارد.

مرزنشینان این استان می‌خواهند تا رئیس‌جمهور صدای آنها را بشنود و برای مشکلات این خطه قبل از اینکه سایه تهدیداتش بر امنیت شرق انداخته شود چاره‌اندیشی کند چرا که خالی شدن روستاها در خراسان جنوبی به‌عنوان استانی مرزی تهدیدی است که نه تنها این خطه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد بلکه گریبان گیر امنیت شرق کشور می‌شود و رفع این مشکل از عهده مسئولان استانی به تنهایی خارج است و عزم مسئولان ملی را می‌طلبد.



مرزنشینان داشته باشد. قرائی ادامه داد: در حال حاضر تنها ۱۰ درصد از فرصت مرز برای بهره‌وری استفاده شده است و بیشتر تهدیدات مرز متوجه استان است در حالی که می‌توان این تهدیدات را به فرصت تبدیل کرد.

● مصوبه مجلس برای تامین آب روستاها اجرایی شود

نماینده مردم «بیرجند»، «درمیان» و «خوسف» در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه دولت باید در نگهداری جمعیت در روستاها وارد عمل شود، گفت: هشت ماه پیش مصوبه‌ای در راستای تامین آب روستاهای خراسان جنوبی در مجلس به تصویب رساندیم.

حجت‌الاسلام سید محمدباقر عبادی ادامه داد: طبق این مصوبه، دولت موظف است حداکثر ظرف مدت سه سال آینده تمامی روستاهای بالای ۱۰ خانوادگی خراسان جنوبی را از آب آشامیدنی سالم بی‌نیاز کند. حجت‌الاسلام عبادی با بیان اینکه امید است این مصوبه اجرایی شود، گفت: آب آشامیدنی کفایت نیاز روستاییان را نمی‌کند و باید چاره‌ای دیگر در دولت اندیشیده شود.

نماینده مردم بیرجند، درمیان و خوسف در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: متأسفانه دولت‌ها در کشور ما آینده‌نگری نکرده و تا زمانی که اتفاقی نیفتد، به فکر حل مشکل نمی‌افتند.



کرده و به این مهاجرت غیر از معضلات حاشیه‌نشینی، تبعات امنیتی زیادی به دنبال خواهد داشت.

«محمدرضا قرائی» با بیان اینکه شغل بیشتر روستائیان کشاورزی و دامپروری است، ادامه داد: زمانی که آب به‌عنوان مهم‌ترین نیاز کشاورزی و دامپروری در روستا وجود نداشته باشد طبیعی است که مردم دیگر کاری در روستا ندارند و باید برای ایجاد شغل جایگزین در روستاها کاری انجام شود.

وی با اشاره به اینکه در ۲۰ سال گذشته اذهی قنوت استان به یک‌سوم کاهش یافته است، عنوان کرد: امسال میزان بارندگی در استان زیر ۱۰۰ میلی‌متر بوده و حتی در برخی از شهرستان‌ها زیر ۱۶ میلی‌متر گزارش شده است.

اگر این روستاها خالی شود باید به‌جای هر روستایی یک سرباز بگذاریم تا بتوانیم از امنیت کشور دفاع کنیم، هر روستا را همانند یک پادگان دانست و افزود: اگر این روستاها خالی شود باید به‌جای هر روستایی یک سرباز بگذاریم تا بتوانیم از امنیت کشور دفاع کنیم.

رئیس شوراهای اسلامی خراسان جنوبی با بیان اینکه در مرزهای استان شغل و کار نیست، عنوان داشت: هرچند ایجاد سهمیه سوخت مرزنشینان اقدام خوبی در حوزه اشتغال مرزنشینان بود اما راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی یکی از موارد مهمی است که می‌تواند نقش بسزایی در اشتغال

مصائب آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بیان کرد: این روند در مناطق روستایی که اقتصاد آن‌ها بر پایه کشاورزی و دامپروری است، سبب ایجاد مشکلات فراوانی شده و تعداد روستاهای خالی از سکنه هرروز در حال افزایش است.

وی با بیان اینکه از طرفی خشکسالی سبب هجوم آفات به روستاها شده است، عنوان کرد: به‌عنوان مثال شهرستان زیرکوه که قطب تولید زرشک استان است در سال‌های گذشته با هجوم آفاتی روبه‌رو بوده که قبلاً سابقه نداشته است. مردم استان حدود ۱۸ سال است که با خشکسالی و مصائب آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند که این روند در مناطق روستایی که اقتصاد آن‌ها بر پایه کشاورزی و دامپروری است، سبب مشکلات فراوانی شده و تعداد روستاهای خالی از سکنه هرروز در حال افزایش است. نماینده مردم زیرکوه و قاین در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه همچنین کاهش آب در مناطق روستایی سبب خشک شدن قنوت شده است، گفت: در حال حاضر آب شرب بیش از ۵۰ روستا در شهرستان‌های قاین و زیرکوه با تاخیر آبرسانی سیار تامین می‌شود.

فلاحی ادامه داد: علاوه بر این‌ها محله‌های عشایری نیز سال‌هاست با مشکل بی‌آبی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و حالا جمعیت آن‌ها به‌صورت محسوس کاهش یافته است.

● بلا استفاده ماندن زیرساخت‌ها در صورت نبود آب

وی تأکید کرد: همه این‌ها گویای این مطلب است که اگر برای این روستاها فکر جدی نشود شاهد خالی شدن دیگر روستاها نیز باید باشیم و به دنبال این امر اقتصاد خانوارها از اتکا به بخش کشاورزی خارج می‌شود.

نماینده مردم زیرکوه و قاین در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه خالی شدن روستاها مشکلات امنیتی فراوانی در پی خواهد داشت، بیان کرد: هرچند بعد از انقلاب در حوزه زیرساخت‌ها کار زیادی در روستاها انجام شده اما همه این زیرساخت‌ها در صورت نبود آب مشکلی را حل نخواهد کرد.

فلاحی اضافه کرد: در حال حاضر حتی بسیاری از روستاها شبکه لوله‌کشی آماده شده و امکانات زیرساختی فراوانی نیز مهیا شده اما به دلیل کمبود آب بسیاری از آن‌ها خالی از سکنه شده است.

● مردم چاره‌ای جز مهاجرت ندارند

رئیس شوراهای اسلامی خراسان جنوبی نیز یکی از دلایل اصلی خالی شدن روستاها را نبود شغل می‌داند و می‌گوید: تا زمانی که کار در روستا نباشد مردم ناچار خواهند بود که به حاشیه شهرها مهاجرت

گلوله باران به جای گل باران؛ وقتی وحشت جای شادی عروسی را می گیرد



تیراندازی در مراسم‌های عروسی در برخی استان‌ها صدای اعتراض و انتقاد مردم را بلند کرده است و هراس آن می‌رود این موضوع به یک فرهنگ عمومی و آسیب اجتماعی تبدیل شود.



کمتر کسی است که فیلم‌های شلیک گلوله در مراسم عروسی و کشته شدن آدم‌های بی‌گناه را در فضای مجازی ندیده باشد، فیلم‌هایی واقعی که اتفاقی در دوربین کوچک تلفن همراهی ضبط شده، دوربینی که به قصد ضبط گوشه‌ای از سرخوشی مردم در یک مراسم عروسی روشن شده اما به ناچار و ناخواسته در کمال تأسف صحنه غم‌انگیز کشته شدن یک نفر و گاه داماد شده است، تفنگ‌هایی که خواسته‌اند کل شادمانی بزنند اما عروس دم جله‌ای را به خاک سپیاه عزا نشانده‌اند.

● تیراندازی‌هایی که کام عروسی‌ها را تلخ می‌کند

این فیلم‌ها بارها و بارها آه بیننده‌ها را از چاه سینه‌شان بیرون کشیده تا خط سپیاه انتقادی باشد بر این تیراندازی‌های بیخود سرخوشی! موضوعی که تنها مختص به یک استان نیست و در برخی از روستاها و شهرها شاهد این مفضل هستیم.

اما این شلیک‌های شادمانی اخیراً به فضای تالارهای عروسی کشیده شده و آن چنان داغ شده است که اگر غیض قانونی مقابلشان سد نشود طولی نمی‌کشد که به فرهنگ عمومی تالارهای عروسی تبدیل می‌شوند.

گاه مردم وسط تالار عروسی در حال پای کوبی هستند که صدای رگبار تند یک اسلحه از بیخ گوش دل خوشی‌شان می‌گذرد تا ورود ماشین عروس را اعلام کند گاه مردم وسط تالار عروسی در حال پای کوبی هستند که صدای رگبار تند یک اسلحه از بیخ گوش دل خوشی‌شان می‌گذرد تا ورود ماشین عروس را اعلام کند، صدای این اعلام گوش خراش چنان رعب و وحشتی در فضای شلوغ تالار ایجاد می‌کند که با صدای جیغ و فریاد ترس زن و بچه مردم درهم آمیخته و فضایی هراس‌انگیزتر به وجود می‌آورد.

بارها دیده‌شده زن‌ها و کودکان در آغوش هم مجاله شده‌اند و شادی چند ساعت عروسی را به کامشان زهر کرده است، بیشتر این تیراندازی‌ها از سوی کسانی است که تفنگ بدون مجوز را با یکدست گرفته و سینه آسمان را نشانه می‌گیرند اما تمام ترس مردم از این است که می‌آید دست تیرانداز یک لحظه پایین بیاید و مرگ چند نفر را رقم بزند.

● تیراندازی‌ها عواقب ناهنجاری بر دامان فرهنگ برجای می‌گذارد

یک مرد میان سال در حالی که دست‌زن و دو فرزند خود را گرفته و به سرعت تالار را ترک می‌کند، می‌گوید: این تیراندازی‌ها چه معنی دارد؟ زن و بچه‌ام را آورده‌ام شادی کنند نه این که از ترس زهرترک شوند، بیشتر زن و بچه‌ها هم محوطه را رها کرده و به میزهای غذاخوری تالار پناه برده‌اند.

زن تقریباً مسنی هم دستش را به سمت تیرانداز گرفته و با صدای بلند می‌گوید: بس است آقا الان باعث زخمی شدن چند آدم بی‌گناه می‌شوی... اما مرد جوان همچنان تفنگ را با یکدست بالا گرفته و شلیک می‌کند.

است گفت: اگر اسلحه مورد استفاده مجاز باشد، ایجاد هیاهوهای غیرمتعارف نیز بی‌نظمی بوده و در قانون مجازات اسلامی این امر نیز جرم محسوب می‌شود.

رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی در ادامه سخنان بایبان اینکه تیراندازی خود به‌تنهایی جرم محسوب می‌شود ادامه داد: از نظر قانونی منعی برای برخورد با افرادی که سلاح استفاده می‌کنند وجود ندارد و دستگاه قضایی و نیروی انتظامی می‌توانند در این زمینه ورود پیدا کند.

ملکشاهی بیان کرد: اخیراً در کمیسیون حقوقی و قضایی در رابطه با استفاده از سلاح سرد نیز تصویب کردیم که هرگونه نگهداری سلاح سرد مانند چاقو، کارد، شمشیر، قمه، ساپور و... جرم بوده و مجازات نسبتاً سنگینی برای آن تعیین کرده‌ایم.

وی با تأکید بر اینکه سلاح سرد امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد گفت: دستگاه قضایی و نیروی انتظامی باید راجع به بحث تیراندازی‌ها سختگیری بیشتری داشته باشند.

● طرح موضوع در شورای تأمین

سردار محمد قنبری فرمانده انتظامی استان لرستان نیز با اشاره به اینکه موضوع تیراندازی در عروسی‌ها در شورای تأمین استان مطرح و روی آن بحث شد، اظهار داشت: استاندار لرستان نیز به‌صورت ویژه پیگیر این موضوع هستند.

وی یادآور شد: روز گذشته مصوبه‌ای را به همه شهرستان‌ها ابلاغ کردیم که از این پس در هر عروسی تیراندازی شود صاحب آن عروسی بیاید به نیروی انتظامی و پاسنکو باشد. اگر در عروسی‌ها به‌واسطه تیراندازی قتل و جرح نیز رخ دهد صاحب عروسی باید به‌عنوان معاونت در قتل و جرح پاسنکو باشد فرمانده انتظامی استان لرستان با تأکید بر اینکه برای موضوع تیراندازی در عروسی‌ها در نیروی انتظامی پرونده تشکیل می‌دهیم، افزود: اگر در عروسی‌ها به‌واسطه تیراندازی قتل و جرح نیز رخ دهد صاحب عروسی باید به‌عنوان معاونت در قتل و جرح پاسنکو باشد.

سردار قنبری با اشاره به اینکه فعلاً ماه محرم و صفر به داد ما رسیده و عروسی نخواهیم داشت، گفت: این رسم‌ها باید برداشته شود و در این زمینه فرهنگ‌سازی شود چرا که بسیاری از افراد با یک تیراندازی در عروسی باعث کشته

گذشته از شلیک‌های مداوم و مکرر تالارهای عروسی، گاهی شلیک‌های شبانه عروسی‌های خانگی گوش مردم را آزار می‌دهد، به‌گونه‌ای که منجر به اعتراض همه می‌شود.

هرچند مردم دیگر به این صداها عادت کرده و به هم می‌گویند چیزی نیست عروسی است، اما همین تیراندازی‌ها عواقب ناهنجاری بر دامان فرهنگ و آرامش مردم برجای خواهد گذاشت.

در برخی موارد تنگی از پنجره ماشین همراه عروس بیرون آمده تا گلوله‌های پی‌درپی‌اش به گوش آرامش شهر شلیک شود، کاری که خوشایند هیچ‌کس نیست و همیشه هم با انگشت انتقاد رهگذران روبه‌رو می‌شود.

● مجازات حبس برای استفاده از اسلحه غیر مجاز

بحث تیراندازی متأسفانه بیشتر ریشه فرهنگی دارد و با توجه به سوابقی که وجود دارد این امر فرهنگ غلطی بوده که در برخی استان‌ها وجود دارد لاریار ملکشاهی رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی در این رابطه گفت: بحث تیراندازی متأسفانه بیشتر ریشه فرهنگی دارد و با توجه به سوابقی که وجود دارد این امر فرهنگ غلطی بوده که در برخی استان‌ها وجود دارد.

وی بایبان اینکه این فرهنگ به‌خصوص در عروسی‌ها و مراسم‌های شادی وجود دارد عنوان کرد: گاهی نیز بی‌جهت و بدون هیچ‌گونه مناسبتی شاهد تیراندازی در سطح برخی شهرها و روستاها هستیم.

رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی بایبان اینکه متأسفانه این امر نیز منتهی به حوادث ناگواری در لرستان می‌شود تصریح کرد: در این تیراندازی‌ها دیده‌شده که قتل اتفاق افتاده و جراحتهای خیلی شدید رخ داده است.

ملکشاهی با تأکید بر اینکه این تیراندازی‌ها از نظر فرهنگی کار ناپسندی است تصریح کرد: همچنین از نظر قانونی نیز اگر سلاح مجاز نباشد قانون‌گذار برای استفاده اسلحه جنگی بین دو تا ۱۰ سال حبس پیش‌بینی کرده است. نیروی انتظامی و دستگاه قضایی سخت‌گیری بیشتری داشته باشند

وی بایبان اینکه اگر اسلحه شکاری باشد نیز قانون‌گذار برای آن نیز شش ماه تا سه سال حبس پیش‌بینی کرده

شدن فامیل، خانواده، دوست و آشنای خود می‌شوند.

● کشته و یا زخمی شدن افراد

سرهنگ عباس نظری رئیس پلیس آگاهی استان لرستان هم در این رابطه، با اشاره به اینکه استفاده غیرمجاز از سلاح گرم در مراسم عروسی همه‌ساله باعث کشته و زخمی شدن تعدادی از افراد می‌شود، اظهار داشت: با دارندگان سلاح‌های گرم برخورد قاطع و قانونی صورت خواهد گرفت.

وی بیان داشت: در این راستا افرادی که نفوذ کلام دارند و یا افرادی که مسن‌تر هستند اجازه ندهند این‌گونه تیراندازی‌های در مراسم‌ها صورت گیرد. فرمانده پلیس آگاهی لرستان بایبان اینکه ما به‌عنوان نیروی

انتظامی با دارندگان سلاح‌های گرم برخورد کرده‌ایم، گفت: ما در آینده نیز با این‌گونه افراد برخورد خواهیم کرد.

رئیس پلیس آگاهی لرستان اضافه کرد: دارندگان سلاح گرم بدانند که حتی اگر با سلاح مجوز دار تیراندازی کنند به دلیل غیرمجاز و غیرقانونی بودن این تیراندازی‌ها با این افراد برابر قانون برخورد خواهیم کرد.

سرهنگ نظری بایبان اینکه برای دارندگان سلاح گرمی که تیراندازی غیرقانونی دارند تشکیل پرونده خواهیم داد، افزود: پرونده دارندگان سلاح گرم را برابر قانون در اختیار مراجع قضایی قرار می‌دهیم.

وی با تأکید بر اینکه پیشگیری از این‌گونه تیراندازی‌ها امری مهم است، عنوان کرد: امیدواریم مردم کمک کنند که این رسم غلط در استان لرستان برچیده شود.

● خطر در گوشه تالارهای عروسی

رئیس کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانش با تأکید بر لزوم فرهنگ سازی در این زمینه یادآور می‌شود: ممکن است مردم احساس می‌کنند که این موضوع جرم نیست و با توجه به اینکه تیراندازی‌ها زیاد شده حتی گاهی ممکن است مسئولان مبارزه با جرائم نیز عادی بودن این موضوع برایشان مشتبه شود.

ملکشاهی بایبان اینکه در خیلی از استان‌های کشور در زمینه تیراندازی خیلی سخت‌گیری می‌کنند گفت: در برخی استان‌ها هم با توجه به اینکه این امر فراوانی دارد از دستگاه قضایی و نیروی انتظامی می‌خواهیم که به‌طور حتم در این زمینه ورود داشته باشند.

مخالفت کارشناسان و اصرار مسئولان / نهار خوران ظرفیت تله کابین ندارد



پس از موافقت سازمان جنگل‌ها با احداث تله کابین در محور نهار خوران، اماواگرها و مخالفت‌های بسیاری از سوی کارشناسان مطرح شد اما مدیریت شهری همچنان اصرار بر اجرای آن دارد.



زهرا ایهرازی

بیشتر از یک دهه قبل بود که طرح «گرگان ۱۴» مطرح شد. طرحی که ۱۴ پروژه عمرانی از جمله تله کابین، المان میدان بسیج، پارکینگ طبقاتی و ... را در دل خود جای داده بود تا به قول طراحان آن زمینه‌ساز تحول و توسعه در مرکز استان باشد.

در این مدت تقریباً تمام ۱۴ پروژه عمرانی با اماواگرهای بسیاری روبرو بودند اما مدیریت شهری گرگان تلاش کرد تا از موضع خود برای اجرای آن‌ها کوتاه نیاید.

تله کابین گرگان نیز در لیست این ۱۴ پروژه عمرانی قرار داشت و با کلنگ زنی چندباره و انتخاب پیمانکار هم نتوانست وارد فاز اجرایی شود تا اینکه اواخر خردادماه امسال شهردار گرگان از اجرای تله کابین و شهرسازی مدرن در گرگان خبر داد.

در فاصله کمتر از ۵۰ روز پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری گرگان آغاز فاز اجرایی تله کابین نهار خوران را منتشر کرد و در بنرهای نصب‌شده در سطح شهر حکایت از آغاز عملیات اجرایی پروژه تله کابینی می‌داد که ۱۰ سال بود به مقصد نرسیده بود.

● شورا و شهرداری گرگان پاسخگو نبود

حالا دو ماه از انتشار این خبر گذشته است و همچنان اماواگرها و ابهامات بسیاری در خصوص محل اجرا و آغاز عملیات اجرایی و ... تله کابین گرگان وجود دارد. شورا و شهرداری گرگان به‌عنوان متولی اصلی این پروژه می‌توانستند ابهامات مطرح‌شده را پاسخ دهند. تلاش خبرنگار مهر با پاسخگو نبودن شهردار و رئیس شورای شهر گرگان بی‌نتیجه ماند تا ابهامات همچنان به قوت خود باقی باشد.

شاید مدیرکل منابع طبیعی پس از مدیریت شهری مناسب‌ترین گزینه‌ای بود که می‌توانست پاسخگوی ابهامات در خصوص اجرای تله کابین گرگان باشد. ابوطالب قزلسفلو به پاسخ کوتاه بسنده کرد و گفت: سازمان جنگل‌ها با اجرای تله کابین گرگان موافقت کرده است. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان افزود:

موضوع است که سلامت اکوسیستم پارک جنگلی نهار خوران از بین رفته و به یک پارک شهری مرده تبدیل شده که قابلیت احیاء ندارد.

وی بایبان اینکه تمام برنامه‌های فرهنگی، هنری و نمایشگاهی گرگان به سمت نهار خوران سوق داده می‌شود، ادامه داد: با تخریب تله کابین گرگان کاری ندارم من با فلسفه اجرای هتل و تله کابین در نهار خوران مخالفم.

به‌صراحت اعلام می‌کنم پروژه تله کابین بحث حاشیه‌ای است و فکر می‌کنم تله کابین و پروژه‌های به‌اصطلاح گردشگری در مناطقی مانند نهار خوران برنامه‌ای برای تصرف زمین‌های ملی استاین پژوهشگر حوزه محیط‌زیست با تأکید بر اینکه تله کابین به درد نهار خوران نمی‌خورد، به دلایل مخالفت خود اشاره و تصریح کرد: نهار خوران گنجایش این همه سرمایه‌گذاری را ندارد به‌علاوه اینکه در مقصدهای گردشگری و مناطق طبیعی و تاریخی، سلامت مقصد از نظر محیطی، فرهنگی و اجتماعی حائز اهمیت است. سؤال اینجاست گردشگر قرار است چه تجربه‌ای را در تله کابین کسب کند؟

وی خاطر نشان کرد: به‌صراحت اعلام می‌کنم پروژه تله کابین بحث حاشیه‌ای است و فکر می‌کنم تله کابین و پروژه‌های به‌اصطلاح گردشگری در مناطقی مانند نهار خوران برنامه‌ای برای تصرف زمین‌های ملی است. در یکی اضافه کرد: برنامه‌های پنج‌ساله گذشته و

اگر مطالعات فنی جواب دهد با رعایت ضوابط سایر دستگاه‌های اجرایی، سازمان جنگل‌ها با اجرای این پروژه در گرگان موافق است.

خبر منتشره از سوی مدیریت شهری (شهرداری گرگان) در خصوص آغاز عملیات اجرایی تله کابین گرگان با پاسخ کوتاه اما صریح مدیرکل منابع طبیعی استان کاملاً زیر سؤال رفت چراکه نشان می‌داد این پروژه پس از گذشت ۱۰ سال مطالعات فنی و مجوز لازم از سایر دستگاه‌های اجرایی را ندارد.

● تله کابین به درد نهار خوران نمی‌خورد

سازمان حفاظت از محیط‌زیست یکی از دستگاه‌های اجرایی استان است که در صورت مناسب بودن مطالعات فنی تله کابین گرگان باید نظر نهایی خود را اعلام کند، در شرایطی که مطالعات فنی این پروژه تمام نشده رفتن به سراغ مسئولان محیط‌زیست گلستان کمی زود هنگام بود از این‌رو نظر کارشناسان این حوزه را جویا شدیم و یک دکتری محیط‌زیست در این باره گفت: نهار خوران تنها تفرجگاه شهر گرگان نیست و باید فشارها از دوش آن برداشته شود.

مزدک دریکی تأکید کرد: باید بار گردشگری از دوش نهار خوران برداشته شود و با فراهم شدن زیرساخت‌ها به سمت هزار پیچ و النگره سوق داده شود.

این استاد دانشگاه افزود: مطالعات ۱۰ سال قبل گویای این



نگاه در سایر شهرهای استان مانند بندرگز و علی آباد هم مواجه هستیم.

وی ادامه داد: ما در جذب گردشگر و ضریب ماندگاری مسافر با چالش‌های جدی مواجه هستیم و اگر به کلیت گردشگری استان نگاه کنیم همچنان با آمارهای کلان جذب گردشگر در گذشته مواجه هستیم.

به گفته وی در آمارهای ارائه شده تعداد گردشگران گلستانی ۱۰ میلیون نفر و تقریباً معادل نصف گردشگران استان مازندران اعلام شده در حالی که ما تغییر و تحولی در استان در این حوزه شاهد نیستیم.

وی بایبان اینکه بازار هدف تله کابین گردشگران داخلی است، تصریح کرد: گردشگری داخلی به تله کابین نیاز ندارد بلکه به یک جذابیت خاص نیاز دارد تا بتواند ضریب ماندگاری مسافر در استان را افزایش دهد.

سقایی تأکید کرد: مرکز استان همچنان به گردشگری انبوه فکر می کند و خواستار اجرای تله کابین و پروژه‌های بزرگ مانند هتل پنج ستاره و ... است در حالی که دنیا خیلی وقت قبل از این نگاه عبور کرده و به کسب و کارهای کوچک رسیده است.

وی بایبان اینکه متأسفانه هنوز نگاه درستی به گردشگری استان نداریم، خاطر نشان کرد: این نگاه حاصل یک شرایط ویژه است چراکه نه مردم جامعه می خواهند گردشگری استان توسعه پیدا کند و نه مسئولان به گردشگری اعتنایی دارند.

این کارشناس حوزه گردشگری با تأکید بر اینکه تله کابین نمی تواند عامل توسعه گردشگری مرکز استان باشد، بیان کرد: تله کابین یک جاذبه مکمل است و تنها زمانی می تواند در توسعه مؤثر باشد که جاذبه اصلی ما کارکرد درستی داشته باشد. به عنوان مثال مشهد دارای جاذبه اصلی گردشگری (زیارت و مذهبی) است و در کنار آن جاذبه مکمل بازارهای بزرگ (الماس شرف و...) ساخته می شود.

سقایی با تأکید بر اینکه الگوهای گردشگری مرکز استان ضعیف است، گفت: واقعیت این است که برای گردشگری گلستان ارزش اقتصادی قائل نیستیم و هنوز یک ظرفیت سنتی مناسب از قابلیت های گردشگری گرگان نداشته ایم که بتوانیم بر مبنای آن برنامه ریزی داشته باشیم از این رو به سراغ دم دست ترین ایده ها و ساخت تله کابین در مرکز استان می رویم.

نگاه های کارشناسانه و فنی به تله کابین گرگان اماواگرهای بسیاری را رقم زده اما مسئولان و مدیریت شهری مرکز استان پس از یک دهه همچنان بر اجرای آن اصرار دارند و به نظر می رسد تغییر نگاه های سنتی به گردشگری و انجام مطالعات ظرفیت سنتی از محورها و مقاصد گردشگری گرگان می تواند راهکار مناسبی برای توسعه صنعت گردشگری آن باشد.

نهارخوران را ساماندهی کنیم، گفت: تنها ۱۲ درصد از این طرح تفریحی است و اصالت با حفاظت نهارخوران است. وی با تأکید بر اینکه هنر ما در این است که از طبیعت در حد تحمل آن استفاده کنیم، بیان کرد: اجرای تله کابین در هزار پیچ به دلیل وجود درختان سوزنی برگ و دست کاشت و گرم بودن آن قابل اجرا نیست، از سوی دیگر در حال حاضر فشار اصلی بر روی پنج هکتار از نهارخوران است و تلاش داریم با فراهم کردن زیرساخت ها در زون تفریحی به توسعه پایدار آن کمک کنیم.

خواجه ادامه داد: تله کابین گرگان در گذشته طرح مطالعاتی و مجوز لازم از سازمان جنگل ها را نداشت و سازمان جنگل ها به عنوان متولی در بازدید و بررسی نهایی تله کابین را در راستای اهداف و کتابچه طرح دانست و با اجرای آن موافقت کرد.

وی به جزئیات آن نیز اشاره و تصریح کرد: مسیرهای پیش بینی شده قبلی به دلیل پائین بودن مقصد مناسب نبود و در جانمایی جدید در ارتفاع یک هزار متری و به موازات تپه نورالشهدا که دارای پوشش گیاهی کم و خسارت حداقلی است، این پروژه اجرا می شود.

وی متذکر شد: برای ریشه کن کردن فقر و بیکاری و وظیفه داریم به سمت توسعه و آن هم توسعه پایدار که با نگاه درست به اقتصاد، معیشت، طبیعت و ... زندگی مردم را بهبود بخشد حرکت کنیم و تله کابین یکی از زیرساخت های گردشگری است که می تواند ما را در این مسیر توسعه قرار دهد.

● چالش بزرگ نگاه سنتی به گردشگری گلستان

این کارشناس معتقد است گردشگری بی برنامه خسارت زیادی را بر عرصه های طبیعی گلستان وارد کرده اما از تله کابین به عنوان زیرساختی برای توسعه گردشگری نام می برد، نگاهی که با نگاه کارشناسان حوزه میراث فرهنگی و گردشگری همسو نیست.

یک کارشناس حوزه گردشگری در این باره گفت: متأسفانه جو گردشگری استان بر یک نگرش سنتی با الگوبرداری از استان های مجاور استوار است که می توان از آن به عنوان چالشی بزرگ نام برد.

متأسفانه جو گردشگری استان بر یک نگرش سنتی با الگوبرداری از استان های مجاور استوار است که می توان از آن به عنوان چالشی بزرگ نام برد. گردشگری در این حوزه همیشه به دنبال الگو برداری های سنتی گلستان باعث شده همیشه به دنبال پروژه های حجیم و بزرگ باشیم و هرگاه صحبت از توسعه گردشگری به میان آمده ایده احداث تله کابین را مطرح کنیم و این موضوع تنها مختص گرگان نیست بلکه با این

تجربه های ما نشان می دهد وقتی مجوزی صادر می شود چون نظارت کافی توسط دستگاه های دولتی وجود ندارد در نهایت به تصرف زمین های ملی منجر می شود.

وی متذکر شد: بر روی جزئیات طرح بحث نمی کنم به این دلیل که سه طرح متفاوت از تله کابین دیده و دقیقاً هم نمی دانم کدام یک قرار است اجرا شود اما اگر تله کابین گرگان کمترین خسارت را هم داشته باشد با اجرای آن مخالفم؛ هم با تله کابین و هم ساخت هتل پنج ستاره در نهارخوران.

در حالی که این استاد دانشگاه و پژوهشگر محیط زیست اجرای تله کابین را بهانه ای برای تصرف اراضی ملی در نهارخوران می داند و با صراحت با اجرای آن مخالف است اما اجرای این پروژه موافقتی هم دارد.

● خسارت سنگین گردشگری بی برنامه به نهارخوران

مشاور طرح پارک جنگلی نهارخوران که از موافقان اجرای این پروژه است، اظهار کرد: در سند آمایش استان، محورهای توسعه گلستان بر کشاورزی، صنعت و گردشگری تعریف شده است؛ اگر قرار است گردشگری را توسعه دهیم باید زیرساخت ها توسعه دهیم.

صفرعلی خواجه که سابقه مدیر کلی منابع طبیعی گلستان را هم دارد، افزود: گلستان دارای پتانسیل های بسیاری در گردشگری است و رویکرد مردم به طبیعت به دلایل مختلف از جمله تغییر اقلیم و گرمایش قابل توجه مناطق جلگه ای و رفاه نسبی در حال افزایش است.

وی بایبان اینکه نمی توانیم این خواسته مردمی را رها کنیم، ادامه داد: گردشگری غیررسمی و بی برنامه خسارت های زیادی را به نهارخوران و دیگر مناطق جنگلی استان وارد کرده است.

مدیرکل اسبق منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان اضافه کرد: نهارخوران هم اکنون با یک فشار سنگین گردشگری گسترده مواجه است و سازمان جنگل ها به عنوان متولی احداث پارک های جنگلی در این حوزه مسئولیت دارد.

وی تصریح کرد: به دلیل خسارت سنگین گردشگری بی برنامه به سراغ ساماندهی پارک جنگلی نهارخوران رفته و برای ۶۰۰ هکتار از جنگل نهارخوران طرح تهیه شد که هم اکنون در مراحل نهایی است.

خواجه بایبان اینکه ۴۰۰ هکتار از این طرح حفاظتی است، خاطر نشان کرد: تله کابین یکی از موضوعاتی است که در زون گردشگری ۵۴ هکتاری پارک جنگلی نهارخوران دیده شده است.

وی بایبان اینکه با این طرح قرار است فشار بر طبیعت



چادری که تمام زندگی یک خانواده شد / جدال با سرما در بی خانمانی



چادری کوچک کنار یک پارک تمام زندگی خانواده ای است که در آن شب را به صبح برسانند و هر لحظه به فکر این باشند که چه زمانی قرار است از گرسنگی به خط پایان برسند یا سرما امانشان ندهد.



محمد حسین عابدی

خبر تلخ بود؛ خانواده شاهرودی بی خانمان برای گذران شب در چادری به پارک تفریحی آبشار منتقل شده اند آن هم در سرمای منجمد کننده شبهای پاییزی این شهر کوهپایه‌ای... همه چیز از یک عکس شروع شد وقتی عبدالمحمد رضائیان خبرنگار و همکار ما با اطلاع یافتن از وضعیت این خانواده شریف شاهرودی توسط مدیر مدرسه فرزند خانواده خود را به پارک آبشار می رساند، آنجا که این روزها مامنی برای امیرحسین ۱۰ ساله و هستی هفت ساله است.

● خوان اول سرما

پارک آبشار شاهرود از روز سوم مهرماه جاری مامن خانواده ای شده است که به دلیل عمل پیوند کبد سرپرست خانوار و عدم توانایی پرداخت رهن و اجاره منزل، در چادری سه متر مربعی زندگی می کنند و در این شب های سرد سال تکه پارچه ای حائل میان آنها و آسمان شب های شاهرود است.

دو قدمی مانده به سرویس های بهداشتی مجموعه آبشار شاهرود، چادری آبی و قرمز توجه را جلب می کند کمی نزدیک تر که می روی بند رختی که از سرما از آن بخار بلند می شود، گواه جریان داشتن زندگی در زیر این چادر نازک می دهد آن هم بی پناه، بی سرپرست، آن هم در شبهایی که بعضا به چهار درجه بالای صفر می رسد و در این بین اما مسئولان شهرستانی و استانی در خواب هستند.

چند متری مانده به چادر، مادر خانواده بیرون می آید زنی سی و چند ساله که با فشار عضلات کتف، دو سر شانه اش را به بالا می کشد شاید برای این است لرزه افتاده بر تنش نمایان نشود لرزشی از سرمای نیمه شب شاهرود آن هم در شبی که همه در آغوش گرم خانواده میهمان بخاری و شوفاژ هستند و بسیاری در سفره اطعام شب پنجم محرم، میهمان... اما اینجا میهمانی از جنس دیگری است.

با همان حال به ما خوش آمد می گوید دو کودکش در چادر خوابند و برای فردای مدرسه خود را آماده می کنند پسرک در ابتدا سری نشان می دهد اما شرم امانش را می برد و به کنار خواهر می رود تا شاید ما کمتر او را ببینیم آن هم در عنفوان نونهالی که تا صدای دو رگه و جوش غرور جوانی چند سالی فرصت دارد.

● خوان دوم ترس

با این بانوی شاهرودی کم کم سرگفتگو را باز می کنیم می گوید ترس های فراوانی دارم نخستین آنها این است که شوهرم خدایی نکرده فوت کند او را به تازگی مورد عمل پیوند کبد قرار داده ایم، پیوندی که از جسد فردی صورت گرفت و تمام هزینه هایش را مجبور شدیم پرداخت کنیم شوهرم هیاتیت هم دارد او زمانی که تصادف کرد و نیاز به خون داشت هیاتیت گرفت اینها را به برونشیت

که در توانم نبود آنرا پرداخت کنم، متاسفانه شوهرم به علت بیماری با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کند، قرص هایی می خورد که تمام موهایش را سفید کرده اند، هر بسته آن ۴۰۰ هزار تومان هزینه دارند و هنگام راه رفتن از مجاری اداری خون دفع می کند، این وضعیتی است که او را زمین گیر کرده است و من مانده ام اگر من را تنها بگذارد و برود، تکلیفم چه می شود این روزها در گرگان بستری است، منزل پدرم، چون من اهل آنجا هستم و اگر مدرسه و درس بچه ها و همچنین کار رو زندگی مان در شاهرود نبود، امروز به آنجا می رفتم اما اینجا ریشه خانواده من دوانیده شده، کجا بگذارم و بروم؟ فرزندم اینجا درس می خوانند نمی توانم به این راحتی بروم.

● خوان چهارم مسئولان در خواب

از او می پرسم مسئولان شهرستانی تا کنون برای چه کرده اند و با دلی پر و مسلسل وار می گویند: هیچ... اولین مسئولی که به اینجا آمد شخص فرماندار بود ایشان با ابراز همدردی با محبت برخورد کردند و شبانه به بهزیستی تماس گرفتند اما رئیس بهزیستی حاضر نشد از شبش بگذرد و به اینجا بیاید و وضعیت مرا ببیند و در نهایت فرماندار قول همکاری داد و رفت.

صبحش از بهزیستی آمدند آن هم وقتی که خوب آفتاب، همه جا را گرم کرده بود وضعیتم را دیدند و گفتند این ۱۰۰ هزار تومان را بگیر مقداری هم بدهکاری در بازار داری که آن را هم می دهیم اما چون تحت پوشش کمیته امداد هستی دیگر کاری نمی توانیم برایتان انجام دهیم و... رفتند از آنها تشکر می کنم اما به واقع نمی دانم با این ۱۰۰ هزار تومان باید چکار کنم؟ در این بین اما مددکارم به من پیشنهاد جمع کردن وسایل و رفتن به گرگان را می دهد که آن هم نه برایم عملی است و نه می توانم با این ۱۰۰ هزار تومان آنرا عملی کنم من هم زخم، غرور دارم چرا باید با سری افتاده بعد از این همه سال به خانه پدرم بازگردم و سر بار شوم، شوهرم آنجا سر بار است و من دیگر نمی خواهم اضافه شوم.

مسئولان کمیته امداد که دیگر هیچ... چرا که پیشنهاد پنج میلیون تومان وام بدون سود و ۱۰ میلیون تومان

ریه و پروستات هم بیافزاید تا کلکسیون ترس هایم کامل شود آن وقت ببینید من حق دارم بترسم یا خیر...

دومین ترسم اما اینجاست در این چادر سه متری کوچکی که از یک سو محافظ خوبی برای گرمای گاز پیک نیکی نیست از سوی دیگر کافی است لحظه ای با روشن بودن این گاز به خواب فرو برویم و دیگر همه چیز تمام شود این ترس دوم من است که این جا با دو کودک تنها هستم سرپناهم همین چادر است و بس، اگر باران بیاید نمی دانم باید چه کنم شبها هم از سرما نمی توانیم بخوابیم مجبور برای روشن کردن گاز، یکی از درزهای چادر را باز بگذارم اما سرما آنقدر پر زور است که بر گرما غلبه می کند.

ترس دیگرم از آتش سوزی این چادر است اما از ناامنی خیلی نمی ترسم در کل اینجا مکانی امن است و از آن لحاظ اطمینانی دارم هر چند شاید این اطمینان کاذب باشد اما شبها پسرم هست او دیگر بزرگ شده و مراقبمان است اما بیشترین ترسم هم می توانم از جانب او باشد چرا که یکبار می گفت «مادر بیا گاز را باز کنیم و بخوابیم و صبح همه چیز تمام...» من از حرفش می ترسم هر شب با ترس به خواب می روم در هر حال نونهال است و غرور دارد.

● خوان سوم بیماری

کمی صحبت به درازا می کشد و این بانوی شاهرودی با آوردن مدارک پزشکی خود و همسرش کلکسیونی از بیماری را جلوی چشمانمان قطار می کند شوهرش علاوه بر پیوند کبد دچار بیماری کلیوی، تنفسی و پروستات نیز است و خودش هم با بیماری دست و پنجه نرم می کند که در سرما اوج می گیرد اما با صبوری می گویند: اگر به من فقط یک خانه بدهند، خودم کار می کنم و خرجم را در می آورم.

من بارها گفته ام پول نمی خواهم من فقط منزلی می خواهم تا در آن زندگی کنم خودم کار می کنم و خرج زندگی ام را می دهم مگر مدت ها زندگی مان بر همین منوال نبود؛ در خانه ای کرایه ای زندگی می کردم شوهرم یخچال ساز بود و من در خانه مردم کار می کردم و برای هر روز ۲۵ تا ۳۰ هزار تومان درآمد داشتیم اما صاحب خانه برای تعمیر منزلش به یکباره خواستار رهن سنگینی شد

از گنبد تماس گرفته و گفت من شبی که این داستان را فهمیدم تا صبح نخوابیدم و منتظر بودم صبح شود تا خودم به تلفن برسانم و نحوه یاری رسانی به این خانواده را بپرسم.

اما مسئولان ما در همین شهر هنوز خواب هستند و قصد بیدار شدن ندارند امروز سیل کمک های مردمی برای این خانواده جاری می شود اما سیل مخالفت ها از سوی مسئولانی که قصد دارند صورت مسئله را پاک کنند همه را آزار می دهد.

آخرین غافل گیری توسط یکی دیگر از مسئولان رقم می خورد که با تهدید این خانواده به آنها گفته بود با خبرنگاران سخن نگویید اینها به دنبال بازار گرمی هستند، بروید از اینجا، فردا شما را ببینیم... خودمان به شما کمک می کنیم اینجا نمائید... گویی این مسئول عزیز می خواسته به هر نوع صورت مسئله پاک شود و این خانواده دیگر اینجا نباشد، دم دست... جلوی چشم مردم... تاباندند که اینجا همه چیز تحت کنترل است و هیچ مشکلی وجود ندارد.

• هوا هنوز سرد است

صحبت ها که تمام می شود کم کم فرزندانش به ما اعتماد می کنند وقتی به امیرحسین می گویم اینجا زندگی چقدر سخت است می گوید خیلی... مادرش هم می گوید: خیلی عصبانی است از دست همه، حتی می ترسم او را به اداراتی مانند کمیته امداد ببرم آنجا داد و بیداد راه نیندازد بالاخره در آستانه نوجوانی است و غرور دارد و آن روز که آن آقای رئیس... مرا از اتاقش بیرون کرد اگر می بود خدا می داند چه می شد.

از او می پرسم تنها ترست چیست و در این محرم یک جمله به امام حسین(ع) بگو با نگاهی به آسمان می گوید: تنها ترسم این است که زنگ بزنند و بگویند شوهرت مرد... همین... می خواهم از امام حسین(ع) بخوایم تا در شب شهادت حضرت قاسم(ع) به دامن برسد تا از این مهلکه بیرون آئیم.

مهلکه ای که این بانوی شاهرودی از آن سخن می گوید ملغمه ای از سرما، بیماری، گرفتاری، مسئولان در خواب، مردم مهربان و چادری پلاستیکی است که تنها حائل بین این خانواده سه نفره و آسمان شب است... آسمانی که هوایش هنوز سرد است و به سرمایش افزوده می شود و آخرین سکانس این داستان هفت خان خداحافظی این بانوی شریف با خبرنگاران مهر است.

برایمان هستید چرا که ما امروز در این حال و روز سر می کنیم» شرم در صورتش دوید وقتی این را گفت به او گفتیم مامان جان مریضی است و آدم، یکروز به سراغت می آید نباید ناشکر باشیم اینها امتحان الهی است اما حرفش را زد و من هم تا ته آن را گوش کردم و خم به ابرو نیاوردم چرا که راست می گوید من مادر بدی هستم چرا که تا صبح لرزیدن دختر هفت ساله ام در سرما را می بینم و تنها اشک می ریزم همین و بس...

• خوان هفتم جامعه

هفتمین خان درگیری این بانوی شاهرودی با جامعه است بلکه همین جامعه ای که از میانش دستانی پر مهر بیرون می آید می تواند مشکلات عدیده ای را نیز پدید آورد این روزها فضای مجازی پر است از اظهار نظرات مختلف برای این بانو و خانواده اش برخی می گویند، اگر پول نمی خواهد چرا به گرگان نمی رود برخی می گویند، برای پول این کار را کرده و حاضر است فرزندانش را سرما دهد و از این قبیل اظهار نظرها اما خودش چیز دیگری می گوید.

این روزها یک کودک و نونهال در منزل دارم نمی دانید چقدر سخت است صبح ها که امیرحسین به مدرسه می رود و مدام باید وضعیتمان را از همشگردی هایش پنهان کند تا مبادا آنها بفهمند در چه وضعیتی زندگی می کند بارها به من می گوید از آشپز بپرسم چون سرد است اما من می دانم دلیلش این است که نمی خواهد همکلاسی هایش یکروز تصادفی او را ببینند.

آنقدر من را دعوا می کند که نرو بیرون بیا داخل چادر بنشین، تکان نخور... و تمام اینها به دلیل قضاوت هایی است که جامعه برایش دارند آن هم برای من، یک زن تنها بدون سرپرست اما در نهایت امیدم به خداوند است و مردمی که بسیار به من لطف دارند آنقدر پیام های محبت آمیز به من منتقل می شود که می خواهم دست همه شان را بشارم.

• تهدید جای یاری رسانی را گرفت

نکته دیگری که در پایان با آن روبرو می شویم را محمد رضائیان، خبرنگاری که نخستین بار از این سوژه مطلع می شود، یاد آوری می کند، گویی داستان این خانواده تمامی ندارد، می گوید: سیل پیام به تلفن همراه من درباره این خانواده بسیار جالب است یکی از دوستان ما

تسهیلات با سود ۱۸ درصد شان را نپذیرفتم آن هم به این دلیل که در بانک یکی از کارکنان به من گفت «تو با این وضعیت چگونه می خواهی از پس ماهانه ۵۰۰ هزار تومان قسط و ۱۸ درصد سود برآیی» و هر چه فکر کردم دیدم درست می گوید و آنرا نپذیرفتم چرا که نمی توانم این کار را صورت دهم.

• خوان پنجم گرسنگی

دیگر مشکل این بانو و خانواده اش تهیه غذاست آنها هیچ چیز در چادرشان ندارند جز یک گاز پیک نیک و یک قابلمه خالی از او درباره غذا می پرسم و در نخستین واکنش می گوید، خدا می رساند اما باید بگویم که گرسنگی از همان ابتدا بدجور ذهنم را مشغول کرده بود خوشبختانه مردم خیلی به من کمک می کنند دیروز خانمی خبرنگار برایم گوشت، مرغ، موز، مالدانگی، دفتر نقاشی و... آورد روزی دیگر غذایی نذری خوردم و با هرلقمه آن اشک می ریختم اما در نهایت از امام حسین(ع) می خواهم که بچه هایم سر گرسنه زمین نگذارند.

برای این موضوع به فرمانداری رفتم موضوع را به یکی از کارکنان گفتم و او گفت به بهزیستی و کمیته امداد زنگ می زنم تا برایت غذا بیاورند یکروز برای غذا پیاده از اینجا تا کمیته امداد شاهرود رفتم آن هم در حالی که دختر مدام به من می گفت خسته شدم ام (مسافت تقریبی هفت کیلومتر) و از آنجا وقتی به من گفتند تورا به خیریه ای معرفی می کنیم مسافت بسیار زیادی را تا آن کارمند رفتم اما دیدم که این خیریه ماه هاست تعطیل شده و آن کارمند عزیز حتی این موضوع را نمی داند یکبار دیگر تا مدرسه دخترم پیاده بازگشتم و در آن روز تمام پاهای دخترم درد می کردند چرا که به دلیل بیماری نمی توانم او را در آغوش بگیرم درست یادم هست از فرمانداری تا بهارستان را پیاده رفتم (مسافتی برابر شش کیلومتر) و در نهایت آن روز بدون غذا به سر نقطه اول بازگشتم.

کارمند شریف فرمانداری مرا به بهزیستی پاس داد و قرار شد فردی برایمان غذا بیاورد ما منتظر غذا بودیم که دیدیم خودرویی ایستاد و فردی با عصبانیت گفت اینجا چه کار می کنی؟ انگار همه را به زحمت انداخته ام من هم ترسیدم گفت برایتان نان آوردم اما تا پایان گفتگو نان را هم به ما نداد و دست آخر ۱۰ هزار تومان بمن داد و گفت با آن پنیر بخرید و بخورید آن هم وقتی که کارمند فرمانداری به من قول داده بود علاوه بر غذای گرم مبلغی هم به من کمک می شود.

• خوان ششم خان

خانه مهمترین مشکل این بانوست همانطور که خودش می گوید: من فقط می خواهم مشکل منزلم رفع شود من پول نمی خواهم که برخی مسئولان می گویند پول مفت به دهان بعضی ها موزه می کند من در صورتی که فرزندانم سرپناه داشته باشند کار می کنم حتی حاضرم وام کم بهره به من بدهند و در برابر سفته می دهم من حتی حاضرم کار کنم اما فقیر نیستم که محتاج پول باشم خدا مردم را نگاه دارد بسیار به من لطف دارند.

مسئولان اما درباره خانه مرا بسیاری آزار می دهند بهترین پیشنهادی که به من شد این بود که بیا ۱۰ میلیون تومان در بانک بگذار تا برایت تسهیلات تقاضا کنیم و در روستایی حوالی شاهرود زمینی مسکونی را بساز... آخر من اگر ۱۰ میلیون تومان داشتم که پول پیش منزل و یا رهن یک آلونک می دادم دیگر منت مسئولان را نمی کشیدم. من توقع از مردم ندارم اما از مسئولان دارم که برایم کاری صورت دهند، اصلا برای من نه برای فرزندم کاری انجام دهند پسر امروز به من می گوید: «شما پدر و مادر بدی





■ چهار سال زمان سپری شد که البته پروژه تالار شهر در همان ابتدا پلمپ و به کما رفت، اما در نهایت اجرای خود را از سر گرفت. این تالار که ویژگی‌های منحصر به فردی داشت یکی از پروژه‌های شاخص فرهنگی اردیبهل محسوب می‌شود، پروژه ای که با تاخیر غیر قابل توجیه مواجه شده که البته علت اصلی تأخیر در اجرای این پروژه از سوی مدیر کل ارشاد اسلامی استان اردیبهل کمبود مالی عنوان می‌شود.

■ کتابخانه حافظیه در داشتن نسخ بسیاری در حوزه ادبیات کلاسیک ایران بارویکرد حافظ و دیگر حوزه‌های ادبی این امکان را فراهم کرده که اهل اندیشه و فرهنگ در این کتابخانه با گوشه‌ها و زوایای ادبیات ایران آشنا شوند.

■ اکثر تماشاچی‌های این تئاترها اهالی فرهنگ و هنر و شرکت‌کنندگان در جشنواره تئاتر بودند. یکی از نکات جالب این دوره از جشنواره نظم و ترتیب در برگزاری اجرای نمایش‌ها بود به گونه‌ای که زمانی که درب سالن بسته می‌شد و نمایش شروع می‌شد دیگر اجازه ورود فردی به سالن داده نمی‌شد.

■ این روایتی از محله‌های قدیمی شهر کهن خرم‌آباد است، شهری که در گرداگرد اثری شگرف و ارزشمند چون فلک‌الافلاک شکل گرفته و در حاشیه «گللال» به دره‌ای خرم و آباد تبدیل شده است.

فرهنگ و هنر ایران

«دارا» خانه نشین شد / «سارا» موبایل دارد



باز ماه مهر آمد و دارا و سارای امروزی نه تنها انار ندارند بلکه در حسرت نقش بستن تصاویرشان بر نوشت افزار دانش آموزان، خانه نشین شده اند.



علیرضا نوری کجوریان

چشم همشاگردی‌ها در ماه مهر شروع شد و بزرگ‌ترین غایب کلاس درسشان، نوشت‌افزار و کیف‌های ایرانی و محلی با تصاویر دارا و سارای خاطرات کودکی مان است که همیشه خدا، انار در دستانشان نقش بسته بود، گویا هر دو رفوزه شده و از تحصیل بازمانده اند. ماه مهر با جشن شکوفه‌ها در ۳۱ شهریورماه کلید خورد و اغلب نوآموزانی که در راه مدرسه‌های مازندران بودند، کیف‌هایی با تصاویر خارجی بر دوش داشتند و این چنین بن تن‌ها به نبرد با داراها و ساراهاى زمانه آمده‌اند و برخی به رغم سن کوچکشان، تا جلوی مدرسه، گوشه‌ی پدر و مادر در دستانشان بود و بازی می‌کردند.

● سارا موبایل دارد

دارا و ساراهاى ديروز انار در دستان کوچکشان بود اما در دستان دارا و ساراهاى امروز، تبلت و موبایل قرار دارد که دور از چشم معلمان در کیف برخی از آنان قرار گرفته و آسیب‌های جدیدی را برایشان به صدا درآورده است. استفاده برخی از دانش آموزان و کودکان از تلفن همراه و تبلت، در حالی است که هر رهگذری به‌سادگی می‌تواند در راه مدرسه تا خانه در دست دانش آموزان از دبستانی تا دبیرستانی برندهای مختلف دستگاه‌های تلفن همراه را ببیند که در حال ارسال عکس‌های مختلف یا بلوتوث و ... هستند. دارا و سارا که قرار بود برایشان ستاد ویژه تشکیل شود و تصویرشان روی نوشت‌افزارهای کودکان در مدارس باشد، جایشان را برای همیشه به مردان عکبوتی و زروها و بن تن‌های خارجی دادند. برخی از کلاس اولی‌های مازندران که بر روی کیف‌های مدرسه‌شان تصاویر شخصیت‌های خارجی نقش بسته است در پاسخ به این سؤال که این عکس چه شخصیت کارتونی است آن را با شسور و ذوق خاصی توضیح می‌دانند که این تصویر متعلق به انیمیشن‌های خارجی است که از سیما پخش می‌شود.

شاخ‌وشانه برندهای خارجی در حالی است که حتی شخصیت‌های کارتونی‌های ایرانی از جمله شکرستان نیز نتوانسته جذابیت لازم را در روح و احساس کودک حک کند، بطوریکه حتی نام این شخصیت‌ها به‌سختی در ذهن کودکان باقی می‌ماند اما تولیدات والت دیزنی و شرکت‌های فیلم‌سازی معتبر دنیا به‌سادگی نتوانسته است ذهن کودکان ایرانی را معطوف به شخصیت‌های خلق شده خود سازد.

● حمایت از نمادهای فرهنگی روی نوشت افزارهای تحصیلی

این پرسش مطرح می‌شود که نقش نهادهای فرهنگی در تولید نوشت‌افزارهایی با نمادهای محلی و بومی استان چیست و چرا از این مهم تاکنون غفلت شده است. از چندی پیش کانون پرورش فکری کودک و نوجوانان مازندران باهدف به‌کارگیری طرح‌ها و نمادهای موجود در فرهنگ مازندران بر روی نوشت‌افزار دانش آموزان، حمایت از هرگونه طرح و نمادی که قابلیت چاپ روی لوازم‌التحریر و نوشت‌افزار را داشته باشند را در دستور کار قرار داده است. قاسم عزیز زاده گرجی مدیرکل کانون پرورش فکری مازندران در این زمینه می‌گوید: این طراحی‌ها باید باسلیقه، علاقه و نیازهای دانش آموزان و دانشجویان صورت گیرد و بتواند با نمونه‌های موجود در بازار رقابت کند.

شخصیت خارجی که بر روی جلد این ابزار است بر تربیت کودکان اثر منفی دارد و این امر بر سر دوراهی قرار داده است.

فرزند این بانوی ساروی در حال بازی با تبلتی بود که در دستش قرار داشت و مادر ادامه داد: تمام شب و روز با گوشی و تبلت مشغول بازی است و امیدوارم مدرسه سبب شود تا این کار را ترک کند.

● شخصیت‌های خشن هم‌کلاس دانش آموزان

در حالی طرح‌های شخصیت‌های کارتونی خشونت‌بار روی اغلب لوازم‌التحریرها و کیف‌های دانش آموزان نقش بسته که به اعتقاد کارشناسان، نمادهای فرهنگی و محلی ایران، بیانگر احساسات لطیف و مهرورزی هستند و باید تصاویر و نمادهای بومی بر روی نوشت‌افزار نقش ببندد.

جعفر حسینی یک کارشناس ارشد روانشناسی و مشاوره خانواده درباره نقش مهم لوازم‌التحریر در شکل‌گیری ذهنیت کودکان و نوجوانان می‌گوید: با توجه به اینکه مخاطبان نوشت‌افزار بچه‌ها هستند و بیشترین اوقات دانش آموزان در طول روز به مدرسه اختصاص دارد ما باید برای تأثیرگذاری مطلوب بر ذهن دانش آموزان از نمادها و تصاویری استفاده کنیم که همراه با آموزه‌های دینی و ملی ما باشد.

وی ادامه داد: باید به رنگ و طرح مناسب توجه زیادی نشان داد؛ چراکه دانش آموزان با توجه به علائق شخصی خود سعی در انتخاب محصول دلخواه با رنگ‌های شاد و جذاب دارند.

وجود اجناس نامرغوب قاچاق، کالاهای خارجی، بالا بودن قیمت برخی لوازم موردنیاز و وجود الگوهای خارجی بر روی لوازم‌التحریر از جمله نگرانی‌های خانواده‌ها و کارشناسان مسائل آموزشی و تربیتی است.

برابر آمار اعلام‌شده در کشور تقریباً ۵۰۰ میلیون دفترچه مشق با گردش مالی بسیار بالا برای یک‌ساله تحصیلی در اندازه‌های مختلف مصرف می‌شود و در عین حال بخش وسیعی از چاپ و نشر کشور از کشورهای چین، ترکیه و امارات تولید می‌شود درحالی‌که ما تولیدکنندگان کاغذ در کشور داریم.

استفاده از نوشت‌افزار بومی و داخلی علاوه بر صرفه اقتصادی توجه به تولید داخلی در نوشت‌افزار، ترویج فرهنگ بومی و نهادینه کردن آن و مبارزه با فرهنگ مهاجم غربی نیز از مزایای رونق تولید داخلی است.

گرچه اظهار داشت: همه طراحان می‌توانند با شرکت در این مسابقه و به‌کارگیری ذوق و خلاقیت خود این نمادهای تاریخی یا معاصر را برای دفتر و نوشت‌افزار کودکان و نوجوانان و حتی دانشجویان ایرانی طراحی کنند. آثارباستانی، شخصیت‌های تاریخی، فرهنگی و حماسی، آیین‌ها، ترانه‌ها، لباس‌ها و تمامی عناصری که نمایانگر فرهنگ و هویت اصیل مازندرانی باشد، می‌تواند دست‌مایه خلق این آثار قرار گیرد.

گرچه ادامه داد: هدف از برگزاری این فراخوان تشویق خانواده‌های مازنی به استفاده از تولیدات ملی و خرید محصولاتی است که بر روی آن به‌جای نمادهای خارجی، تصاویر و نمادهایی مازندرانی و ایرانی حک شده باشد و پس از جمع‌آوری و انتخاب طرح‌های برگزیده، با تقدیر از طراحان برگزیده، دست به تولید دفتر و نوشت‌افزار با استفاده از این تصاویر خواهیم زد.

مدیرکل کانون پرورش فکری مازندران افزود: بسیاری از مفاهیم ارزشمند فرهنگی، دینی و آیینی از این راه در معرض دید دانش آموزان و دانشجویان مازندرانی قرار خواهد گرفت. گرجی گفت: در بخش طراحی دفتر، تصویرسازی روی جلد، صفحه‌های داخلی و ساختار و فرم کلی دفتر و در بخش طراحی نوشت‌افزار، طراحی فرمی انواع نوشت‌افزار و طراحی ساختاری و کاربردی این محصولات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در حال حاضر در فروشگاه‌های لوازم‌التحریر بیشتر محصولات از اجناس خارجی است و به همین علت هم قیمت آن‌ها از محصولات مشابه ایرانی بالاتر است اما چون کیفیت بهتری دارند مورد استقبال خانواده‌ها قرار می‌گیرند، شاید هم بعضی از خانواده‌ها لوازم‌التحریر ایرانی را به خارجی ترجیح دهند.

یک مادر ساروی که به همراه فرزندش در جشن شکوفه‌های ساری شرکت کرده است می‌گوید: دفترچه‌ها و اجناسی که روی آن تصاویر ایرانی دیده می‌شود از نظر قیمت نسبت به مشابه خارجی گران‌تر هستند درحالی‌که کیفیت لازم را ندارند.

جمالی عنوان کرد: در خرید نوشت‌افزار و کیف مدرسه، بیش از همه قیمت و کیفیت آن برایمان مهم بود و چندان به تصاویر نقش بسته روی آن دقتی نکردیم.

صدیقه جعفری مادر نوآموز ساروی نیز معتقد است: برایمان مهم است که دخترم از لوازم‌التحریر موردعلاقه‌اش استفاده کند تا انگیزه او برای یادگیری بیشتر شود اما الگوهای

استقبال بی نظیر از دف نوای رحمت / سندجی ها سنگ تمام گذاشتند



برگزاری جشنواره سراسری دف نوای رحمت در کردستان در حالی همچنان ادامه دارد و که در زمان اجرای گروه ها و افراد، سالن شماره یک پردیس سینمایی بهمن سندج مملو از جمعیت مشتاق می شود.



آرمان نصرآبادی

کرد، اظهار داشت: در این دوره از جشنواره هم از حمیدرضا اردلان موزیسین برتر که صاحب آثار هنری و موسیقی فراوانی است تجلیل می کنیم.

دبیر ششمین جشنواره سراسری دف نوای رحمت افزود: از پیشکسوتان مداحی و دف استان سیدبهاالدین حسینی و زاهد ابراهیمی هم در اختتامیه این جشنواره مورد تجلیل قرار خواهند گرفت.

مردای اعلام کرد: در عصر دومین روز از برگزاری این جشنواره گروه هزار نفری با عنوان بزرگترین گروه دف نوای دنیا در عمارت خسروآباد سندج به اجرای برنامه می پردازند

رئیس حوزه هنری استان کردستان به اسامی استانیهای شرکت کننده در جشنواره ششم دف نوای رحمت اشاره کرد و گفت: ششمین جشنواره دف نوای رحمت با حضور هنرمندانی از استان های آذربایجان غربی، خراسان رضوی، فارس، لرستان، زنجان، اصفهان، کرمانشاه، فارس، کرمان، سیستان و بلوچستان، تهران، گلستان، یزد، مرکزی، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، گلستان، البرز، گیلان و کردستان برگزار می شود.

با اشاره به استقبال های صورت گرفته از برگزاری این جشنواره در سندج، گفت: ششمین جشنواره دف نوای رحمت با حضور ۲۱ استان کشور و در سندج در حالی برگزاری است.

وی ادامه داد: خوشبختانه هم هنرمندان و هم مردم هنر دوست سندج استقبال بی نظیری از برگزاری این اتفاق فرهنگی داشتند و به همین دلیل این مهم باعث شد تا تمامی همکاران من در حوزه هنری با تلاش و جدیت بیشتری برنامه های این دوره از جشنواره را دنبال کنند.

وی با اشاره به حضور جمعی از اساتید و هنرمندان برجسته کشوری در این دوره از جشنواره دف نوای رحمت در استان کردستان، افزود: هیأت داوران این جشنواره را آقایان بیژن کامکار، سید علاء یاسینی، شکرالله حیاتی و مهدی احمدی تشکیل می دهند که در مدت دو روز آثار هنرمندان تک نواز و گروه نواز را مورد ارزیابی قرار می دهند.

وی با اشاره به اینکه حوزه هنری استان در چهارمین دوره این جشنواره از هنرمند شاخص کشوری استاد بیژن کامکار تجلیل

سوی مسئولان برگزاری این جشنواره، امروز عصر نیز بخش مسابقه ادامه می یابد و قرار است که در بخش جنبی هم برنامه های متعددی اجرا شود.

ولی آنچه حائز اهمیت و بسیار قابل توجه بود، حضور پر شور و گسترده مردم در بخش های مسابقه ای این جشنواره بود به گونه ای که سالن ۵۷۰ نفری پردیس هم در روز نخست و هم دومین روز از آن مملو از جمعیت بود و حتی تعدادی از علاقمندان به صورت ایستاده نظاره گر رقابت شرکت کنندگان در این جشنواره بودند.

در اکثر جشنواره ها همواره روال به این گونه است که افتتاحیه و اختتامیه آن با حضور و شرکت اقشاری از مردم همراه می شود ولی در جشنواره دف نوای علاوه بر افتتاحیه آن در تایم های برگزاری مسابقات هم که تا پاسی از شب به طول می انجامید سندجی ها صندلی ها را ترک نکردند و اینگونه ارادت و عشق خود را به این نوع از موسیقی بار دیگر به نمایش گذاشتند.

امین مردادی دبیر جشنواره و رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی استان کردستان

ششمین دوره جشنواره سراسری دف نوای «دف نوای رحمت» از صبح روز گذشته در پردیس سینما بهمن سندج آغاز به کار کرد و رقابت شرکت کنندگان و راه یافته گان به این دوره بعد از افتتاحیه شروع شد.

در روز نخست این جشنواره براساس برنامه زمانبندی شده در رده سنی ۱۳ الی ۱۹ سال بانوان و آقایان در بخش تک نوازی برنامه خود را اجرا کردند و آثار آنها از سوی اعضای هیات داوران مورد ارزیابی قرار گرفت.

در این روز گروه های هیژا از سندج، دوچار بانوان از کرج، آراس از یزد، خروش از اصفهان، ژبار از سندج، رها از زاهدان، اهوراییان از گرگان، تاوریز از تبریز، آفرینش از کرمان و کارین از سندج باهم به رقابت پرداختند.

پایان بخش برنامه های روز نخست هم اجرای تک نوازی بانوان بزرگسال بود، در صبح دومین روز این جشنواره هم گروه های ریژه از سندج، آوای دف از تهران، دک از اهواز، سفیران از زاهدان، خاک نشین از سندج، دوچار از شیراز برنامه اجرا کردند. بر اساس برنامه ریزی صورت گرفته از



این خانه‌ها خاطر ه شدند؛ از شاه‌نشین و مهتابی خانه تا حوض و نارنج



فاطمه حسینی

خانه‌هایی که خاطره شدند؛ از مهتابی‌خانه و حوض و نارنج تا حریم‌بندی و سلسله‌مراتب دسترسی، خانه‌های امروز دیگر رنگی از هویت و فرهنگ غنی ایرانی ندارد؛ یک مشت سنگ، سیمان، آهن و دیگر هیچ!

خانه‌های قدیمی بخشی از حافظه تاریخی یک شهرند. آن وقت‌ها که هنوز مردمان شهر در آهن و شیشه محصور نشده بودند، با خاک و سنگ، آب و آفتاب در بستر آگاهی و تجربه‌های دیرین، فضاهایی را سامان دادند که امروزه یادگارهای آن جزو میراث فرهنگی ما و آیندگان سرزمین است.

از کهن‌ترین آن‌ها که بگذریم به خانه‌هایی می‌رسیم که در کنار هم‌محله شدند و محله‌هایی که باهم یک شهر شدند. چند خانواده در یک حیاط، هر خانواده یک اتاق و گاه تنها پیوندشان همسایگی بود. هر فضایی از خانه و حیاط نامی داشت. هیچ فضایی بی‌هوده نبود و کاربردی روزمره داشت.

پدربزرگ و مادربزرگ؛ فرزندان، نوه و نتیجه که گاهی به ۲۰ نفر می‌رسیدند، همه بر سر یک سفره می‌نشستند. آن‌هایی که از دوردست‌ها آمده بودند با آنکه باورهای متفاوتی داشتند، خیلی زود با ساکنان قدیمی محله همسایه شدند، انگار که سال‌ها یکدیگر را می‌شناختند، هیچ کدام نسبت به هم احساس غریبی نمی‌کردند. خیلی دور نیست روزهایی که همسایگان عزیزترین و نزدیک‌ترین کسان هم بودند.

● محله بخشی از هویت آدم‌های یک شهر

یک ظرف آش نذری یا خوراکی اگر همسایه می‌آورد، به‌جایش تلافی می‌شد و این آداب کاسه همسا (کاسمسا) نام داشت. هیچ‌کس گرسنه نمی‌ماند، از سفره‌های همدیگر همسایه‌ها هم سهمی داشتند. دردی اگر بود شریک درد هم بودند، غمی اگر بود تا فراموشی غم کسی تنها نمی‌ماند.

عبور از کوچه‌پس‌کوچه‌های باریک محله، سلام و احوال‌پرسی، گپ و گفت رهگذران آشنا و همراهی آن‌ها راه را بر هم کوتاه می‌کردند؛ خانه تا راسته‌بازار، از بازار تا مسجد و هر جایی که نیاز روزانه زندگی بود، راهی نبود. عبور از کوچه‌پس‌کوچه‌های باریک محله، سلام و احوال‌پرسی، گپ و گفت رهگذران آشنا و همراهی آن‌ها راه را بر هم کوتاه می‌کردند و این‌گونه «محله بخشی از هویت آدم‌های یک شهر بود».

این روایتی از محله‌های قدیمی شهر کهن خرم‌آباد است، شهری که در گرداگرد اثری شگرف و ارزشمند چون فلک‌الافلاک شکل گرفته و در حاشیه «گال» به دره‌ای خرم و آباد تبدیل شده است.

● نقش خانه در سبک زندگی ایرانی

«خانه مکانی است که در آن فرد، ضمن حفاظت از خود در برابر عوامل آب و هوایی، می‌تواند از فشارها و محدودیت‌های جامعه به دور باشد. خانه مکانی است برای استراحت آدمی و آرامش ذهن». این موضوعی است که در روند امروز ساختمان‌سازی به نظر می‌رسد از آن غفلت شده است. مطابق این تعریف خانه از ابعاد مختلف فرهنگی، اخلاقی و انسانی دارای ارزش است به‌طوری‌که از دیدگاه قرآنی نیز

خانه به‌عنوان محلی برای تکامل، تعالی و سکون انسان یاد شده است.

در فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی خانه جزو میراث معماری ایرانی محسوب شده و دارای ویژگی‌های خاصی است که هم نیازهای معنوی و هم نیازهای مادی ساکنان خود را تأمین می‌کرده است. فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی خانه جزو میراث معماری ایرانی محسوب شده و دارای ویژگی‌های خاصی است که هم نیازهای معنوی و هم نیازهای مادی ساکنان خود را تأمین می‌کرده است.

باین‌وجود امروزه بافاصله گرفتن از سبک زندگی ایرانی - اسلامی شاهد تغییر معماری و سازه ساختمان‌های ایرانی نیز هستیم، به‌طوری‌که آشفتگی بصری که در فضای امروزی شهرهای ما وجود دارد خود نیز سبک زندگی خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده است و به نظر می‌رسد در این زمینه تعامل دوسویه‌ای بین سبک زندگی و خانه ایرانی وجود دارد.

با نگاهی به سبک معماری و ساختمان‌سازی گذشتگان ما به‌راحتی می‌توان فهمید که در شکل‌گیری خانه‌های سنتی عوامل زیادی نقش داشته‌اند که یکی از این عوامل مهم فرهنگ و سبک زندگی مردم یک منطقه بوده است. فرهنگ خود متأثر از مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات، روش‌های زندگی، ساختار خانواده، روابط اجتماعی، آئین‌های بومی و محلی و ... است، موضوعی که روش خانه‌سازی مردم در جای‌جای ایران از جمله لرستان و شهر خرم‌آباد را تحت تأثیر قرار داده است.

باین‌حال آثار چندانی در زمینه هویت محله‌های تاریخی و خانه‌های قدیمی این شهر تولید و تدوین نشده است و به نظر می‌رسد بررسی سازه، معماری و شهرسازی شهر خرم‌آباد و عناصر فرهنگی تأثیرگذار در نحوه شکل‌گیری شهرها و بناها نیازمند تدوین پژوهش‌های عمیق و گران‌سنگ است.

در کتابچه‌ای که به‌تازگی از سوی اداره کل میراث فرهنگی لرستان به همت «علیرضا فرزین» و «محمد محمدی اصل» در رابطه با سه خانه قدیمی خرم‌آباد (شامل خانه‌های قاضی، چاغروند و کشفی) منتشر شده اطلاعات و تصاویر جالبی در مورد هویت معماری و شهرسازی بافت قدیمی و تاریخی این شهر آمده است که بخش‌هایی از آن در این گزارش بازخوانی می‌شود.

● گشتی در محله درب باباطاهر

محله درب باباطاهر که در زبان محلی با عنوان «دربوطاهر» از آن یاد می‌شود یکی از محله‌های کهن شهر خرم‌آباد است که در ضلع جنوب غربی مجموعه کهن دژ و ارگ تاریخی قلعه فلک‌الافلاک واقع شده است.

بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی که گاه به‌صورت تصادفی کشف و مشاهده شده، سکونت در این محله به حدود قرن پنجم هجری قمری می‌رسد.

از بناهای شاخص آن می‌توان به آرامگاه منسوب به شاعر عارف‌مسلک ایران باباطاهر (دوره سلجوقی)، کتیسه تخریب‌شده یهودیان (دوره صفویه) و خانه‌های مسکونی متعددی از روزگار قاجار و پهلوی اشاره کرد.

از این محله نگاهی به معماری و سازه دو خانه تاریخی «قاضی» و «کشفی» خواهیم داشت تا از رهگذر مرور کارکردها و المان‌های این خانه‌های تاریخی به رهیافتی برای ساختمان‌های مدرن و امروز دست یافت؛ باشد که فرصتی برای احیای فرم و معنای معماری بومی خرم‌آباد در شهرسازی جدید باشد.

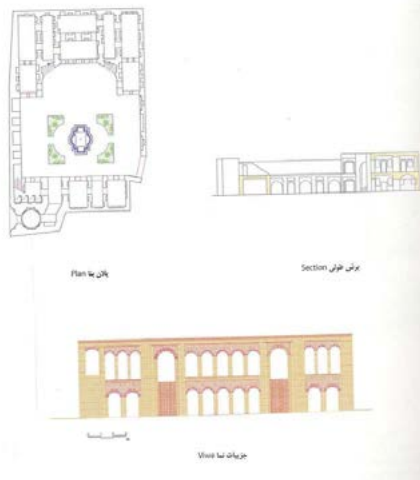
● مقصد: گذر باباطاهر؛ خانه قاضی

این اثر تاریخی یکی از خانه‌های زیبا و به نسبت بزرگ موجود در بافت قدیم شهر خرم‌آباد است. خانه قاضی در محله درب باباطاهر (دربوطاهر) و گذر معروف آن کوچه باباطاهر قرار دارد.

تاریخ ساخت آن مربوط به اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی اول است. خانه متعلق به «شیخ ابوطالب قاضی» معروف به «آخوند ابوطالب» (آخوند ابو) است. قاضی‌های خرم‌آباد از خاندان‌های قدیمی شهر محسوب می‌شوند که از اوایل دوره قاجار در لرستان منصب قضاوت داشته‌اند.

خانه معروف به قاضی در دو جبهه مسکونی شمالی و جنوبی به مساحت تقریبی ۷۳۰ مترمربع ساخته شده است. جبهه شمالی (جبهه اصلی بنا) در دو طبقه احداث و فضاهای اصلی خانه را در خود جای داده است.

تو رفتگی نسبتاً بزرگ جلوی بنا به تنوع و زیبایی نمای آن افزوده و باعث گسترش سطح نورگیری فضاها شده است. جبهه جنوبی شامل چند اتاق، مطبخ، راهرو، سردر و هشتی زیبایی خانه است. این بخش از خانه در یک طبقه (کوتاه‌تر از جبهه اصلی بنا) احداث شده؛ این امر باعث تابش نور



خورشید در زمستان به میان سرا (خوش یا قِلا) و جبهه جنوبی می‌شود.

پشت‌بام بخش جنوبی بنا، فضای مهتابی دل‌نشینی را پدید آورده که در ماه‌های گرم سال به‌ویژه شب‌های تابستان فضای مناسبی برای هم‌نشینی و خواب افراد خانواده بوده است. همچنین پشت‌بام بخش جنوبی بنا، فضای مهتابی دل‌نشینی را پدید آورده که در ماه‌های گرم سال به‌ویژه شب‌های تابستان فضای مناسبی برای هم‌نشینی و خواب افراد خانواده بوده است.

شرق بنا به‌صورت یک دیوار ساده و قسمت غرب دارای چند طاق نما است. در گذشته از این طاق نماهای به نسبت کوچک برای فضاهایی نظیر انبار هیزم (همه دو)، فضای پخت‌پز نان (مطببخ) در اوقات گرم سال استفاده می‌شده است.

گویا در گذشته (علاوه بر میان سرای موجود) در ضلع شرقی بنا هم یک باغچه کوچک از درختان میوه وجود داشته است. آب مصرفی خانه و باغچه مذکور از طریق نهر گرداب (گرداو) که از ضلع شرقی بنا می‌گذرد تأمین می‌شده است.

اما در جبهه اصلی بنا در طبقه همکف دو فضای بلند و کشیده به نام تنبی (تنبیه) وجود دارد در اینجا معمار بنا برای کاهش اثر کشیدگی این فضاها آن‌ها را به دو قسمت تقسیم کرده است. در مرکز این جبهه خانه اتاق پنج‌دری و فضای پشتی متصل به آن قرار دارد که در گویش محلی به این فضا پستو خانه (دما خونه) اطلاق می‌شود.

در فضای مابین تنبی‌ها و پنج‌دری دو اتاق به نسبت کشیده قرار گرفته که پستو نامیده می‌شود. در طبقه اول همانند طبقه همکف دو تنبی کشیده در دو طرف و یک پنج‌دری در مرکز جبهه وجود دارد. در اینجا و در پشت پنج‌دری فضای پیوسته و بزرگ‌تری به نام شاه‌نشین یا تالار قرار دارد.

از این دو فضای بهم‌پیوسته - پنج‌دری و شاه‌نشین یا تالار - برای پذیرایی و مهمان‌انداختن استفاده می‌شده است. در جبهه جنوبی بنا نیز دو اتاق کوچک دو دری با راهرویی در میان و با کارکردهایی چندگانه وجود دارد.

بدین ترتیب بیشتر فضاهای عمومی نظیر دودری، مطبخ و فضاهای مورد استفاده روزمره خانواده در طبقه همکف و فضاهای مربوط به پذیرایی از مهمان و نشیمن در طبقه نخست بنا بوده است.

خانه قاضی در مجموع دارای ۱۵ اتاق کوچک و بزرگ (دودری، سه‌دری، تنبی و ... و دالان، هشتی، ورودی، مطبخ، آبریزگاه (کنار آو)، انبار و ... است. پی‌خانه از سنگ لاشه، دیوارها از خشت و آجر است.

آسمانه‌های بنا (سقف) از طلاق آجری (معروف به طاق سپس در گویش محلی) در بخشی از آسمانه همکف و تیرپوش‌های چوبی در طبقه اول ساخته شده است. برای

بخش‌های مختلف خانه تاریخی قاضی	کاربرد مبتنی بر سبک زندگی ایرانی - اسلامی
ورودی اصلی	در بیشتر خانه‌های سنتی، درهای ورودی دو لنگه و چوبی هستند و هر لنگه کوبه‌ای نیز دارد. زن‌ها حلقه‌ای که صدای زیری داشت را به صدا در می‌آوردند و مردها کوبه چکشی شکل را که صدای بمی داشت. با به صدا در آمدن هر یک از این کوبه‌ها صاحب‌خانه مطلع می‌شد که آیا زن پشت در است یا مرد. اگر زن بود، زن می‌رفت در را باز کند و اگر مرد بود، مرد می‌رفت و این چنین مهمان آورده نمی‌شد.
طاق‌های چهاربخشی و عرق چین هشتی	هشتی‌ها اغلب به شکل هشت‌ضلعی یا نیمه هشت‌ضلعی و یا بیشتر مواقع چهارگوش است. هشتی دارای سقفی کوتاه و یک منفذ کوچک نور در سقف گنبدی شکل آن است و عموماً سکوهایی برای نشستن در آن طراحی شده است. پذیرایی موقت از مراجع‌کننده‌ای که به اتاق پذیرایی دعوت نشده است از کارکردهای این فضا است. میهمانان غریبه و نامحرم بعد از پذیرایی اولیه در این فضا در صورت تمایل، دعوت به بخش بیرونی با حفظ حریم اندرونی می‌شدند.
حوض آب	آب آن از نهر تأمین و برای کاستن گرما و تأمین رطوبت هوا، وضو ساختن، شستشو و ذخیره آب و آبیاری ساخته می‌شده است. حوض دارای مفاهیم نمادین نیز هست، چنان‌که گاهی آن را منعکس‌کننده تصویر آسمان و پیونددهنده فضای زمینی و آسمانی دانسته‌اند.
دو دری و سه‌دری و محل دسترسی به مهتابی خانه	بهار خواب همان مهتابی است. این فضای بدون سقف در مجاورت حیاط و در طبقات بالاتر از اول ساخته می‌شده و شب‌های تابستان در آن می‌خوابیدند و بسته به محل استقرار آن، در ساعاتی که دیوارهای اطراف بر آن سایه مناسب می‌انداخته از آن استفاده می‌شده. در بهار و پاییز در تمام ساعات روز و در تابستان شب‌ها قابل استفاده بوده است.
اتاق تنبی	اتاق‌هایی بودند که نسبت به تالار اهمیت کمتری داشتند و از اتاق‌های ساده مهم‌تر بودند. نشیمن، محل تجمع افراد خانواده و مهمان‌های بسیار نزدیک به حساب می‌آمد این عناصر از نظر تزئینات بسیار ساده بودند.
اتاق پنج‌دری شاه‌نشین (مهمان‌خانه)	شاه‌نشین‌ها به‌عنوان مهم‌ترین اتاق خانه با تزئینات خاصی همراه و محل پذیرایی مهمانان بوده است. از جمله موارد تطابق معماری خانه با فرهنگ اسلامی را می‌توان در اهمیت معماری اتاق پذیرایی مشاهده کرد؛ زیرا بهترین فضای خانه و زیباترین جای آن به این اتاق اختصاص یافته است تا به دستور اسلام در تکریم مهمان و اختصاص بهترین مکان خانه به او عمل شود.
حیاط	در خانه‌های قدیمی مرکز و قلب ساختمان بوده است. حیاط مرکزی همراه با ایوان در هر سمت، ویژگی بود که از گذشته‌های دور در معماری ایرانی به چشم می‌آمد. حیاط محلی برای برگزاری مراسم مختلف نظیر مراسم مذهبی، عروسی و تجمع اقوام بود.
فضای سبز محوطه حیاط با درختان نارنج	حیاط و باغچه پیوند فرخنده زیبایی و سودمندی است. در یک حیاط به عبارتی در یک نگاره تجسم و بعد یافته، آب، گیاه، خورشید، باد، هریک به نحوی، از طریق فن شناسی سنتی به کار گرفته می‌شوند، و مجموعه‌ای هماهنگ از کاربری‌های زیست‌محیطی را فراهم می‌آورند.

برخی کارکردهای فضاهای داخلی خانه تاریخی قاضی	
تورفتگی نسبتاً بزرگ جلوی بنا	* به تنوع و زیبایی نمانافزوده است * باعث گسترش سطح نورگیری فضاها شده است
جبهه جنوبی شامل چند اتاق، مطبخ، راهرو، سردر و هشتی زیبای خانه است. این بخش از خانه در یک طبقه کوتاه‌تر از جبهه اصلی بنا (احداث شده است.	* این امر باعث تابش نور خورشید در زمستان به میان سرا (خوش یا قِلا) و جبهه جنوبی می‌شود
پشت‌بام بخش جنوبی بنا، فضای مهتابی دل‌نشینی را پدید آورده است.	* در ماه‌های گرم سال به‌ویژه شب‌های تابستان فضای مناسبی برای هم‌نشینی و خواب افراد خانواده بوده است
شرق بنا به‌صورت یک دیوار ساده و قسمت غرب دارای چند طاق نما است.	* در گذشته از این طاق نماهای به نسبت کوچک برای فضاهایی نظیر انبار هیزم (همه دو)، فضای پخت‌پز نان (مطببخ) در اوقات گرم سال استفاده می‌شده است
نمای داخلی بیشتر از آرایه‌های گچ‌بری ساده و ارسی‌ها دارای اشکال هندسی بدیعی است که در ترکیب با شیشه‌های رنگی نمای زیبایی را پدید آورده است.	* زیبایی بنا
گویا در گذشته (علاوه بر میان سرای موجود) در ضلع شرقی بنا هم یک باغچه کوچک از درختان میوه وجود داشته است.	* فضای سبز، تأمین میوه، استفاده از سایه، خنکی و تأمین اکسیژن



استحکام و حفظ یکپارچگی بیشتر در داخل و نمای بیرونی از کش های چوبی برای تقویت دیوارها استفاده کرده‌اند. خانه قاضی دارای آرایه‌های تزئینی موقر و زیبایی است. نمای بنا به‌تمامی از آجر ساخته شده است. تزئینات آجری بیشتر به‌صورت خفته‌وراسته ساده و خفته‌وراسته برجسته است.

در رخ‌بام بنا از آرایه‌های آجری موسوم به «زبان گنجشکی» و در سقف فضاهای طبقه همکف از تزئینات «خفته‌وراسته» آجری استفاده شده است. نمای داخلی بیشتر از آرایه‌های گچ‌بری ساده و ارسی‌ها دارای اشکال هندسی بدیعی است که در ترکیب با شیشه‌های رنگی نمای زیبایی را پدید آورده است.

اغلب ساکنین این خانه که عمر سکونت آن‌ها به حدود سه نسل می‌رسد از یک تبار بوده و تمامی فضاها در اختیار خودشان بوده است.

خانه قاضی به لحاظ دارا بودن سبک دوره معماری قاجار یکی از نمونه‌های بارز این دوره در شهر خرم‌آباد است. بنا به روایت ریش سفیدان و آگاهان محلی معماران این خانه‌ها اکثراً بومی بوده‌اند. آن‌ها با الهام از سبک و سیاق معماری قاجار و استفاده از مصالح بومی سازگار، این‌گونه بناها را به یادگار گذاشتند.

● خانه کشفی؛ یادگاری ارزشمند

خانه کشفی در محله حکیم‌آباد و در کوچه‌ای به نام کشفی، در سراسیمی معروف به کوچه کشفی (بناری آقا محمود) قرار گرفته و یادگاری ارزشمند از خانه‌های تاریخی دوره قاجار خرم‌آباد است. این خانه متعلق به شخصی به نام سید محمود کشفی است.

خانه کشفی به مساحت تقریبی ۱۹۲ مترمربع و زیربنای ۱۰۸ مترمربع، در یک جبهه اصلی در دو طبقه با محوریت شرقی - غربی ساخته شده است. این بنا تاریخی از شمال و شرق به خانه‌های موجود در بافت قدیم محله و از دو جهت دیگر متصل به گذر است. ورودی بنا نیز در جبهه جنوبی بنا واقع شده است.

ابعاد خانه در جهت چهارگانه با هم برابر نیست و کشیدگی ضلع شمالی، زمین را به‌صورت یک دوزنقه درآورده است. این ناهمگونی در جبهه مسکونی خانه حل شده است. در طبقه همکف مجموعه پله و فضای پیوسته زیر آن در مرکز قرار گرفته که نقش ارتباط‌دهنده فضاهای این مجموعه را به عهده دارد.

افزون بر آن چهار روزن کوچک در ارتفاع پله‌ها مکان یابی شده که نور کمی به فضای زیر پله که راهروی ارتباطی بین دو اتاق است، می‌تاباند. در جنوب این جبهه یک اتاق سهدری و انباری کوچک قرار دارد. بخش شمالی نیز از سهدری به انضمام فضایی در پشت این اتاق و یک انباری کوچک تبدیل شده است.

در طبقه اول بعد از گذر از پله‌های ورودی به فضایی راهرو مانند می‌رسیم. در انتهای این راهرو پله دیگری قرار دارد که به اتاق میهمان‌خانه منتهی می‌شود. در سمت چپ فضای راهرو یک اتاق سهدری قرار گرفته است.

نمای خانه ترکیبی است از آرایه‌های آجری «خفته‌وراسته» و «زبان گنجشکی» که در ترکیب با پنجره‌های چوبی و ارسی، نقوش و شیشه‌های رنگی نمای زیبا و منحصر به فردی را ایجاد کرده است. این بنا به جهت دوزنقه بودن زمین، فضای باقی مانده مثلثی شکل پشت راه‌پله دوم به‌صورت یک فضای انباری درآمده و با تمهیدات معمارانه به اتاق سهدری این بخش متصل شده و در سمت راست راهرو، اتاق سهدری کشیده‌ای قرار گرفته که در انتهای خود یک فضای انباری کوچک بدان ضمیمه شده است. به‌منظور کاهش اثر روانی کشیدگی طولی اتاق، ستونی در میانه و نیم ستونی در طرفین آن قرار دارد.

مردن و امروزی انجام نشده است. امیدی نسب این موضوع را از ضعف‌های پژوهشگران حوزه علوم فنی و مهندسی می‌داند و معتقد است که در رشته‌های علوم انسانی کارهای پژوهشی تطبیقی مناسبی انجام می‌شود.

این دکترای عمران ادامه می‌دهد: اگر مهندس معمار و سازه با این دید که چه الگوهایی از گذشته می‌توان گرفت و در ساختمان‌های امروزی استفاده کرد وارد میدان می‌شدند می‌توانستیم به نتیجه‌بخش بودن فعالیت‌ها در این زمینه امیدوار باشیم.

● توفیقی نداشته‌ایم

وی البته به یک مانع پیش روی احیای فضای خانه‌های قدیمی در ساختمان‌های مدرن هم اشاره می‌کند و می‌گوید: سبک معماری و ساختمان‌سازی گذشته نیاز به زمین بیشتری دارد در صورتی که در حال حاضر اکثر مردم در فضاهای کوچکی مثل آپارتمان زندگی می‌کنند که امکان ایجاد این‌گونه فضاها را ندارد.

امیدی نسب ادامه می‌دهد: البته در زمینه انتقال و احیای کارکردهای خانه‌های قدیمی مانند استفاده حداکثری از انرژی‌های پاک و تجدید پذیر مانند انرژی خورشید، باد و تعبیه فضاهای با کاربری نورگیری در ساختارهای جدید می‌توان قدم‌های خوبی برداشت.

وی تحقیق و در نظر گرفتن اعتبار برای انجام کارهای پژوهشی خوب و کاربردی را ضرورت تحقق سند چشم‌انداز در زمینه احیای سبک معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی می‌داند و یادآور می‌شود: مرحله بعد وضع قوانین، مقررات و ضوابط بر اساس پژوهش‌های انجام شده است؛ سپس دستگاه‌های اجرایی مرتبط می‌توانند وارد عمل شوند.

امیدی نسب در مورد وضعیت کنونی هویت شهرهای مختلف کشور معتقد است که در تحقق معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی توفیقی نداشته‌ایم.

این دکترای سازه یادآور می‌شود: از طرف دیگر چون متولیان حوزه ساخت‌وساز چند نهاد یا ارگان هستند این امر موجب فعالیت جزیره‌ای در این بخش شده و فعالیت‌ها هم قابل نظارت نیست، شاید اگر یک نهاد یکپارچه یا سازمان یا وزارت خانه مسئول باشد بهتر و بیشتر می‌شود نظارت و از فعالیت جزیره‌ای جلوگیری کرد.

● حرکتی از پوسته تا معنا

فاطمه رستمی استاد دانشگاه و کارشناس ارشد معماری در مورد احیای کارکردها، ساختمان‌ها و المان‌های مربوط

ستون‌ها از نوع گچی دارای سرستون‌های زیبایی با نقوش گیاهی گل و برگ هستند. نهر مشهور به گرداب (گرداب) از زیر این خانه عبور می‌کند. به‌رغم اینکه (در حال حاضر) شواهدی مبنی بر تمهیدات معماری خاص برای دسترسی مستقیم به آب نهر در این خانه به چشم نمی‌خورد، گمان می‌رود که در اینجا هم چون خانه‌های قرار گرفته در مسیر نهر (خانه چاغروند، خانه مرحوم سیف‌الله خان والی زاده و...) سازوکارهای بدین منظور ایجاد کرده باشند.

آسمانه خانه در طبقه همکف از نوع طاق گهواره‌ای (سیس) در گویش محلی) و در طبقات اول و دوم از نوع تیرپوش چوبی است و مصالح عمده به کاررفته در بنا عبارت‌اند از خشت، گل و آجر.

نمای خانه ترکیبی است از آرایه‌های آجری «خفته‌وراسته» و «زبان گنجشکی» که در ترکیب با پنجره‌های چوبی و ارسی، نقوش و شیشه‌های رنگی نمای زیبا و منحصر به فردی را ایجاد کرده است.

موقعیت خاص قرارگیری پنجره‌های این خانه روزگاری چشم‌انداز بدیعی به باغات جنوب شهر، کوه‌های رو به روی آن و همچنین مجموعه تاریخی قلعه فلک الافلاک داشته است. اکنون نیز می‌توان از لابه‌لای سازه‌های جدید به گوشه‌هایی از این چشم‌اندازها چشم گشود.

● مطالعات زیادی انجام نشده است

دکتر فریدون امیدی نسب دکترای عمران در این رابطه معتقد است که امکان احیا و انتقال بعضی از المان‌ها و کارکردهای مربوط به سبک ساختمان‌سازی خاص هر منطقه به ساختمان‌های مدرن وجود دارد و البته تأکید می‌کند بر سر راه تحقیق این امر موانعی وجود دارد. وی یادآوری اینکه متأسفانه مطالعات زیادی در این زمینه انجام نشده است، می‌گوید: با مطالعه و تطبیق می‌توان نسبت به احیا و انتقال سبک معماری و شهرسازی ایرانی اقدام کرد.

متأسفانه افرادی که در زمینه ساختمان‌های سنتی، قدیمی و تاریخی کار می‌کنند بیشتر از دیدگاه تاریخی تحقیق انجام می‌دهند و به‌طور عمده معمار و باستان‌شناس هستند. امیدی نسب یادآور می‌شود: متأسفانه افرادی که در زمینه ساختمان‌های سنتی، قدیمی و تاریخی کار می‌کنند بیشتر از دیدگاه تاریخی تحقیق انجام می‌دهند و به‌طور عمده معمار و باستان‌شناس هستند.

وی بر لزوم انجام کار علمی و تطبیقی در حوزه «سازه» تأکید کرده و می‌گوید: متأسفانه مطالعات و پژوهش تطبیقی برای انطباق ساختار خانه‌های سنتی و بومی با ساختمان‌های

تاریخی وجود دارد به این موضوع رجوع نکرده‌اند و ادامه می‌دهد: خالاً قانونی امروز ما را برای احیای معنا و فرم‌های معماری بومی و ایرانی آزار می‌دهد و این آسیب‌زا است.

این استاد دانشگاه تأکید می‌کند: به نظر من احیای معماری ایرانی - اسلامی بر اساس تأکیدات سند چشم‌انداز توسعه کشور شامل هوشمندانه بین قوانین و مقررات از یک سو و پیوند مهندسان و مسئولان در حوزه اجرا می‌خواهد و اگر از تخصص‌های مختلف برای پیوند این دو بخش استفاده نشود راه به جایی نخواهیم برد.

رستمی ادامه می‌دهد: امروز شاهد هستیم که بین طراحی و اجرای ساختمان‌ها فاصله افتاده، طرح پیشنهادی از سوی طراح و معمار گاهی اجرا نمی‌شود و جمیع این مسائل باعث شده که پروژه‌های عمرانی سهل‌انگانه طراحی و اجرا شوند.

اگر قانون‌گذاران ما قانون شفاف و با ضمانت اجرایی تدوین کنند می‌توان به احیای معماری ایرانی - اسلامی امیدوار بود چراکه امروز در برخی موارد شاهد هستیم که یا قانون سکوت کرده و یا عملیاتی نمی‌شود و عمده نقدها را به سمت خالاهای قانونی می‌برد و معتقد است که اگر قانون‌گذاران ما قانون شفاف و با ضمانت اجرایی تدوین کنند می‌توان به احیای معماری ایرانی - اسلامی امیدوار بود چراکه امروز در برخی موارد شاهد هستیم که یا قانون سکوت کرده و یا عملیاتی نمی‌شود.

این کارشناس ارشد معماری با یادآوری اینکه فاصله تدوین سند تا عملیات در این حوزه زیاد است، تأکید می‌کند: امروز باید رجوع کنیم به تجربه‌های تاریخی خود و ببینیم در خرم‌آباد چه امکاناتی داریم که می‌تواند وارد فرآیند طراحی و اجرا در حوزه معماری و شهرسازی شود.

رستمی «منظر شهری» خرم‌آباد را از دیگر موضوعات قابل نقد می‌داند و تأکید می‌کند که متأسفانه تعامل جدی میان مشاوران، طراحان و مجریان وجود ندارد به طوری که حتی اگر معمار متعهدی باشیم و در معماری و طراحی المان‌ها و طراحی فضاهای منطبق با سبک معماری بومی و فرهنگ اسلامی طراحی کنیم متأسفانه در اجرا شاهد تغییراتی هستیم و عملاً کارها ابتر می‌ماند.

این استاد دانشگاه حرف‌هایش را این‌گونه می‌بندد: انتظار می‌رود متولیان روند ساخت و سازها را رصد کنند و با نظارت جدی‌تر در حوزه منظر شهری، کنترل شود که آیا طراحی‌ها به‌خوبی اجرا می‌شود یا روی کاغذ و نقشه باقی می‌ماند.

و شاید بیشتر طراحی‌ها روی نقشه‌ها به فراموشی سپرده می‌شوند، مانند خاطره خانه‌های تاریخی که حالا غبار گرفته و کارکرد فضاهای مختلف آن در کوران ساختمان‌سازی مدرن تنها در آلبوم آثار تاریخی و میراث فرهنگی جا خوش کرده است، حرکت جدیدی نیاز است، باید طرحی نو در انداخت، طرحی شایسته و پایسته فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی.

کارکردهای قابل احیای معماری گذشته در ساختمان‌سازی مدرن

لزوم حریم بندی خانه‌ها متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی

ایجاد سلسله‌مراتب دسترسی به فضاها و بخش‌های مختلف خانه

بوم اور بودن مصالح متناسب با اقلیم منطقه

پرهیز از بهبودی در طراحی و اجرای فضاها

احداث بنا متناسب با اقلیم به‌منظور استفاده حداکثری از انرژی

گرمایشی و نور خورشید و بهره‌وری انرژی



می‌شود: ما می‌توانیم خصوصیات مدرن را در کنار ویژگی‌های فرهنگی و هویتی در معماری امروز داشته باشیم.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنان خود به معماری خاص بومی خرم‌آباد هم می‌پردازد و می‌گوید: مهم‌ترین رکن ساختمان‌های قدیمی خرم‌آباد احداث آن متناسب با اقلیم خاص این شهر به‌منظور استفاده حداکثری از انرژی گرمایشی و نور خورشید بوده است.

ساختمان‌های شمالی در محله‌های قدیمی خرم‌آباد در دو طبقه و خانه‌های جنوبی در یک طبقه احداث می‌شده است رستمی ادامه می‌دهد: اگر دقت کنیم ساختمان‌های شمالی در محله‌های قدیمی خرم‌آباد در دو طبقه و خانه‌های جنوبی در یک طبقه احداث می‌شده است که این تصمیم کاملاً به خاطر اقلیم خاص این شهر بوده است.

این محقق و پژوهشگر بحث سایه‌اندازی‌ها و نوردی را از ارکانی می‌داند که در خانه‌های قدیمی از جمله خانه قاضی به آن توجه شده است و یادآور می‌شود: از این موارد باید درس شیوه ساختمان‌سازی مبتنی بر شرایط اقلیمی را بگیریم.

«تاریخ بهترین تجربه‌ها و درس‌ها را به ما می‌دهد، نکته‌ای که فاطمه رستمی روی آن تأکید دارد و برای این موضوع شاهد مثال می‌آورد و می‌گوید: در بررسی که روی مقاطع دیوارهای خانه تاریخی قاضی خرم‌آباد داشته‌ام متوجه شدم که این دیوارها به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند که کاملاً مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان در بحث بهره‌وری انرژی را پاس‌خو بوده‌اند. این نقش توجه به اقلیم در ساختمان‌سازی را نشان می‌دهد تا ساختمان‌های ما هم در تابستان و هم در زمستان بتوانند بهترین کارکرد عایق را داشته باشند.

مشکل همیشگی خالاً قانونی

فاطمه رستمی که پایه‌یک معماری دارد در ادامه حرف‌هایش تلنگری به ضعف‌های موجود در حوزه شهرسازی امروزی ما می‌زند و می‌گوید: چیزی که الان می‌بینیم حاصل قوانین نامناسبی است که بر شهرهای ما از جمله خرم‌آباد حاکم است.

وی معتقد است مشاورانی که طرح‌های جامع شهری را تدوین می‌کنند به‌رغم تأکیدی که روی نگاه و مطالعات

به معماری و شهرسازی گذشته در ساختمان‌سازی مدرن و امروزی نکات قابل تأمل و مهمی دارد.

وی معتقد است که به‌جای پرداختن به «پوسته» معماری ایرانی باید به «معنای» این سبک معماری و ساختمان‌سازی پرداخت و نسبت به احیای معنا در قالب ساخت‌وسازهای امروزی اقدام کرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای خرم‌آباد با تأکید بر اینکه خانه‌های امروزی باید معرف معماری، اصالت و شخصیت بومی و ملی ساکنان آن باشند، می‌گوید: موضوع «حریم بندی» خانه‌ها نکته مهمی است که در معماری و فضای خانه‌های قدیمی و سنتی ما به آن توجه جدی می‌شده ولی امروزه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

«باید معناها را از معماری قدیمی بگیریم» این موضوعی است که فاطمه رستمی روی آن تأکید دارد و معتقد است: «سلسله‌مراتب دسترسی» در خانه‌های قدیمی و «تعیین حریم» باید در ساختمان‌های امروزی نیز احیا شود.

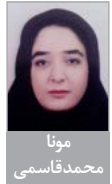
وی با یادآوری اینکه در خانه‌های قدیمی جای مهمان مشخص بود و حتی برای در زدن نیز زن و مرد هر کدام کوبه‌ای با صدای خاص خود را داشتند، می‌گوید: فراموش نکنیم هر چقدر که ما مدرن شویم شخصیت ایرانی و هویت اسلامی ما تغییر نکرده است و باید این هویت و شخصیت را در خانه‌هایمان هم احیا کنیم.

این پژوهشگر حوزه معماری تأکید می‌کند: انتقال معنای معماری ایرانی به این معنی نیست که پوسته یعنی طاق و قوس‌ها را منتقل کنیم، قوسی که در ساختمان‌های قدیمی وجود دارد به این دلیل است که تکنیک دیگری برای دهانه‌های وسیع وجود نداشته، بلکه باید معنای این نوع معماری را بگیریم و منتقل کنیم.

اقلیم، اقلیم و اقلیم

رستمی نکته قابل تأمل دیگری نیز دارد و آن هم موضوع «بوم اور» بودن مصالح در معماری گذشتگان ماست، در این مورد توضیح می‌دهد: بحث بوم اور بودن، خودبستگی، مردم‌دواری و پرهیز از بهبودی چهار شاخصی است که اساتید این حوزه برای معماری گذشته ما برمی‌شمارند. وی تلفیق معنای معماری سنتی و قالب مدرن را منجر به شکل‌گیری معماری پست‌مدرن منطبق بر هویت و شخصیت بومی و ملی هر منطقه می‌داند و یادآور

تئاتر گلستان اسیر فقر محتوا/ فضای پیشرفت هنرمندان فراهم نیست



مونا محمدقاسمی

بررسی دو جشنواره تئاتر برگزار شده در گلستان با سابقه ۲۷ سال از ضعف‌های هنر هفتم در این استان پرده برداشت و فقر محتوای نمایشنامه‌ها از سوی تماشاچی‌ها به عنوان اصلی‌ترین ضعف معرفی شد.

چند روزی از بسته شدن دفتر شانزدهمین جشنواره امیدهای جوان تئاتر گلستان و بیست و هفتمین جشنواره استانی تئاتر گلستان می‌گذرد. جشنواره‌ای که بنا به گفته مسئولان اجراکننده همانند هر جشنواره دیگری کم و کاستی‌های خودش را داشت. لذا بر آن شدیم از فرصت به دست آمده برای بررسی وضعیت تئاتر در سطح استان گلستان بهره ببریم.

● فقر محتوا در رأس ضعف‌های جشنواره تئاتر گلستان

ابتدا به بررسی کیفیت کارهای به نمایش درآمده در جشنواره می‌پردازیم. در بخش امیدهای جوان ۶ نمایش و در بخش تئاتر استانی هشت نمایش انتخاب و به روی صحنه رفتند. در این دوره از جشنواره اکثر گروه‌های شرکت‌کننده جوان و با سابقه‌های فعالیتی بین سه تا هفت سال شرکت کردند. افرادی که این نمایش‌ها را به نظاره نشستگان معتقدند بیش از هر ضعف دیگری؛ فقر محتوای نمایشنامه‌ها در این دوره مشهود بود.

اکثر تماشاچی‌های این تئاترها اهالی فرهنگ و هنر و شرکت‌کنندگان در جشنواره تئاتر بودند. یکی از نکات جالب این دوره از جشنواره نظم و ترتیب در برگزاری اجرای نمایش‌ها بود به گونه‌ای که زمانی که درب سالن بسته می‌شد و نمایش شروع می‌شد دیگر اجازه ورود فردی به سالن داده نمی‌شد.

از دید تماشاچی‌ها، نمایش‌هایی که از سایر شهرهای استان به جز گرگان مخصوصاً بندرگز شرکت کرده بودند بیشتر مورد پسند بوده است.

یکی از نمایش‌هایی که از جشنواره امیدهای جوان به دل مخاطبان نشست و بود و تحسین همگان را برانگیخت، «هیچستان» به نویسندگی، کارگردانی و بازیگری فاطمه نصیری بود. این نمایش که به یکی از آسیب‌های اجتماعی پرداخته بود در مراسم اختتامیه سه جایزه به ترتیب جایزه نفر دوم بهترین بازیگر زن، نویسنده برگزیده و رتبه دوم بهترین کارگردانی را به خود اختصاص داد.

آتنا نادر زاده دانشجوی رشته کارگردانی تئاتر یکی از افرادی بود که به همراه دوستانش تمامی نمایش‌های جشنواره تئاتر امید جوان را به نظاره نشستند. متأسفانه انتظار من و دوستانم که وقت گذاشته‌ایم و این نمایش‌ها را نگاه کرده‌ایم از لحاظ محتوایی راضی کننده نبوده و سطح توقع ما بیشتر از این بود. نادر زاده اظهار کرد: متأسفانه انتظار من و دوستانم که وقت گذاشته‌ایم و این نمایش‌ها را نگاه کرده‌ایم از لحاظ محتوایی راضی کننده نبوده و سطح توقع ما بیشتر از این بود.

در حالی که برخی دلیل اجرای ضعیف را نبود امکانات را عنوان می‌کنند، این دانشجوی تئاتر بار دین این موضوع بیان کرد: من معتقدم بدون امکانات و تنها با داشتن نمایشنامه‌های قوی و حضور در صحنه می‌توان نمایش خوبی ارائه داد به شرطی که هنرپیشه‌ای که به روی صحنه می‌رود از توانایی لازم برخوردار باشد.

● گرگان جایی برای پیشرفت تئاتر نیست

نادر زاده ادامه داد: من از ماه آینده به شکل حرفه‌ای وارد حرفه تئاتر می‌شوم اما برای این کار تهران را به جای گرگان انتخاب کرده‌ام چرا که معتقدم فضا برای پیشرفت در گرگان وجود ندارد و من اگر می‌خواهم در کارم به جایی برسم باید از شهرهای بزرگ کار خود را آغاز کنم. در بخش جشنواره استانی هم انتقادهای بیشتر به محتوای نمایش‌ها وارد بود.

«پورنیک کاوش» جوان ۲۱ ساله‌ای که با نمایشی به عنوان «وای به روزی که بمیرد خروس» در بخش تئاتر استانی شرکت کرده بود، قبل از برگزاری مراسم اختتامیه گفت: من در دوره‌های گذشته جشنواره هم شرکت کرده‌ام و جوایزی را هم کسب کرده‌ام اما من در این دوره از جشنواره با بهترین کار خود حضور پیدا نکردم ولی بعد از دیدن اجراها مطمئن هستم این اجرای ضعیف من جزو بهترین‌ها خواهد بود.

ساعتی از این گفتگو گذشته بود که گفته این جوان ۲۱ ساله به حقیقت پیوست و «وای به روزی که بمیرد خروس» در بخش‌های طراحی لباس، موسیقی، صدایی، بازیگر زن برگزیده، رتبه اول بهترین بازیگر نقش زن، استعداد جوان بازیگر مرد، بازیگر نقش دوم مرد، رتبه اول متن نمایشنامه، رتبه اول کارگردانی برنده و مجوز حضور در تئاتر فجر به پورنیک کاوش و گروهش تعلق گرفت.

● مشکلات تئاتر گلستان ریشه‌های است

کاوش بعد از مراسم اختتامیه گفت: من تمایل زیادی داشتم در جشنواره قدرتمندی به رقابت بپردازم که کارهای قوی در آن ارائه شود و از دیدن کارهای رقیب نکته‌های یاد بگیرم. اما متأسفانه مشکلات تئاتر ما اقتدر بزرگ و ریشه‌ای است که انجمن نمایشی باید با قدرت وارد این مشکلات شود و آن‌ها را حل کند.

وی افزود: گروه‌های نمایشی ما مشکل نمایشنامه‌نویسی دارند که این مشکل با برگزاری کارگاه‌هایی با حضور اساتید برجسته مرتفع می‌شود. اما متأسفانه شاهدیم که اداره کل ارشاد و کسپ‌ها را متناسب با بودجه‌اش برگزار می‌کند به طوری که چندی پیش یک کارگاه «بَدَن» برگزار شد ولی برای هنرمندان تئاتر جذابیتی نداشت.

یکی دیگر از انتقادهایی که می‌توان به متن برخی از نمایشنامه وارد آورد استفاده از عبارات نامتناسب و خارج از عرف در تئاتر بود. شاید این عبارات برای لحظه‌ای خنده به لب تماشاچی بیاورد اما این درست است که برای سرپوش گذاشتن روی محتوای ضعیف نمایشنامه و صرفاً خنداندن تماشاچی از هر لغت و عبارتی که حتی شان نوشته شدن بر روی کاغذ را هم ندارند، استفاده شود؟

معاون فرهنگی اداره کل ارشاد گلستان در واکنش به این انتقاد گفت: در جشنواره‌ها معمولاً این اتفاقات رخ می‌دهد و هیئت داوران ما زمانی که کار بازیابی را انجام می‌دهد در برخی مواقع کار تکمیل شده به داورها تحویل داده نمی‌شود و یا در برخی مواقع در فیلم‌نامه‌ها رفرش به وجود می‌آید.

قاسم قندهاری افزود: قطعاً این‌گونه واژه‌ها و موارد، مورد تأیید اداره کل و شورای نظارت بر متون ما هم نیست اما در جشنواره به دلیل تراکم کار خستگی‌ها و زمان طولانی جشنواره‌ها ممکن است این‌گونه غفلت‌ها رخ دهد.

را نبود مکان‌های مناسب برای تمرین تئاتر عنوان کرد و افزود: افرادی که برای تمرین به تالار فخرالدین می‌آیند فرصت کافی برای تمرین ندارند و این کمبود مکان‌های فرهنگی در سطح استان گلستان معضل بزرگی برای هنرمندان ما است که به کیفیت کار ضربه می‌زند.

● نویسندگی بر خواسته از احساس است

کاوش در رابطه با ضعف نمایشنامه گفت: نویسندگی چیزی نیست که بر اساس یک اصول ریاضی قابل به دست آوردن باشد بلکه یک احساس است و تقویت در آن نیازمند کلاس‌های پیوسته و افزایش مطالعه در این زمینه است.

این عضو انجمن نمایش در ادامه به فعالیت‌های انجمن نمایشی پرداخت و افزود: چند ماهی است که انجمن نمایشی جدید روی کار آمده و برنامه‌های هفتگی تحت عنوان چهارشنبه‌ها با تئاتر برگزار می‌کند که هنرمندان در این روز به اتود و نمایشنامه خوانی می‌پردازند؛ اگر این کار در تمام شهرستان‌ها اجرا شود و اساتید برجسته هم در این کلاس‌ها شرکت کنند فرصت مناسبی برای رشد و تعالی هنرجویان به وجود می‌آید.

● داغ فرهنگ سرا همچنان بر دل فرهنگ دوستان

صحبت‌های امیر کاوش در رابطه با کمبود مکان‌های فرهنگی برایم تداعی کننده فرهنگ‌سرای شد که امروز تبدیل به هاپیر مارکت شده است و منتظر افتتاح است. با توجه به رشد جمعیت و علاقه روزافزون جوانان به هنر بی‌شک کمبود مکان‌های فرهنگی برای شهر هنردوست گرگان بیش از پیش خود را نشان می‌دهد.

مشکلات و ضعف‌های تئاتر استان گلستان امری نیست که با یک گزارش به آن پرداخته شود، مواردی همچون شرکت نکردن گروه‌های مطرح تئاتر در بخش استانی این جشنواره نیز بحثی است که در گزارش‌های بعدی از وضعیت تئاتر گلستان به آن پرداخته می‌شود.



این استاد دانشگاه در ادامه افزود: ایران به لحاظ قومی، بومی، دینی و ملی دارای مترالهای گوناگون آیینی و نمایشی است که می‌تواند بن مایه‌های فراوان و بدیعی در عرصه هنرهای دراماتیک قرار گیرد؛ به همین نسبت استان کهن گلستان نیز به دلیل پیشینه غنی فرهنگی می‌تواند در هنرهای نمایشی ایران پیشتاز باشد. بنابراین پیشنهاد می‌کنم به کارگردانان مؤلف یا نویسندگان بومی که قبل از نگارش به پژوهش بپردازند و الگوهای جاودانه‌ای ارائه کنند.

عارف با بیان این نکته که باید یک انقلاب در تئاتر صورت بگیرد، گفت: انقلاب‌گر این اتفاق باید ادبیات نمایشی باشد و از آنجایی که ادبیات نمایشی، معماری حوزه نمایش را شکل می‌دهد تغییرات در حوزه نمایشنامه‌نویسی یک ضرورت اساسی به شمار می‌آید. در ادامه امیر کاوش یکی از اعضای انجمن نمایشی در رابطه با برگزاری دو جشنواره و سطح آن‌ها گفت: ما با کمترین بضاعت این جشنواره را برگزار کردیم و نباید انتظار بیشتری از این از جشنواره را داشت چرا که نیروهای شرکت کننده در این جشنواره همگی جوان هستند و تقریباً افرادی هستند که در چند سال اخیر پا به عرصه نمایش گذاشته‌اند.

وی یکی از معضلات بزرگ تئاتر استان

تقویت و بهبود امور باشد.

● توجه به زیرساخت‌ها در دستور کار است

قندهاری ادامه داد: در سالی که سپری شد سعی بر این بود که به زیرساخت‌های حوزه هنر پرداخته شود چون معتقدیم مادامی که زیرساخت‌های هر رشته‌ای محکم نباشد اساساً انتظار برنامه مشخص یا تولیدات هدفمند و نتیجه‌بخش نمی‌توان داشت. نکته قابل تأمل دیگر در رابطه با نمایشنامه‌ها گرایش نویسندگان به سمت فرهنگ غربی و نمایشنامه‌های خارجی است.

● نبود پژوهش میدانی دلیلی بر ضعف نمایشنامه‌ها

محمد عارف یکی از داوران بیست و هفتمین جشنواره تئاتر استانی گلستان در این رابطه گفت: متأسفانه در کشور ما کار علمی و پژوهشی میدانی در حوزه تئاتر انجام نمی‌شود؛ بنابراین خروجی خوبی ندارد و ناگزیر همه سعی می‌کنند از نمایشنامه‌ها، رمان‌ها و داستان‌های غربی وام بگیرند.

به دلیل نبود کار پژوهشی میدانی در حوزه تئاتر ایران، هنرمندان سعی می‌کنند از نمایشنامه‌ها و داستان‌های غربی در کارهای خود الگو بگیرند.

● برگزاری جشنواره نمایشنامه‌نویسی باهدف تقویت محتوای تئاترها

وی در رابطه با انتقاد تماشاچی‌ها در رابطه با فقر محتوای نمایشنامه‌ها گفت: من این انتقاد تماشاچی‌ها را وارد می‌دانم؛ ما در بخش نمایشنامه‌نویسی ضعف‌هایی داریم و به همین دلیل برای سال جاری باهدف کیفی سازی محصولات نمایشی؛ نخستین دوره جشنواره نمایشنامه‌نویسی را برای زمستان ۹۵ پیش‌بینی کردیم تا بتوانیم به کشف استعدادهای نمایشنامه‌نویسی بپردازیم.

معاون فرهنگی اداره کل ارشاد گلستان اظهار کرد: ما تصمیم داریم با برگزاری این جشنواره زمینه تقویت نویسندگان جوان مهیا شود تا برای سال‌های آینده از نظر محتوای متن و کیفیت تولیدات آثار مطلوب تری در زمینه تئاتر داشته باشیم. قندهاری با بیان اینکه انجمن تئاتر در سال‌های اخیر یک برنامه مکتوب و مشخص را در دستور کارش قرار داده تا سیاست‌های در نظر گرفته‌شده برای جامعه هنری مفید باشد، افزود: از نظر من در تئاتر استان با این ظرفیت و سابقه درخشان گذشته، جای منتقدان آگاه و دلسوز خالی است.

وی اظهار کرد: اگر نقد به همراه راهکارهای پیشنهادی باشد و به طور جدی به آن پرداخته شود می‌تواند منشأ



تئاتر مازندران؛ هر سال دریغ از پارسال



چراغ تئاتر مازندران روز به روز به کم سویی پیش می‌رود و هر سال دریغ از پارسال می‌شود. جشنواره تئاتر هر استان را می‌توان، بهار نمایش آن استان نام نهاد و پایش آثار راه یافته به بیست و هشتمین جشنواره تئاتر مازندران، افسوس و حسرت را از وضعیت روبه افول هنر تئاتر استان در پی دارد.



علیرضا نوری کجوریان

مازندران ۳۷ گروه ثبت شده نمایشی دارد که در مجموع دو هزار نفر در عرصه تئاتر استان فعال هستند اما از این تعداد گروه‌ها، تنها ۱۴ گروه به دبیرخانه بیست و هشتمین جشنواره استان اثر نمایشی ارسال کردند و این نشان دهنده آن است که حدود ۲۳ گروه به دلایل مختلف از شرکت در این رویداد هنری استقبال نکرده‌اند.

بیست و هشتمین جشنواره تئاتر مازندران در حالی با معرفی گروه‌های برتر به کار خود پایان داد که به اعتقاد برخی از فعالان هنر نمایش، این دوره از جشنواره دارای ضعف و قوت‌هایی بوده است. عسگری وفاپی نژاد که ۲۰ سال کار تئاتر می‌کند و به گفته خودش ۸۰ درصد نمایش‌های بیست و هشتمین دوره جشنواره تئاتر استان را تماشا کرده است، می‌گوید: از بین کارهایی که دیدم، نمایش روی زمین از هنرمندان آمل کار خوبی بوده است و از آن لذت بردم.

● سطح کیفی جشنواره نسبت به پارسال پایین بوده است

وی با بیان اینکه سطح کیفی کارهای امسال نسبت به سال گذشته پایین تر بوده است، ادامه داد: دوست داشتم کارهای زیادی به جشنواره راه می‌یافت و فرصت رقابت برای دیگران نیز فراهم می‌شد.

وفاپی نژاد، مسائل مالی را از مشکلات هنر تئاتر بیان کرد و گفت: قطعاً اگر وضع مالی بهتر بود گروه‌های بیشتری شرکت می‌کردند و بیشترین معضل در حال حاضر حمایت نشدن مالی از هنرمندان است.

وی تبلیغات و حمایت از هنر تئاتر را ضروری برشمرد و گفت: ضعف تبلیغات از دیگر مشکلاتی است که گریبان هنر تئاتر را گرفته و هنرمندان از نظر مادی و معنوی چندان حمایت نمی‌شوند.

محسن فرجی هنرمند تئاتر بهشهری که با نمایش گل خون به کارگردانی مهیار هزارجریبی در جشنواره تئاتر مازندران شرکت کرده است، سطح بیست و هشتمین جشنواره تئاتر استان را خوب توصیف کرد و در عین حال گفت: از مجموع پنج گروه شرکت کننده، دو تا سه گروه سطح کیفی بهتری داشتند و بقیه نتوانستند در سطح جشنواره استانی ظاهر شوند.

وی اظهار داشت: این در حالی است خیلی از گروه‌های که رد شدند که صلاحیت بهتری داشتند و می‌توانستند در جشنواره شرکت کنند و تعداد پنج گروه برای جشنواره کم بود.

سید علی محسن پور دیگر هنرمندی که در جشنواره تئاتر مازندران شرکت کرده است، ضعف در قصه‌پردازی و متون نمایشی از مشکلات تئاتر استان بیان کرد و گفت: در نمایش گل خون سعی شده تا حماسه عاشورا با شیوه نو

نمایش نیز شامل تندیس جشنواره، لوح تقدیر و جایزه نقدی به «مرتضی صادقیان» برای طراحی صحنه نمایش «روی زمین» اهدا شد.

هیئت داوران جایزه‌های اول، دوم و سوم بخش بازیگری زن را به ترتیب به خانم‌ها «مریم شاهنوری» برای بازی در نمایش «روی زمین» از آمل، «سارا یزدانی» برای نمایش «گل خون» از بهشهر و «نگار فلاحتی آملی» برای بازی در نمایش «روی زمین» اهدا کرد.

در بخش بازیگری مرد هیئت داوران با اهداء لوح تقدیر و جایزه نقدی از «علی کشاورزبان» بازیگر نمایش «گل خون» تقدیر کرد. «هورا گل عمویپور» بازیگر نمایش «زنان مهتابی و مرد آفتابی» از بابل و «آیدین حق پناه» بازیگر نمایش «روی زمین» از آمل به‌طور مشترک سوم شدند. «سینا علیپور» برای بازی در نمایش «اگزیتنس» و «امیر گیل» برای بازی در نمایش «روی زمین» مشترکاً دوم شدند و جایزه بازیگر برتر مرد شامل تندیس جشنواره، لوح تقدیر و جایزه نقدی نیز به «علی سعیدیان» بازیگر نمایش «اگزیتنس» اهدا شد. هیئت داوران جایزه متن نمایشی را نیز به دلیل رویکردی نو به نمایش مذهبی به نویسندگانه نمایشنامه «گل خون» اهدا کرد.

در بخش کارگردانی هیئت داوران به دلیل انسجام در کار گروهی و تلاش برای اجرای یک پرفورمنس با اهداء لوح تقدیر و جایزه نقدی از «فاطمه زندی» کارگردان نمایش «گم‌شدن تقریباً قطعی است» تقدیر کرد. در این بخش «مرتضی صادقیان» برای کارگردانی نمایش «روی زمین» تندیس جشنواره، لوح تقدیر و جایزه نقدی نفر نخست را به خود اختصاص داد و «سینا علیپور» برای کارگردانی «اگزیتنس» دوم شد. جایزه سوم کارگردانی نیز به «مهیار هزارجریبی» برای کارگردانی نمایش «گل خون» تعلق گرفت.

بر اساس شیوه‌نامه مرکز هنرهای نمایشی، از جشنواره‌های استانی که در مرحله نهایی آن‌ها کمتر از ۸ اثر حضور داشته باشد، فقط یک اثر به دبیرخانه جشنواره فجر معرفی می‌شود که هیئت داوران نمایش «روی زمین» به کارگردانی «مرتضی صادقیان» از گروه تئاتر ایرانشهر آمل را به‌عنوان اثر برگزیده جشنواره انتخاب کرد.

و بهره‌گیری از فرم به نمایش درآید که در جذب مخاطب مؤثر بوده است.

اغلب کارهای نمایشی تولید شده در استان به دلیل نداشتن قصه مناسب نمی‌توانند با نسل جدید ارتباط برقرار کنند و این از جمله ضعف‌های هنر نمایش به شمار می‌رود. وی یادآور شد: اغلب کارهای نمایشی تولید شده در استان به دلیل نداشتن قصه مناسب نمی‌توانند با نسل جدید ارتباط برقرار کنند و این از جمله ضعف‌های هنر نمایش به شمار می‌رود.

کمیل اندرزگو هنرمند ساری نیز که نمایش‌های بیست و هشتمین جشنواره تئاتر استان را تماشا کرده است می‌گوید: سطح کیفی تئاتر امسال پایین‌تر از سال قبل بود و سال‌های قبل کارها قوی‌تر بود.

وی ادامه می‌دهد: نمایش‌های راه‌یافته از بهشهر و آمل به جشنواره تئاتر خوب بود اما نمی‌دانم پشت پرده چه چیزی است که دیگر آثار خوب تولید شده به جشنواره راه پیدا نکرده‌اند.

این هنرمند تئاتر، کمبود امکانات و بودجه را از چالش‌های همیشگی هنر تئاتر بیان می‌کند و می‌گوید: یک گروه نمایشی برای تولید باید امکانات و سالن مناسب داشته باشد.

وی که عضو گروه نمایش چکمه است به راه‌یابی این گروه به جشنواره بین‌المللی تئاتر مریوان اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: به دلیل نداشتن بودجه برای حضور در این جشنواره دودل هستیم که آیا می‌توانیم برویم یا نه. وی از مسئولان خواست تا برای تئاتر دل بسوزانند زیرا این هنر و هنرمندان نیازمند حمایت آنان است.

طبق آرای هیئت داوران، در بخش طراحی پوستر هیچ اثری شایستگی انتخاب را نداشت. در بخش موسیقی هم هیئت داوران هیچ انتخابی نداشت. اما «پدرام شکری» و «آرمین اسماعیل‌نیا» برای موسیقی نمایش «زنان مهتابی و مرد آفتابی» و «محمدجواد ایزدی» برای نمایش «روی زمین» به‌رهمندی درست و دراماتیک از موسیقی با اهداء لوح تقدیر و جایزه نقدی تقدیر شدند.

در بخش طراحی صحنه هیئت داوران با اهداء لوح تقدیر و جایزه ویژه از طراحان صحنه نمایش «زنان مهتابی و مرد آفتابی» خانم‌ها «فرشته پیاده‌رویی» و «فروغ پیاده‌رویی» تقدیر کرد. جایزه برگزیده طراحی صحنه

۷۵ سال امانتداری لسان الغیب / کتابخانه‌ای به نام حافظ

کتابخانه عمومی حافظیه یکی از معدود مکان‌هایی است که به دلیل مجاورت با یکی از مکان‌های گردشگری و توریستی شهر شیراز دارای بازدیدکننده‌های «غیر عضو» است. گردشگرانی از کشورهای اروپایی و آسیایی که پس از بازدید از آرامگاه سری هم به کتابخانه می‌زنند و خواستار منابع تخصصی و ارزشمند درباره شیراز می‌شوند. این کتابخانه با بهره‌مندی از دو بخش مخزن و مرجع، خدمات خود را به اعضای خود ارائه می‌دهد.

● تشریح دلایل نبود بخش کودک در کتابخانه

مدیر کتابخانه‌های عمومی فارس در پاسخ به گلایه بعضی از اعضا درباره نبود بخش کودک در این کتابخانه، توضیح داد: این کتابخانه، مکانی ادبی است و کودکان زیادی به این مکان نمی‌آیند. در واقع، اغلب پژوهشگران و اعضای ما نیز افراد بزرگسالند که برای مطالعه، تحقیق و پژوهش به کتابخانه می‌آیند. از سویی ساختار بنای آرامگاه حافظ نیز این اجازه را نمی‌دهد که بخشی برای کودکان کتابدوست در این بنا گنجانده شود.

ابراهیمی خاطرنشان کرد: در این میان، نیازی به ایجاد بخش کودک احساس نکرده‌ایم اما اگر برخی اعضا از این موضوع گلایه دارند، می‌توانیم درباره ظرفیت و امکان ایجاد این بخش تعامل و رایزنی داشته باشیم.

وی درباره افزایش ساعت کار این کتابخانه نیز، تاکید کرد: به دلیل محدودیت‌های بسیاری که وجود دارد، امکان افزایش ساعت کار کتابخانه فراهم نیست و ما می‌توانیم خدمات خود را در دو سالن مطالعه آقایان و بانوان و به صورت قفسه باز هر روز از ساعت ۸ تا ۱۹ (به غیر از جمعه‌ها) به اعضا ارائه دهیم.

نسخه‌های نفیس چاپ خطی و سنگی دیوان حافظ در کتابخانه حافظیه شیراز کم نیست. گرچه منابع و نسخه‌های چاپ سنگی و خطی در کتابخانه‌های عمومی نیازمند توجه متخصصان اهل فن است. در کتابخانه حافظیه بیش از ۱۰۰ نسخه کتاب حافظ کپی، چاپ خطی و سنگی و تعدادی کتب قدیمی از گلستان و بوستان سعدی نگهداری می‌شود که مورد توجه محققین و گردشگران است. گرچه این نسخه‌های ارزشمند مورد صحافی قرار گرفته است ولی جایز است این منابع نایب و ارزشمند، به صورت کارشناسانه مورد بررسی و آسیب‌زدایی قرار گیرد تا امکان دوام و ماندگاری بیشتر آنها فراهم شود.

در کنار این امکانات، کتابخانه آرامگاه حافظ همواره از سوی دوستداران لسان الغیب برای اهدای نسخه‌ها و آثار هنری جای مناسبی است که هر از چندی هنرمندان و فرهیختگان آثاری در این زمینه به این مکان اهدا می‌کنند.



مورد اشاره قرار داد و گفت: در کتابخانه حافظیه افزون بر نسخ انگلیسی، آثاری به زبان‌های روسی، فرانسوی، اسپانیولی، ایتالیایی و عربی قرار دارد که می‌تواند کمک شایانی در شناخت حافظ به این گردشگران در پی داشته باشد.

در کتابخانه حافظیه افزون بر نسخ انگلیسی آثاری به زبان‌های روسی، فرانسوی، اسپانیولی، ایتالیایی و عربی قرار دارد که می‌تواند کمک شایانی در شناخت حافظ به این گردشگران در پی داشته باشد. اعضای این کتابخانه اغلب از محیط آرام و بی‌دغدغه کتابخانه حافظیه برای مطالعه بهره می‌جویند. فعالیت این کتابخانه ساعت ۱۹ به پایان می‌رسد، در حالی که بسیاری مایلند تا ساعت ۲۱ در این مکان حضور داشته باشند.

در کتابخانه حافظیه افزون بر نسخ انگلیسی آثاری به زبان‌های روسی، فرانسوی، اسپانیولی، ایتالیایی و عربی قرار دارد که می‌تواند کمک شایانی در شناخت حافظ به گردشگران داشته باشد. اکنون برخی کتابخانه‌ها سه شیفته فعالیت می‌کنند. بدین منظور اگر شرایطی ایجاد شود که بتوان از فضای این کتابخانه برای زمان بیشتری استفاده کرد خواسته بسیاری از علاقمندان نسخ دیرین نیز فراهم می‌شود. زیرا، کتابخانه‌هایی که از منابع غنی و ارزشمند برخوردار باشند، باید زمان بیشتر و مناسب‌تری را در اختیار اعضا برای استفاده بهتر و مناسب‌تر قرار دهند.



کتابخانه عمومی آرامگاه حافظ پس از گذشت بیش از ۷۵ سال، در زمره کتابخانه‌های تخصصی شیراز قرار دارد تا لسان الغیب روزانه میزبان پژوهشگران و حافظ پژوهان متعدد باشد.



محمدحسین نیکوبور

در ضلع شمالی آرامگاه حافظ فضایی قرار گرفته که محل رجوع بسیاری از پژوهشگران و محققان است. کتابخانه حافظیه با ده‌ها عنوان کتاب فضایی ایجاد کرده که در یک محیط ادبی ناب به تحقیق و پژوهش در منابع بپردازند.

کتابخانه عمومی حافظیه (معروف به مقبره قاسم خان والی شیراز) واقع در آرامگاه حافظ نخستین بار در سال ۱۳۲۹ با اهدای کتاب از سوی کتابخانه ملی به دستور اداره آموزش و پرورش شکل گرفت. با اهدای مجموعه کتب شخصی کتابخانه رونق بیشتری گرفت به گونه‌ای که از سال ۱۳۷۵ به مرکز پژوهشی سعدی شناسی و حافظ شناسی تبدیل شد. اکنون بیش از ۱۷ هزار نسخه کتاب موجودی کتابخانه است. کتابخانه حافظیه با توجه به تاریخچه‌ای طولانی با انتقال کتبی از کتابخانه ملی و اهدای مجموعه‌های شخصی افراد اهل فضل و ادب شکل گرفته است.

کتابخانه عمومی حافظیه واقع در آرامگاه حافظ نخستین بار در سال ۱۳۲۹ با اهدای کتاب از سوی کتابخانه ملی به دستور اداره آموزش و پرورش شکل گرفت کتابخانه عمومی حافظیه واقع در آرامگاه حافظ نخستین بار در سال ۱۳۲۹ با اهدای کتاب از سوی کتابخانه ملی به دستور اداره آموزش و پرورش شکل گرفت کتابخانه‌ای در ضلع شمالی آرامگاه حافظ که سال ۱۳۱۶ خورشیدی همزمان با عملیات مرمت و نوسازی حافظیه احداث شد اما فعالیت خود را آغاز نکرد و به فاصله ۱۳ سال بعد فعالیت رسمی خود را آغاز کرد.

کتابخانه عمومی حافظیه با زیربنای ۳۱۴ مترمربع و با کسب درجه هفت در شهر شیراز فعالیت می‌کند. ورودی این کتابخانه با دو چوبی و شیشه‌های رنگارنگ مزین شده با چهار پله از جنس دیوارهای کاه‌گلی حیاط آرامگاه است. حجم گسترده‌ای از کتاب‌های کوچک و بزرگ در فضای داخلی کتابخانه‌ای که اگرچه مساحت زیادی ندارد، پذیرای علاقمندان به لسان الغیب و حافظ پژوهان است. بیستم مهر ماه مصادف با یادروز حافظ بهانه‌ای شد تا این کتابخانه فاخر فرهنگی برای حافظ دوستان معرفی شود.

● کتابخانه‌ای با جاذبه توریستی در پیوند با این کتابخانه مدیرکل کتابخانه

های عمومی فارس، تعداد اعضای این مجموعه را ۶۰۰ نفر اعلام کرد و گفت: به دلیل جاذبه توریستی و مجاورت با آرامگاه حافظ این کتابخانه پذیرای محققان و اهالی شعر و ادب بسیاری است.

سعیده ابراهیمی که تاکید بسیاری بر تجهیز کتابخانه‌های تخصصی دارد، ابراز کرد: در این کتابخانه دست کم ۱۶ هزار و ۸۶۴ نسخه کتاب قرار دارد و به ۶۰۰ نفر از اعضای این کتابخانه خدمات ارائه می‌شود. وی با بیان این که روزانه حدود ۲۰۰ نفر به این کتابخانه مراجعه می‌کنند، بیان کرد: عده‌ای نیز نمی‌دانند اینجا کتابخانه است و فکر می‌کنند که کتابفروشی است اما کمی بعد متوجه می‌شوند که اشتباهی آمده‌اند، چون دقیقاً یک کتابفروشی نیز در مجاورت کتابخانه حافظیه قرار دارد.

او از تعمیر و بهسازی این کتابخانه با اعتبار ۴۰۰ میلیون ریالی نیز خبر داد و تصریح کرد: با اتفاقاتی که سال جاری قرار است بیفتد وضعیت این کتابخانه نیز با رشد تعداد اعضا و کتاب نیز همراه می‌شود. کتابخانه حافظیه در داشتن نسخ بسیاری در حوزه ادبیات کلاسیک ایران با رویکرد حافظ و دیگر حوزه‌های ادبی این امکان را فراهم کرده که اهل اندیشه و فرهنگ در این کتابخانه با گوشه‌ها و زوایای ادبیات ایران آشنا شوند.

در عین حال مدیر کتابخانه‌های عمومی فارس امکانات این کتابخانه برای گردشگران خارجی را

سرنوشت مبهم ۴ پروژه فرهنگی اردبیل / طرح‌هایی که قبل از تولد مُردند



ونوس بهنود

کمبود سالن‌های تخصصی فرهنگی در اردبیل، در حالی به دغدغه جدی تبدیل شده که چهار پروژه شاخص عمرانی- فرهنگی آن نیمه تمام است، طرح‌هایی که به نظر می‌رسد دلسوزی برای تکمیل آنها وجود ندارد.



گفته می‌شود اولویت برنامه‌ریزی می‌بایست با توجه به مهم‌ترین نیاز شهروندان یک شهر صورت گیرد. بیش از یک دهه است که رسانه‌ها از یک سو و کارشناسان از سوی دیگر اولویت بخش فرهنگی اردبیل را زیرساخت ساختمان و فضا عنوان می‌کنند و هر چند پروژه‌هایی به پاس این تأکیدات آغاز شده، اما در عمل همگی رنگ و بوی بی‌توجهی به خود گرفته و به حال خود رها شده است.

مسئولانی که تا دیروز فرهنگ را اولویت برنامه‌ریزی خود می‌دانستند، امروز در مقابل پروژه‌های فرهنگی حرفی برای گفتن ندارند و به بهانه‌های مختلف که مهم‌ترین آن کمبود اعتبار است، تکمیل پروژه‌ها را به تأخیر می‌اندازند.

اما بررسی خبرگزاری مهر در خصوص هر یک از این چهار پروژه نشان می‌دهد راهکارهای عملیاتی مورد غفلت است و مدیران متولی به حدی دچار ایده‌های روزمره هستند که توجهی به این راهکارها نشان نمی‌دهد.

با هم چهار پروژه شاخص فرهنگی اردبیل را مرور می‌کنیم.

● تالار شهر اردبیل مظهر تدابیر شعارزده

تمامی مناسبتهای فرهنگی شهر اردبیل به عنوان مرکز استان با نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر جمعیت در سه سالن تخصصی و غیرتخصصی برگزار می‌شود. مجتمع فرهنگی هنری فدک با ظرفیت تقریبی ۵۰۰ نفر، سالن ولایت با ظرفیت تقریبی ۴۰۰ نفر و سالن ورزشی رضازاده که صرفاً فضای ورزشی بوده و کاربری فرهنگی ندارد اما از سر ناچاری و در حالی که امکانات لازم را برای اجرای برنامه‌های فرهنگی را ندارد میزبان برنامه‌ها به ویژه همایش‌های بزرگ و جشنواره‌ها است.

این کمبود موجب شده از چند سال قبل زرمه‌های ضرورت احداث سالن‌های با ظرفیت بزرگ‌تر مطرح شود.

هر چند پروژه‌های نیمه‌تمامی که ذکر آن خواهد رفت در ظرفیت‌های مشابه احداث می‌شود و علامت سؤال بزرگی در مقابل تدبیر مسئولان گذارده است، اما وضعیت همین پروژه‌های نیمه‌تمام نیز چندان مطلوب نیست.

در سال ۹۰ کلنگ تالار شهر اردبیل به عنوان مصوبه دولت با فرازوفرودهای مالی در جنب نمایشگاه دائمی اردبیل به زمین زده شد. این پروژه قرار بود از محل اعتبارات ملی و استانی تکمیل شود.

چهار سال زمان سپری شد که البته پروژه تالار شهر در همان ابتدا بلمپ و به کم‌رفت، اما در نهایت اجرای خود را از سر گرفت. این تالار که ویژگی‌های منحصر به فردی داشت یکی از پروژه‌های شاخص فرهنگی اردبیل محسوب می‌شود، پروژه‌ای که با تأخیر غیرقابل توجیه مواجه شده که البته علت اصلی تأخیر در اجرای این پروژه از سوی مدیرکل ارشاد اسلامی استان اردبیل کمبود مالی عنوان می‌شود.

این اظهارات در حالی مطرح شده که در سال گذشته

● سالن حوزه هنری پیش از تولد تخریب را آغاز کرد

پروژه دیگری که به سرنوشت بدتر از تالار شهر گرفتار شده، سالن اجتماعات حوزه هنری استان اردبیل است. ساختمان حوزه هنری که خود به سختی و با تأخیر زمانی و اشکالات فنی متعدد تکمیل شد، در محوطه پشتی خود خروارها تیر آهن و میلگرد رها شده دارد که قرار بود زمانی به محفل گرم برنامه‌های فرهنگی تبدیل شود.

این سالن که در سال ۸۲ به همراه ساختمان حوزه هنری اردبیل کلنگ زنی شد بار دیگر روی ظرفیت ۵۵۰ نفر متوقف ماند و به تعبیر مدیرکل حوزه هنری استان اردبیل می‌توانست فرصت فراختری برای برنامه‌های فرهنگی اردبیل فراهم سازد.

دولت تدبیر و امید در ابتدای آغاز به کار خود وعده‌هایی برای تکمیل این سالن مطرح کرد اما سال‌ها سپری شد و به نتیجه نرسید.

مدیرکل حوزه هنری استان اردبیل در این خصوص گفت: این پروژه تنها به ۱۰ میلیارد ریال اعتبار در سال گذشته نیاز داشت و تکمیل آن ۲۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد اما تأمین نکردند.

امیر رجبی تصریح کرد: تاکنون تمامی مصالحی که برای پروژه خریداری شده به حال خود رها شده و دچار فرسایش تدریجی است بطوریکه این پروژه تاکنون نتوانسته راه به جایی ببرد.

در چنین شرایطی رئیس سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت استان اولویت اول تکمیل پروژه‌های عمرانی در دولت یازدهم را طرح‌هایی با بیش از ۸۰ درصد پیشرفت و در اولویت دوم پروژه‌های اشتغال‌زا دانست.

با تعبیر شایقی می‌توان به واقع مشاهده کرد که سالن حوزه هنری نه تنها اولویت ندارد بلکه سرنوشت مبهمی را نیز متحمل شده و مشخص نیست تکلیف هزینه‌ای که از بیت‌المال برای کلنگ زنی

جذب ۱۰۰ درصدی اعتبارات عمرانی اردبیل فرقی به حال تالار شهر نداشت و به نظر می‌رسد برای جذب اعتبارات ملی نیز حتی سفر وزیر ارشاد اسلامی و بازدید شخص وی در عمل رقمی عاید تالار شهر نکرده است.

در سال گذشته جذب ۱۰۰ درصدی اعتبارات عمرانی اردبیل فرقی به حال تالار شهر نداشت بطوریکه مسئولان استانی صرفاً با راه‌اندازی یک سفر و پوشش گسترده خبری پوشه‌های عملکردی خود را پر بارتر کردند و تالار شهر هنوز به صورت قطره‌چکانی آجر روی آجر می‌گذارد.

سید ناصر اسحاقی در این خصوص گفت: برآورد اولیه اعتباری برای تکمیل این پروژه که در ۱۳ هزار مترمربع احداث و دارای سه سالن موسیقی و تئاتر و ظرفیت ۵۰۰ نفری است، در ابتدا ۱۸۰ میلیارد ریال بود اما تأخیرها موجب شد این رقم به ۳۰۰ میلیارد ریال برسد.

هر چند در مقطعی به تکرار ظرفیت سالن‌های فرهنگی هنری اردبیل در این پروژه انتقاد شد، اما نقشه تالار شهر تغییر نیافت و سفر وزیر ارشاد در حد وعده حمایت از تالار به جای خود باقی مانده است.

در این سفر وزیر ارشاد از واگذاری پروژه‌های عمرانی با پیشرفت ۲۰ درصد به بخش خصوصی خبر داد. در واقع توب‌بازی سهم زمین بخش خصوصی شد و دست تالار شهر به بهانه کمبودهای مالی دولت خالی ماند.

اما سؤال اینجا است که برای تکمیل این پروژه تاکنون با چند سرمایه‌گذار و یا خیر مذاکره شده است. در بازدیدهای میدانی به مسئولان وزارت ارشاد عنوان شد که سرمایه‌گذار راغب به سرمایه‌گذاری در این پروژه نیست و مواععی وجود دارد.

در عین حال رئیس داود شایقی سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت استان اردبیل در خصوص تأمین منابع مالی این پروژه گفت: البته این پروژه ۹۰ میلیارد ریال اعتبار دارد اما اعتبار اصلی آن ملی است و باید از اعتبارات ملی تأمین مالی شود.



شهردار اردبیل می گوید ما با وجود محدودیت مالی بیش از درآمد پروژه اجرا می کنیم و تا حد امکان اجازه ندادیم پروژه های متوقف شود.

لطف اللهیان تصریح کرد: در خود شهر اردبیل خیرین اقدامات خیریه متعددی دارند که برای توسعه فرهنگ شهر اردبیل هم که شده بخشی از کمک ها می تواند برای تکمیل پروژه های فرهنگی صرف شود.

● کتابخانه مرکزی و تجربه سالی پادروا

یکی دیگر از پروژه های فرهنگی نیمه تمام در استان اردبیل سالن اجتماعات کتابخانه مرکزی اردبیل است. برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ اردبیل کتابخانه مرکزی خود را در ۱۰ هزار مترمربع تجربه کرد. مجموعه ای که به لحاظ مؤلفه های عمرانی قرار بود در حوزه فرهنگ سازی اردبیل تحولات شاخصی را بر جای بگذارد. این مجموعه با وجود تمامی تنگناهای مالی که گویی دم دستی ترین علت تأخیر پروژه های عمرانی اردبیل است به فرجام نسبی رسید.

سالن اجتماعات این مجموعه سال ها است تکمیل نشده و مدیرکل امور کتابخانه های عمومی استان میزان اعتبار مورد نیاز جهت تکمیل را فقط و فقط ۱۰ میلیارد ریال عنوان کرده است.

رباب عزیزخوانی تصریح کرد: این سالن ظرفیت نزدیک به ۵۰۰ نفر را دارا است و به دلیل کمبود فضاهای فرهنگی تکمیل آن را تأکید داریم.

این تأکیدات البته راه به جایی نبرده و رئیس سازمان برنامه ریزی و مدیریت استان متذکر شد: باید از محل اعتبارات ملی برای این پروژه اعتبار جذب شود. در عین حال انجمن های خیریه مرتبط با امر کتاب و کتابخوانی نیز تاکنون توانسته اند دست خیرین را در تکمیل این سالن بند کنند.

پژوهش های متعددی از دلایل بروز آسیب های رفتاری فردی و اجتماعی در استان اردبیل انجام شده که اکثر این تحقیقات دو علت اصلی را برای آن بازگو کرده اند. بیکاری و عدم توسعه مطلوب فرهنگی دو دلیلی که نه تنها در تحقیقات انجام شده بلکه در تعبیرات مسئولان قضایی و بهزیستی استان نیز بارها به آن تأکید شده است.

نیاید فراموش کرد که در این شرایط هزینه ناچیز در توسعه زیرساخت های فرهنگی با چند ۱۰ برابر افزایش، در مدیریت آسیب ها صرف می شود. این در حالی است که گاهی تأثیر یک موسیقی فاخر و یک نمایش کیفی می تواند سرنوشته و دیدگاه یک انسان را متحول سازد و چه بسا وی را از بسیاری از رفتارهای آسیب هازا و هنجارشکنی ها به دور نگاه دارد.

اردبیل محسوب می شود به دلیل مسائلی که شهردار اردبیل آن را فنی تعبیر کرد، با تأخیر در آغاز عملیات بهسازی همراه بوده و طی ماه های اخیر به یکی از گله مندی های اعضای شورای شهر تبدیل شده است.

بطوریکه از جمله سؤالات اعضای شورای شهر و تذکرات به وی موضوع تأخیر در بهسازی این سالن بود که شهردار اردبیل ضرورت تعریض پیرامون آن را دلیل تأخیر عنوان کرد.

از سویی در وضعیتی که دست شهرداری اردبیل خالی است احداث حداقل یک فرهنگسرا در هر منطقه از شهرداری اردبیل هنوز کلید نخورده است.

تتها ۱۰ درصد از اعتبارات عمرانی استانی و مابقی ملی است و لازم است مدیران استانی برای جذب اعتبار ملی پروژه ها اقدام کنند. رئیس سازمان برنامه ریزی و مدیریت استان اردبیل در این زمینه نیز تأکید کرد: هر چند بر اساس قانون می توان برای تکمیل فرهنگسراها از استان اعتبار اختصاص داد اما دست ما خالی است.

شایقی تصریح کرد: تنها ۱۰ درصد از اعتبارات عمرانی استانی و مابقی ملی است و لازم است مدیران استانی برای جذب اعتبار ملی پروژه ها اقدام کنند.

اما در وضعیتی که شهرداری با درآمد خود خدمات شهری ارائه داده و پروژه اجرا می کند، به نظر می رسد لازم است ظرفیت های قانونی حمایت بخش دولتی از مجموعه شهرداری اردبیل و سایر شهرداری های استان کمی پر رونق تر باشد.

این پروژه صرف شده، چه خواهد شد.

● دست خالی شهرداری در تجهیز و توسعه فرهنگسراها

نه تنها اعتبار ملی سالن حوزه هنری پیگیری نشده و هیچ خیرری حاضر به مشارکت در ساخت نبوده بلکه وضعیت مالی حوزه هنری موجب شده است که برای تکمیل از شهرداری اردبیل مدد بجوید.

این در حالی است که حمید لطف اللهیان شهردار اردبیل گفت: درآمد ما بسیار کمتر از پیش بینی محقق شده و اگر تأخیری در اجرای یک پروژه داریم به کمبودهای مالی و یا مشکلات فنی برمی گردد.

علاوه بر این احداث هفت فرهنگسرا در اردبیل یکی از تیرهای تبلیغی شورای شهر اردبیل طی ماه های اخیر و در سال پایانی عمر شورا در حالی طرح شده که شهرداری اردبیل هنوز در بهسازی فرهنگسرای سوم خرداد اقدام قابل توجهی ترتیب نداده است.

فرهنگسرای سوم خرداد به گفته مدیر منطقه یک شهرداری اردبیل بیش از ۵۰ سال قدمت دارد و ساختمان فعلی در ۱۳۷۷ تأسیس شده است.

سازمان ایشوند تصریح کرد: به دلیل محدودیت های مالی پروژه های عمرانی مهم اولویت بندی شده و در این میان تخریب و بازسازی فرهنگسرای سوم خرداد نیز در اولویت قرار گرفته است.

این فرهنگسرا که یکی از سالن های فرهنگی با سابقه شهر



کیفیت جشنواره تئاتر خوزستان هر سال دریغ از پارسال

● کمبود سالن مناسب تئاتر در اهواز

قائم مقام دبیر بیست و هشتمین جشنواره تئاتر خوزستان در خصوص تاخیرهای یک ساعته و گاه بیشتر در اجرای نمایش ها توضیح می دهد: تا زمانی که کارگردان نمایش اجازه ورود تماشاگران را ندهد ستاد اجرایی نیز نمی تواند بر طبق جدول زمانبندی عمل کنند که این تاخیر از سوی کارگردان ها و گروه های نمایشی نیز به زمان و شرایط دکوربندی و اجرای جنرال گروه ها بستگی دارد.

«حسین محمدی» ادامه می دهد: در خصوص جابه جایی مکان اجراها باید گفت انتقال اجرای نمایش از تالار آینه به آفتاب به دلیل بعد مسافت تالار آینه و به منظور آسایش و رفاه حال تماشاگران صورت گرفت و همچنین دلیل جابه جایی اجرای پلاتو و سالن تالار آفتاب در روز اول هم به دلیل کثرت جمعیتی بود که در مراسم افتتاحیه حضور داشتند و اگر نمایش پلاتو اول اجرا می شد امکان حضور همه تماشاگران در ظرفیت پایین پلاتو فراهم نمی شد که باز هم باید گفت یکی از دلایل اصلی مشکلات این جشنواره و جشنواره های دیگر به کمبود و یا حتی نبود سالن های تئاتر مناسب و امکانات اجرایی دیگر مانند پلاتوهایی با ظرفیت بالا در اهواز برمی گردد.

به نظر می رسد تئاتر استان خوزستان هر چه بیشتر به جلو گام برمی دارد بیشتر به مدیریتی اصولی و حرفه ای نیاز پیدا می کند تا شاید اصول حرفه ای جای خود را به باندبازی و انحصارطلبی گروهی بدهد تا دیگر در زمان برگزاری جشنواره ها شاهد برخی رفتارهای غیرحرفه ای از سوی گروه های اجرایی و متولیان برگزاری جشنواره ها نباشیم.

همچنین باید به دنبال جواب این سوال بود که چه چیز و چه شرایطی باعث می شود که کسانی که سال ها خاک صحنه تئاتر استان را خورده اند پس از مدتی از صحنه تئاتر کنسار می روند و نه تنها در جشنواره ها بلکه گاهها دیگر در هیچ عرصه ای از تئاتر استان دیده نمی شوند، کارگردانان و گروه هایی که در جشنواره های گذشته نه تنها در استان بلکه در سطح منطقه ای و فوج هم حرف هایی برای گفتن داشتند و مقام هایی را نیز کسب کرده بودند.

و دیگر اینکه جای خالی پیشکسوتانی است که سالها برای اعتلای تئاتر استان زحمت کشیدند و شاید استفاده از تجربیات آنها بتواند راه پیشرفت را برای این هنر پویا ولی درجازه استان باز کند.



تجربه تئاتر اهواز نیز در خصوص کیفیت کارهای راه یافته به جشنواره بیان می کند: کارهای اجرا شده از نظر نقد و بررسی های انجام شده و نظر تماشاگران کارهای ضعیفی بوده به جز یکی دو کار که آن هم می توان گفت نسبت به دیگر نمایش های اجرا شده در جشنواره نسبتا خوب بودند.

«خدیدجه بادی» همچنین در رابطه با کیفیت اجرایی جشنواره می گوید: جشنواره نسبت به سال گذشته که جشنواره تئاتر استانی به شکل غیرمتمرکز برگزار شد، بهتر بوده اما در کل از کیفیت اجرایی ضعیفی برخوردار است. به جرات می توان گفت هیچگونه پیشرفتی در وضعیت تئاتر خوزستان دیده و احساس نشده است.

وی، یکی از دلایل ضعیف بودن جشنواره های اخیر و به خصوص امسال را حضور نداشتن گروه های باتجربه و کارگردان های قدر استان در میدان رقابت عنوان کرد که به علت اینکه از سوی مدیریت اجرایی تئاتر استان و جشنواره ها در دوره های گذشته مورد بی مهری قرار گرفتند، دیگر تمایلی برای شرکت در جشنواره های استان نداشته و بیشتر به اجرای عموم سوق پیدا کرده اند.

جابه جایی مکان و زمان اجراها، شروع با تاخیر حتی بیش از یک ساعته نمایش ها، ورود بی نظم و غیرحرفه ای تماشاگران به خصوص در اجراهای پلاتویی که نیم ساعت قبل از شروع کارگردان ها و مسئولان اجرایی تماشاگران خاص خود را در می گیرند و در زمان شروع نمایش اعلام می کردند ظرفیت تکمیل شده و جایی برای آن همه تماشاگری که ساعتها در گرمای طاقت فرسای اهواز در صف در انتظار ورود ایستاده بوده اند، نیست و ایرادهایی دیگر همه از نقاط ضعف برگزاری جشنواره است که نه تنها امسال بلکه هر ساله جزو دغدغه های هنرمندان و هنردوستان استان بوده و هست.

جشنواره تئاتر استان

تأثر حیاتی

خوزستان امسال هم

با شرایطی آغاز به

کار کرد که بار دیگر امید هنرمندان

و هنردوستان استان را نسبت به

برگزاری بهتر آن نسبت به سال های

گذشته نقش بر آب کرد.

تغییر مدیریت انجمن نمایش استان و همچنین شهرستان اهواز چند ماه قبل از برگزاری بیست و هشتمین جشنواره تئاتر استانی خوزستان، این امید را در دل تئاتری های استان روشن کرده بود که شاید جشنواره امسال بتواند با ارائه شرایط کمی و کیفی بهتر، بار دیگر رونق و کیفیت سال های دور خود را باز یابد و حتی بهتر از همیشه و گذشته خود برگزار شود اما متأسفانه با نگاهی اجمالی از روز اول تا به امروز برگزاری جشنواره و بررسی شرایط و شنیدن صحبت های هنرمندان و تماشاگران چیزی غیر از آنچه تصور می رفت، مشاهده شد.

● ارائه کارهای تکراری

«بهمن تقی پور» یکی از بازیگران و کارگردان های اهواز در خصوص شرایط کیفی و کمی جشنواره امسال می گوید: جشنواره امسال با توجه به موقعیت زمانی آن، وقت مناسبی بود تا کارهای فاخری را در آن شاهد باشیم اما متأسفانه کارهای ارائه شده به لحاظ کیفیت در سطح بسیار بسیار پایین و غیرقابل تحمیلی قرار داشتند به طوری که بعد از دیدن هر نمایش احساس می کردیم کاری دانش آموزی را شاهد بودیم که البته این نه تنها نظر بنده بلکه نظر بسیاری از تماشاگرانی بود که ساعتها وقت خود را به تماشای کارها اختصاص داده بودند.

وی می افزاید: متأسفانه طبق برنامه ریزی انجام شده در جدول زمانی و مکانی جشنواره، بیشتر کارها سر ساعت اجرا نمی شد و یا اینکه با تغییر مکان اجراها روبرو می شدیم که خیلی از دوستان نتوانستند کارها را ببینند که این امر به نبود هماهنگی مسئولان جشنواره برمی گردد.

این هنرمند خوزستانی اظهار می کند: با تأسف باید گفت در یکی دو مورد از کارها مشاهده کردیم کارهایی به جشنواره راه پیدا کرده که در دیگر جشنواره ها با عناوین مختلف شرکت داشته اند و فقط نام اثر تغییر یافته بود به طور مثال یکی از نمایش ها در گذشته (از سال ۸۸ تا ۹۵) در جشنواره های مختلفی مانند جشنواره نمایش

کوتاه رامهرمز، طنز آغاچاری و جشنواره تئاتر دانشجویی شرکت کرده بود و امسال نیز با نامی جدید در جشنواره استانی حضور یافته بود که ای کاش دوستان هیئت بازبین بر این مساله بیشتر واقف بودند.

تقی پور ادامه می دهد: بعضا مشاهده شد کارهایی که مورد بازبینی قرار گرفته بودند کارهای به نسبت قوی تر بودند و اینجا این سوال پیش می آید که چه چیز باعث شد که کارهایی این چنین ضعیف در جشنواره پذیرفته شوند. با همه این تفاسیر امیدواریم که نمایش های اهوازی راه یافته به جشنواره کارهای فاخر و قوی ای باشند و خروجی این جشنواره از کارهای اهواز باشد.

باید گفت تا زمانی که شرایطی غیرحرفه ای و غیراصولی بر مدیریت اجرایی تئاتر استان و برگزاری جشنواره ها حاکمیت داشته باشد به هیچ وجه نمی توان شاهد پیشرفتی در روند کیفی و کمی برگزاری و شرایط اجرایی چنین جشنواره ها و حتی اجراهای عموم تئاتر در استان بود.

انحصار مدیریت اجرایی جشنواره های استان در دست عده ای خاص، نبود نظارت کافی از سوی متولیان فرهنگی استان، بی تفاوتی مدیران ارشد استانی همچون استانداری نسبت به اجرای برنامه های فرهنگی و هنری و برگزاری جشنواره هایی مانند جشنواره استانی تئاتر خوزستان، نداشتن برنامه ریزی صحیح از سوی مدیران تئاتری استان و مرکز استان که بتوانند با برنامه ای صحیح و دقیق نظارت و کنترل ریزبینانه بر تمامی مراحل برگزاری جشنواره داشته باشند و بسیاری شرایط دیگر همه و همه سبب می شود تا جشنواره های تئاتر استان هر سال بی کیفیت تر، ضعیف تر و بی محتوا تر از سال های گذشته اجرا شوند.

● جای خالی کارگردانان و گروه های قدر تئاتر

یکی از بانوان هنرمند و بازیگران با

■ روح اصفهان با هنر آمیختگی جدایی‌ناپذیری دارد به گونه‌ای که هر گوشه از این دیار کهن، نشانی از نقش سرانگشتان هنرمندان اصفهانی می‌توان یافت .

■ هنوز زیبایی های این عمارت چشمگیر است. بنای اصلی از آجر ساخته شده و دارای دو اشکوبه است، گچ بری های نفیس روی دیوارها، گره چینی های بکار رفته در ارسی ها و درب های طاقی شکل و شیشه های رنگی، تزیینات سرستونها و سرشیرها و جان پناه ایوان، نقاشی های دیواری که زیر پوشش گچی خودنمایی می کند و شومینه ای که به سردی گراییده است.

■ مدتی کوتاه منتظر ماندم و در گشوده شد، مقابل چشمانم فضایی تاریک بود، از دو پله که آن‌ها هم خشتی بود، پایین رفتم، دو پله دیگر در سمت راست و این بار وارد فضای «هشتی» شدم، جایی شبیه اتاقکی چهار پنجمتری، با سقفی بلند و گنبدی شکل و تزیینات زیبایی در سقف، با عبور از این اتاقک یا همان هشتی که انگار هشت ضلعی نیز به نظر می‌رسید، وارد حیاط شدم.

■ کشف «دستکند میکال» سازه ای منتسب به دوران اشکانی، برگ جدیدی از تاریخ منطقه سیاهکل و روستای میکال گشوده و افقی نو در باستان شناسی پیش روی پژوهشگران این حوزه گذاشته است.

میراث ایران



«دستکند میکال» برگ جدیدی از تاریخ سیاهکل / عمق تونل اشکانی مشخص نیست

کشف «دستکند میکال» سازه‌ای منتسب به دوران اشکانی، برگ جدیدی از تاریخ منطقه سیاهکل و روستای میکال گشوده و افقی نو در باستان‌شناسی پیش روی پژوهشگران این حوزه گذاشته است.



شیرمحمدی



مریم قاضی زاده



«میکال» دهی از دهستان میکال بخش سیاهکل است که این روزها نامش به واسطه کشف دستکندی با قدمت منتسب به دوره اشکانیان، سر خط خبرها قرار گرفته است. هر چند بر اساس گفته‌ها، ساکنان این منطقه از وجود این تونل از دهه ۴۰ خورشیدی خبر داشته‌اند و یک بار هم در سال ۱۳۸۳ در زمان بررسی‌هایی که در منطقه سیاهکل انجام می‌شده، این دستکند کشف شده اما مسدود بودن دهانه آن تا به امروز باعث شده بود که باستان‌شناسان از وجود چنین دستکندی اطلاعات کافی و محکمی نداشته باشند. در نهایت طی هفته‌های گذشته، ریزش حفره ورودی این تونل، خبر از کشف سازه‌ای مربوط به دوره اشکانیان داد و برگ جدیدی از تاریخ منطقه سیاهکل و روستای میکال گشود.

روستای میکال که تا پیش از این با سه اثر تاریخی ملی به ثبت رسیده گورستان‌های باستانی «گون کر» و «قزوین صحرا» با شماره ثبت ۲۱۵۴۳ و ۲۱۵۴۴ (متعلق به هزاری یک قبل از میلاد) و گورستان «سنگ سان» با شماره ثبت ۲۰۶۱۰ متعلق به دوره اشکانی یکی از مناطق باستانی در شرق گیلان محسوب می‌شد، حالا با کشف این دستکند به منطقه‌ای ویژه تبدیل شده و میراث دار تاریخی کهن است.

● سازه‌ای منحصر به فرد مربوط به دوره اشکانی

طی هفته‌های گذشته انتشار خبر کشف این دستکند در رسانه‌ها، اخبار ضد و نقیضی مبنی بر کشف عتیقه و گورستان در داخل این سازه و حریم روستای میکال را به دنبال داشت اما رئیس مرکز باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی گیلان توضیح می‌دهد: هیأت باستان‌شناسی گیلان به منظور ثبت این تونل دستکند در فهرست بناهای میراثی کشور و برای مستندسازی و نقشه برداری ۲ روز داخل این تونل را بررسی کرده است.

ولی جهانی می‌افزاید: این کاوش اولیه به منظور مستندسازی و اخذ مجوز حفاری‌های باستان‌شناسی بعدی از سازمان میراث فرهنگی کشور صورت گرفته و در صورت ارائه مجوز، میراث فرهنگی گیلان می‌تواند به طور جدی و با یک هیأت باستان‌شناسی قوی، کار ادامه حفاری و مطالعات پژوهشی در این دستکند را دنبال کند.

وی درباره قدمت این دستکند توضیح می‌دهد: این تونل دستکند در کل گیلان منحصر به فرد بوده و از روی شواهد موجود می‌توان فهمید که متعلق به دوره اشکانی است و البته در دوره اسلامی هم کاربرد داشته است.

جهانی ادامه می‌دهد: از روی معماری طاق مانند و برخی شواهد دیگر گمانه زنی در این باره که دستکند میکال همراهه آیین میترا بوده؛ قابل بررسی است.

این باستان‌شناس به حفاری‌های غیرمجازی که در سال‌های گذشته موجب مسدود شدن دهانه این دستکند شده اشاره کرده و می‌افزاید: سال‌های بسیار دور و بر اثر حفاری‌های غیر مجاز، دهانه این مخفیگاه دستکند بسته شده بود اما ریزش ورودی تونل باعث شد که

امکان جستجو در یافته‌های باستان‌شناسی مهیا شود. جهانی تصریح می‌کند: بالای این دستکند، گورستانی باستانی متعلق به عصر آهن بوده که در حفاری‌های غیر مجاز قبل از انقلاب، عمده آثار آن از بین رفته است.

● اطلاع ساکنان منطقه از وجود تونل

اما رئیس مرکز باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی گیلان با اشاره به ابعاد این تونل دست ساز که هنوز انتهای آن کشف نشده است، می‌افزاید: تونل دستکند میکال در حال حاضر ۱۵۰ متر طول و چهار متر عرض و سه متر و ۲۰ سانتی متر ارتفاع دارد و با توجه به تکنولوژی آن زمان و ابعاد زیاد آن که در ارتفاع بالای هزار و ۷۰۰ متر از سطح دریا کنده شده، دارای اهمیت زیادی است.

جهانی از وجود چاه‌های عمیق آب، آثار تمبوشه‌های سفالی، دودکش و پیه سوزها به منظور تامین روشنایی و امکان زندگی در تونل نام برده و تصریح می‌کند: این آثار نشان می‌دهد این تونل عمیق به عنوان یک مخفیگاه بزرگ در زمان خطر و یا محل زندگی هم در دوره اشکانی و

هم در دوره اسلامی کاربرد داشته است. این باستان‌شناس با اشاره به فاصله ۳۰۰ متری این تونل دستکند با دستکند دیگری در روستای میکال می‌گوید: مخفیگاه مذکور دو شاخه دارد؛ یکی از شاخه‌های تونل درست در زیر خانه‌های روستای میکال عبور کرده است. جهانی می‌افزاید: تونل دوم از مزارع گندم و از نزدیکی روستای میکال عبور کرده و در امتداد شرق به غرب به خارج روستا منتهی می‌شود.

وی تأکید می‌کند: کاربرد قطعی این تونل هنوز برای ما روشن نیست و نیازمند کاوش‌های باستان‌شناسی جدی تری است ولی با توجه به احتمال اتصال هر دو تونل و خروجی آن با روستای میکال و همچنین وجود چاه آب، دودکش و پیه سوز، می‌توانسته به عنوان مخفیگاه طولانی مدت مورد استفاده قرار گیرد.

رئیس مرکز باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی گیلان با اشاره به یادداشت‌های «منوچهر ستوده» در جلد دوم کتاب «از آستارا تا استراباد» خاطر نشان می‌کند: از یادداشت‌های این محقق برمی‌آید که خود شخصا تونل را ندیده است و به روایت‌های محلی بسنده کرده است. این روایت‌ها نشان می‌دهد اهالی از وجود چنین تونلی باخبر بوده‌اند.

جهانی تأکید می‌کند: تا زمانی که کاوش‌های باستانی‌شناسی در روستای میکال و دستکند ۱۵ متری اخیر صورت نگیرد، نمی‌توان در مورد کشفیات باستان‌شناسی نظر مستدل ارائه داد و به شنیده‌ها اطمینان کرد.

هنوز مشخص نیست که عمق دستکند به جا مانده از دوران اشکانی به کجا ختم شود و مدیران میراث فرهنگی استان برای حفظ و حراست و البته ثبت میراثی آن چه برنامه‌هایی داشته باشند اما آنچه بی‌تردید دارای اهمیت است اینکه، دستکند روستای میکال، برگ زرینی در کارنامه باستان‌شناسی استان گیلان محسوب شده و باید به عنوان میراثی گرانبه‌ای از آن بهره برد.





مهتری شیرمحمدی

تن کهنه حمام «کسما» چشم انتظار رخت احیاء است



حمام تاریخی «کسما»، یکی از بناهای یادگار مانده از جنبش جنگل، چشم انتظار رخت احیاء و مرمت بر قامت خسته و فرتوت خویش است.

در دهستان کسمای شهرستان صومعه سرا، حمامی تاریخی وجود دارد که یادگارهایی از جنبش جنگل را در دل خود جا داده است. نقطه آغازین جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان از «کسما»، آغاز شد و «حاج احمد کسمایی»، در سال های نخست، تمام نیروهای مادی و معنوی خود را وقف این جنبش آزادی خواهانه کرد.

سال های گذشته اداره راه برای تعریض جاده، ۱۱۵ متر از مساحت حمام را تخریب کرد این بازمانده از خاندان حاج صالح، قدمت حمام را به ۳۰۰ سال پیش نسبت می دهد و بیان می کند: آنگونه که از بزرگان شنیده ام، معمار حمام یک اصفهانی و یا کاشانی است ولی بانی آن حاج صالح بوده که زمینش را برای ساخت یک مکان عام المنفعه در اختیار قرار داده و آنطور که شنیده ام، حمام در اواخر دوره قاجار یک بار بازسازی شده است.

حمامی که پدر حاج احمد ساخت و روزگاری مورد استفاده چریک های جنبش جنگل قرار می گرفت؛ این روزها حال خوشی ندارد. ۱۱۵ متر از مساحت آن در سال های اخیر در اثر تعریض جاده کسما از بین رفت و با وجود آنکه سازمان میراث فرهنگی از سال ۱۳۸۲ این حمام را در فهرست آثار بناهای میراثی کشور به ثبت رسانده؛ ولی تزییق قطره چکانی اعتبار مرمت، تاکنون رخت احیاء بر تن کهنه حمام کسما نیوشانده است و به رغم وعده های فرماندار صومعه سرا و مدیر میراث فرهنگی این شهرستان مبنی بر تغییر کاربری این حمام به عنوان موزه اسناد جنبش جنگل، امسال همایش جنبش جنگل با محوریت نقش کسما برگزار می شود و مشکلات حقوقی پیش پای تغییر کاربری این بنا، همچنان مانعی بزرگ بر سر راه تغییر کاربری آن است.

● اعتبارهای قطره چکانی و آسیب به حمام کسما

صالحی با اشاره به مرمت های جزئی و ناقص حمام توسط سازمان میراث فرهنگی ادامه می دهد: از سال ۸۲ که حمام کسما ثبت میراثی شد، قرار بود میراث طی دو سال به طور کامل حمام را مرمت کند. تاکنون سه بار هم اقدام به مرمت بنا کرده ولی هنوز مرمت تکمیل نشده است و یک بار در سال ۱۳۸۸، یک بار چهار سال گذشته و همچنین پارسال مرمت هایی جزئی انجام شده است.

وی ضمن انتقاد از نحوه مرمت میراث، ادعا دارد که این سازمان به جای مرمت، به بنا آسیب زده است.

صالحی اضافه می کند: سازمان میراث فرهنگی بخش هایی از پی و دیوارها را تخریب کرده ضمن اینکه چون اعتبارات میراث در سال های یاد شده ناکافی بوده، عدم مرمت کامل بنا موجب شده در برف های سنگین سال های گذشته، به بنا آسیب های جدی وارد شود. به عنوان نمونه میراث فرهنگی یک سقف کاذب روی حمام

● تعریض جاده و تخریب نیمی از حمام تاریخی کسما

یکی از نوادگان حاج صالح کسما که در حال حاضر مسئولیت حمام را در اختیار دارد می گوید: حمام در حال حاضر ۲۰۰ متر زیر بنا دارد ولی در اصل وسعت آن بیشتر بود و سال های گذشته اداره راه برای تعریض جاده، ۱۱۵ متر آن را تخریب کرد.

«صمد صالحی» ادامه می دهد: جد بزرگ من، «حاج صالح» بانی این حمام است. حاج صالح پدر حاج احمد و حاج محمود کسما بود. حاج محمود سال ۱۳۲۰ بدون نظر دیگر وارثان، حمام را وقف می کند و در حال حاضر حمام اوقافی است و به صورت ۹۹ ساله در اجاره بنده است.

زده بود که در برف سنگین سه سال پیش، سقف دوباره خراب شد. وی با اشاره به کاشی کاری های زینتی داخل حمام تصریح می کند: در مرمت های میراث بخش هایی از کاشی کاری ها هم از بین رفته است.

● ثبت ملی حمام کسما در شهریور ۱۳۸۲

کارشناس مسئول ثبت بناهای میراثی گیلان، قدمت حمام تاریخی کسما را به اواسط قاجار می رساند توضیح می دهد: متأسفانه ورودی و سرپینه حمام در سال های گذشته در اثر تعریض جاده از بین رفته است.

سید مهدی میرصالحی می افزاید: با توجه به کوچکی دهستان کسما، اگر چه این حمام فاقد تزیینات داخلی بناست با این وجود، سازمان میراث فرهنگی توانست این اثر میراثی را در ۱۱ شهریور ۱۳۸۲ و به شماره ۹۹۴۱ در فهرست بناهای میراثی کشور به ثبت برساند.

● ۱۰۰ میلیون اعتبار برای مرمت حمام کسما نیاز است

مدیر میراث فرهنگی شهرستان صومعه سرا نیز قدمت دقیق حمام را نمی داند ولی تأیید می کند که حمام کسما تا کنون در سه مرحله توسط سازمان میراث فرهنگی مرمت شده اما به دلیل تخصیص اعتبارهای محدود، هنوز مرمت بنا تکمیل نشده است.

علیرضا مهرگان می گوید: برای تکمیل نهایی به منظور تغییر کاربری حمام کسما، سازمان میراث فرهنگی نیازمند ۱۰۰ میلیون تومان اعتبار است و با توجه به کمبود اعتبارهای میراث فرهنگی، با فرماندار صومعه سرا و نماینده این شهرستان در مجلس شورای اسلامی مذاکره کرده ایم تا بخشی از اعتبار مرمت حمام را از منابع شهرستان تأمین کرده و پس از مرمت،

مدیریت و تغییر کاربری حمام تحویل دهیاری کسما داده شود.

وی وعده می دهد حمام کسما به عنوان موزه جنبش جنگل تغییر کاربری می دهد و می افزاید: در همین رابطه یکی از فرهنگیان کسما اعلام آمادگی کرده، اسنادی را که در مورد نقش کسما در جنبش جنگل جمع آوری کرده است؛ در این حمام و یا سازه ای در جوار این بنا به نمایش درآورد.

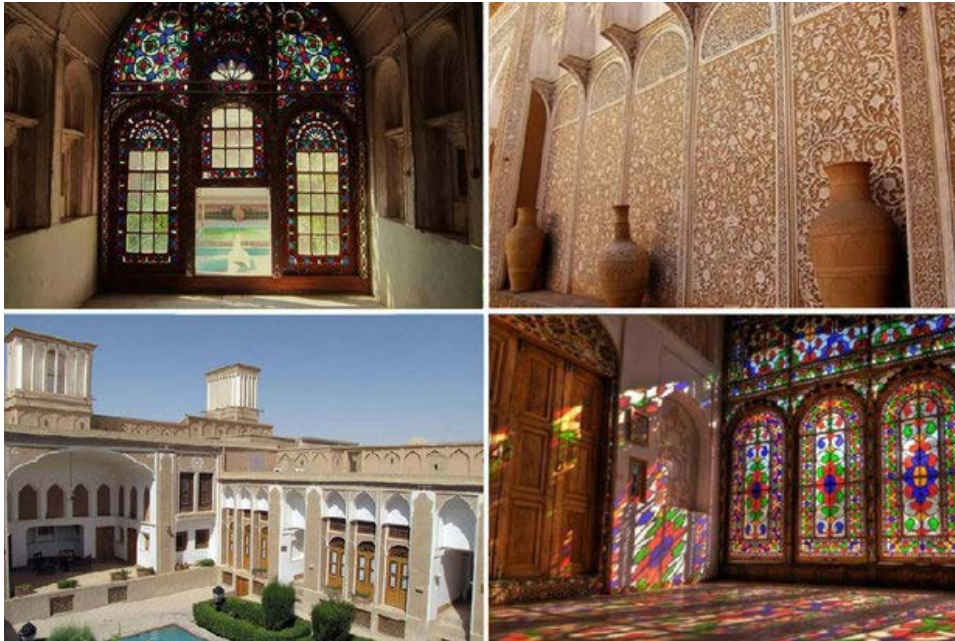
برای تکمیل نهایی به منظور تغییر کاربری حمام کسما، سازمان میراث فرهنگی نیازمند ۱۰۰ میلیون تومان اعتبار است و با توجه به کمبود اعتبارهای میراث فرهنگی، با فرماندار صومعه سرا و نماینده این شهرستان در مجلس شورای اسلامی مذاکره کرده ایم تا بخشی از اعتبار مرمت حمام را از منابع شهرستان تأمین کرده و پس از مرمت، مدیریت و تغییر کاربری حمام تحویل دهیاری کسما داده شود.

● در صورت رفع موانع حقوقی، حمام به دهیاری واگذار می شود

هر چند «صمد صالحی» - مالک فعلی حمام - از نشست اخیر خود با فرماندار شهرستان صومعه سرا و مدیریت میراث فرهنگی این شهرستان خبر می دهد و ادعان می دارد که فرماندار به منظور تکمیل نهایی و تغییر کاربری حمام وعده های خوبی به وی داده ولی فرماندار شهرستان صومعه سرا می گوید: تا مشکلات حقوقی این حمام حل نشود، نمی توان برای تغییر کاربری آن بودجه ای تخصیص داد.

«حسین اسماعیل پور» از موانع حقوقی بر سر راه تغییر کاربری حمام خبر داده و توضیح می دهد: حمام در حال حاضر اوقافی است و در اجاره فرد دیگری است. برای مرمت و تغییر کاربری حمام کسما، فرمانداری آمادگی دارد تا بخشی از اعتبارات شهرستان را بدین منظور هزینه کند ولی





خانه‌هایی در شهر «خشت و خاک و خاطر» / دل‌ها هنوز برای بادگیر می‌تپد

پله دیگر در سمت راست و این بار وارد فضای «هشتی» شدم، جایی شبیه اتاقکی چهار پنجه‌تری، با سقفی بلند و گنبدی شکل و تزئینات زیبایی در سقف، با عبور از این اتاقک یا همان هشتی که انگار هشت‌ضلعی نیز به نظر می‌رسید، وارد حیاط شدم.

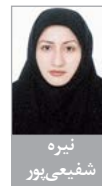
اصلاً گمان نمی‌کردم بعد از این هشتی وارد چنین فضایی شوم، یک حیاط نسبتاً بزرگ که دورتادور آن اتاق بود با درهای چوبی و شیشه‌های رنگی، روی‌روی یک اتاق بدون در که بادگیری بر فراز آن پیدا بود، یک حوض کم‌عمق با عرض شاید ۱.۵ متر اما با طول حدود ۵ متر وسط حیاط بود و دورتادور حوض نیز درختان نارنج و انار و گل‌های لاله‌عباسی و شمعدانی، همان‌گونه بود که شنیده بود، نهایت زیبایی و سادگی، از طرف صاحب‌خانه که او هم انگار اینجا ساکن نیست و گاهی برای میزبانی از مهمانی درب خانه را می‌گشاید، به تالار هدایت شدم، همان اتاقی که در نداشت و بر بالایش بادگیر بود. اگرچه گردوغبار همچا را فرا گرفته اما چیزی از زیبایی‌های تالاری که دیوارش مثل دیوار حیاط کاه‌گلی و بارده‌هایی از گچ تزئین شده بود و بر دیوارش چهار پنج طاقچه درآورده و از آن پارچه‌های ترمه آویزان و کف با زیلو و پشتی‌های ترمه پوشیده بود، کم نمی‌کرد.

به قول امروزی‌ها کاملاً نوستالژیک بود، گرچه از این خانه‌ها کمتر دیده بودم و هرگز سعادت زندگی در چنین خانه‌هایی را نداشتم اما کاملاً می‌شد انرژی نهفته در این خانه‌ها را حس کرد، سفره‌هایی که در همین تالار گسترده می‌شد، عصرهایی که با آب‌پاشی بر روی کاه‌گل و خشت‌های حیاط، بوی خاک همه‌جا را فرامی‌گرفت و با عطر شکوفه‌های بهار نارنج در هم می‌آمیخت و یک عالم زیبایی و دل‌انگیزی دیگر.

خانم صاحب‌خانه، نوه مالک اصلی این بنا بود و پدر بزرگش که معماری مشهور و چیره‌دست بود، حدود ۱۰۰ سال پیش این خانه را خود ساخته و تا حدود هفت، هشت سال پیش هم، یعنی تا زمانی که مادر بزرگش زنده بود، این خانه هنوز بوی زندگی می‌داد و مسکونی بود.

خانم صالحی که نوه دختری استاد سید محمد بنا است، خود یکی از پژوهشگران فرهنگ عامه یزد بوده و سال‌هاست درباره

اینجا یزد است، قدیمی‌ترین شهر خشتی جهان که خانه‌هایش خشت بر خشت، با پوششی از کاه‌گل و تزئیناتی از گچ و شیشه، شهر «خشت و خاک و خاطر» را بر دل کویر نقاشی کرده است.



نیره شفقی‌پور

برای تماشای یکی از زیباترین خانه‌های قدیمی یزد شال و کلاه می‌کنم تا وسعت همه زیبایی‌هایی که شنیده و بارها در ذهن تصویر کرده‌ام را از نزدیک بینم خانه‌ای که در دل بافت تاریخی یزد جا خوش کرده و بی‌توجه به همسایگان سنگی و سیمانی‌اش حیات خود را ادامه می‌دهد.

آدرس به دست، راهی کوچه‌های تنگ و باریک کاه‌گلی بافت تاریخی می‌شوم، کوچه‌هایی که مملو از زیبایی است اما چهره‌های ناشناخته با لباس‌هایی از دیاری دیگر، همان‌ها که مهمانان ناخوانده می‌خواندشان، گویی تناسبی با این خانه‌های خشتی ندارد.

از پلاک خبری نیست اما کد پستی در کنار یک در چوبی قدیمی اما خوش‌رنگ و لعاب خودنمایی می‌کند، یک تکه فلز آبی‌رنگ در کنار آن همه رنگ خاکی.

● معماری زیبایی یزدی از در ورودی تا سرداب زیرزمین

به دنبال رنگ می‌گردم اما خبری از زنگ نیست، فقط دو کلون در دو سمت در دیده می‌شود، شنیده بودم که در قدیم یکی از این کلون‌ها را زنان و دیگری را مردان می‌نواختند تا صاحب‌خانه با صدایی که از در شنیده می‌شود، بفهمد پشت در زن است یا مرد، کلون دایره‌ای شکل را چندین بار به در کوبیدم اما خودم احساس می‌کردم باین همه صدای موتور و ماشین، بعید است این صدا به داخل خاله برسد.

مدتی کوتاه منتظر ماندم و در گشوده شد، مقابل چشمانم فضایی تاریک بود، از دو پله که آن‌ها هم خشتی بود، پایین رفتم، دو

در گام نخست می‌باید موانع حقوقی آن برطرف شود.

وی می‌افزاید: در همین زمینه نشست با حضور دهیار کسما، فردی که حمام را در اجاره دارد و مدیر میراث فرهنگی شهرستان صومعه سرا داشته ایم و در صورتی که این موانع برطرف شود، فرمانداری شهرستان صومعه سرا برای تخصیص اعتبار مرمت آمادگی دارد.

فرماندار صومعه سرا یادآور می‌شود: یک سرمایه‌گذار بخش خصوصی هم در این زمینه اعلام آمادگی کرده و طرحی به منظور تغییر کاربری حمام تاریخی کسما به سفره‌خانه و فروش صنایع دستی و بومی محلی گیلان ارائه داده است.

● تغییر کاربری در صورت توافق

با اینکه صمد صالحی وقتنامه‌زیمینی را که حمام در آن ساخته شده، بر ساخته وراثت می‌داند ولی دهیار کسما عقیده دارد عرصه حمام توسط حاج صالح کسامی وقف شده است.

«دامون حسنی» درباره پیشینه تاریخی این حمام، به نقل از سالخوردگان محل می‌گوید: آنگونه که شنیده‌ام، یکی از شاهزادگان قجری، هنگام عبور از این منطقه در منطقه ای موسوم به «قصاب سرا» آتراق می‌کند و متوجه می‌شود که اهالی این منطقه فاقد حمام عمومی هستند و برای استحمام در منازل شخصی در مضیقه‌اند. به همین دلیل دستور می‌دهد حمامی بسازند و حاج صالح زمین خود را بدین منظور وقف می‌کند.

وی می‌افزاید: ما با اداره اوقاف شهرستان صومعه سرا مذاکره کرده ایم و به نتایج خوبی هم رسیده ایم و پس از آنکه فرمانداری قبول کرد اداره حمام یا دهیاری باشد؛ می‌توانیم برای تغییر کاربری اقدام کنیم.

هرچند دهیار کسما به تغییر کاربری زود هنگام حمام کسما امیدوار است با این حال اجاره دار حمام معتقد است سازمان میراث فرهنگی به ملک آسیب زده و توافق با دهیار منوط به کسب رضایت وی است.

هرچقدر به آذرماه نزدیک می‌شویم، خاطره جنبش جنگل که بندرش در جنگل‌های تولم پاشیده شد؛ بیشتر تداعی می‌شود و خاطره مرد متمکن کسامی که حمایت‌های مادی و معنوی خود را از جنبش دریغ نکرد و اواخر عمر را در فقر و تبعید بسر برد، پررنگ‌تر می‌شود. حمام تاریخی کسما می‌توانست آذرماه امسال، بخشی از اسناد نقش کسما در جنبش جنگل را به مردم نشان دهد ولی موانع حقوقی ملکی که در اختیار اوقاف است از یک سو و فقدان اعتبارات میراث فرهنگی برای مرمت بنا، از سویی دیگر، حمام کسما را به پوتنه فراموشی سپرده است.



کاه گل، در هوای سرد، نور خورشید را زودتر به خود جذب می کند و در زمستان های سوزان و خشک کویر، سبب گرم تر شدن فضا می شده است. مریم صالحی در مورد اتاق های سهدری و پنج دری نیز دانسته هایش با دنیایی از خاطرات شیرین زندگی با مادر بزرگ و پدر بزرگ و خاله هایش آمیخته می شود، می گوید: در قدیم بچه ها به بویژه پسر ها بعد از ازدواج بلافاصله مستقل نمی شدند و معمولاً حداقل ۱۰ سالی با پدر و مادر خود در این خانه ها زندگی می کردند.

● سرداب هایی که یخچال مردمان قدیم بود

اتاق های سهدری و پنج دری از لحاظ رفت و آمد، اتاق های کاملاً مستقلی هستند و گرچه همه دور تادور حیاط ساخته شده و پنجره هایی رو به حوض دارند اما ورودی همه آنها مستقل است، آنهایی که با فرزندان شان زندگی می کردند، این اتاق ها را در اختیار آنها قرار می دادند و همیشه بهترین اتاق برای نوعروس ها بود و مطبخ یا همان آشپزخانه نیز معمولاً در زیر زمین بود زیرا در قدیم که یخچالی وجود نداشت، از زیر زمین و سرداب خانه ها به عنوان یخچال استفاده می شد.

اما بادگیر یکی از بی نظیر ترین سازه های ساختمان های قدیمی یزد است، بادگیرها معمولاً بر روی تالارها، همان اتاق های بی در بزرگ ساخته می شدند و این اتاق ها در تابستان محل استراحت و نشست و برخاست اهالی خانه بود زیرا این سازه ها دقیقاً کار کولر را انجام می دادند.

خانم صالحی می گوید: تالارها دقیقاً مقابل حوض و در ارتفاعی حدود یک تا دو متر بالاتر از حوض ساخته می شدند و بادی که از بادگیر وارد تالار می شد، از تالار به روی آب حوض می رسید و به این ترتیب بقیه فضاهای خانه نیز اندکی خنک تر می شد و به این دلیل بود که گرمای هوا در روزهای گرم تابستان قدیم، یزد، قابل تحمل بود. وی می افزاید: روزهایی که هوا خیلی گرم بود، در اتاق هایی که معمولاً کنار سرداب در زیر زمین ساخته می شد، اقامت می کردند و با آب ریختن در حوض سرداب، فضایی بسیار مطبوع و دل نشین و خنک در زیر زمین خانه های قدیمی فراهم می شد و معمولاً روزهای مردادماه که گرما به اوج می رسید، اهالی خانه اغلب در سرداب به سر می بردند البته برخی خانه ها نیز سرداب نداشتند. فلسفه شیشه های رنگی از زبان خانم صالحی نیز شنیدنی

حالا که با باز شدن درب خانه، تا ته آشپزخانه و گاهی اتاق خواب و ... پیداست، آن موقع ها حتی برای حیاط خانه ها هم حرمت قائل بودند و هشتی در واقع حداقل میان فضای بیرون و فضای درون خانه بود که همین فضا را در برخی شهرها به جای هشتی، بیرونی می خوانند. کاه گل هم اوج درایت بزدی ها برای خانه سازی بوده، در این مورد می گوید: کاه گل زودتر از بقیه مصالح ساختمانی خنک می شود و این قابلیت را دارد که خنکی را تا ساعتی در خود ذخیره کند دقیقاً مثل کوزه که می تواند آب درون خود را گوارا نگاه دارد، از آنجاکه یزد اقلیمی گرم داشته، کاه گل در خنک نگاه داشتن تأثیر بسزایی داشته ضمن اینکه همین

یزد و فرهنگ آن دست به قلم است. انگار می دانست چه می خواهم، تک تک عناصر موجود در بنا را توصیف و فلسفه ایجاد آن را بیان کرد، از این همه هوش و درایت معماران یزدی شگفت زده شده بودم.

● قبه های طلایی روی درهای قدیمی نشان از دین صاحبانه دارد

از همان در ورودی شروع کرد، می گفت: در قدیم همه درها چوبی بوده و تقریباً تزئینات یکسانی برای درها به کار برده می شد، آن قبه های طلایی رنگی که اغلب بر روی درهای قهوه ای رنگ خودنمایی می کند، بسته به کوچک یا بزرگ بودن در، پنج تایی، دوازده تایی یا چهارده تایی است که این قبه ها نشان از مسلمان بودن صاحب خانه و اعتقاد آن ها به پنج تن آل عبا، دوازده امام یا چهارده معصوم دارد و از آنجاکه زرتشتی ها و مسلمانان و تعدادی از خانوارهای یهودی در یزد سال ها در کنار هم می زیسته اند، درها و نشان هایی که روی آن ها می گذاشتند معمولاً نشان از دین صاحب خانه داشت.

از کلون ها هم می گوید، همان هایی بود که من هم شنیده بودم، کلون گرد صدای ظریف تری دارد و به اصطلاح صدای زیر دارد که زنان آن را می نواخته اند و کلون مستطیل شکل صدایی بم دارد و مردان آن را می نواخته اند و این کلون ها دقیقاً کاربرد ایفون تصویری امروز را دارد، با توجه به اعتقاداتی که مردم آن زمان داشتند، اگر زنی پشت در بود، تا حد امکان زن خانه برای باز کردن در مراجعه می کرد و اگر مرد بود، مردان مراجعه می کردند یا زن خانه با حجاب کامل بر آستانه در ظاهر می شد، برعکس حالا که با باز شدن درب خانه، تا ته آشپزخانه و گاهی اتاق خواب و ... پیداست، آن موقع ها حتی برای حیاط خانه ها هم حرمت قائل بودند و هشتی در واقع حد فاصل میان فضای بیرون و فضای درون خانه بود.

هشتی ها هم کاربردی برآمده از فرهنگ مردم یزد داشته اند. خانم صالحی در مورد هشتی می گوید: برعکس

کارکرد فضاهای خانه های قدیمی یزد مبتنی بر سبک زندگی ایرانی - اسلامی

نام فضا یا المان	کارکرد
در ورودی	در قدیم همه درها چوبی بوده و تقریباً تزئینات یکسانی برای درها به کار برده می شد، آن قبه های طلایی رنگی که اغلب بر روی درهای قهوه ای رنگ خودنمایی می کند، بسته به کوچک یا بزرگ بودن در، پنج تایی، دوازده تایی یا چهارده تایی است که این قبه ها نشان از مسلمان بودن صاحب خانه و اعتقاد آن ها به پنج تن آل عبا، دوازده امام یا چهارده معصوم دارد
کلون ها	کلون گرد صدای ظریف تری دارد و به اصطلاح صدای زیر دارد که زنان آن را می نواخته اند و کلون مستطیل شکل صدایی بم دارد و مردان آن را می نواخته اند و این کلون ها دقیقاً کاربرد ایفون تصویری امروز را دارد، با توجه به اعتقاداتی که مردم آن زمان داشتند، اگر زنی پشت در بود، تا حد امکان زن خانه برای باز کردن در مراجعه می کرد و اگر مرد بود، مردان مراجعه می کردند یا زن خانه با حجاب کامل بر آستانه در ظاهر می شد
هشتی	هشتی در واقع حد فاصل میان فضای بیرون و فضای درون خانه بود که همین فضا را در برخی شهرها به جای هشتی، بیرونی می خوانند
اتاق های سهدری و پنج دری	اتاق های سهدری و پنج دری از لحاظ رفت و آمد، اتاق های کاملاً مستقلی هستند و گرچه همه دور تادور حیاط ساخته شده و پنجره هایی رو به حوض دارند اما ورودی همه آن ها مستقل است، آنهایی که با فرزندان شان زندگی می کردند، این اتاق ها را در اختیار آنها قرار می دادند و همیشه بهترین اتاق برای نوعروس ها بود
بادگیر	بادگیرها معمولاً بر روی تالارها، همان اتاق های بی در بزرگ ساخته می شدند و این اتاق ها در تابستان محل استراحت و نشست و برخاست اهالی خانه بود زیرا این سازه ها دقیقاً کار کولر را انجام می دادند
شیشه های رنگی	اولین دلیلی که معماران یزدی از شیشه های رنگی در قاب های گره چینی شده استفاده کردند، رنگ و نما بخشیدن به حیاط خانه ها بود زیرا کاه گل رنگ خاکی دارد و اگر رنگ های دیگر به خانه ها اضافه نمی شد، خانه ها دل مرده می شدند شیشه های رنگی در دید حشرات به خاطر ساختار چشم آن ها اختلال ایجاد می کند و مانع ورود حشرات می شود و از آنجا یزد به عنوان یک منطقه گرمسیر، حشرات بسیاری داشت، به تدریج استفاده از شیشه های رنگی در خانه ها باب شد



کم و کیف آن بپردازند. مسئله اساساً استفاده از بادگیر نیست به نظر بنده بیشتر از اینکه این مشکل در حوزه معماری مطرح باشد مشکلی فرهنگی، مدیریتی و اقتصادی است، زیرا برای جامعه امروز الگوی سکونت دیگری ترویج می‌شود و جامعه نیز می‌پسندد.

وی ادامه داد: از سوی دیگر این مشکل مرتبط با منافع عده‌ای قلیل است که در پشت واردات میلیون دلاری برندهای خارجی سودهای کلان می‌برند، در آمدی که اگر کسر ناچیزی از آن صرف فرهنگ‌سازی برای پذیرش عمومی بادگیر می‌شد یا در اختیار دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی گذاشته می‌شد در معماری امروز، ما بادگیرهایی داشتیم که خدماتی مطلوب و امروزی ارائه می‌دادند.

عباسی تصریح کرد: بر این اساس با قاطعیت اعلام می‌کنم که بله می‌شود از بادگیر در معماری امروز استفاده کرد و حتی می‌خواهم از این پاسخ فراتر رفته و بگویم هنوز هم بادگیر بهترین گزینه برای سرد و مرطوب کردن فضاها در این اقلیم است مشروط به آنکه مسئولان، کارشناسان و مردم بادگیر را به‌عنوان یک فناوری کارآمد و روزآمد باور کنند و برای ترویج و استفاده از آن هر کس به سهم خود فعالیت فرهنگی، علمی و مبارزه با مافیای اقتصادی مخالف آن را سرلوحه کارهای خویش قرار دهد و این امر کار دشواری نیست در چارچوب یک برنامه هدفمند و مشارکت نهادی ذی‌نفع و ذی‌نفع‌آمن پذیر است هرچند بنده فکر می‌کنم تا زمانی که درآمد حاصل از نفت وجود دارد، ما این کار را نخواهیم کرد.

عباسی ادامه داد: امیدوارم در عمل استفاده از سیستم‌های سرمایش و گرمایش طبیعی و سبز در آینده نزدیک محقق شود کما اینکه در جهان پیشرفته این مسیر با سرعت در حال طی شدن است.



کرد، گفت: من در مقابل این سؤال، پرسش دیگری از شما دارم، چرا فکر می‌کنید نمی‌شود از بادگیر استفاده کرد، چرا ما به کیفیتی از شناخت از معماری بومی خود رسیده‌ایم که استفاده از بادگیر را در شرایط کنونی نشدنی می‌پنداریم و چرا جریان معماری ما به سمت و سویی رفته که این تردیها و تشکیک‌ها در ذهن مردم شکل می‌گیرد که آیا می‌شود از عنصری کارآمد، سبز، دوستدار محیط زیست، سالم و ارزان در معماری امروز استفاده کرد یا خیر؟

وی افزود: به نظر من، بله می‌شود استفاده کرد و اگر امروز استفاده نمی‌شود مشکل در شناخت ما از معماری به طور عام و شناخت ما از معماری گذشته به طور خاص است و حتی می‌خواهم از این هم پیش‌تر بروم و بگویم مشکل در نوع نگاه ما به عالم و زندگی است.

عباسی بیان کرد: امروزه در دنیای توسعه یافته استفاده از سیستم‌های سرمایش و گرمایش انرژی‌خوار که به آنها سیستم‌های فعال گفته می‌شود در حال کاهش است و در مقابل سیستم‌های خودپایی چون بادگیر که بدون نیاز به انرژی‌های بازگشت ناپذیر کار می‌کنند و به آنها سیستم‌های غیرفعال گفته می‌شود به شدت در کانون توجه قرار گرفته زیرا مردم و متخصصان در این جوامع می‌دانند و باور کرده‌اند که امروز منابع انرژی به شدت تحلیل رفته، محیط زیست در معرض نابودی است و حتی سلامت جسمی و بهداشت کاربران در هنگام استفاده از سیستم‌های فعال در معرض خطر است.

استاد دانشکده هنر و معماری یزد ادامه داد: در حال حاضر متخصصان داخلی و خارجی پیشنهادها متنوعی در زمینه روزآمدی و کارآمدی تکنولوژی بادگیرها ارائه کرده‌اند، استفاده از پانل‌های مرطوب در تنوره بادگیر، آب فشان‌هایی که با مصرف آب حداقلی باد خنک‌تر و با رطوبت بیشتری را در اختیار می‌گذارند، فیلترهایی که گرد و غبار هوای دمیده شده از داخل بادگیر را جذب می‌کنند و دهها پیشنهاد دیگر اما ما کماکان در مقابل سیستم‌های طبیعی مقاومت می‌کنیم.

وی تصریح کرد: مسئله اساساً استفاده از بادگیر نیست به نظر بنده بیشتر از اینکه این مشکل در حوزه معماری مطرح باشد مشکلی فرهنگی، مدیریتی و اقتصادی است، زیرا برای جامعه امروز الگوی سکونت دیگری ترویج می‌شود و جامعه نیز می‌پسندد.

عباسی عنوان کرد: در یزد ما که نسبت جمعیت آن به مساحت شهر، پایین است زندگی آپارتمان نشینی شکل گرفته، مردم استفاده از کولر گازی را مطلوب و استفاده از بادگیر را دون شأن خود و اساساً غیرعملی می‌دانند، نه مدیریت شهری تلاشی برای فرهنگ سازی کرده، نه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی فرصتی یافته‌اند و تشویق شده‌اند تا به ارائه امکان عملی بودن این فناوری و

بوده اولین دلیلی که معماران یزدی از شیشه‌های رنگی در قاب‌های گره‌چینی شده استفاده کردند، رنگ و نما بخشیدن به حیاط خانه‌ها بود زیرا کاه گل رنگ خاکی دارد و اگر رنگ‌های دیگر به خانه‌ها اضافه نمی‌شد، خانه‌ها دل‌مرده می‌شدند به همین دلیل حوض‌های فیروزه‌ای، شیشه‌های رنگی، پارچه‌های رنگ‌به‌رنگ ترمه و دارایی، گل‌های لاله‌عباسی و درختان نارنج و انار به خوبی توانسته بودند روح زندگی را در خانه‌های ظاهرآبی روح کاه‌گلی بدمند.

وی می‌گوید: کم‌کم به این کشف رسیدند که شیشه‌های رنگی در دید حشرات به خاطر ساختار چشم آنها اختلال ایجاد می‌کند و مانع ورود حشرات می‌شود و از آنجا که یزد به عنوان یک منطقه گرمسیر، حشرات بسیاری داشت، به تدریج استفاده از شیشه‌های رنگی در خانه‌ها باب شد. همه عناصر موجود در این خانه‌ها از دیدگاه این پژوهشگر فرهنگ عامه یزد از بادگیر، هشتی، حوض، درب‌های چوبی، زیرزمین، سرداب، تالار، شیشه‌های رنگی، اتاق‌های سه دری و پنج‌دری، سقف‌های گنبدی شکل، گچبری‌ها و شیشه‌کاری‌های هنرمندانه، کاهگل و خشت، نارنج و انار و مو و صدها عنصر دیگر هر یک فلسفه‌ای بی‌نظیر داشت.

● هیج عنصر تجملی و بی‌کاربردی در خانه‌های قدیم یزد نبود

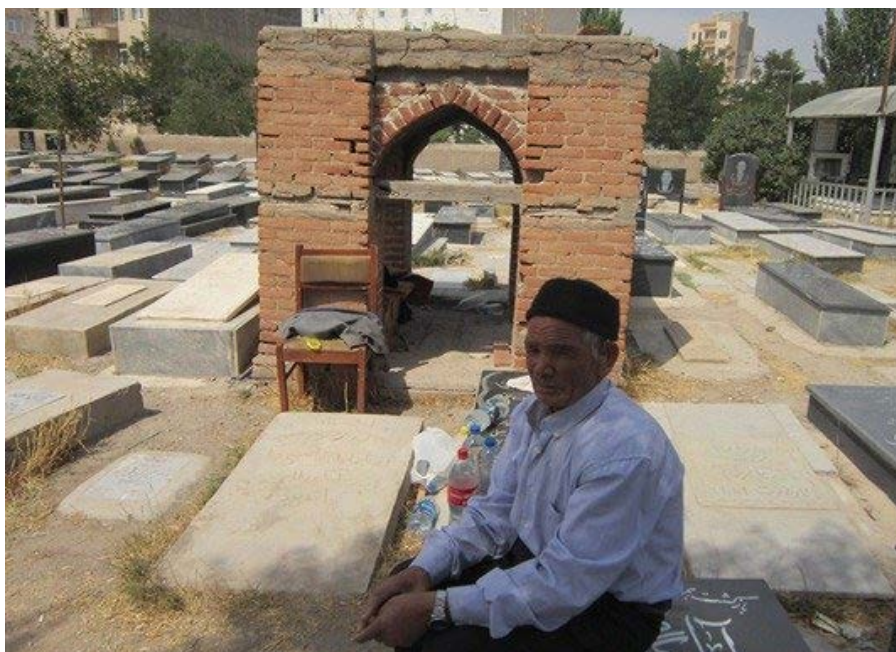
مواردی که معماری را یا متأثر از اقلیم یزد و کمبود آب نبود انرژی به شکل‌های امروزی بوده است یا برگرفته از فرهنگ و تدین مردم این دیار و تقریباً هیچ عنصری بی‌استفاده یا تجملی در خانه‌های قدیمی یزد مشاهده نمی‌شود.

اما اینکه امروز نیز می‌توان از این عناصر خاص و شگفت‌انگیز استفاده کرد یا خیر، سئوالی بود که در تمام طول مسیر بازگشت ذهنم را مشغول خود کرده بود. آرامش، معنویت، صرفه‌جویی در انرژی‌های آب و برق و گاز و ... صفا و مهربانی، همه و همه از مواردی بود که کمتر می‌شد در خانه‌های سنگ و سیمانی که در مسیر بازگشت، کمی آن‌سوتر از بافت تاریخی یزد، صف‌آرایی کرده بودند، مشاهده کرد. آرامش، معنویت، صرفه‌جویی در انرژی‌های آب و برق و گاز و ... صفا و مهربانی، همه و همه از مواردی بود که کمتر می‌شد در خانه‌های سنگ و سیمانی که در مسیر بازگشت، کمی آن‌سوتر از بافت تاریخی یزد، صف‌آرایی کرده بودند، مشاهده کرد.

یکی از اساتید دانشکده هنر و معماری یزد معتقد است هنوز هم می‌توان از عناصری مانند بادگیر، شیشه‌های رنگی و ... به راحتی استفاده کرد.

محسن عباسی در مقابل این سؤال که پرسیدم آیا امروز هم می‌توان از بادگیر و دیگر عناصر معماری قدیم استفاده

رموز تاریخی که با سنگ قبرهای اردبیل دفن شد / مفاخر گمنام ماندند



قبرستان ججین اردبیل با بیش از یک قرن قدمت رموز بسیاری در دل پنهان دارد، رموزی که به جای کشف و مطالعه در قعر قبور تاریخی پنهان است.



ونوس بهنود

مشهدی سلیمان هر روز از کله سحر به گورستان ججین می‌رود. گورستانی که گفته می‌شود در خیابان کشی و توسعه شهر به دو قسمت تقسیم شده است. البته گروهی معتقد به صحت این مدعا نیستند. اما ججین یکی از لکه‌های قدیمی روستای داشکسن است که زمانی از روستاهای اطراف اردبیل محسوب می‌شد و با توسعه شهر از یک قبرستان روستایی به قبرستان داخل شهر تغییر مسیر داد.

حتی نام این روستا به نوعی تداعی تولید سنگ است که به عقیده برخی کهن سالان در گذشته در این روستا سنگ قبر تولید می‌شد.

مشهدی سلیمان پیرمرد آرام با قدی متوسط به عنوان نگهبان گورستان گشتی در لابه لای گورها می‌زند و از صحت و سلامت همه چیز که مطمئن شد گوشه دنجی جای قندپهلوارو رو به رویش می‌گذارد.

مسیر نگاهش به سنگ‌قبری قدیمی گره خورده است که بیش از سن خود او قدمت دارد. با آهی سنگین و کش‌دار سری تکان می‌دهد و به حال زنده‌ها و نه مرده‌ها افسوس می‌خورد. می‌گوید: آدم‌ها زندگی را سخت چسبیده‌اند. غافل از اینکه مرگ همین جا در کنار گوش آدم است و باید از زندگی عبرت آموخت.

بیش از ۸۰ سال سن دارد و گورستان ججین پیش از تولد او بوده و به قول خودش شاید ۲۰۰ سال بیشتر قدمت داشته باشد.

برای اثبات مدعایش به سنگ‌قبرهای قدیمی اشاره می‌کند که تزئینات آن سال‌ها است تکرار نمی‌شود.

● ثبت زمان فوت به تاریخ قمری

سنگ‌قبرهای قدیمی در ججین بیش از سایر آرامستان های اردبیل است. حداقل در ظاهر و در بررسی میدانی



می‌توان به این نتیجه‌گیری دست یافت. در این آرامستان به کرات سنگ‌قبرهای سنگی با حکاکی در اطراف آن مشاهده می‌شود.

نقش گل و پته جقه، آیات قرآن و زمان تولد و وفات فرد با ظرافت خاصی حک شده است. اما آنچه قابل توجه است ثبت زمان فوت به تاریخ قمری است که در برخی سنگ‌های قدیمی تر مشاهده می‌شود.

یکی از شهروندان اردبیلی معتقد است تعدادی از سنگ‌قبرها از روسیه به این قبرستان و سایر قبور اردبیل انتقال یافته است. موضوعی که البته کریم حاجی‌زاده مدیرکل میراث فرهنگی استان آن را نمی‌پذیرد و معتقد است هیچ کدام از سنگ‌قبرها وارداتی نیست و همین جا در خود اردبیل تولید شده است.

مشابه سنگ‌قبرهای حکاکی شده در بسیاری از قبرستان های قدیمی اردبیل از جمله بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بقعه شیخ جبرئیل وجود دارد؛ اما آنچه جای تأسف است مطالعات حداقلی در خصوص سنگ‌قبرها است و به درستی مشخص نیست که قدمت سنگ‌قبرها به چه تاریخی بازمی‌گردد.

بابا صفری در کتاب خود «اردبیل در گذرگاه تاریخ» به سنگ‌قبرهای حکاکی شده اشاره کرده و نوشته است: «سنگ‌هایی که در قدیم روی قبرها می‌گذاشتند بسیار دیدنی بود. معمولاً بر دور آن آیاتی از قرآن مجید نقر می‌کردند و در سنگ‌قبر بزرگان نام صاحب قبر را نیز می‌نوشتند. در بعضی از سنگ‌ها چاله کوچکی برای ریختن آب به وجود می‌آوردند. در سنگ‌هایی که از چند قرن پیش تا این اواخر باقی بود، نقش‌هایی هم از تیر و کمان و یا شکل ظروف و غیره به نظر می‌رسید.» نکته ظریفی که بابا صفری از نظر گذراننده حکاکی نام فرد در صورتی که شخصیت اجتماعی، سیاسی و مذهبی شناخته شده‌ای بود بر روی سنگ‌قبرها است.

بطوریکه به وضوح سنگ‌قبرهای بی‌نام در قبرستان های اردبیل مشاهده می‌شود و در مقابل برخی سنگ‌قبرها به حدی آراسته شده‌اند که بر خوردار از آرامگاه و اتاقک‌های فلزی و یا طاق‌های آجری بر روی خود هستند. بطوریکه شکلی از اختلاف بین منزلت و جایگاه اشخاص حتی در گورستان نیز تداعی می‌شود.

● قدمت ججین به دوره قاجار بازمی‌گردد

مدیرکل میراث فرهنگی استان اردبیل تصریح کرد: برخی مدعا که سنگ‌قبرهایی از روسیه به اردبیل انتقال یافته صحیح نیست. بررسی سنگ‌قبرهای قبرستان ججین نیز نشان می‌دهد قبور قدیمی به دور قاجار و دوره پهلوی اول و زمان رضاشاه بازمی‌گردد.

کریم حاجی‌زاده متذکر شد: در حدود سال ۱۳۶۰ منطقه بین راه سرعین و قبرستان داشکسن روستای بزرگی بود و در واقع ججین در محدوده شهری قرار نمی‌گرفت. بلکه با فاصله قابل توجهی از شهر قرار داشت. اما بعدها با توسعه شهر وارد محدوده شهری شد.

وی افزود: یک تعداد از قبور بیش از ۱۰۰ سال قدمت دارد و تعدادی که آرامگاه دارند به دوره رضاشاه بازمی‌گردد.

به گفته مدیرکل میراث فرهنگی استان در آرامگاه ججین دو قبرستان قدیمی وجود دارد و مابقی در دوره‌های بعد و دوره پهلوی دوم ساخته شده است.

وی با اشاره به حکاکی و تاریخ‌نگاری سنتی در قبور این قبرستان اضافه کرد: اینکه سن این سنگ‌ها با سن سنگ‌های موجود در بقعه شیخ صفی‌الدین یا شیخ کلخوران برابری می‌کند، نیازمند مطالعه است.

حاجی‌زاده متذکر شد: در واقع بر خلاف این دو مجموعه تاریخی ججین قبرستان مقدسی نبوده و بی‌شک دفن اشخاص تأثیرگذار تاریخی مشابه آنچه در بقعه شیخ صفی‌الدین و یا شیخ کلخوران مشاهده می‌شود، مورد انتظار نیست.

وی تأکید کرد: تنها شخصیت تاریخی دفن شده در ججین روحانی مبارز دوره دمکرات است که در زمان منازعه میرزاعلی اکبر مرحوم کشته شده و در این قبرستان دفن می‌شود؛ قبر وی ۲۲ سال قبل بازسازی شد.

● قبرستان های مقدس نیازمند مطالعه است

در کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ بابا صفری تصریح شده است: «این سنگ‌ها که در قبرستان های اردبیل زیاد بود در موقع احداث سربازخانه شهر جمع‌آوری گردید و به صورت لاشه‌سنگ درآمد و در پی بناها به کار رفت» متأسفانه بارها شکستن سنگ‌قبرها با این تصور که ممکن

سردابه های بقعه شیخ صفی الدین یا قبری در امامزاده صالح جای می‌داندند.»

اخیراً کشف گور دسته‌جمعی ۹ زن در خلخال که در محل سردابه به صورت موقت نگه‌داری می‌شد اثبات مدعایی است که بیش از نیم‌قرن قبل بابا صفری بر آن صحه گذاشته است این اظهارات در حالی است که تاکنون مطالعه جامعی از سردابه های قبرستان‌های اردبیل صورت نگرفته و با تغییر چهره شهر محل این سردابه ها گم‌گور شده است.

اخیراً کشف گور دسته‌جمعی ۹ زن در خلخال که در محل سردابه به صورت موقت نگه‌داری می‌شد اثبات مدعایی است که بیش از نیم‌قرن قبل بابا صفری بر آن صحه گذاشته است.

از سوی کشف اشیای تاریخی از قبور قدیمی اردبیل یکی از مهم‌ترین ابزارهای مطالعه تاریخ، سنت‌ها، فرهنگ و آداب‌ورسوم مردم یک منطقه است.

خلخال مطالعه قبور قدیمی اردبیل در وضعیتی پابرجاست که شهرداری اردبیل طرح هم‌سطح‌سازی آرامستان‌ها را یکی پس از دیگری اجرا می‌کند. در این طرح هیچ اثری از سنگ‌قبرهای قدیمی باقی نمی‌ماند و همگی با سنگ‌های جدید و یک شکل توپویض می‌شود.

رموز تاریخی پنهان در سنگ‌قبرها قبل از کشف در دست نابودی است و لازم است اقدام عاجل در این خصوص صورت گیرد.

طرح هم اکنون در مشگین شهر و برخی روستاهای خالی از سکنه نیز انجام می‌شود. به گفته حاجی‌زاده این طرح به تازگی آغاز شده و لازم است در قبرستان‌های قدیمی به ویژه گروهی که از قدمت بالایی برخوردارند و وجه مقدسی داشته‌اند اجرایی شود.

● سردابه های پنهان در دل قبرستان‌ها

وی تأکید کرد: در گذشته افراد با این آرزو که در آخرت از بزرگان شفاعت بگیرند تمایل داشتند در کنار شخصیت‌های بزرگ دفن شوند؛ چنانکه امروز نیز وصیت برای به خاک‌سپاری در مشهد مقدس، قم و کربلا بر همین اساس است.

حاجی‌زاده با اذعان به اینکه مجموعه تاریخ قبور اردبیل نیازمند مطالعه جدی است، اضافه کرد: به دلیل محدودیت‌های مالی ما ناگزیر هستیم مطالعات را فازبندی و به تدریج اجرایی کنیم.

بابا صفری در اردبیل در گذرگاه تاریخی نوشته است: «هر محله برای خود قبرستانی داشت و معمولاً زمین قبرستان از طرف مردم خیر اهدا می‌شد و یا با جمع‌آوری پول از مردم خریداری می‌گشت. جنازه بعضی از متمکنین را امانت می‌گذاشتند تا به عتبات عالیات منتقل و در نجف اشرف دفن کنند و بدین منظور در هر قبرستانی سرداب بزرگی در زیر زمین می‌ساختند و اجساد امانت را در قوطی تخته‌ای گذاشته در آنجا قرار می‌دادند و اگر مرده از اعظام و اکابر شهر بود او را در

است در داخل قبر شئی ارزشمندی به همراه جسد دفن شده باشد، مشاهده می‌شود برخلاف ادعای بابا صفری هنوز تعدادی از سنگ‌قبرهای حکاکی شده باقی‌مانده است که ممکن است از نظر این محقق به دور مانده باشد. اما استفاده از سنگ‌قبرها در پی ساختمان‌ها امر مرسوم بوده و هم‌اینک نیز مسئولان میراث فرهنگی یکی از مهم‌ترین موانع نگه‌داری سنگ‌قبرها را فرهنگ‌های اشتباه پیرامون آن می‌دانند.

مدیر کل میراث فرهنگی استان با تأکید به ضرورت مطالعه سنگ‌قبرهای قدیمی اردبیل، اضافه کرد: هر شئی تاریخی باید در محل خود مطالعه شود و جدا کردن و مطالعه آن در محل دیگر به منزله جدا کردن آن از هویت خود است.

حاجی‌زاده در خصوص ساماندهی سنگ‌قبرهای قدیمی که در محوطه بقعه شیخ جبرئیل و بقعه شیخ صفی الدین به حال خود رها شده است، تصریح کرد: میراث فرهنگی تنها برای اقدامات نجات بخشی سنگ‌قبر را به محل دیگر انتقال می‌دهد.

وی افزود: متأسفانه بارها شکستن سنگ‌قبرها با این تصور که ممکن است در داخل قبر شئی ارزشمندی به همراه جسد دفن شده باشد، مشاهده می‌شود و این معضل به یکی از مشکلات نگه‌داری سنگ‌قبرها تبدیل شده است. مدیر کل میراث فرهنگی استان تأکید کرد: برای حفاظت از سنگ‌قبرها در برخی قبرستان‌های تاریخی جمع‌آوری و احصا سنگ‌قبرهای قدیمی را در دستور کار قرار دادیم و این

سفر به ایران کوچک؛ از شب‌های پرستاره کویر تا اسکی روی برف

شهره است به صدها اثر همچون معابد، پرستشگاه‌ها، آتشکده‌ها، گورستان‌ها، زیارتگاه‌ها، قلعه‌ها، پل‌ها، حمام‌ها، دژهای دیده‌بانی، تپه‌های باستانی، کاروان‌سراهای تاریخی و اماکن زیارتی و مذهبی برمی‌گردد.

کاروانسرای شاه‌عباسی کرج یکی از یادگارهای دوره صفویه در این شهر است که معماری آن شبیه به دیگر کاروانسراهای این دوره است مساحت کل بنا سه هزار و ۶۰۰ مترمربع و مساحت حیاط مرکزی آن ۹۰۰ مترمربع است. این کاروانسرا احتمالاً در دوره پادشاهی شاه سلیمان صفوی بین سال‌های ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۹ هجری قمری بنا شده است و در ابتدا به‌عنوان پناهگاهی برای استراحت کاروانیان بوده که در اواخر دوره قاجاریه تعمیرات جزئی در بنا ایجاد شده و از آن

طالقان بعد از شهر آبیگ است.

استان البرز که نام آن در زبان باستان «هربرز» («هر» به معنای کوه بلند و «برز» به معنای بلندی) بوده است دارای پنج شهرستان کرج، ساوجبلاغ، نظرآباد، اشتهارد، فردیس و طالقان است جاذبه‌های گردشگری فراوان تاریخی، باستانی و طبیعی، بناهای به یادگار مانده از ادوار تاریخی مختلف، وجود روستاهای زیبا و خوش آب‌وهوا در جای‌جای البرز، مجموعه جاذبه‌های گردشگری فراوان را برای میزبانی از گردشگران فراهم کرده است.

● کاروانسرای شاه عباسی کرج یادگاری از دوره صفوی

ریشه‌های باستانی و تاریخی کرج که به ایران کوچک

ریشه‌های باستانی البرز که یادگاری از دوران مادها است به صدها اثر تاریخی بازمی‌گردد. سپری کردن شبی پرستاره در کویر اشتهارد و اسکی روی برف در دیزین از جاذبه‌های این سرزمین است.



ساره نوری

سرزمین کهن البرز که تاریخ، سنت‌ها و آداب‌ورسوم دیرپایش همواره گویای جاودانگی و قدرت فرهنگی ریشه‌دار آن بوده است در خود هزاران رمز و راز دارد. البرز را تکه‌ای از پارس قدیم و سرزمین مادها می‌دانند که در رسایی فرهنگ، قدمتی به بلندی تاریخ فرهنگی ایران‌زمین دارد.

دامنه سلسله جبال البرز که طبیعتی خیره‌کننده، آب و هوایی مطبوع، چشم‌اندازهای بدیع، رودهایی پرآب و دریاچه‌های آب شیرین دارد، دیاری سرساییده به آسمان و پای محکم کرده لابه‌لای کوه‌های استوار تا دشت‌های وسیع است که مردمانی با فرهنگ‌های غنی که همگی از اقوام ایرانی هستند را در دل خود جای داده است.

استان البرز که نام آن در زبان باستان «هربرز» («هر» به معنای کوه بلند و «برز» به معنای بلندی) بوده است دارای شش شهرستان کرج، ساوجبلاغ، نظرآباد، اشتهارد، فردیس و طالقان است، این استان از شمال به استان مازندران، از شرق به استان تهران، از جنوب به استان‌های تهران و مرکزی از غرب به استان‌های قزوین متصل می‌شود.

شمالی‌ترین منطقه استان شامل ارتفاعات شمال طالقان، شرقی‌ترین منطقه آن شامل ارتفاعات شرقی دیزین، جنوبی‌ترین منطقه آن شامل منطقه مابین شهریار و رباط‌کریم (کوه‌های جنوب اشتهارد یا منطقه کوهستانی رامند) و غربی‌ترین منطقه آن شامل عشرت‌آباد واقع در غرب اشتهارد و سه‌راهی زیاران و





مختلف سال، گردشگران زیادی را به اینجا می کشاند، شهرت آلودگی برغان و بستنی «گله» علاوه بر زیبایی های طبیعی، مجموعه ای خاطرانگیز و البته خوشمزه برای گردشگران فراهم کرده است که دیدن از این روستا را برایشان زیباتر می کند.

محل ها به آلودگی برغان «گوچه برغان» هم می گویند و در واقع یک محصول پیوندی است که طعم و مزه خاصی دارد، طبق گفته محلی ها آلودگی برغان از پیوند آلودگی معمولی با آلودگی بخارا به دست می آید.

برغان از مناطق بسیار زیبای استان البرز محسوب می شود و به دلیل نزدیکی به اتوبان کرج - قزوین می تواند شاهد افزایش تعداد گردشگران در خود باشد دلیل این امر نیز این است که بسیاری از مسافران و گردشگران در کشور برای رسیدن به استان های مورد نظر خود، از اتوبان کرج - قزوین می گذرند و برغان می تواند محلی خوبی برای تمدد اعصاب و تفریح و گشت و گذار آن ها باشد.

برغان از مناطق بسیار زیبای استان البرز محسوب می شود و به دلیل نزدیکی به اتوبان کرج - قزوین می تواند شاهد افزایش تعداد گردشگران باشد چهارمین جاده زیبای جهان از البرز می گذرد.

در ادامه باید به شاهراه بودن البرز اشاره کنیم که محل گذر ۱۴ استان کشور است، وجود محور توریستی و بی نظیر چالوس که قدیمی ترها آن را به واسطه گردنه های سخت و خطرناکش به نام «هزار چم» می شناسند، باعث شده است ۵۶ روستای واقع در این محور دارای شهرت ملی و جهانی باشند.

روستاهایی با قدمتی هزارساله، باغ ها، درختان کهن سال و ابنیه های تاریخی، رستوران ها و مراکز اقامتی در چهارمین جاده زیبای جهان (چالوس) دست به دست هم داده تا معجونی از جاذبه های گردشگری به هم وطنان عرضه شود.

● روستای سیجان

روستای سیجان در منطقه ارنگه واقع شده است و پس از عبور از روستاهای سرزبارت و گوراب به این روستا می رسیم. این روستا با طبیعت بکر پذیرای گردشگران در تمامی فصول سال است.

سیجان بهشت پنهان در پیچ و خم های جاده چالوس است البته این تکه از بهشت تنها بخش اندکی از جاذبه های این محور است.

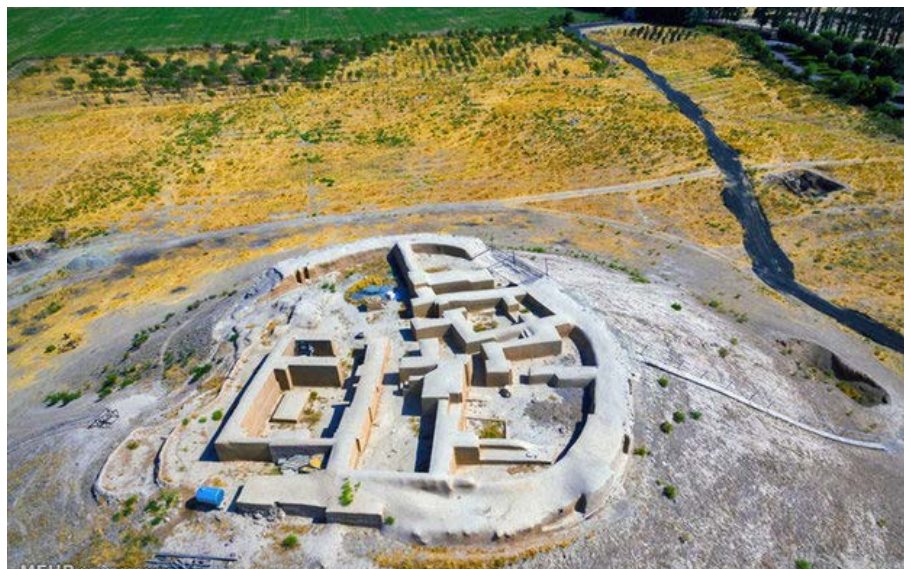
گردشگران برای لذت بردن از این جاذبه ها باید نگاه خود را به چالوس به عنوان محوری عبوری و مسیری که صرفاً آن ها را به شمال کشور می رساند تغییر دهند و ماشین خود را برای ساعتی هم که شده از مسیر اصلی این جاده خارج کرده و به سمت حواشی این جاده رانندگی کنند.



ویژگی های اصلی از معماری نخستین فرمانروایان آریایی در ایران و دارای هفده فضای معماری است که از مهم ترین آن ها می توان از باروی پیرامون دژ، حیاط بزرگ شرقی، انبار جنوبی، تالار بزرگ جنوبی، تالار شمالی در میانه غرب دژ، اتاق بزرگ سکودار، تالار معبد، اتاق نگهبانان، صندوقخانه، تاسیسات آشپزخانه ای و دروازه ورود به دژ نام برد.

● سفر به سرزمین بلندی ها

کوه های بلند و مسیر دشوار تردد به دره طالقان سبب شده است این ناحیه یکی از بکرترین مناطق شمال مرکزی ایران باشد. این شرایط در عین حال موجب تراکم سایت های تاریخی این منطقه در دوران پیش از تاریخ شده



است، این منطقه در عصر آهن مورد توجه مردمان ساکن در دشت ساوجبلاغ قرار گرفت.

این شهر به لحاظ قرار گرفتن در رشته کوه های البرز میانی آبوهوای کوهستانی بیلاقی دارد و به همین دلیل دارای جمعیت فصلی بوده و در تابستان جمعیت آن به بیش از ۱۲ هزار نفر می رسد.

این در حالی است که جمعیت ثابت شهر طالقان حدود ۵ هزار نفر است.

از مهم ترین جاذبه های گردشگری این شهرستان می توان به منزل آیت الله طالقانی در روستای «کلید» که خود از روستاهای هدف گردشگری در استان البرز است، قلعه کبیقباد و منصور، غارهای تاریخی بادامستان و اسنانین، محوطه باستانی قلادوش و قلعه ارزنگ اشاره کرد.

● سفری با چاشنی بستنی و آلو ترش

روستای برغان واقع در شهرستان ساوجبلاغ به نغمه ای در دل صدف معروف بوده به طوری که این روستا با دو واژه قدمت و تاریخ عجین شده است.

جاذبه های گردشگری فراوان این روستا، در فصل های



به عنوان مدرسه بزرگان استفاده می شده است. کاروانسرای شاه عباسی، در سمت جنوب شرقی میدان توحید و تقاطع خیابان شهیدای محراب و قدس کرج در خیابان قدس یا همان میدان شاه عباسی معروف واقع شده است، چهار فصل سال و هر روز هفته برای بازدید از این مجموعه زیبا و باشکوه را می توانید انتخاب کنید.

قابل توجه است که کاروانسرای تاریخی و گردشگری شاه عباسی با داشتن تالارهای پذیرایی، رستوران، سفره خانه، چایخانه، شربت خانه و قهوه خانه سنتی با ارائه غذاهای اصیل ایرانی و فرهنگی در محیطی سنتی همراه با بازارچه صنایع دستی و سوغات محلات مختلف میزبان شهروندان و گردشگران است.

● سرزمین کهن خشت جهان

وجود تپه آذیگی در شهرستان نظرآباد، که کهن ترین خشت جهان در آنجا یافت شده است می تواند پای گردشگران زیادی را به سرزمین البرز بکشاند زیرا سفر به سرزمین کهن خشت جهان و مشاهده تپه های تاریخی که بیانگر قدمت چند هزارساله است، جذابیتی بی نظیر را نصیب هر گردشگری می کند.

معماری تقریباً سالمی بر روی تپه آذیگی است که از مهم ترین آثار دوره ماد در فلات مرکزی بوده این اثر دارای ویژگی های اصلی از معماری نخستین فرمانروایان آریایی در ایران است محوطه آذیگی در ۵۰ کیلومتری غرب شهرستان کرج و در شمال شرق روستای آذیگی از توابع دهستان احمدآباد مصدق از بخش مرکزی شهرستان نظرآباد قرار دارد، ارتفاع زمین های اطراف آن از سطح دریا هزار و ۱۸۸ متر است.

محوطه آذیگی شامل تپه مخروطی شکل بزرگی به قطر ۱۵۰ و ارتفاع ۲۶ متر که در اطراف آن ۹ تپه قرار گرفته است. معماری تقریباً سالمی بر روی تپه مرتفع مرکزی است که از مهم ترین آثار دوره ماد در فلات مرکزی بوده این اثر دارای



چمن است که در فصول مختلف سال پذیرای علاقه‌مندان به اسکی و سایر ورزش‌های تابستانی و زمستانی است. احمد ترکاشوند معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی البرز پیش‌از این گفته بود: محور کرج - چالوس دارای ظرفیت‌های گردشگری بالایی است به طوری که بسیاری از هم‌وطنان در طول سال برای یکبار هم که شده از این جاده دیدن می‌کنند.

گردشگرانی که البرز را مقصد نهایی خود انتخاب می‌کنند در یک روز هم می‌توانند از سرسبزی جاده چالوس بهره‌مند شوند و یا در کویر اشتهارد شبی پر ستاره را سپری کنند ترکاشوند افزود: یکی از ظرفیت‌های گردشگری این محور وجود روستاهای با قدمت هزارساله است به طوری که بسیاری از پایتخت‌نشینان و همچنین شهروندان کرجی تعطیلات آخر هفته خود را در ویلاهای روستاهای محور چالوس می‌گذرانند.

وی گفت: بازدید گردشگران باعث شده که بسیاری از روستانشینان هوای مهاجرت نداشته باشند و ترجیح دهند که در روستا بمانند و به کار دام‌پروری و کشاورزی بپردازند.

وی بازدید گردشگران و طبیعت گردان در روستاهای محور چالوس را باعث توسعه فرهنگی بومیان این روستاها دانست و گفت: گردشگری روستایی راهی مناسب برای تقویت اقتصاد روستاهای استان و افزایش منابع درآمد روستانشینان است.

وی به رابطه دوسویه گردشگر و روستانشینان اشاره کرد و افزود: از یکسو گردشگری به مردم بومی سود می‌رساند و از سوی دیگر نیز، بومیان در توسعه گردشگری نقش ایفا می‌کنند.



جاجیم و شالیافی می‌گذرانند.

با سفر به این روستا علاوه بر لذت بردن از طبیعت می‌توان سوغاتی‌هایی خوشمزه، برای دوستان و آشنایان خرید و به عنوان هدیه به آنها داد.

● لذت اسکی روی برف در دیزین

اما گردشگرانی که البرز را مقصد نهایی خود انتخاب می‌کنند در یک روز هم می‌توانند از سرسبزی جاده چالوس بهره‌مند شوند و هم می‌توانند در کویر اشتهارد شبی پر ستاره را سپری کنند.

اما برخی که به ورزش‌های زمستانی علاقه‌مند هستند با حضور در پیست اسکی دیزین می‌توانند لذت اسکی روی برف را تجربه کنند در واقع می‌توان ادعا کرد استان البرز استانی چهار فصل است.

پیست اسکی دیزین در ۱۲۳ کیلومتری شهرستان کرج و ۷۰ کیلومتری روستای زیبای ولایت رود واقع شده است. وجود پیست دیزین و کوه‌ها و دشت‌های زیبا باعث شده است که روستای ولایت رود یکی از روستاهای هدف گردشگری استان البرز باشد.

پیست دیزین در سال ۱۳۴۸ تأسیس شد و در شمار پیست‌های معروف جهان قرار دارد دیزین اولین پیست در ایران است که از طرف فدراسیون جهانی اسکی مورد تأیید برای برگزاری مسابقات رسمی قرار گرفت و به‌عنوان پیست بین‌المللی شناخته شد.

پیست دیزین دارای ۳ مسیر تله‌کابین، ۲ تله‌سیژ، ۲۳ پیست اسکی و ۷ تله‌اسکی بشقابی و تله‌اسکی چکشی و پیست

● روستای گچسر

گچسر روستای زیبایی است که در انتهای بخش آسارا قرار گرفته، قدمت این روستا به دوره صفوی برمی‌گردد و گچسر را به دلیل این که دارای معادن غنی گچ است به این اسم نامیده‌اند، آب و هوای گچسر در همه فصل‌های سال معتدل و خنک است.

پل سنگی و کاخ رضا شاهی از دیدنی‌های این روستا به شمار می‌آید، در کنار تمام دیدنی‌ها و جاذبه‌های فراوان گچسر، پیست دیزین نیز بر زیبایی‌های این روستا افزوده است، کاخ روستای گچسر و کوره‌های گچ‌پزی از دیگر جاذبه‌های گردشگری این روستا هستند.

یکی دیگر از جاذبه‌های این روستا که در فصل بهار گردشگران زیادی را به خود جذب می‌کند باغ لاله‌هاست که در روستای گرماب گچسر قرار گرفته است، این باغ دارای بیش از ۳۰۰ واریته گل لاله و یک میلیون پیاز لاله است.

یکی از جاذبه‌هایی که در فصل بهار گردشگران زیادی را به خود جذب می‌کند باغ لاله‌هاست که در روستای گرماب گچسر قرار گرفته استروستای شهرستانک

یکی دیگر از مکان‌های زیبا که در دل جاده چالوس قرار گرفته، روستای شهرستانک با عمارت ناصری است که به یکی از مقاصد گردشگری استان البرز تبدیل شده است.

این روستا از توابع دهستان لورا در ۶۳ کیلومتری شمال غربی کرج و جاده چالوس قرار گرفته است. مردم این روستا عموماً زندگی خود را از طریق کشت غلات، گردو و میوه، پرورش زنبور عسل، تولید لبنیات، دامداری و



نقش خیال انگیز «هنر» بر خشت و گل خانه‌های سنتی اصفهان

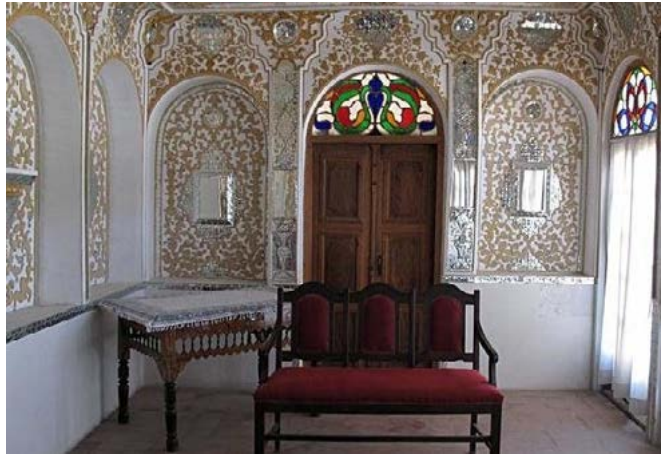
کنار این جنبه‌های زیبایی‌شناختی خاص مطرح بوده است.

کارشناس معماری بیان اینکه بسته به میزان مکتب خانواده و وسعت بنا، اغلب خانه‌ها دارای اندرونی و بیرونی بوده است، گفت: برخلاف معماری امروزی که ایجاد آشپزخانه‌های باز به شیوه غربی باعث ایجاد مشقت و ناراحتی برای بانوی خانواده می‌شود معماران قدیمی با ارج نهادن به حس ذاتی حیا در وجود ایرانیان با ایجاد اندرونی و بیرونی حس امنیت و آرامش در خانواده را مدنظر داشتند.

وی تاکید کرد: حیاط بزرگ با اتاق‌ها و نشیمنهای پیرامونی که دورتادور آن را نیز انواع درختان فراگرفته‌اند به همراه یک یا دو حوض در هر کدام از این فضاهای اندرونی و بیرونی یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر منازل بوده است که علاوه بر نقش موثر در ایجاد نشاط روحی پس از یک روز کاری، مکانی وسیع برای جنب و جوش و افزایش هوش هیجانی کودکان بوده است.

اسلامی افزود: به طور کلی خانه‌های مجهز به اندرونی و بیرونی دارای بخش‌هایی مانند دالان یا هشتی برای ورود غیرمستقیم به خانه، هشتی ورودی، راهرو ورودی، ایوان، حیاط و اتاق‌های اطراف آن، حوض، زیرزمین، فضاهای خدماتی و سرویس‌ها و بهار خواب بوده است.

وی تاکید کرد: همچنین اغلب خانه‌های اصفهان دارای ایوانی وسیع در طبقه دوم به عنوان یکی از نشیمن‌های خانه بودند که به حیاط بزرگ خانه اشراف داشته است. این پژوهش‌گر معماری ایرانی اسلامی با



دور شود. برخلاف معماری امروزی که ایجاد آشپزخانه‌های باز به شیوه غربی باعث ایجاد مشقت و ناراحتی برای بانوی خانواده می‌شود معماران قدیمی با ارج نهادن به حس ذاتی حیا در وجود ایرانیان با ایجاد اندرونی و بیرونی حس امنیت و آرامش در خانواده را مدنظر داشتند.

اسلامی ادامه داد: باید یادآوری کنم توجه به هنر در خانه‌های دیگر شهرهای استان نیز موضوعی است که در نگاه نخست هر چشمی را خیره می‌کند اما شاید این موضوع به عنوان نخستین ویژگی مهم در نگاه به معماری این بناها مطرح نباشد. وی با اشاره به استفاده از هنر ایرانی اسلامی در خانه‌های قدیمی اصفهان گفت: در این خانه‌ها از هنرهای مختلف دیرینه این دیار مانند گچ‌بری، منبت و کاشی استفاده شده و کمک به زندگی آسان‌تر در

و هوایی متعادل داشته است و تابستان‌ها دارای گرمای معمول و پاییز و زمستان دارای بارش‌های متعادل بوده است. کارشناس معماری ایرانی اسلامی تاکید کرد: بدین ترتیب در شرایطی که در شهرهایی مانند کاشان استفاده از روش‌های خاص برای کاهش گرما در معماری خانه‌های دارای اهمیت زیادی بوده است. در شهر اصفهان جنبه‌های هنری بیشتر از دیگر موضوعات، در ساخت خانه و ایجاد وسایل رفاه و آرامش مطرح بوده است. وی تاکید کرد: این مسئله موضوعی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است چراکه با توجه به خشکی کنونی زاینده‌رود، اصفهان به جای شرایط متعادل قبلی به واقع شرایط گرمای بی‌حد و سرمای اندک در زمستان را تجربه می‌کند و این موضوع شاید باعث شده تا توجه عمومی از نقش نخست هنر در ساخت خانه‌های اصفهان

در معماری خانه‌های اصفهان بیش از هر چیز توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و استفاده از هنر سرانگشتان هنرمندان در باور خیال می‌نشیند چشم‌ها را نوازش می‌دهد.



فاطمه کازرونی

روح اصفهان با هنر آمیختگی جدایی‌ناپذیری دارد به گونه‌ای که هر گوشه از این دیار کهن، نشانی از نقش سرانگشتان هنرمندان اصفهانی می‌توان یافت چه در اثراتی که حاصل سال‌ها تلاش هنرمندان با ذوق اصفهانی است و چه در وسایل اولیه زندگی که هیچ‌گاه در گذر زمان از نقش هنر بی‌نصیب نمانده است.

در این میان معماری خانه‌های قدیمی اصفهان جدا از نقشی که در ایجاد امنیت، آرامش و سهولت زندگی دارد با فرهنگی خاص در زندگی اصفهانی‌ها گره خورده است، فرهنگ هندوستی و ارزش نهادن به هنر در هر اثری که دست بشر در آفرینش آن دخیل است و شاید این روحیه اهمیت به زیبایی‌های بصری از حس زیبایی‌شناسی و توجه اصفهانی‌ها به آفریده‌های خالق هستی سرچشمه گرفته است.

بدین ترتیب معماری خانه‌های قدیمی اصفهان جدا از هر نوع نقش و ویژگی با هنر آمیخته شده است؛ موضوعی که حتی در زمان کنونی نیز با وجود برجهایی که سر بر آستان فلک کشیده‌اند هنوز برای اصفهانی‌ها دارای ارزش است و هر اصفهانی یا بخش کوچکی از خانه خود را به شیوه خانه‌های سنتی تزئین میکند و یا در افق آینده آرزوهای خویش این تفکر را پرورش می‌دهد که روزی خانه خود را به نقش‌های خیال‌انگیز خانه دوران کودکی خود برگرداند.

تورج اسلامی کارشناس و استاد معماری که خانه سنتی پدر و مادر خود را برای نشست‌های خانوادگی بازسازی و حفظ کرده است، ویژگی‌های معماری خاص و سنتی اصفهان را مورد اشاره قرار می‌دهد و به مهر می‌گوید: از گذشته‌های دور توجه به اقلیم در ساخت خانه‌های استان اصفهان به ویژه شهرهایی با آب و هوای بسیار گرم مانند کاشان مورد توجه بوده است.

● نقش غالب هنر در معماری خانه‌های اصفهان

وی افزود: شهر اصفهان با وجود قرار داشتن در منطقه کویری به دلیل هم‌جواری با زاینده‌رود به طور معمول آب



برای استفاده از هر کدام از شیوه‌های قدیمی معماری اصفهان محدودیت قانونی وجود ندارد، به مهر می‌گویید: در فضای کنونی، معماری غربی چه در داخل و چه نمای ساختمان‌های جدید نفوذ کرده است و با توجه به اینکه روحیه دسته‌جمعی زندگی کردن خانواده‌های قدیمی به استقلال خانوادگی مبدل و زندگی‌های افراد از حالت درون‌گرایی به برون‌گرایی گرویده است، بخشی از معماری قدیمی اصفهان یا ایران دیگر قابل دسترسی نیست.

ربانی فرد در پاسخ به این سوال که آیا طرح یا پژوهشی برای بازگشت به این نوع از معماری وجود دارد، بیان داشت: متأسفانه در حال حاضر چنین مقله‌ای مطرح نشده و می‌توان گفت به نوعی در شرایط کنونی جامعه راه‌های احیای معماری ایرانی اسلامی مسدود شده است اما عقیده داریم که سازمان نظام مهندسی باید در این ارتباط پیش‌قدم شود.

وی اضافه کرد: در این راه مراکز علمی و دانشگاهی با تربیت نیروهای متخصص و نهادهای فرهنگی با توجه دادن خانواده‌ها به ارزشهای معماری ایرانی به یقین می‌توانند در این زمینه بسیار کمک کنند. این کارشناس با اشاره به اینکه با وجود سازه‌های بتونی فعلی در ساختمان‌ها هنوز میتوان از مصالح سنتی قدیمی مانند آجر، کاشی، آئینه و غیره استفاده کرد، گفت: شاید نتوان معماری قدیم اصفهان را به دلیل تعدد جمعیت، کوچک شدن خانه‌ها و تبدیل آنها به آپارتمان به شکل کامل احیا کرد اما هنوز هم در همین خانه‌ها می‌توان از شیوه‌های سنتی معماری اصفهان مانند استفاده از هنرهای مختلف بهره گرفت.

● ضرورت نهادینه‌سازی فرهنگ ساخت خانه‌های سنتی

وی با تأکید بر اهمیت نهادینه‌سازی فرهنگ ساخت خانه‌های سنتی در جامعه اضافه کرد: در این میان نباید از خواست جامعه غافل باشیم چراکه بدون درخواست برای ساخت خانه‌های سنتی نه مصالح قدیمی آن به وفور قابل دسترسی خواهد بود و نه نیروی کار با مهارت ساخت خانه‌های سنتی وجود خواهد داشت.

به نظر می‌رسد به دلیل مهر شدن نام «سنتی» به ازای استفاده از هر کدام از شیوه‌های قدیمی مطرح در معماری اصفهان، تمایل به ساخت خانه به این شیوه‌ها نیازمند هزینه‌های گزافی است که از پس هر کسی برنمی‌آید.

همچنین با توجه به نبود موانع قانونی در استفاده از معماری سنتی اصفهان شاید بازگشت به معماری قدیم بیش از هر چیز نیازمند پیرایش روح از جنبه دغدغه‌های دنیوی و ارزش‌زدایی از طرح‌های غربی معماری در جامعه است.



جوان از ارزش‌های سنتی و بومی میشود، بیان داشت: چنین شرایطی جامعه را دچار تعارض می‌کند و این فرهنگ وارداتی به ویژه در معماری فاصله نسل‌های جدید با فرهنگ ایرانی را عمیق‌تر می‌کند. وی با بیان اینکه به یقین فرهنگ آسیب دیده معماری امروز ما در آینده نه چندان دور در انحراف از ارزش‌های بومی ایرانی می‌تواند تأثیرگذار باشد، تأکید کرد: بخشی از آسیب‌های اجتماعی، اعتقادی و ایدئولوژیک را می‌توان در این تضاد فرهنگی نفوذ کرده به معماری جست‌وجو کرد.

اهمیت بازگشت به شیوه‌های سنتی معماری ایرانی بر کسی پوشیده نیست اما در وهله نخست باید با قرار دادن زیبایی و ویژگی‌های خاص این خانه‌ها در پیش چشم ایرانیان به نوعی تقاضای آن را ایجاد کنیم چراکه به نظر می‌رسد روحیه توجه به معماری غربی بیش از دیگر مسائل مانعی بر سر راه احیای معماری اسلامی ایرانی است.

در شرایط کنونی جامعه احیای معماری ایرانی اسلامی مسدود شده است اما عقیده داریم که سازمان نظام مهندسی باید در این ارتباط پیش‌قدم شود.

در این ارتباط اکبر ربانی فرد عضو هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان اصفهان با اشاره به اینکه

محمدی درباره تأثیر معماری در هوش و شخصیت‌سازی نسل‌های بشری گفت: با بررسی زندگی بزرگان و دانشمندان ایرانی مانند شیخ بهایی می‌توان ردپا و تأثیر متقابل معماری در هوش و درایت فردی، زیرکی و ذکاوت و توانمندی‌های فردی را مشاهده و مورد بررسی قرار داد.

رئیس انجمن آسیب‌شناسی اجتماعی ایران تصریح کرد: شاید تاکنون تأثیر معماری بر هوش بزرگان مورد بررسی جدی قرار نگرفته باشد اما شواهد تاریخ معماری کشور و دیدگاه‌های روانشناسی در ارتباط با تأثیر محیط و معماری بر شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها گواهی بر این امر است.

وی در ادامه به آسیب‌های ناشی از دور شدن از فرهنگ ایرانی اسلامی در معماری کنونی جوامع اشاره کرد و گفت: امروزه معماری ساختمان‌های ما تا حدودی از ارزش‌های فرهنگی و مذهبی غالب جامعه فاصله گرفته است که نمونه بارز آن آشپزخانه این راه یافته از فرهنگ غربی است که نتوانسته ارتباط محتوایی و ارزشی با فرهنگ جامعه ایرانی اسلامی پیدا کند.

فرهنگ وارداتی معماری غربی و شکاف عمیق میان نسل جوان و فرهنگ ایرانی محمدی با بیان اینکه دور شدن از معماری ایرانی اسلامی باعث فاصله گرفتن نسل

بیان اینکه در این خانه‌ها در هر بخش گاه چندین تالار وجود داشته است، گفت: مهمان‌خانه دارای تزیینات بسیار زیبا مانند گچ‌بری، آئینه‌کاری، نقاشی روی گچ و چوب و مقرنس بوده است و بسیاری از تالارهای مهمان‌خانه نیز با پنجره یا درب‌های چوبی مشبک و دارای شیشه‌های رنگی به نام اُرسی به حیاط خانه مربوط می‌شد.

● تأثیر معماری در پرورش روح

وی اضافه کرد: از نمونه‌های بسیار شاخص این خانه‌ها با ویژگی‌های بیان شده خانه موسوم به پدر بانوی مجتهده امین و خانه شیخ‌الاسلام است که توسط میراث‌فرهنگی اصفهان مورد بازسازی قرار گرفته‌اند گرچه بخشی از خانه بانو مجتهده امین در اثر غفلت و در مسیر خیابان‌سازی از میان رفته است.

تأثیر معماری خانه‌ها بر هوش، شخصیت و پرورش روح موضوعی است که با توجه به شواهد تاریخی رویای بازگشت به خانه‌های سنتی اصفهان را در ذهن تقویت می‌کند.

بررسی خانه شیخ بهایی به عنوان یکی از بزرگترین دانشمندان جهان اسلام و خانه بانو امین به عنوان نمونه‌های شاخص معماری و زیبایی‌شناسی بصری نشان می‌دهد که شاید تاکنون تحقیق جامعی در این ارتباط انجام نشده اما گویی فضای معماری جدای از شیوه تربیت در این امر بی‌تأثیر نبوده است.

در این ارتباط کوروش محمدی روانشناس به مهر می‌گوید: رفتارهای انسانی ناشی از شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهایی است که به انسانها خط سیر زندگی را منتقل می‌کند.

وی افزود: قرار گرفتن آدمی در هر موقعیت فیزیکی و محیطی می‌تواند بخشی از جهان‌بینی فرد را شکل داده و بدین ترتیب در رفتار، شخصیت و منش انسان‌ها تأثیرگذار باشد.

با بررسی زندگی بزرگانی و دانشمندان ایرانی مانند شیخ بهایی می‌توان ردپا و تأثیر متقابل معماری در هوش و درایت فردی، زیرکی و ذکاوت و توانمندی‌های فردی را مشاهده و مورد بررسی قرار داد. این روانشناس اجتماعی با اشاره به اینکه معماری هر منطقه از فرهنگ مردم آن تأثیرپذیر است، گفت: بدین ترتیب معماری متأثر از فرهنگ می‌تواند باورها را شکل دهد و به زندگی رفتاری انسان معنا ببخشد.

وی با اشاره به اینکه معماری محصول ادراک انسان از پیرامون خود است، افزود: نگرش‌ها، علایق، انگیزه و باورهای درونی انسانها در معماری نمود یافته و معماری با این کارکرد به نوعی تلقین و نشان دادن همین باورها را در نسل جدید دنبال می‌کند.



عمارت «خواجه آوادیس» رشت پارکینگ شد / خبری از مرمت نیست



مهری شیرمحمدی

عمارت «خواجه آوادیس» رشت
یادگاری از دوره ناصری که علاوه بر
معماری بی نظیر، بخشی از تاریخ و
هویت این شهر محسوب می شود،
پس از گذشت ۹ سال از ثبت ملی،
نه مرمت شده و نه به طور صحیح
حفاظت می شود.

عمارت «خواجه آوادیس» یکی از زیباترین بناهای به جا مانده از دوره ناصری در رشت، اگر چه در سال ۸۶ و با قید فوریت و ضرورت برای جلوگیری از تخریب به ثبت ملی رسید اما این روزها رنج نامهربانی های مسؤلان بر پیکره این بنا زخمه زده و گنج به جا مانده از گذشتگان را در معرض تخریب و نابودی قرار داده است.

داستان عمارت میراثی، پارکینگ و ارشاد

نیمی از عمارت «خواجه آوادیس» که یک سال پیش از ترور ناصرالدین شاه ساخته شده، در سال ۱۳۸۶ به منظور ساخت پارکینگ توسط اداره ارشاد رشت تخریب شد. هر چند سازمان میراث فرهنگی با ثبت بنا در اواخر همان سال از تخریب کامل بنا ممانعت ایجاد کرد ولی امروز و بعد از گذشت ۹ سال، باقی مانده عمارت نه تنها مرمت نشده بلکه ریزش برف و باران و نفوذ رطوبت روز به روز پایه های این عمارت زیبا را سست تر کرده و غم انگیز تر آنکه به دلیل بی توجهی به حفاظت از آن، مورد سوء استفاده برخی افراد سودجو قرار گرفته و سوراخ هایی که به امید دست پیدا کردن به گنج ها احتمالی موجود در این بنا در دیوارهای آن ایجاد شده، بر رنج این عمارت تاریخی افزوده است.

سال ۱۳۸۶ اداره ارشاد رشت، عمارت «آوادیس» را در محله استادسرا خریداری و قصد داشت تا با تخریب کامل بنا پارکینگ بسازد. غافل از اینکه این عمارت به جز آنکه به لحاظ معماری بی نظیر است، شخصیت های تاریخ سازی را نیز در خود پرورانده است.

با انتقاد برخی رسانه ها، سازمان میراث فرهنگی گیلان به داد عمارت آوادیس رسید و در حالی که نیمی از آن به طور کامل تخریب شده بود، به منظور ثبت اضطراری، پرونده ساختمان را در نیمه اسفند ۱۳۸۶ به تهران ارسال کرد. در نهایت این عمارت در ۲۶ اسفند ۸۶ و به شماره ۲۲۲۲۷ در فهرست بناهای میراثی کشور به ثبت رسید.

گنجبری های نفیس و پنجره های ارسی

گشتی در میراث «خواجه آوادیس» عمق فاجعه را بعد از ۹ سال نشان می دهد. زمانی که اداره ارشاد بخشی از این عمارت را تخریب کرد، تعدادی از درها و پنجره های ارسی را از پایه دیوار جدا و در گوشه حیاط گذاشت. همان زمان میراث فرهنگی طی نامه ای از ارشاد خواسته بود تا لااقل برای جلوگیری از نفوذ رطوبت، درهای نفیس را به مکان سر بسته منتقل کند اما حالا نه تنها درها به جای اصلی خود برنگشته که حتی در فضای عمارت نیز دیده نمی شود.

حریم این عمارت میراثی، همچنان به عنوان پارکینگ اداره ارشاد رشت مورد استفاده قرار می گیرد و آب حاصله از فعالیت کولرهای اسپلیت این اداره، بر پیکر بی جان میراث «خواجه آوادیس» می ریزد و با توجه به از بین رفتن پوشش سفالی بخشی از بنا، عمق تخریب ناشی از رطوبت و باران ۹ ساله به پی و بنای عمارت نیمه مخروبه کاملاً مشهود است.

«ططاووس ینوک آوانسیان»، از مهاجران قره داغ ارسباران به رشت فروخته می شود. ططاووس این ملک را به اسم دو پسر خود می کند. یکی از پسرها به نام آرتدوش، همراه مرحوم آرسن میناسیان از خیران معروف رشت بودند. «آرتوش آوانسیان» آخرین فرد مالک این خانه بود که در سال ۱۳۸۵ خانه را به اداره ارشاد رشت می فروشد.

بنایی با معماری ایرانی - اروپایی

یک مهندس معمار، درباره ویژگی های معماری عمارت خواجه آوادیس می گوید: کمتر خانه ای در گیلان با چنین قدمت و معماری یافت می شود و چون محل زندگی چند چهره تاریخی بوده، حفظ آن ضروری است.

مسعود حقانی درباره ویژگی های معماری این عمارت توضیح می دهد: در بررسی اولیه خانه های شهری رشت می توان ترکیب سه گانه ای را به صورت یک بخش اصلی در وسط و دو بال جانبی در تمامی پلانها مشاهده کرد. بدین ترتیب که در قسمت میانی، تالار یا سه دری و در مواردی ایوان قرار گرفته است.

وی می افزاید: در حقیقت این خانه همچون بعضی از خانه های بومی دارای دو لایه متفاوت، شامل لایه سرتاسری ایوان و لایه اطاقها است. چیزی که به ندرت در معماری شهری سایر مناطق دیده می شود.

از نکات بارز دیگر این ساختمان، حالت سقف و پوشش سفالی و یا شیروانی است که در برگیرنده تمام حجم بنا است. پیش آمدگی سقف نیز سبب شده تا این اتصال با جزئیات بیشتری مطرح شود. عمارت بنا بر کتیبه موجود در خانه، در سال ۱۸۹۵ میلادی ساخته شده است.

حقانی در تشریح مشخصات پلان توضیح می دهد: ساختمان در دو طبقه احداث شده، طبقه همکف که مانند زیر زمین است، به عنوان محل پرورش نوغان مورد استفاده قرار می گرفته و طبقه بعدی به وسیله چند پله به ایوان بالا متصل شده و محل استقرار ساکنان خانه بوده است. این طبقه نیز با سه پله، سه اتاق را در نیم طبقه ای قرار می دهد. پلان دارای طرح هندسی منظم و به صورت گسترده و باز و طویل و باریک طراحی شده تا حداکثر استفاده از ورزش باد در ایجاد تهویه طبیعی و دفع رطوبت صورت گیرد.

وی بر تأثیرات معماری اروپایی بر این بنا به دلیل تبادلات تجاری رشت با اروپا تأکید داشته و می گوید: معماری عمارت آوادیس تلفیقی از معماری بومی و اروپایی در بناهای شهری است. استفاده از بازشوهای

با این وجود، هنوز زیبایی های این عمارت چشمگیر است. بنای اصلی از آجر ساخته شده و دارای دو اشکوبه است، گچ بری های نفیس روی دیوارها، گره چینی های بکار رفته در ارسی ها و درب های طاقی شکل و شیشه های رنگی، تزیینات سرستونها و سرشیرها و جان پناه ایوان، نقاشی های دیواری که زیر پوشش گچی خودنمایی می کند و شومینه ای که به سردی گراییده است.

تاجر ابریشمی که اموالش را وقف کرد

«خواجه آوادیس» بخشی از هویت تاریخی رشت است. تاجر ابریشمی که بعد از حمله مهاجمان ترک به ارامنه، (در زمان نهضت جنگل) خانه اش پناهگاه آسیب دیدگان بود و بعدها از سالن نمایش مدرسه ای که وی ساخته بود، تئاتر در رشت و گیلان رواج یافت.

پژوهشگر تاریخ رشت درباره اولین مالک این بنا می گوید: خواجه آوادیس اصالتاً از ارامنه اصفهان بود که به رشت مهاجرت کرده و در این شهر مشغول تجارت ابریشم و نوغان بود. وی در سال ۱۸۹۵ میلادی یعنی یک سال قبل از ترور ناصرالدین شاه این عمارت را ساخت.

روبرت واهانیان تبریز ادامه می دهد: ملک بزرگ خواجه آوادیس تقریباً قسمت اعظم دو طرف خیابان سعدی فعلی را در برمی گرفت. ۱۰ روز بعد از خروج میرزا کوچک خان از رشت و کودتای بلوشیک ها (تابستان ۱۲۹۹ ش)، بازار رشت به آتش کشیده شد و کل بازار، مدرسه و کلیسای ارامنه - که در بازار بود- سوخت.

وی می افزاید: در این شرایط بود که خواجه آوادیس بلافاصله در زمین خودش و به یاد پسرش «مگردیچ» - که فوت شده بود- مدرسه جدیدی ساخت. خواجه آوادیس همچنین وصیت کرده بود که املاک دیگرش نیز به شورای مدرسه برسد. ولی با فوت خواجه آوادیس، وراثت خانه فعلی را در سال ۱۹۰۵ میلادی به «آوانس آوانسیان» می فروشتند.

عمارتنی که به آوانسیان معروف شد

این پژوهشگر تاریخ رشت تصریح می کند: «آوانس» پدر «آرتاشس آوانسیان» بود که در جوانی به نهضت جنگل پیوست و بعدها از اعضای اصلی گروه ۵۳ نفر شد. «آوانس» صاحب شرکت ارابه رانی بود و بین رشت و تهران و دیگر شهرهای ایران ارابه رانی می کرد. بعدها این عمارت به

دوربین حفاظتی نصب شده و امکان ندارد تخریبی از سوی افراد سود جو صورت گرفته باشد.

با اینکه عمارت خواجه آوادیس، در تملک اداره ارشاد است ولی، مسئولان ارشاد مرمت این بنا را وظیفه میراث فرهنگی می دانند و بنا به گفته پاک نیا، معاونت فنی اداره کل ارشاد، وظیفه تامین اعتبار و مرمت یک بنای ثبت شده، وظیفه سازمان میراث فرهنگی است.

با این حال رئیس اداره ارشاد شهرستان رشت، نظر دیگری داشته و تأیید می کند که وقتی بنایی ملک ارگانی مشخص است، بودجه مرمت و تغییر کاربری را نیز باید تأمین کند.

با این حال تلاش برای دریافت پاسخ مناسب از سوی معاونت اداری- مالی اداره کل ارشاد مبنی بر تخصیص اعتبار مرمت تا زمان نگارش این گزارش بی نتیجه ماند.

● مرمت بخش‌هایی از بنا با اعتبار میراث فرهنگی

معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی گیلان درباره عمارت آوادیس می گوید: خوشبختانه میراث فرهنگی توانست عمارت خواجه آوادیس را قبل از تخریب کامل توسط ارشاد، به صورت فوری در فهرست بناهای میراثی کشور به ثبت برساند.

محمدرضا باقریان می افزاید: هر چند پلان اصلی این بنا به شکل A بود و اداره ارشاد بخشی از آن را تخریب کرد ولی خوشبختانه توانستیم مانع تخریب کامل این بنا شویم. وی با اشاره به اعتبارات محدود سازمان میراث فرهنگی می افزاید: با وجود تعدد بناهایی که نیاز به مرمت دارند، میراث توانست چند سال پیش اعتباری را برای مرمت بخشی از بنا تخصیص دهد.

باقریان ادامه می دهد: مرمت سربندی و دامنه سرشیرها انجام شده و همچنین توانستیم بخشی از تخته پوش های کف بنا را هم تعویض کنیم ولی برای داخل فضا اعتباری نداشتیم و مرمت کف و پنجره ها و گچ بری ها همچنان نیازمند تأمین اعتبار است.

معاون میراث فرهنگی گیلان تأکید می کند: اگرچه این عمارت به لحاظ معماری از نادرترین بناهای شهری گیلان است ولی تاکنون نشست مشترکی با اداره کل ارشاد به منظور تأمین اعتبار و همکاری دو جانبه برای مرمت از سوی میراث صورت نگرفته است.

وی تصریح می کند: آثار تاریخی هویت و شناسنامه ما هستند بنابراین همه باید دست به دست دهیم و مانع تخریب آنها شویم.

بنایی که خواجه آوادیس وقف کرد، سرنوشت تلخی یافت. اما اگر از سوی متولیان فرهنگی با اعتبارهای ملی که دارند همتی باشد؛ این بنا می تواند به عنوان بخشی از تاریخ رشت باقی بماند.



کاربری دهند. همچنین با اینکه اداره ارشاد تأکید دارد که در حفظ بنا کوتاهی نکرده اما، یگان حفاظت سازمان میراث فرهنگی ادعا دارد، بخش‌هایی از عمارت در سال‌های اخیر توسط برخی افراد سود جو به قصد یافتن گنجینه از خانه یک تاجر ابریشم سوراخ شده اس.

بازدید از خانه آوانسیان بدون هماهنگی با حراست اداره ارشاد امکان پذیر نیست ولی به نظر می رسد بنای میراثی که با وجود تأکید میراث، محدوده حریمی برای آن تعریف نشده و کاربری پارکینگی دارد، خیلی هم حفاظت شده نیست. آن هم پارکینگی که درب آن به محله استادسرا باز می شود، نه محور سعدی.

افزون بر آن، درب فرعی سالن آمفی تئاتر ارشاد - که به حیاط خواجه آوادیس باز می شود- امکان تردد غیر کارکنان و افراد خارج از هماهنگی با حراست را هم در زمان اجرای برنامه های سالن، فراهم می کند.

● اداره ارشاد در حفاظت از بنا کوتاهی نکرده است

مدیر ارشاد شهرستان رشت، درباره حفاظت از این بنای تاریخی می گوید: اداره ارشاد نهایت دقت را در حفاظت از این بنای میراثی دارد. این بنای فاخر همواره مورد توجه دانشجویان معماری بوده و مرتب از دانشگاه گیلان برای بازدید بنا می آیند ولی تمامی بازدیدها با مجوز کتبی و حضور یکی از نیروهای حراست این اداره صورت می گیرد.

محمد حسن پور تأکید می کند: در بخش میراثی بنا،

فراوان در نما، استفاده از شیشه‌بندها در ایوان‌ها، به ویژه در سمتی که باران‌خور است، در نظر گرفتن اصل تقارن و ترجیح محور و تأکید به آن و تکرار ریتم‌های معین و وجود ایوان‌های سراسری از مهمترین ویژگی‌های این بنای فاخر است.

این مهندس معمار در مورد تزئینات داخلی بنا یادآور می شود: بیشتر خانه با گچ بری‌های فراوان آراسته شده و دارای نقوشی از گل و گلدان و پرندگان تزئینی است. تالار شاه‌نشین، دارای یک شومینه و پنجره ارسی با شیشه‌های رنگی است و شمای خاصی به معماری خانه می‌دهد. تمامی کفپوش آن تخته کوبی و در قسمت ایوان دارای نرده و ستون‌هایی چوبی است. انتهای ستون‌ها به کله شیری متصل شده‌اند که همگی به زیبایی با رنگ آبی طراحی گشته‌اند.

حقانی ادامه می دهد: بنا دارای هفت تیپ در و سه تیپ پنجره است. اتاق‌ها طاقچه‌هایی دارد که بالای همگی تزئینات گچبری خودنمایی کرده و سقف ساختمان نیز سفالپوش به رنگ قرمز است. این بنا نیز مانند بسیاری از معماری‌های گیلان، در قسمت پایین دیواره‌ها، دارای گربه‌رو بوده و این گربه‌روها خود نیز دارای تزئینات متأثر از گل‌گچبری‌های ساختمان است.

● بنایی میراثی بدون محدوده حریم

۹ سال از ثبت این بنای دوره ناصری می‌گذرد و اداره ارشاد به عنوان مالک و اداره میراث به عنوان متولی حفظ بناهای میراثی، هنوز نتوانسته‌اند این بنا را مرمت کرده و تغییر



■ برخورد با پدیده قاچاق حال به هر شکل آن، نیازمند تلاشی مضاعف است چراکه باید از واردات کالای قاچاق بی کیفیت از مبادی مرزی جلوگیری شود نه اینکه پس از توزیع کالاها در فروشگاه‌ها و مراکز عرضه تازه به فکر برخورد افتاده و فضای بازار را متشنج کرد چرا که این امر نارضایتی مردمی را نیز در پی دارد.

■ توانمندی های خراسان جنوبی در زمینه کاشت، داشت و برداشت چهار محصول استراتژیک این استان در سطح کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و ایجاد ظرفیت فراوری و بسته‌بندی می‌تواند گامی مؤثر در رونق بخش کشاورزی منطقه و اشتغال باشد.

■ بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از نرخ بیکاری در کشور، استان کرمانشاه همچنان بدون رقیب در صدر بیکارترین استان‌های کشور قرار دارد.

■ کمی صحبت به درازا می‌کشد و این بانوی شاهرودی با آوردن مدارک پزشکی خود و همسرش کلکسیونری از بیماری را جلوی چشمانمان قطار می‌کند شوهرش علاوه بر پیوند کبد دچار بیماری کلیوی، تنفسی و پروستات نیز است و خودش هم با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند که در سرما اوج می‌گیرد.

اقتصاد ایران



پای صادرات سیب آذربایجان غربی می لنگد / زخمی که امسال هم سر باز کرد



سگینه‌ناسمی

نامشخص بودن وضعیت صادرات و پایین بودن توان مالی باغداران و همچنین ریزش‌های قبل از برداشت محصول، بازار قطب سیب کشور را با مشکلات اساسی مواجه کرده است.

غربی راه اندازی پایانه صادراتی، ایجاد غرفه های عرضه مستقیم محصولات کشاورزی، ایجاد بورس منطقه ای و تقویت حضور تشکلهای بخش کشاورزی در افزایش صادرات محصولات کشاورزی از جمله راه حل‌های اساسی و برنامه‌ها و اولویتهای سازمان جهاد کشاورزی برای حل مشکلات موجود برشمرد.

● لزوم توجه به زیرساخت های صادراتی و بازاریابی محصولات کشاورزی

وی با بیان اینکه راه اندازی، توسعه و تجهیز واحدهای فرآوری و صنایع تبدیلی مخصوصا بسته بندی و سورتنینگ میوه در استان ضرورت دارد افزود: سالانه نزدیک به ۶۵۰ هزار تن از محصول به صورت تازه خوری مصرف و یا در سردخانه های استان ذخیره سازی می شود که برای فروش روانه بازارهای مصرف داخلی و خارجی می گردد و بقیه جذب کارخانجات صنایع تبدیلی می شود.

کریم زاده گفت: در حال حاضر با توجه به اینکه سالانه ۳۰ تا ۳۵ درصد محصول سیب تولیدی استان در کارخانجات صنایع تبدیلی و کنسراتره مصرف می شود باید ساماندهی وضعیت سیبهای صنعتی را در اولویت کاری خود قرار دهیم تا محصول به صورت بهداشتی بعد از بسته بندی صنایع تبدیلی به دست مصرف کننده برسد.

وی تصریح کرد: بر اساس مصوبات جلسات قبلی کمیته سیب استان در صورت تقاضای بیش از ظرفیت کارخانه ها و عدم تحویل محصول از سوی آنها سیب به صورت امانی در سردخانه ها ذخیره سازی خواهد شد. ظرفیت سردخانه های استان بیش از ۷۰۰ هزار تن است.

کریم زاده وی با بیان اینکه بیشتر مشکلات موجود بعد از تولید و در مرحله فروش بوجود می آید و مشکلات موجود در مرحله داشت محصول نیز عموماً از عدم فروش و بازاریابی مناسب ناشی می شود، افزود: افزایش میزان مصرف سرانه کشور نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه با بالا رفتن توان خرید مردم و به کارگیری سیاست‌های حمایتی از قبیل توزیع سیب در سبد توزیعی مدارس، پادگان‌ها، مراکز آموزشی و درمانی و افزایش آگاهی‌های عمومی در خصوص مزایای مصرف سیب از طریق رسانه‌های جمعی می تواند در این خصوص راهگشا باشد.

امروز محصولات کشاورزی به خصوص سیب با مشکلات متعددی از جمله بازاریابی، صادرات، صنایع تبدیلی، وجود دلان و واسطه‌ها، متضرر شدن کشاورز به جای سود آوری و... مواجه است که ضرورت توجه ویژه مسئولان را در چندانی نمی کند.



مه‌باد، اشنویه، نقده و میان‌دوباب در رتبه های بعدی قرار دارند.

● کاهش ۵۹۹ هزار تنی تولید سیب در آذربایجان غربی

وی با بیان اینکه درسال گذشته بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن سیب از سطح باغات استان برداشت شد اضافه کرد: امسال با وجود سرمازدگی بهاره و سال آوری زنتیکی این محصول برآورد می کنیم شاهد کاهش ۵۹۹ هزار تنی تولید سیب نسبت به سال گذشته در استان باشیم و در حال حاضر ۱۰ درصد محصول از باغات استان برداشت شده است. امسال از دیو و جمع آوری سیب در کنار جاده ها جلوگیری خواهد شد تا محصول به صورت مستقیم و بهداشتی از باغ به سوی کارخانجات صنایع تبدیلی حمل شود رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی مشکل بازار پس از تولید را چالش بزرگ بخش کشاورزی آذربایجان غربی عنوان کرد: متأسفانه با وجود ظرفیت بالای استان در زمینه تولید سیب مرغوب و با کیفیت با همه ساله با فرا رسیدن فصل برداشت محصولات از جمله سیب شاهد آن هستیم.

کریم زاده خاطر نشان کرد: برای ساماندهی وضعیت سیب درختی صنعتی کنار جاده ها امسال از دیو و جمع آوری سیب در کنار جاده ها با همکاری دستگاههای اجرایی ذیربط، توسط نیروی انتظامی جلوگیری خواهد شد تا محصول به صورت مستقیم و بهداشتی از باغ به سوی کارخانجات صنایع تبدیلی حمل شود. وی اعلام کرد: پایین بودن قیمت فروش محصول نسبت به هزینه های تولید آن، نامشخص بودن وضعیت صادرات و پایین بودن توان مالی باغداران و همچنین ریزش‌های قبل از برداشت محصول هر سال از بزرگترین مشکلات باغداران آذربایجان غربی محسوب می شود.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان

دلان و واسطه‌ها در کنار وجود کارخانجات صنایع تبدیلی در شهرهای مجاور که نهایت تلاش را برای خرید ارزان محصولات کشاورزی از جمله سیب می کنند متأسفانه از مشکلاتی است که کشاورز رنجور را بیش از پیش می رنجاند.

عدم وجود سردخانه باعث شده تا محصولات به دست دلان بیفتند و دسترنج باغداران توسط آنها تاراج شود و به دلیل نبود بنیه مالی باغداران همه چشم انتظار اند که نهادهای ذیربط در جهت ساخت و راه اندازی حداقل یک واحد سردخانه برای ذخیره‌سازی میوه گام بردارند تا باغداران کمتر متضرر شوند.

● امسال ۶۸۸ هزار تن انواع سیب از باغات استان برداشت می شود

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی در خصوص آخرین وضعیت سیب و بازار این محصول در استان گفت: با توجه با آغاز فصل برداشت سیب درختی از باغات استان، پیش بینی می شود در حدود ۶۸۸ هزار تن سیب درختی در سال زراعی جاری در استان تولید شود.

اسمعیل کریم زاده با بیان اینکه استان آذربایجان غربی از لحاظ مقدار کشت و تولید سیب درختی، رتبه نخست کشور را دارد افزود: آذربایجان غربی با ۶۷ هزار هکتار سطح زیرکشت باغ سیب رتبه نخست کشور در تولید این محصول را داراست.

وی سطح کشت باغهای بارور سیب در این استان را در حدود ۵۴ هزار و ۵۰۰ هکتار و سطح کشت باغهای غیر بارور آن بیش از ۱۳ هزار هکتار برشمرد و اظهار داشت: هم اکنون میانگین تولید این محصول در استان ۲۳ تن در هکتار است.

کریم زاده ادامه داد: پراکندگی باغهای سیب به وسعت شهرهای آذربایجان غربی است و شهرستان ارومیه با دارا بودن ۵۹ درصد از این باغها رتبه نخست تولید سیب آذربایجان غربی را داراست و شهرستانهای سلماس،

آذربایجان غربی سالانه با تولید افزون بر یک میلیون و ۳۰۰ هزار تن سیب سهم ۳۵ تا ۴۵ درصدی سیب تولیدی و قطب اول کشور را از آن خود کرده اما این افزایش تولید با وجود کیفیت بالا نه تنها سودی برای اقتصاد کشاورزی و باغداران استان نداشته بلکه به یکی از دغدغه های اصلی مسئولان تبدیل شده است.

پایین بودن قیمت فروش محصول نسبت به هزینه های تولید آن، نامشخص بودن وضعیت صادرات و پایین بودن توان مالی باغداران و همچنین ریزش‌های قبل از برداشت محصول هر سال از بزرگترین مشکلات باغداران آذربایجان غربی به شمار می رود.

اشتغال بیش از ۸۰ هزار خانوار استان به صورت مستقیم از طریق تولید محصولات باغی تامین می شود اما این افزایش چند سالی است به چالش نبود مشتری و بازار مناسب، متضرر شدن اقتصاد کشاورزی و باغداران استان بدل شده چالشی که امسال نیز با توجه به فراهم نبودن زیرساخت های صادراتی همچون زخم کهنه ای سرباز کرده است.

نبود برنامه ریزی برای حمایت از تولید، عقب ماندن در رقابت با محصول خارجی، بسته بندی نامناسب محصول، منطقی نبودن قیمت‌ها با توجه به هزینه تولید و در برخی موارد همسان نبودن کیفیت سیب داخلی با نمونه‌های خارجی از جمله دل مشغولی‌های موجود در بحث بازار سیب یکی از محصولات استراتژیک استان و کشور به شمار می‌رود.

● نبود زیرساخت ها سنگ بزرگ پیش پای صادرات محصولات کشاورزی

وجود مشکلات حمل و نقل به همراه صرف زمان طولانی برای طی رویه های صادراتی از جمله تخلیه و بارگیری مجدد در پایانه ها و بازارچه های مرزی، افت و تلفات محصولات کشاورزی و تحمیل هزینه اضافی برای صادرکنندگان نیز از دیگر مسایلی است که این مشکل را تشدید می کند.

پولی که باغداران از بابت فروش سیب به دست می آورند در اغلب موارد کفاف یک سال زحمت و خرجی که برای تولید این محصول کرده است را هم نمی‌دهد اما امروز آنچه بیشتر از همه روستایی باغدار را می رنجاند قیمت خرید ناعادلانه محصولات مرغوب و تفاوت قیمت آن در بازار مصرف است، در واقع قیمت های حاکم بر بازار فروش این محصول به هیچ وجه منطقی نیست و پولی که باغداران منطقه از بابت فروش محصولات به دست می آورند در اغلب موارد کفاف یک سال زحمت و خرجی که برای تولید این محصول کرده است را هم نمی‌دهد. نبود قیمت خرید مناسب و مشخص، وجود

خوشه‌های طلایی بر دست کشاورزان باد کرد / تاک و تاک‌دار اسیر دست دلال



اسد بابایی

«ملکان» به قطب تولید انگور در کشور شهره است ولی طی سال‌های اخیر تاک‌داران این شهرستان چالش‌های متعددی را تجربه کرده‌اند که مهمترین آنها آفتی به نام دلال سود جو است.

شهرستان ملکان یکی از قطب‌های اصلی تولید انگور کشور به حساب می‌آید که به شهر خوشه‌های طلایی ایران نیز شهرت دارد. این شهرستان در جنوب غربی آذربایجان شرقی قرار گرفته که از شمال به شهرستان بناب، از شرق به مراغه، از غرب به میاندوآب و از جنوب به میاندوآب و شاهین‌دژ محدود است.

ملکان با جمعیت ۱۵۰ هزار نفری یکی از سه شهرستان اصلی تولیدکننده انگور کشور به شمار می‌رود ولی در چند سال اخیر ورود دلالان و نیز کاهش صادرات محصولات انگور و افزایش تولید باعث شده تا باغداران چندان سودی از تولید محصول انگور نداشته باشند و سود اصلی را واسطه‌ها و فروشنده‌های عمده به جیب بزنند. در کل کشور ۲۹۰ هزار هکتار باغات انگور وجود دارد که استان آذربایجان شرقی از لحاظ سطح زیر کشت با ۷۶ درصد مقام چهارم و در تولید محصول انگور رتبه سوم کشوری را دارد. در آذربایجان شرقی نیز مقدار ۲۴ هزار هکتار باغات انگور وجود دارد که شهرستان ملکان با داشتن بیش از ۱۱ هزار هکتار باغات انگور مقام نخست استان را دارد.

● قیمت انگور در چه یک ملکان در باغ؛ ۱۰۰۰ تومان

یکی از باغداران انگور شهرستان ملکان می‌گوید: امسال برخلاف سال‌های گذشته قیمت پایین‌تر از آن چیزی است که تصور می‌کردیم و انگور درجه یک این شهرستان به قیمت یک هزار تومان به فروش می‌رسد. اسماعیل ترابی فرد با تأکید بر اینکه سود اصلی محصولات را دلالان می‌برند، ادامه می‌دهد: وضعیت بازار انگور امسال تعریفی نداشت و ما باغداران ضرر زیادی را متحمل شدیم و از دولت می‌خواهم تا از ما حمایت کند. وی سپس با تأکید بر اینکه امسال همچنین سرما و آفت خسارات زیادی به ما وارد کرد، می‌گوید: بیمه کشاورزی تا این لحظه ریالی از مطالبات ما پرداخت نکرده است. این باغدار شهرستان ملکان ادامه می‌دهد: در چند سال اخیر تعداد زیادی از باغات شهرستان ملکان زیر کشت انگور رفته است و شاهد افزایش چند برابری تولید انگور هستیم که این موضوع خود به نفع باغداران قدیمی نبوده است و افزایش میزان تولیدات باعث شده تا تمام محصول به فروش نرسد.

● قیمت انگور ملکان در بازار تبریز؛ ۴۰۰۰ تومان

بررسی میدانی حاکی از آن است که قیمت انگور درجه یک ملکان در شهر تبریز به بیش از چهار هزار تومان می‌رسد، یعنی تفاوت چهار قیمت انگور درجه یک ملکان در شهر تبریز به بیش از چهار هزار تومان می‌رسد، یعنی تفاوت چهار برابری قیمت خرید و فروش که رقم بالایی استبرابری قیمت خرید و فروش که رقم بالایی است.

رضا ایمانی یکی از میوه‌فروشان قدیمی بازار تبریز در خصوص تفاوت زیاد قیمت انگور در ملکان و تبریز می‌گوید: میوه وقتی از باغ خریداری می‌شود و تا وقتی که به دست مشتری برسد توسط چند دلال دست‌به‌دست می‌شود،

وقتی هر کدام از آن‌ها سودی بر قیمت قبلی بگذارند قیمت نهایی هم به چهار هزار تومان می‌رسد. وی سپس ادامه می‌دهد: البته سود اصلی را دلالان بزرگ بازار می‌برند و برای ما فروشنده‌های خرد مثل باغداران چیزی عاید نمی‌شود. ایمانی سپس با اشاره به محصولات انگور درجه یک ملکان می‌گوید: این شهرستان قطب انگور کشور است، من مشتری‌هایی دارم که از شهرهای دیگر استان و کشور می‌آیند و انگور زیادی خریداری می‌کنند و سپس از آن دوشاب درست می‌کنند.

● ملکان با کیفیت‌ترین انگور کشور را تولید می‌کند

نماینده مردم ملکان در مجلس و رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در خصوص انگور شهرستان ملکان می‌گوید: ملکان با کیفیت‌ترین انگور کشور را تولید انگور و کشمش ملکان از لحاظ کیفیت رتبه اول کشوری را دارد و تولیدات انگور شهرستان نیز شهرت جهانی دارد. این شهرستان در شمال غرب کشور رتبه نخست تولید انگور از نظر کمیت و کیفیت در اختیار دارد.

سلمان خدادادی بایان اینکه شهرستان ملکان در کشور نیز رتبه سوم میزان تولید انگور را دارد، ادامه می‌دهد: ولی از لحاظ کیفیت انگور و کشمش ملکان این شهرستان رتبه اول کشوری را دارد و قطب انگور است و تولیدات نیز شهرستان شهرت جهانی و کشوری دارد.

وی سپس بایان اینکه ۱۱ هزار هکتار تاکستان در ملکان داریم، می‌افزاید: ملکان جزو شهرهایی است که در زمینه انگور حرفی برای گفتن دارد ولی متأسفانه مشکلات زیادی نیز متوجه باغداران انگور و تولیدکنندگان است.

● بازار فروش انگور تعریف چندانی ندارد

این نماینده مجلس بایان اینکه بازار فروش انگور تعریف چندانی در ملکان ندارد، می‌گوید: عمده‌ترین چالش در تولید انگور بحث فروش است که عمده‌ترین چالش در تولید انگور بحث فروش است که متأسفانه هم‌اکنون با توجه به حجم بالای تولید وضعیت خوبی ندارد. متأسفانه هم‌اکنون با توجه به میزان بالای تولید انگور بازار وضعیت خوبی ندارد و کنشش این همه انگور را ندارد پس بنابراین مقداری از انگور تولیدی نیز در دست باغدار می‌ماند و با به قیمت خوبی به فروش نمی‌رسد.

خدادادی به محدودیت صادرات نیز اشاره کرد و ادامه می‌دهد: در زمینه صادرات انگور با محدودیت مواجه هستیم، کشور با چالش تحریم روبه‌رو است و به خاطر همین

مشکلات بازارهای جهانی انگور را از دست داده‌ایم. وی ادامه می‌دهد: خریداران عمده انگور و صادرکنندگان به خاطر محدودیت‌های صادرات انگور نمی‌توانند به نسبت زیادی انگور از باغداران خرید کنند و این موضوع مشکل‌ساز می‌شود.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با انتقاد از عدم خرید تضمینی انگور توسط دولت نیز می‌گوید: در قانون آمده که دولت باید در مسئله انگور خرید تضمینی داشته باشد ولی این موضوع از طرف دولت انجام نمی‌شود.

وی به دیگر مشکل باغداران نیز اشاره کرد و می‌افزاید: عدم پرداخت خسارت توسط بیمه صندوق کشاورزی یکی دیگر از چالش‌ها است و به باغداران بیمه سرمایه‌گذاری، آفت‌زدگی و تگرگ زدگی پرداخت نمی‌شود.

نماینده مردم ملکان در مجلس با اشاره به اینکه باید صنایع تبدیلی نیز در ملکان برای انگور ایجاد شود، می‌گوید: مذاکراتی با سرمایه‌گذاران داشتیم و امیدواریم به‌زودی به نتیجه برسد و صنایع تبدیلی جدید ایجاد شود.

● ضرورت ایجاد صنایع تبدیلی محصول انگور

در شهرستان ملکان

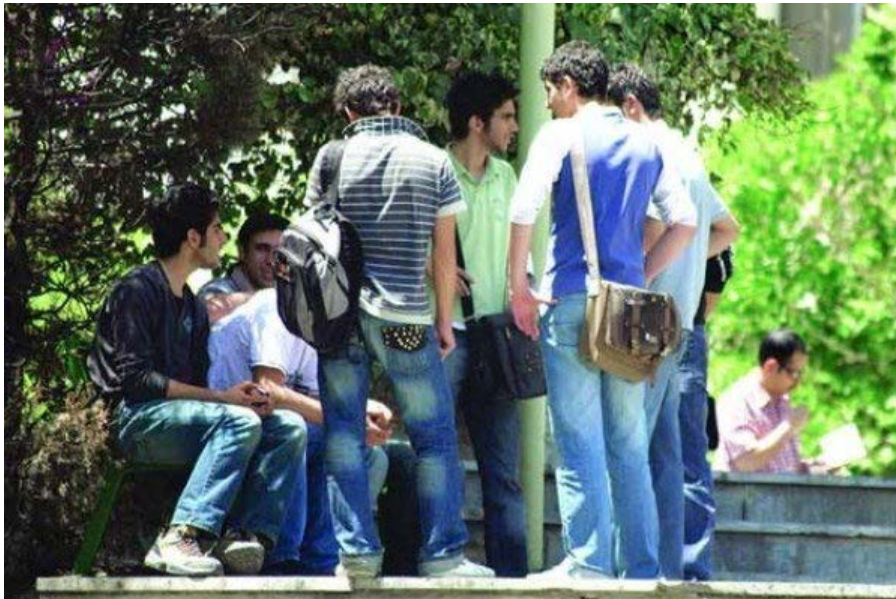
معاون سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی بر ضرورت ایجاد صنایع تبدیلی محصول انگور در شهرستان ملکان تأکید می‌کند و می‌گوید: صنایع تبدیلی در شهرستان ملکان یکی از اولویت‌های جهاد کشاورزی استان است. ایوب ایرانی فام با تأکید بر اینکه باید صندوق کشاورزی نیز از باغداران حمایت کند، می‌افزاید: صندوق توسعه بخش کشاورزی نیز در نظر دارد با توسعه شعبات این صندوق در شهرستان‌ها حمایت لازم را از باغداران و کشاورزان انجام دهد.

وی با اشاره به اینکه شهرستان ملکان ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالایی در زمینه انگور دارد، ادامه می‌دهد: باید از این توانمندی در جهت توسعه منطقه استفاده کرد.

معاون سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی بایان اینکه ملکان قطب تولید انگور کشور به شمار می‌آید، می‌گوید: در این شهرستان علاوه بر تأمین بخش عظیمی از نیاز داخلی انگور در قالب کشمش و مشتقات آن به کشورهای هم‌جوار نیز صادر می‌شود.

با این اوصاف و وجود این همه توانمندی و ظرفیت امیدواریم تا باهمت مسئولان و ورود سرمایه‌گذاران شاهد ایجاد صنایع تبدیلی انگور در شهرستان ملکان باشیم و دولت نیز با خرید تضمینی انگور زمینه افزایش قیمت این محصول را فراهم کند.

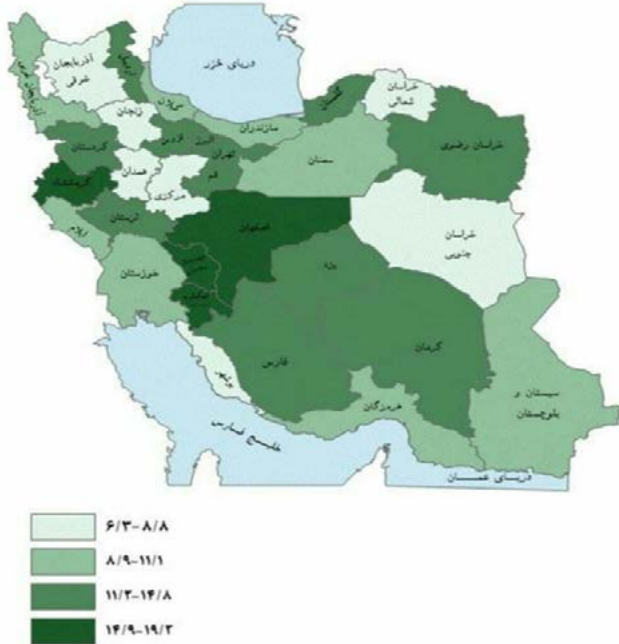
رشد سریع بیکاری کرمانشاه در ۳ سال اخیر / شهر پشیمانی در بی شغلی



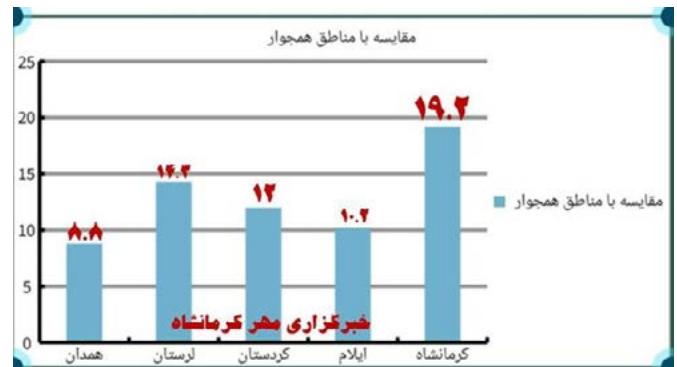
تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران از بیکاری در کشور نشان می‌دهد که استان کرمانشاه در بدترین شرایط نسبت به سایر مناطق قرار دارد.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از نرخ بیکاری در کشور، استان کرمانشاه همچنان بدون رقیب در صدر بیکارترین استان‌های کشور قرار دارد. این استان که در پایان سال ۹۴ با عدد ۱۷.۶ درصد بیکارترین استان ایران لقب گرفت در پایان بهار سال ۹۵ نیز با نرخ بیکاری ۱۹.۲ درصدی در صدر قرار دارد. مقایسه نرخ بیکاری ۱۹.۲ درصدی کرمانشاه در بهار ۹۵ با زمان مشابه سال گذشته در بهار ۹۴ که رقمی معادل ۱۳.۷ درصد بوده است نیز رشد ۵.۵ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین مقایسه میانگین سالانه آمار بیکاری در کرمانشاه از سال ۹۲ تا ۹۴ نیز روند صعودی را نشان می‌دهد به طوری که بیکاری کرمانشاه در این سال‌ها به ترتیب ۱۴.۶، ۱۵.۷ و ۱۷.۶ درصد گزارش شده است.

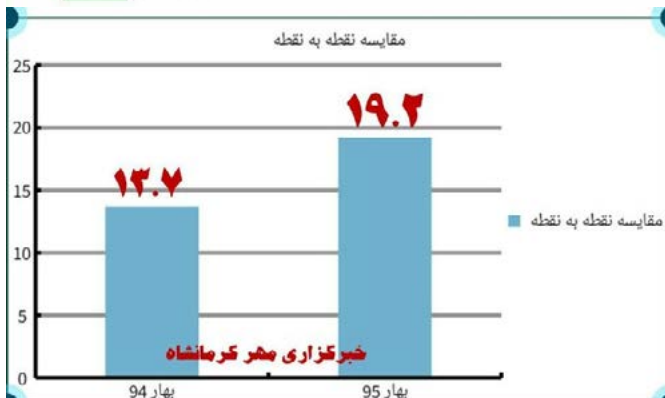
این نقشه اینفوگراف نشان می‌دهد که کرمانشاه بیکارترین استان کشور است



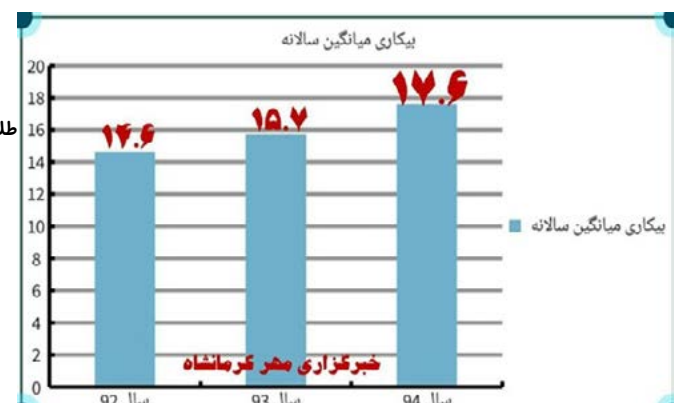
کارشناسان معتقد هستند در کرمانشاه طی سه سال گذشته کشمکش‌های سیاسی و انتصابات مبتنی بر روابط حزبی بر اقدامات ریشه‌ای برای حل معضلات استان اولویت داشته است به گونه‌ای که تقریباً در تمام پست‌های مدیریتی کرمانشاه از استاندار و معاونین استاندارد تا فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها تغییرات مکرر اتفاق افتاده است. سفر هیأت دولت به کرمانشاه نیز به عنوان بیکارترین نقطه کشور برخلاف روال معمول تنها یک روزه بود و هنوز گزارش روشنی از تصمیمات اتخاذشده در این سفر به مردم ارائه نشده است.



کرمانشاه از نظر بیکاری نسبت به سایر استانهای همجوار در غرب کشور در شرایط بدتری قرار دارد



مقایسه نقطه به نقطه آمار بیکاری استان کرمانشاه (بهار ۹۵ نسبت به بهار ۹۴) رشد ۵.۵ درصدی را نشان می‌دهد



مقایسه میانگین آمار بیکاری کرمانشاه طی سه سال گذشته و روند رو به رشد آن

رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بیرجند ادامه داد: اگر محصولی با شرایط بهداشتی خشک و بسته‌بندی و صادر شود، سوددهی آن نیز افزایش می‌یابد.

وی با اشاره به مشکلات کنونی کشاورزان، بیان کرد: در حال حاضر اعطای وام این مشکلات را رفع نمی‌کند. خیریه تأکید کرد: باید محصولات کشاورزی به‌گونه‌ای فرآوری شود که امکان صدور آن به دیگر کشورها فراهم‌شده و سوددهی نیز افزایش یابد.

● تأسیس صندوق حمایت از زعفران خراسان جنوبی

محمدحسین آذری مدیرعامل اتحادیه زرشک کاران، باغداران و زعفران کاران خراسان جنوبی از تأسیس صندوق حمایت از زعفران در استان خبر داد.

وی با بیان اینکه تاکنون ۷۵ درصد از برنامه‌های تأسیس این صندوق انجام‌شده است، افزود: امید است تا دو ماه آینده صندوق حمایت از زعفران خراسان جنوبی به ثبت رسیده و ردیف بودجه‌ای نیز به آن اختصاص یابد.

امید است تا دو ماه آینده صندوق حمایت از زعفران خراسان جنوبی به ثبت رسیده و ردیف بودجه‌ای نیز به آن اختصاص یابد آذری اظهار کرد: تأسیس صندوق حمایت از زعفران خراسان جنوبی در ۲۹ تیرماه ۹۴ در وزارت خانه به تصویب رسیده است.

وی زعفران را محصولی بسیار ارزشمند دانست و گفت: خراسان جنوبی در تولید این محصول رتبه دوم و در کیفیت نیز رتبه اول را به خود اختصاص داده است.

● احداث ۷ شرکت فرآوری زرشک در خراسان جنوبی

کارشناس سازمان تعاون روستایی خراسان جنوبی هم در این جلسه از احداث هفت شرکت فرآوری زرشک در استان خبر داد و گفت: امید است عملیات ساخت این شرکت‌ها تا سال آینده به اتمام برسد.

مهدی روشن اظهار کرد: با احداث و بهره‌برداری این شرکت‌ها خط کاملی از فرآوری زرشک را خواهیم داشت. وی با اشاره به محصولات استراتژیک خراسان جنوبی بیان کرد: محصول کشاورزی زرشک فسادپذیری بالایی دارد و باید در فرآوری و نگهداری موردتوجه قرار گیرد.

کارشناس سازمان تعاون روستایی خراسان جنوبی ادامه داد: همچنین برای راه‌اندازی صندوق حمایت زرشک استان تلاش می‌کنیم.

● ردیف تسهیلات خاص برای محصولات استراتژیک لحاظ شود

روشن کشاورزان را سربازانی برای ایجاد امنیت دانست و افزود: اگر این افراد روستاها را تخلیه کنند، هزینه‌های هنگفتی متحمل دولت می‌شود.

وی ادامه داد: بنابراین باید گامی بزرگ و عملی برای حمایت از کشاورزان خراسان جنوبی به‌خصوص در مناطق مرزی برداشته شود.

روشن با بیان اینکه باید ردیف تسهیلات خاصی برای محصولات استراتژیک استان در نظر گرفته شود، گفت: همچنین نمایندگان باید در مجلس از این محصولات حمایت کنند.

وی خواستار حضور مسئولان استانی اعم از استاندار و نمایندگان در کمیسیون‌های کشاورزی اتاق بازرگانی بیرجند شد و



رویایی که رنگ واقعیت گرفت / بردار شدن طلا و یاقوت سرخ خراسان جنوبی

وی با بیان اینکه باید در راستای ارگانیک کردن محصولات کشاورزی تلاش کنیم، ادامه داد: اگر بتوانیم محصولاتی ارگانیک ارائه دهیم، قیمت آن‌ها نیز به‌طور چشمگیری تغییر خواهد کرد.

خیریه با اشاره به محصولات استراتژیک خراسان جنوبی، بیان کرد: در حال حاضر زرشک و زعفران اهمیت بسیار بالایی دارد.

وی خواستار حمایت از تولیدکنندگان زرشک و زعفران شد و افزود: سال گذشته در راستای جمع‌آوری این محصولات تفاهم‌نامه‌ای با سازمان تعاون روستایی بسته شد که نتیجه رضایت‌بخشی نداشت.

رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بیرجند ادامه داد: باید جلسه‌ای با زرشک کاران و زعفران کاران تشکیل و قیمتی نهایی برای این محصولات تعیین شود.

وی با بیان اینکه این قیمت باید به‌گونه‌ای باشد که متقاضی نیز ضرر نکند، گفت: شرکت تعاونی‌ها هم باید در راستای خرید این محصولات تعهد بدهند.

خیریه تأکید کرد: قیمت نهایی تعیین‌شده محصولات زرشک و زعفران باید از طریق رسانه‌ها اعم از رادیو و مصاحبه تلویزیونی به کشاورزان اطلاع‌رسانی شود. وی اظهار کرد: هدف ما از تعیین قیمت این محصولات بالا بردن سود کشاورزان و کوتاه کردن دست دلالان است.

خیریه با بیان اینکه باید شرایطی فراهم شود که سود محصولات کشاورزی افزایش یابد، افزود: همچنین باید در صادرات محصولات به دیگر کشورها به‌طور دقیق عمل شود.

یاقوت سرخ خراسان جنوبی که سال‌های سال ارزش افزوده آن به جیب دلالان خارج استان می‌رفت با دریافت «برند» اکنون با حمایت مسئولان می‌تواند شاهراهی برای توسعه استان باشد.



توانمندی‌های خراسان جنوبی در زمینه کاشت، داشت و برداشت چهار محصول استراتژیک این استان در سطح کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و ایجاد ظرفیت فرآوری و بسته‌بندی می‌تواند گامی مؤثر در رونق بخش کشاورزی منطقه و اشتغال باشد.

با توجه به خشک‌سالی‌های متوالی در خراسان جنوبی حمایت از بخش کشاورزی و تولیدات این بخش از جمله زرشک و زعفران و سازگاری با وضعیت منطقه دارد همت و تلاش مدیران استانی برای رونق را می‌طلبد.

به گفته کارشناسان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی راه نجات‌بخش کشاورزی از مشکلات حمایت از صادرات محصولات استراتژیکی استان است که این جز برنامه‌ریزی صحیح برای تولیدکننده، ایجاد ظرفیت‌های فرآوری و بسته‌بندی و حمایت از سرمایه‌گذار در این بخش محقق نخواهد شد.

کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بیرجند امروز با محوریت برنامه‌ریزی و ارائه برنامه‌ها در حمایت از دو محصول استراتژیک زرشک و زعفران و سوق دادن کشاورزی منطقه به سمت تولید محصولات ارگانیک خراسان جنوبی برگزار شد.

● تنها راه نگهداشت روستاییان بالا بردن سود کشاورزی است

سید حسین خیریه رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی بیرجند در این جلسه گفت: با توجه به خشک‌سالی‌های چندساله و کمبود آب، تنها راه نگهداشت روستاییان بالا بردن سود محصولات کشاورزی است.

دانشگاه علوم پزشکی گفت و گوهایی انجام شده تا در مزارع پیاده سازی شود.

بیکی با اشاره به اقدامات انجام شده در راستای حمایت از کشاورزان استان، اظهار کرد: سال گذشته تفاهم‌نامه‌ای برای خرید زرشک با سازمان تعاون روستایی استان امضا شد.

وی ادامه داد: بر اساس این تفاهم‌نامه سازمان تعاون روستایی موظف شد با تأییدیه کارشناسان اتاق بازرگانی بیرجند، محصول زرشک کشاورزان را خریداری کند.

بیکی با بیان اینکه در این تفاهم‌نامه تشکل‌های سازمان تعاونی به‌طور قوی و جدی وارد میدان عمل نشدند، افزود: اما این امر تا حدی دست دلان را کوتاه کرد.

وی با انتقاد از شرایط کارگاه‌های زرشک پاک‌کنی در استان، بیان کرد: در این کارگاه‌ها کارشناس نظارتی وجود نداشته و محصول با کیفیت پایینی بسته‌بندی می‌شود.

● چالش کمبود اعتبار پیش روی محصولات ارگانیک کشاورزی

رئیس انجمن ارگانیک خراسان جنوبی هم بیان کرد: ارگانیک استان همواره با چالش کمبود اعتبار رو به رو بوده است.

محمدرضا منصف ادامه داد: بدون پول و سرمایه‌گذاری نمی‌توان کاری از پیش برد و برگزاری این جلسات نیز نتیجه مطلوبی نخواهد داشت.

وی ادامه داد: برای حمایت از محصولات ارگانیک دستورالعمل‌هایی در وزارت خانه است که مسئولان ذی‌ربط نیز از آن بی‌اطلاع هستند.

منصف با تأکید بر اینکه ارگانیک در زمینه اعتبار مغفول مانده است، گفت: باید این امر مورد توجه مسئولان مربوطه قرار گیرد.

با وجود همه شرایط سختی که خشک‌سالی‌ها برای کشاورزان استان ایجاد کرده است اما هنوز هم در برخی از محصولات کشاورزی این استان حرف برای گفتن دارند علی‌رغم همه مشکلات جایگاه بهتری نسبت به گذشته پیدا کرده‌اند چرا که هنوز کیفیت آنها در سطح کشور زبانه زد است.

اگرچه تا کنون بسیاری از محصولات با ارزش استان به صورت فله‌ای از استان خارج می‌شد و سود آن را کشورهای خارجی از جمله ایتالیایی‌ها می‌برند اما دریافت برنند برای دو محصول استراتژیک استان نویدی است که این روند متوقف خواهد شد و محصولات استان به نام خراسان جنوبی صادر و ارزش افزوده آن نصیب استان خواهد شد.



دلان را کوتاه کنیم.

● برنند سازی طلا و یاقوت سرخ خراسان جنوبی

رئیس ترمینال تخصصی ضبط و فرآوری زرشک و عناب خراسان جنوبی گفت: زرشک و زعفران استان برنند سازی می‌شود.

احسان بیکی اظهار کرد: برنند زرشک و زعفران در پروتکل سوئیس به ثبت رسیده و تا ۴۵ روز آینده وارد خراسان جنوبی می‌شود.

وی ادامه داد: این برنند مخصوص محصولات کشاورزی زرشک و زعفران خراسان جنوبی و فرآورده‌های جانبی مربوط به آن‌ها است.

بیکی اظهار کرد: در حال حاضر ۵۰ تن زرشک پفکی برای صادرات داریم که تا برنند آن‌ها دریافت نشود، نمی‌توانیم صادرات را انجام دهیم.

وی اظهار کرد: همچنین به دلیل نبود برنند، برخی از محصولات نامرغوب دیگر استان‌ها بانام و برنند خراسان جنوبی در بازارها عرضه می‌شود.

بیکی با بیان اینکه خراسان جنوبی نخستین ترمینال ضبط زرشک در کشور است، افزود: ظرفیت لازم را برای خرید بخشی از محصولات کشاورزان و کوتاه کردن دست دلان را داریم.

برنند زرشک و زعفران در پروتکل سوئیس به ثبت رسیده و تا ۴۵ روز آینده وارد خراسان جنوبی می‌شود وی ادامه داد: در زمینه ارگانیک محصولات کشاورزی نیز با

افزود: ایجاد تحول در وضعیت کنونی زرشک نیازمند حمایت این مسئولان است.

● مسئولان در حمایت از کشاورزان خراسان جنوبی موازی کاری نکنند

مدیرعامل شرکت کشت صنعت پیوند خاوران بیرجند هم در این جلسه گفت: موازی کاری مسئولان در حمایت از کشاورزان نتایج مطلوبی ندارد و باید از این امر پرهیز کنند.

سینا سرحدی اظهار کرد: دستگاه‌های اجرایی برای حمایت از کشاورزان برنامه‌های جدیدی را ارائه دهند.

وی ادامه داد: موازی کاری مسئولان در حمایت از محصولات کشاورزی خراسان جنوبی باعث اتلاف زمان و سرمایه‌گذاری می‌شود.

سرحدی با تأکید بر اینکه باید برنامه‌ریزی دقیق و منسجمی صورت گیرد، افزود: همچنین مطالعات پایه‌ای محصولات خراسان جنوبی نیز بسیار حائز اهمیت بوده که باید مد نظر قرار گیرد.

این سرمایه‌گذار بخش خصوصی ادامه داد: مطالعات پایه‌ای شامل برنند، قیمت‌گذاری، ظرفیت بخشی منطقه‌ای و رسانه‌ای شدن محصولات کشاورزی است.

وی با اشاره به نقش دلان در خرید و فروش محصولات کشاورزی، بیان کرد: این افراد حذف نمی‌شود و باید با برنامه‌ریزی مدیریت شوند.

● سود منطقی به کشاورزان داده شود

سرحدی با بیان اینکه باید برای جلوگیری از زیان کشاورزان، سودی منطقی به آن‌ها داده شود، افزود: همچنین باید مؤلفه و شرایط بازارها در میزان تعرفه خرید محصولات کشاورزی به‌خوبی شناسایی شود.

وی با تأکید بر اینکه سوددهی به کشاورزان و خرید محصولات باید بر اساس آئتم‌های موجود در بازار انجام شود، افزود: باید در زمینه کوتاه کردن دست دلان تلاش شود.

سرحدی با اشاره به فرا رسیدن فصل برداشت زعفران، بیان کرد: تاکنون انجام کارهای کارشناسی نشده و وجود دلان ضررهای زیادی را عاید کشاورزان کرده است.

رئیس سازمان نظام‌مهندسی کشاورزی منابع طبیعی خراسان جنوبی هم در این جلسه با اشاره به نقش دلان در قاچاق پیاز زعفران، بیان کرد: باید قیمت این محصول را افزایش دهیم.

محمدحسین اکبری ادامه داد: کشاورزان خراسان جنوبی می‌توانند تولیدکننده پیاز زعفران باشند اما باید دست



صنعت سنگ کشور در لبه پر تگاه / تولید کنندگان ناچار به خام فروشی هستند



نمین مافقانی
نژاد

صنعت سنگ کشور طی چند سال اخیر به دلیل رکود بازار و عدم حمایت از بخش خصوصی، در لبه پرتگاه قرار گرفته تا جایی که صادرات سالانه این صنعت از ۱۲ میلیون دلار به ۸۰۰ هزار دلار سقوط کرده است.



نهمین نمایشگاه بین المللی سنگ ساختمانی ایران این روزها در شهر نیم ور محلات در استان مرکزی، در حال برگزاری است و به عنوان مهمترین رویداد اقتصادی این منطقه محسوب می شود. صنعت سنگ یک صنعت دیرپا در این منطقه به شمار می رود و معدن کاران شهرستان محلات در کشور شناخته شده هستند.

از سویی دیگر درصد بالایی از مردم منطقه به صورت مستقیم و غیرمستقیم در این صنعت مشغول به فعالیت هستند که طبق آمار ۱۰ هزار نفر را شامل می شود. وجود بیش از ۷۰ معدن سنگ فعال و ۲۸۰ واحد فرآوری سنگ به عنوان پتانسیل قوی این منطقه محسوب می شود تا جایی که شهر نیم ور را پایتخت سنگ ایران نامیده اند، اما در سال های اخیر به دلیل رکود بازار و کاهش فعالیت های عمرانی و ساخت و ساز، صنعت سنگ نیز با مشکل جدی مواجه شد و رونق گذشته خود را از دست داد. مهر به بررسی مشکلات این صنعت می پردازد.

● کارخانجات فرآوری سنگ نیاز به بازسازی و نوسازی دارند

عزیز میرزائیان، مشاور ارشد اتاق بازرگانی ایران در این رابطه بیان داشت: بزرگترین تهدید صنعت سنگ کشور، بازار مصرف است چون از سال ۱۳۹۲ به بعد فعالیت های عمرانی کاهش یافته و در بازار سنگ و مصالح ساختمانی مشکل وجود دارد.

وی افزود: حدود شش هزار و ۷۰۰ کارخانه فرآوری سنگ در کشور وجود دارد، ولی ۹۵ درصد آن ها نیاز به بازسازی دارند.

مشاور ارشد اتاق بازرگانی ایران تصریح کرد: در دنیا از هر یک تن سنگ، ۱۸ متر مربع سنگ بریده تولید می شود ولی در ۹۵ درصد کارخانجات کشور به دلیل وجود ماشین آلات فرسوده این مقدار به هفت متر مربع می رسد و حدود ۶۰ درصد ضایعات تولید می شود.

در حال حاضر بیش از چهار میلیون تن سنگ خام و کوپ در کشور وجود دارد و انبارها و کارخانجات سنگ پر هستند اما بازار برای آن ها وجود ندارد. میرزائیان افزود: به دلیل وجود تحریم ها، دانش

فنی صنایع سنگ کشور ارتقا پیدا نکرده و تکنولوژی روز دنیا به کشور وارد نشده است. وی ادامه داد: برای توسعه صادرات باید کنسرسیوم های صادراتی تشکیل شود و با کارشناسی مشکلات بخش صادرات شناسایی شده و با حمایت مسئولان رفیع شود.

رئیس کمیسیون انجمن های معدن ایران خاطر نشان کرد: صندوق بیمه سرمایه گذاری فعالیت های معدنی که در ماده ۳۱ قانون معادن پیش بینی شده، می تواند با تضمین منابع مالی و صدور ضمانت نامه های لازم، کنسرسیوم های صادراتی را پشتیبانی کند.

میرزائیان افزود: نظردولت مبنی بر جلوگیری از خام فروشی است و باید به سمتی حرکت کنیم که در صادرات ارزش افزوده ایجاد شود. وی با بیان اینکه در شرایط کنونی وضعیت برای ایجاد ارزش افزوده در صادرات فراهم نیست، افزود: در حال حاضر بیش از چهار میلیون تن سنگ و کوپ در کشور وجود دارد و انبارها و کارخانجات سنگ پر هستند اما بازار برای آن ها وجود ندارد.

● ناچار به خام فروشی سنگ هستیم

مشاور ارشد اتاق بازرگانی ایران تصریح کرد: می توان با پیش بینی یک برنامه مناسب با حمایت از تولید، شرایط را برای ایجاد ارزش افزوده فراهم کرد ولی برای جلوگیری از هدر رفت ذخایر سنگ، ناچاریم خام فروشی را ادامه داده و در کنار آن به کار کارشناسی بپردازیم.

میرزائیان با اشاره به برگزاری نمایشگاه سنگ در نیم ور افزود: به دلیل مشکلات ترافیکی و جاده ای، امکان حضور حجم زیادی از ماشین آلات سنگین معدنی، تجهیزات کارخانجات فرآوری و سنگ های کوپ در نمایشگاه هایی که در کلانشهرها برگزار می شود، فراهم نیست و جمع آوری تمام این موارد در نمایشگاه سنگ شهر نیم ور یک نقطه قوت برای این نمایشگاه محسوب می شود.

وی بیان کرد: در صورتی که ماشین آلات معدنی نوسازی شوند و دولت تسهیلات نوسازی به معادن واگذار کند، امکان صرفه جویی در سوخت تا ۷۰ درصد وجود خواهد داشت که بر کاهش هزینه های تولید و حفظ محیط زیست بسیار موثر است. نایب رئیس کانون سنگ ایران تاکید کرد: در چند سال گذشته تحریم های بانکی ضربه شدیدی به صادرات سنگ کشور وارد کرد و اکنون با تدبیر دولت شرایط کمی بهتر شده ولی هنوز زمینه صادراتی برای تولید کننده فراهم نشده است.

● وضع عوارض صادراتی، میزان صادرات را کاهش داد

نیکفر گفت: پیش از وضع تحریم های اقتصادی، شرایط صادرات سنگ کوپ کشور بسیار خوب بود ولی با وضع عوارض صادراتی بر روی سنگ کوپ، صادرات متوقف شد و حضور سنگ ایران در بازارها و نمایشگاه های جهان کم رنگ شد تا جایی که از ۱۲ میلیون دلار صادرات در سال به ۸۰۰ هزار دلار رسید.

با وضع عوارض صادراتی بر روی سنگ کوپ، صادرات متوقف شد و حضور سنگ ایران در بازارها و نمایشگاه های جهان کم رنگ شد تا جایی که از ۱۲ میلیون دلار صادرات در سال به ۸۰۰ هزار دلار رسید. وی با بیان اینکه یکی از راهکارهای حضور در بازارهای صادراتی، برگزاری و حضور در نمایشگاه های مختلف بین المللی است، افزود: در نمایشگاه نسیم نسبت به دوره قبل ۲۵ درصد افزایش شرکت کننده را شاهد بودیم و حجم سنگ کوپ ارائه شده در این دوره از نمایشگاه ۷۰ درصد افزایش داشت.

مدیرعامل نهمین نمایشگاه بین المللی سنگ ایران افزود: در نمایشگاه امسال برای سومین سال پیاپی بزرگ ترین سالن سنگ کوپ خاورمیانه به نمایش درآمده و این ظرفیت وجود دارد که نمایشگاه نیم ور به عنوان قطب سنگ کوپ کشور شناخته شود.

نیکفر ادامه داد: برای نمایشگاه سنگ نیم ور یک برنامه ریزی ۱۰ ساله صورت گرفته تا این نمایشگاه به یک پایگاه بین المللی سنگ تبدیل شده و بتواند با نمایشگاه های ترزا اول دنیا رقابت کند.

با توجه به تاکید دولت بر کوچک سازی بدنه خود و اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر واگذاری امور به بخش خصوصی، اکنون نمایشگاه سنگ ساختمانی ایران در شهر نیم ور با سرمایه گذاری بخش خصوصی این امکان را فراهم آورده تا در رونق اقتصادی منطقه و ارزآوری و توسعه صادرات غیر نفتی گام بلندی برداشته شود و در این زمینه قطعا حمایت های دولت نقش موثری در افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی و رونق صادرات سنگ کشور خواهد داشت.

● معادن برای تهیه تجهیزات جدید با مشکل مواجه هستند

بهنام نیکفر، مدیرعامل نهمین نمایشگاه بین المللی سنگ ایران و رئیس کمیسیون معدن اتاق بازرگانی استان مرکزی نیز اظهار داشت: در سال های گذشته نبود تکنولوژی در صنایع معدنی و فرآوری سنگ همواره یکی از مشکلات جدی در این حوزه بوده و اکنون با ورود تکنولوژی و دانش فنی به کشور بخشی از این مشکلات کاهش یافته است.

در صورتی که ماشین آلات معدنی نوسازی شوند امکان صرفه جویی در سوخت تا ۷۰ درصد وجود خواهد داشت که بر کاهش هزینه های تولید و حفظ محیط زیست بسیار موثر است. وی افزود: در معادن سنگ ایران ماشین آلات معدنی قدیمی و با بهره وری پایین مشغول به کار هستند و تهیه قطعات یدکی به دلیل قاچاق بودن آن ها بسیار مشکل است و دلالت این قطعات را با قیمت بسیار بالایی به فعالان بخش معدن ارائه می دهند.

نیکفر تصریح کرد: همچنین به دلیل نبود فاکتور خرید برای این قبیل قطعات، امکان جبران ارزش افزوده و مالیات برای معادن درجه دو بسیار مشکل است.

عرض اندام کالای قاچاق در بازار؛ طرح مقابله منتظر اجرا است



طرح برخورد با قاچاق کالا در سطح عرضه مقرر بود از ابتدای مهرماه در نیاوند اجرایی شود اما تاکنون این طرح به مرحله اجرا نرسیده است تا همچنان شاهد عرض اندام کالای قاچاق در بازار باشیم.



حسین بهرانی

اجرای طرح مبارزه با کالای قاچاق در نیاوند نیازمند عزم دستگاه های مسئول در برخورد با این پدیده بوده که اقتصاد و تولید کشور را تحت تاثیر خود قرار داده است. برخورد با پدیده قاچاق حال به هر شکل آن، نیازمند تلاشی مضاعف است چراکه باید از واردات کالای قاچاق بی کیفیت از مبادی مرزی جلوگیری شود نه اینکه پس از توزیع کالاها در فروشگاهها و مراکز عرضه تازه به فکر برخورد افتاده و فضای بازار را متشنج کرد چرا که این امر نارضایتی مردمی را نیز در پی دارد.

آنچه مسلم است؛ روزانه در کشور حجم بسیار زیادی کالای قاچاق در تمامی حوزه توزیع می شود و حتی برخی از آن ها به وسیله مرسوله های پستی جابجا می شوند که نمونه بارز آن لوازم بهداشتی و دارویی غیر مجاز است که متقاضیان از طریق ماهواره و یا اینترنت سفارش می دهند و توسط پست به آن ها می رسد. حال آنچه در این گزارش مورد پیگیری قرار گرفته عملکرد دستگاه های متولی در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و نظرات فروشنده گان و مردم پیرامون این پدیده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

● باید از مبادی ورودی کشور جلوی قاچاق را گرفت

مسعود سیفی فروشنده لوازم خانگی گفت: طرح برخورد با لوازم خانگی قاچاق هیچ سودی برای مردم ندارد و موجب نارضایتی مردم و فروشنده گان لوازم خانگی می شود. وی ادامه داد: در حال حاضر محصولات خارجی با اختلاف حداقل ۳۰۰ هزار تومانی نسبت به کالای مشابه ایرانی با کیفیت کم تر در حال خرید و فروش است که خریدار ترجیح می دهد از کالای خارجی استفاده کند چراکه حداقل تا چندین سال نیازی به تعمیر و یا تعویض ندارد. باتوجه به اطلاع رسانی انجام شده در خصوص اجرای طرح برخورد با قاچاق لوازم خانگی اکثر مغازه ها و فروشگاهها کالای خارجی قاچاق خود را جمع آوری و در

● رکود کارخانه ها را تعطیل کرد

شهبازی تاکید کرد: رهبر معظم انقلاب سال هاست که بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده و از مسئولان مطالبه می کنند اما آیا فراهم سازی زمینه های خودکفایی وظیفه مسئولان دولتی نیست.

وی اظهار داشت: کارخانه هایی در کشور فعالیت می کردند که امروز به سبب رکود موجود از چرخه تولید بازمانده اند. این فروشنده ادامه داد: ما از اجرای این طرح خوشحالیم و استقبال نیز می کنیم اما با توجه به چند سلیقه های موجود بعید است در کوتاه مدت نتیجه ای از آن حاصل شود.

وی نداشتن سرویس دهی و خدمات پس از فروش کالاهای داخلی را از دیگر عوامل عدم استقبال مردم از کالاهای داخلی عنوان کرد و گفت: بنده مدتی پیش یک تلویزیون تولید داخل را به خریدار ارائه کردم که به دلیل مشکلاتی بعد از مدتی تلویزیون را پس آورد و امروز که شش ماه از تحویل کالا به نمایندگی و کارخانه می گذرد هنوز تلویزیون برنگشته است.

شهبازی افزود: همین بدقولی ها و بی کیفیتی عملی برای نخریدن محصولات ایرانی از سوی خریدار است که نیازمند دقت و در نظر گرفتن آموزه های دینی از سوی تولیدکننده ها است چراکه اگر سهم سود خود را کم تر

انبارها نگهداری کرده و می فروشند. وی با اشاره به اینکه باید از مبادی ورودی کشور جلوی قاچاق را گرفت نه در شهرستان ها، گفت: باتوجه به اطلاع رسانی انجام شده در خصوص اجرای طرح برخورد با قاچاق لوازم خانگی اکثر مغازه ها و فروشگاهها کالای خارجی قاچاق خود را جمع آوری و در انبارها نگهداری کرده و می فروشند بنابراین این طرح موفق نخواهد بود.

این فروشنده با اظهار به اینکه از مرزها تا مراکز فروش استان های همدان، مرکزی، تهران و غیره کیلومترها فاصله است، عنوان کرد: سؤال است چرا در حین ورود، از ورود این کالاها به کشور جلوگیری نمی شود.

سیفی اظهار کرد: مسئولان برای مقابله باید با سرشاخه ها که واردکننده هستند برخورد کنند نه با فرو شده ها!

رضا شهبازی از فعالان و قدیمی های بازار نیاوند، گفت: دولت ها در گذشته به علت محرومیت مناطق مرزی امتیازهایی نظیر واردات کالا به افراد مرزنشین دادند که متأسفانه این امر امروز موجب اختلال در نظام اقتصادی و تولید کشور شده است.

وی ادامه داد: امروز بسیاری از بازارچه های مرزی در بنه و مریوان نیاز استان های کشور را از لحاظ تمامی لوازم خانگی، بهداشتی و هر آنچه فکر کنید تأمین می کند.





و از طریق تماس با شماره‌های تبلیغی در ماهواره‌ها توسط پست توزیع می‌شود، گفت: این موضوع تنها باه دستور مقام قضایی قابل پیگیری است چراکه اداره پست به‌عنوان امانت‌دار از تمامی مرسوله‌ها حفاظت می‌کند.

وی افزود: اگر در این خصوص افراد مواردی مشاهده کنند و یا اینکه مسئولان پست به این موضوع در مرسوله‌ها مشکوک شوند باید مقامات امنیتی و انتظامی را برای ورود به مسئله در جریان بگذارند چراکه تعزیرات با توجه به رسالت اداره پست و چهارچوب وظایف نمی‌تواند ورود پیدا کنند.

● ۲۳ پرونده قاچاق کالا تشکیل شد

رئیس اداره تعزیرات حکومتی نهاوند بایان اینکه از ابتدای سال جاری تا ۱۵ شهریورماه ۲۳ پرونده قاچاق کالا در نهاوند تشکیل شده است که از این تعداد تنها یک فقره پرونده در دست پیگیری است، گفت: ارزش ریالی محکومیت این تعداد پرونده یک میلیارد و ۴۵۲ میلیون و ۹۴۰ هزار ریال بوده است.

رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت نهاوند نیز در خصوص کالای قاچاق و عملکرد اداره صنعت، معدن و تجارت نهاوند، گفت: در بحث اجرای طرح برخورد و جمع‌آوری کالاهای قاچاق در فروشگاه‌های شهرستان نهاوند اطلاع‌رسانی‌های لازم انجام شده و هیچ عذری بعد از بازرسی‌ها و کشف کالای قاچاق از فروشندگان پذیرفته نیست.

مجتبی رضایی بایان اینکه چندین اداره در این حوزه باید باهم ورود پیدا کنند، گفت: این طرح طی هماهنگی‌های انجام‌شده روز دهم مهرماه با هماهنگی و حضور رئیس اداره تعزیرات، نماینده اداره صنعت، معدن و تجارت نهاوند، رئیس پلیس آگاهی و کالای قاچاق نهاوند در سطح شهر به‌صورت سرزده اجرایی می‌شود.

رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت نهاوند با اشاره به سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی و مبارزه با کالای قاچاق، گفت: این طرح در صورت استمرار در کشور می‌تواند مفید واقع شود.

وی ادامه داد: با اجرای این طرح و حمایت از تولیدکنندگان می‌توان رونق اقتصادی را به کشور و تولید داخلی بازگردانیم و همچنین به فرمان و دغدغه رهبر معظم انقلاب در این خصوص جامعه عمل بپوشانیم.

باین تفاسیر آنچه در این راستا مهم است اینکه در استمرار این طرح به‌صورت جدی از سوی نهادهای ذی‌ربط بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای باید مورد توجه باشد چراکه اقتصاد کشور از مدت‌ها پیش مغلوب کالاهای قاچاق خارجی شده است.

● ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها

رئیس اداره تعزیرات حکومتی نهاوند نیز در خصوص این طرح، گفت: با توجه به دستورات رسیده از دو هفته قبل بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها به ادارات ذی‌ربط و فرمانداری شهرستان ارسال شده است.

بهزاد کاکاوندی با اشاره به اینکه بخشنامه به اتحادیه‌ها، اتاق اصناف و اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان ارسال شده است، گفت: مقرر شده اداره صنعت و معدن و اتحادیه‌ها به صنوف و فروشندگان مربوطه اطلاع‌رسانی کنند.

رئیس اداره تعزیرات حکومتی نهاوند با اشاره به اینکه این طرح یکشنبه در نهاوند اجرایی می‌شود، گفت: علی‌رغم ارسال بخشنامه‌ها هنوز کالای قاچاقی در نهاوند شناسایی، کشف و ضبط نشده است.

وی بایان اینکه وضعیت کالاهای قاچاق در فروشگاه‌های عرضه‌کننده نهاوند مشخص نشده گفت: در این طرح آمده که فروشگاه‌های عرضه‌کننده لوازم‌خانگی در مرحله اول و آرایشی بهداشتی در مراحل بعد از ابتدای مهر باید نسبت به تعیین تکلیف کالای قاچاق موجود در فروشگاه خود اقدام کنند که اگر غیر از این باشد ضمن ضبط کالاها در حق دولت مشمول جریمه نیز می‌شوند.

کاکاوندی در خصوص برخی اخبار مبنی بر توزیع برخی لوازم‌خانگی و آرایشی بهداشتی قاچاق که گاهی معایر با شئون نظام جمهوری اسلامی هستند

کنند هم کالای مرغوب به مشتری تحویل داده و هم محبوبیت و اعتبار خود را افزایش می‌دهند.

● افزایش کشفیات کالای قاچاق

فرمانده انتظامی نهاوند نیز در خصوص طرح کشوری برخورد با کالاهای قاچاق موجود در بازار با اشاره به اقدامات فرماندهی انتظامی شهرستان در راستای مبارزه با کالای قاچاق، گفت: یکی از مهم‌ترین اهداف پلیس در سطح کشور و به‌تبع آن در نهاوند مقابله با قاچاق کالا و ارز بوده که در این مورد جلسات متعددی تشکیل و طرح‌های عملیاتی و انتظامی منسجمی با تکیه بر اقدامات اطلاعاتی در دستور کار قرار گرفت.

از ابتدای سال جاری تا پایان تیرماه در حوزه کشفیات کالای قاچاق در شهرستان نهاوند شاهد افزایش ۵۰ درصدی هستیم محسن اقبالیان بایان اینکه از ابتدای سال جاری تا پایان تیرماه در حوزه کشفیات کالای قاچاق در شهرستان شاهد افزایش ۵۰ درصدی هستیم، گفت: امیدواریم با توجه به تأثیر منفی کالای قاچاق بر اقتصاد کشور و همچنین تأکیدات فرماندهی معظم کل قوا در خصوص مبارزه و انهدام باندهای کالای قاچاق در آینده

بیش‌ازپیش در این زمینه موفق باشیم. فرمانده انتظامی نهاوند در خصوص برخورد با کالاهای وارداتی بدون اصالت گفت: ابلاغ‌های مربوط به این طرح از مراجع ذی‌ربط رسیده و با هماهنگی صورت گرفته این طرح در روزهای آینده اجرایی می‌شود.



غفلت از ظرفیت دامداری در ایلام / زنجیره تولیدات دامی تکمیل نیست



که سلامت دام در این استان بسیار ضروری است. رئیس جهاد کشاورزی ایلام بیان داشت: یکی از مهم‌ترین مشکلات در حوزه دام و طیور تکمیل زنجیره تولید در استان است که باید واحدهای کشتارگاهی در مناطق مختلف بیشتر شود.

● **سه‌م اندک استان ایلام از صادرات مرز مهران**
شعبان فروتن رئیس اتاق بازرگانی استان ایلام هم اظهار داشت: درحالی‌که مرز مهران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های اقتصادی استان به‌شمار می‌رود، استان سه‌م بسیار اندکی از صادرات در این مرز دارد. وی عنوان کرد: باوجوداینکه استان ایلام دارای ظرفیت‌های زیادی در بخش کشاورزی، دامداری، تولیدات محصولات دامی است ولی متأسفانه سه‌م اندکی در بخش صادرات از مرز مهران دارد.

● **لزوم توجه به بسته‌بندی و نیازهای کشور عراق در بحث صادرات**
علیرضا رضانی از کارشناسان مسائل اقتصادی استان ایلام نیز در این ارتباط گفت: در بحث صادرات باید واحدهای تولیدی استان به بسته‌بندی، بازاریابی و نیازهای کشور عراق توجه داشته باشند. وی بیان داشت: متأسفانه در ایجاد صنایع تبدیلی در بخش دامداری استان به بحث صادرات و نوع بسته‌بندی محصولات توجه نشده است، در حالی‌که همین گوشت قرمز تولیدشده در ایلام در استان‌های دیگر با بسته‌بندی مناسب صادر می‌شود.

رضانی عنوان کرد: بحث صادرات نیازمند برنامه‌ریزی مناسب و برند سازی است که این مهم در واحدهای تولیدی استان کمتر توجه شده و البته نیازمند سرمایه‌گذاری است. به نظر می‌رسد با توجه به ظرفیت‌های تولید محصولات دامی در استان ایلام و راه‌اندازی واحدهای تبدیلی راه صادرات فرآورده‌های دامی استان که از کیفیت بالایی هم برخوردار هستند، هموارتر شود



وی تصریح کرد: دامپزشکی استان ایلام از آمادگی کامل برای همکاری با دیگر دستگاه‌های اجرایی برای رونق صادرات فرآورده‌های دامی در استان برخوردار است. مدیرکل دامپزشکی استان ایلام بیان داشت: علاوه بر بحث صادرات محصولات، با استفاده از صنایع تبدیلی از ظرفیت استان در بخش دامداری و دام‌پروری استفاده بیشتری کرد.

● **۲۴ هزار تن گوشت قرمز و ۵۰ هزار تن گوشت سفید در ایلام تولید می‌شود**

محمدتراب میری رئیس سازمان جهاد کشاورزی ایلام نیز اظهار داشت: استان ایلام در بحث تولید محصولات دامی یکی از استان‌های مستعد کشور است و این مهم به دلیل شرایط آب و هوایی و وجود مراتع است. استان ایلام با داشتن بیش از دو درصد جمعیت دامی کشور و تولید حدود ۷۰ هزار تن گوشت قرمز و سفید یکی از استان‌های پیشرو در زمینه تولیدات دامی استوی بیان داشت: هم‌اکنون استان ایلام در زمینه تولید فرآورده‌های دامی از جمله گوشت مرغ و قرمز یکی از استان‌های مهم کشور محسوب می‌شود به‌طوری‌که سالانه ۵۰ هزار تن گوشت مرغ و ۲۵ هزار تن گوشت قرمز طی سال در این استان تولید می‌شود. وی ادامه داد: استان ایلام با داشتن بیش از دو درصد جمعیت دامی کشور و تولید حدود ۷۰ هزار تن گوشت قرمز و سفید یکی از استان‌های پیشرو در زمینه تولیدات دامی است

ارزش سالانه تولیدات فرآورده‌های دامی در استان ایلام بیش از ۸۰۰ میلیارد تومان است اما این ظرفیت بزرگ متأسفانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته و حتی سهمی هم در صادرات از مرز مهران ندارد.



رمضان نوری

استان ایلام در غربی‌ترین نقطه ایران یکی از مناطق کوهستانی کشورمان به‌شمار می‌رود که وجود کوه‌های متعدد با ۶۴۰ هزار جنگل باعث شده این استان در زمینه کشاورزی و دامداری ظرفیت‌های بسیار بزرگی داشته باشد. کشاورزی و دامداری از گذشته تاکنون در بین خانوارهای ایلام رواج داشته و نزدیک به ۶۰ درصد مردم استان از طریق این دو بخش امرارمعاش می‌کنند، آب و هوایی بیلابلی و قشلاقی در استان باعث شده دامداری در استان رواج بیشتری داشته باشد.

هم‌اکنون استان ایلام دارای سه میلیون رأس واحد دامی است که بیش از دو ونیم برابر ظرفیت مصرف مردم استان گوشت قرمز و سفید تولید می‌کند، این ظرفیت بزرگ باعث شده بخش مهمی از اشتغال استان در این زمینه شکل بگیرد.

درحالی‌که استان ۵۵۰ هزار نفری با مشکل بیکاری مواجه است متأسفانه از ظرفیت این بخش برای ایجاد اشتغال و رونق تولید در استان کمتر استفاده می‌شود.

● **ارزش تولیدات دامی استان ایلام سالانه ۸۰۰ میلیارد تومان**

وهاب پیرانی مدیرکل دامپزشکی استان ایلام اظهار داشت: استان ایلام یکی از مهم‌ترین مناطق کشور به لحاظ دامداری و پرورش آب‌زیان است به‌طوری‌که ۲۵ هزار خانوار استان در این بخش امرارمعاش می‌کنند. وی افزود: وجود ظرفیت‌های دامداری در استان ایلام باعث شده کیفیت محصولات تولیدشده اعم از گوشت قرمز و دیگر فرآورده‌های خام دامی در استان بسیار بالا باشد.

وی عنوان کرد: طبق بررسی‌های انجام‌شده ارزش سرمایه دامی در استان یک هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان است و سالانه حدود ۱۷۰ هزار تن انواع محصولات دامی به ارزش بیش از ۸۰۰ میلیارد تومان در استان تولید می‌شود.

مرز مهران بهترین فرصت برای صادرات محصولات دامی استان است ولی هم‌اکنون از این ظرفیت زیاد استفاده نمی‌شود و دیگر استان‌های کشور به‌خوبی از مرز مهران فرآورده‌های خام دامی به عراق صادر می‌کنند مدیرکل

دامپزشکی استان ایلام بیان داشت: مرز مهران بهترین فرصت برای صادرات محصولات دامی استان است ولی هم‌اکنون از این ظرفیت زیاد استفاده نمی‌شود و دیگر استان‌های کشور به‌خوبی از مرز مهران فرآورده‌های خام دامی به عراق صادر می‌کنند.

پیرانی با اشاره به سه‌م اندک استان ایلام در صادرات فرآورده‌های دامی از مرز مهران به عراق، گفت: در سال گذشته ۴۸ هزار تن انواع فرآورده‌های خام دامی از مرز مهران به کشور عراق صادر شده که سه‌م بسیار ناچیزی متعلق به استان ایلام بوده است.